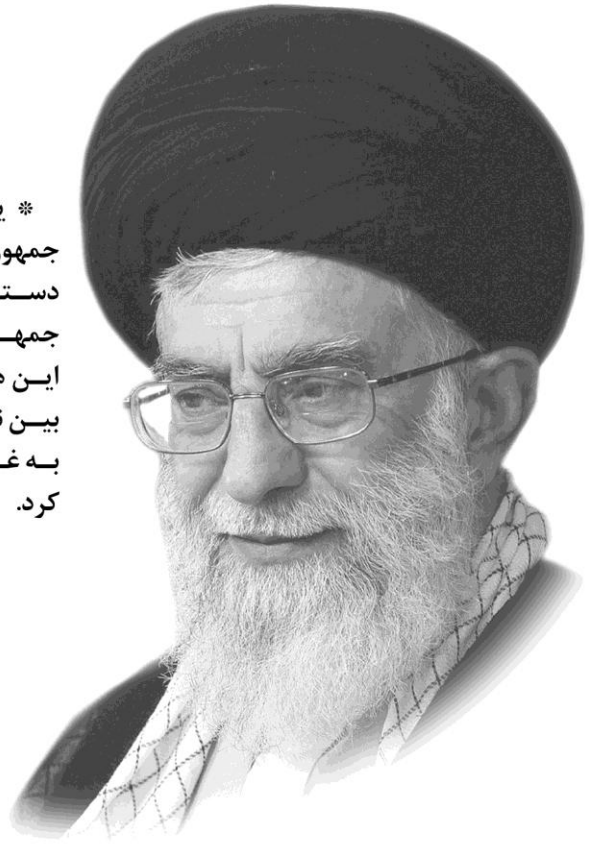


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ
وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا»

رهنمود ولایت

* یک جبهه پر قدرت غربی در مقابل جمهوری اسلامی ۳۵ سال است که هر کاری از دستش برآمده کرده است، اما در مقابل، جمهوری اسلامی در برابر این همه حمله و این همه مخالفت خشن و بی ملاحظه، هم از بین نرفت و هم دچار محافظه کاری نشد و هم به غرب باج نداد و روز به روز هم پیشرفت کرد.



- دبیر مقالات: محمدعلی قربانی
- امور اجرایی: مجید خلیلی
- امور مشترکین: سید مجتبی محمودی
- تیراژ: ۶۰۰۰ نسخه



- صاحب امتیاز: معاونت تبلیغ و آموزشهای کاربردی حوزه‌های علمیه
- مدیر مسئول: محمد حسن نبوی

- هیئت تحریریه: محمد حسن نبوی، اکبر اسدعلیزاده، عبدالکریم پاک‌نیا، سید جواد حسینی، محمدغلامرضائی، محمد مهدی ماندگاری، علی مختاری، حسین ملاکوری، محمود مهدی پور، ابوالفضل هادی منش

نشانی: قم، ۴۵ متری صدوق، ۲۰ متری فجر، خیابان دانش، مرکز آموزشهای تخصصی تبلیغ، دفتر مجله مبلغان.
صندوق پستی: ۳۷۱۸۵ / ۸۶۸ تلفن: ۳۲۹۳۳۱۹۰ شماره: ۳۲۹۱۴۴۶۶

مبلغان



- ۱ رهنمود ولایت
سر مقاله
- ۳ * ماه رمضان و رسالت عالمان محمود مهدی پور
- قرآن و حدیث
۷ * امام علی علیه السلام در آینه قرآن (۱) حسین تربتی
- تاریخ و سیره
۱۳ * حضرت خدیجه علیها السلام، الگوی عفت و پاکدامنی عبدالکریم پاکنیا تبریزی
۲۰ * اشک ماتم در سوگ امام مظلوم علی مختاری
۲۵ * روزه در سیره ابرار سید جواد حسینی
۲۹ * ماه رمضان، ماه نزول قرآن و دیگر کتب آسمانی محمد اسماعیل نوری
۳۹ * تشیع در آینه تاریخ (۲) سید محمد امام (جزایری)
- اعتقادات
۴۹ * سیمای مؤمنان در عالم آخرت (۲) اکبر اسدعلیزاده
- سیاست و اجتماع
۵۷ * قدس شریف، محور وحدت و رمز اقتدار غلامرضا گلی زواره
- سوژه‌های سخن
۷۱ * ازدیاد نسل از نگاه اسلام محمد اسماعیل عبداللہی
۷۷ * رضایت از زندگی؛ هنر اولیای الهی علی ملکوتی‌نیا
- اسوہا
۸۴ * علامه سید مرتضی عسکری علیه السلام، مبلغ موفق عبدالله رضوانشهری
- فرق و ادیان
۹۵ * نقد دیدگاه وهابیت درباره محلّ غیبت امام مهدی علیه السلام رضا گرگی
- رهنمودها و خبرها
۱۰۲ * اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری علیه السلام سیدحسین میر معزی
۱۱۶ * خبرها و هشدارها محسن قرآتی
۱۱۹ * سخنی با مبلغان گرامی
- شده و پرسش
۱۲۵ * پاسخ به شبهات قرآنی (۱) ابومصطفی تبریزی
- گزارش و مصاحبه
۱۳۱ * مصاحبه با مبلغ نمونه، حجت الاسلام اکبر بیگی سید عباس سیدنژاد
- کلشن احکام
۱۳۶ * آداب و احکام شبهای قدر سید جعفر ربانی
- کوناگون
۱۴۱ * پرسشنامه

یادآوری:

- مطالب «مبلغان» ویژه تبلیغ و مبلغان است.
- مسئولیت مقالات و نوشته‌ها بر عهده نویسندگان آن است.
- حجم مقالات از ۱۲ صفحه دست‌نویس فراتر نرود.
- مقالات همه نویسندگان به شرط برخورداری از موازین علمی - پژوهشی، منتشر می‌شود.
- نقل مطالب با ذکر مأخذ، مجاز است.

ماه رمضان و رسالت عالمان



محمود مهدی پور

امت اسلامی به سوی مساجد و محافل دینی افزون تر می‌گردد. بر اساس سنتی مقدس و الهی، مبلغان دین به شهرها و روستاهای دور و نزدیک اعزام می‌شوند و ارتباط نزدیکتر بین عالمان دین و امت اسلامی برقرار می‌گردد.

روحانیت مسئولیت بزرگ «انتقال پیام خدا» به بندگان او را بر دوش دارد. مسئولیت سنگین و مهم اصلاح افکار و اندیشه‌ها، اصلاح اخلاق و رفتار عمومی، اصلاح آداب و عادات اجتماعی و ایجاد نظام اسلامی در عصر غیبت بر عهده عالمان اسلام است و روحانیون برای این هدف از هر فرصت باید استفاده کنند.

انسانها همه خواهان شناخت «راه مستقیم» سعادت و سلامت اند، ولی

روحانیت در ماه رمضان این است که وظیفه الهی خویش را بشناسد و به آن عمل نماید و می‌توان گفت فکر و اندیشه تمامی انسانهای عاقل همین دو چیز است؛ یعنی «شناخت وظیفه» و «عمل به وظیفه».

این مسئله اختصاص به ماه مبارک رمضان و عالمان دینی ندارد؛ بلکه در تمام زندگی و در برابر حوادث گوناگون و در تمام مشاغل و سطوح اجتماعی، انسان خردمند کسی است که در پی شناخت وظیفه و انجام آن باشد. امکانات بیش تر، وظیفه ای سنگین تر بر عهده انسان می‌گذارد و خطرهای بزرگتر، جنب و جوش بیشتر پدید می‌آورد. ماه رمضان فرصتی الهی است که روح و روان انسانها برای پذیرش حق

کارساز و کارگشاست. همه خطاها یا ناشی از خطا و اشتباه در افکار و اندیشه هاست یا از ضعف اراده و انگیزه و مهارت‌های عملی پدید می‌آید، یا ساختارها و مقررات و غل و زنجیرهای اجتماعی، کجروی‌ها را بر افراد تحمیل می‌کند. دانش قرآن ضامن اصلاح افکار و اندیشه های اسلامی است.

روزه و رمضان ضامن تقویت اراده ها و انگیزه‌ها در حرکت معنوی جامعه بشری است. پیوستن به ساختار اجتماعی «ولایت فقیه» ضامن درهم شکستن ساختارهای طاغوتی و برداشتن اغلال و زنجیرهای سیاسی، اجتماعی و قوانین کفر و شرک جهانی است و همچون سدی در برابر قوانین ظالمانه و ساختارهای ظالمانه ایفای نقش می‌کند.

سه وظیفه بزرگ روحانیت در ماه رمضان و در سراسر زندگی عبارت است از:

۱. جامعه را با فرهنگ و اندیشه های قرآنی آشنا سازد؛
۲. تقوا و تزکیه اخلاقی و روح پارسائی و خدامداری را در افراد حاکم سازد؛
۳. نظام ولایت الهی، نبوی- و مهدوی (عج) را در برابر سیستمهای سیاسی شیطانی و طاغوتی تقویت کند.

در شناخت اهداف عالی زندگی و روش دستیابی به آن دچار خطاها و اشتباه می‌شوند.

ماه رمضان فرصتی برای تقویت دانش قرآنی امت اسلامی، فرصتی برای تهذیب اخلاقی و تقویت تقوایی عمومی و سرانجام گامی به سوی پیوند امت و امامت است

وظیفه انبیای الهی و پیشوایان اهل بیت نبوی- این بود که در شناخت وظیفه و عمل به آن به بشریت کمک کنند. این وظیفه سنگین امروز بر عهده عالمان دین و مبلغان معارف اسلامی است.

روحانیت به میزان قرآن‌شناسی و قرآن‌مداری در هدایت جامعه بشری موفق خواهد بود. فرصت آسمانی ماه رمضان، فرصتی استثنائی برای «خودسازی» و «جامعه سازی» است. مبلغان اسلام که دغدغه وظیفه‌شناسی دارند، به خوبی می‌دانند که «علم» و «عمل» شرط موفقیت در کل زندگی است. آگاهیهای نظری و توانمندیهای عملی در سراسر زندگی

ماه رمضان فرصتی برای تقویت دانش قرآنی امت اسلامی، فرصتی برای تهذیب اخلاقی و تقویت تقوایی عمومی و سرانجام گامی به سوی پیوند امت و امامت است.

مبلغان دین باید از این فرصت الهی بهترین استفاده معنوی را ببرند. فلسفه وجودی روحانیت و عالمان دین همین است:

۱. شناخت و انتقال معارف قرآنی؛
۲. تزکیه و تهذیب و پرورش اخلاقی امت اسلامی؛
۳. ایجاد پیوند بین امت و رهبری صالح الهی. حوزه و حوزویان اگر به این سه وظیفه بزرگ عمل نکنند و یا در جهت خلاف آن گام بردارند، فلسفه وجودی خویش را از دست می دهند؛ بنابراین چه در ماه رمضان و چه در ماه محرم، چه در دوران تحصیل، چه بر کرسی تدریس، چه در مقام افتا و اجتهاد و چه در میادین تبلیغ و مشاوره و خدمات فرهنگی و دیگر فعالیت‌های گوناگون روحانیت، کسی روحانی و عالم دین و مرزبان خط انبیاء و اولیای الهی است که زندگی و تلاش و حیات و مماتش در جهت ایفای این سه نقش و اجرای این فرایض اسلامی باشد.

منبر و سخنرانی و کلاس و درسی که در آن انتقال معارف قرآنی نباشد، فاقد ارزش الهی

هر منبر و خطابه و مجلس و درسی که به یکی از این سه هدف بزرگ الهی کمک کند، در مسیر اهداف و آرمانهای پیامبران الهی قرار دارد.

«ایمان»، «تقوا» و «ولایت» عصاره فرهنگ پیام آوران الهی است؛ «ایمان» شامل تمام ابعاد فکری و اعتقادی مورد نیاز جامعه بشری از توحید تا معاد است. «تقوا» ضامن حرکت در مدار دین و پایبندی به تمام بایدها و نبایدهای برخاسته از اندیشه اسلامی است و انج ام واجبات الهی و دوری از حرامهای شریعت، نشان تقوا و پارسائی محسوب می شود. «ولایت» و پذیرش نظام ولایت الهی، ولایت نبوی - و ولایت مهدوی (عج)، تنها راه رهایی از حکومت‌های طاغوتی و مقررات ظالمانه بین‌المللی است. استبداد و استعمار تنها در سایه «ولایت فقیه» مهار می شود.

روحانیت، رسالت تعلیم، تزکیه و ایجاد پیوند بین مردم و حکومت اسلامی را بر عهده دارد. روحانیت علاوه بر خودسازی علمی و عملی، وظیفه بزرگ معرفی غدیر و نظام امامت را در برابر سلطنت و سلطه طاغوتها عهده دار است و اگر بدین وظیفه عمل نکند، رسالت الهی را انجام نداده است.

و سخنان معصومین) بهره گیرد. آبهای آلوده و استخرهای کثیف شرقی و غربی، زمینه طهارت جسم و جان را فراهم نمی‌سازد.

روحانیت و نظارت بر دولتها

روحانیت رسالت اصلاح فرد و جامعه را بر عهده دارد؛ ما اگر فقط مردم را امر به معروف و نهی از منکر کنیم و امر به معروف و نهی از منکر قدرتمندان و

سرمایه داران را فراموش کنیم، هیچگاه در تبلیغ اسلام موفق نخواهیم شد. تا وقتی در برابر منکرات دولتها و ستمهای جهانی سکوت کنیم و مردم را به ولایت و اطاعت خدا و رسول - و اولوالأمر (فراخوانیم و بین مردم و نظام اسلامی روابط عاطفی پدید نیاوریم، در اصلاح جامعه اسلامی موفق نخواهیم شد.

مبلغان و رسالت بیداری

مهم ترین وظیفه روحانیت، معرفی قوانین الهی و مبارزه با اجرای قوانین ظالمانه است. مبلغان دین به هیچ وجه حق سکوت در برابر بدعت و انحراف ندارند؛ سکوت در برابر قوانین ضد اسلامی داخلی و خارجی؛ سکوت در برابر ساختارهای غیر اسلامی؛ سکوت در برابر فقر عمومی؛

سکوت در برابر تبعیض و اختلافات طبقاتی؛

و معنوی است. جلسه و نشست و همایشی که در آن تقوا و پرورش اخلاق الهی نباشد، ارزش شنیدن و حضور و تبلیغ ندارد. رسانه و کتاب و جزوه و فیلم و اجلاس و همایشی که در آن پیوند امت با امام عصر و نائبان آن مورد توجه نباشد، رسانه دینی و کتاب اسلامی و فیلم ارزشی محسوب نمی‌شود.

ماه رمضان، ماه

بازگشت به قرآن است، تلاوت قرآن، انس با قرآن، تدبیر در قرآن، تفسیر قرآن و تنظیم فکر و اخلاق و رفتار و آرمانها و مواضع با کتاب الهی، کاری است که همیشه و از سوی همه باید انجام شود.

روحانیت نخست باید خود را با قرآن تنظیم کند، تا بتواند قرآن را بر فکر و فرهنگ عمومی حاکم سازد. روحانیت روزی می‌تواند امت را با امام عصر (عج) پیوند دهد که خود در زندگی با آن حضرت پیوند علمی و عاطفی و اطاعت عملی داشته باشد.

ماه رمضان ماه تقویت تقوای عمومی است، ماه شستشوی روح در زیر آبشار دعا و مناجات و استغفار است. استخر بزرگ علم و اخلاق، آبی جز آب قرآن و حدیث اهل بیت (ندارد؛ هرکس

می‌خواهد علم دین و اخلاق اسلامی بیاموزد، باید از زلال زندگی‌بخش وحی الهی

روحانیت در برابر این تفکرات نمی تواند سکوت کند و باید وظیفه خویش را بشناسد و به آن عمل نماید. روحانیت چه در ماه رمضان و چه در دیگر فرصتها، باید توان امر به معروف و نهی از منکر دولتها را داشته باشد و مردم را به قوانین الهی فراخواند و قوانین غیر اسلامی را افشا نماید.

فلسفه وجودی روحانیت و مبلغان دین، امر به معروف و نهی از منکر است؛ اگر این وظیفه بز رگ را رها کنند، تبدیل به کارمند رسمی و جیره خوار سرمایه داران جهان خواهند شد و خداوند آن روز را نیاورد.

سکوت در برابر مفساد اخلاقی و بدحجابی؛ سکوت در برابر غارت و اختلاس اموال عمومی؛ سکوت در برابر رانتخواری؛ سکوت در برابر قضاوتهای ظالمانه؛ سکوت در برابر کارهایی مثل شرکتهای هرمی و مسابقات میلیونی و...؛ سکوت در برابر فیلمهای آنچنانی؛ سکوت در برابر انحصار و سلب حق آزادی تولید و توزیع از اصناف و گروههای تولیدی و توزیعی؛ سکوت در برابر انحراف بیمه ها و بانکها از فرهنگ و اقتصاد اسلامی؛



محکمترین و قوی ترین سندی است برای مسلمانان که اگر حکم صریح و فضایل روشنی درباره

آسمانی است؛ چرا که برخلاف سایر کتب آسمانی (همچون تورات و انجیل و...)، هیچ تحریفی در

و صد البته که هدف اصلی، از بین بردن ادلّه امامت و فضایل اهل بیت) و شخص امام علی% بود. یکی از محققان در این زمینه می گوید: «قرائن شهادت می دهد که صدور این بخشنامه (منع حدیث) انگیزه سیاسی داشته و منظور این بوده است که در پرتو آن امتیاز [ات] بزرگی را که آن روزها نصیب امیرمؤمنان علی % شده بود، از بین ببرند؛ زیرا امیرمؤمنان % هنگامی که پیامبر - در قید حیات بود، کتابهایی [در تفسیر قرآن، و ...] تألیف نمود که در آنها احادیث پیامبر- را گرد آورد.» در نتیجه

دشمنان حضرت % از سرِ عداوت و کینه توزی از بیان روایاتی که به فضایل امام علی % در قرآن اشاره دارد، خودداری کردند، و دوستان بخاطر ترس، تقیّه، عدم امکانات و امنیت، از این کار خودداری می کردند. از محمد بن ادریس شافعی نقل شده که گفته است: من تعجب می کنم از حال علی% که دشمنان آن

جماعت را خوار و ذلیل می کند. «تاریخ المدینه المنوره، ابن شبة، دار الفکر، قم، بنها، ج ۲، ص ۶۹. ۲. سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی، مؤسسه امام صادق، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۴، ص ۳۲۹.

فردی و یا افرادی در آن نازل شده باشد و سنت قطعی برخلاف آن نباشد، یقیناً معتبر است و بدون هیچ شک و شبهه ای باید پذیرفته شود.

آنچه پیش رو دارید، اهمّ نظریاتی است که در کتب فریقین درباره آيات مربوط به امیر مؤمنان علی% آمده است.

البته طرح این نظریات بعد از دورانی است که در زمان خلفا (ابوبکر و عمر و عثمان) تا زمان «عمر بن عبد العزیز» نقل حدیث، خصوصاً درباره اهل بیت) و شخص امام علی% ممنوع بود.

۱. «یحیی بن جعد» می گوید: «عمر ازاده کرد که سنت را بنویسد و آن را نوشت، سپس رأی او عوض شد و آنگاه به شهرها نوشت: در نزد هر کسی که چیزی از سنت هست، آن را محو کند.» کنز العمال، متقی هندی، مؤسسه الرساله، بیر وت، چاپ پنجم، ج ۱۵، ص ۲۹۱.

حتی او کسانی را که حدیث نقل می کردند، توبیخ و تنبیه می کرد: «روزی عمر از مسجد بیرون آمد و با گروهی برخورد کرد که گرد مردی اجتماع کرده بودند. سؤال کرد: او کیست؟ گفتند: «آبی بن کعب» است که در مسجد برای مردم حدیث نقل میکند و مردم بیرون آمده اند تا از او سؤال کنند. [عمر] تازیانه خود را بر سر آبی بن کعب زد. آبی گفت: چه می کنی؟ عمر گفت: عمداً می کنم (و می زرم). تو نمی دانی که این عمل، تو را مفتون و این



النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ
ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ] را که
در «لیلة المبيت»
دربارة حضرت عليؑ وارد
شده بود، بگوید دربارة
«عبد الرحمن بن ملجم»
نازل شده است و او نیز
این کار را انجام داد.^۳

تقسیم آیات وارده

آیات وارده درباره
امام عليؑ % بر دو
قسم اند:

۱. آیات مربوط به
امامت و ولایت آن حضرت؛
 ۲. آیات مربوط به
فضائل آن حضرت.
- هر يك از این دو قسم
نیز به نوبه خود به دو
قسم تقسیم می‌شود.

آیات امامت و ولایت

(الف) آیاتی که مربوط
به ولایت و امامت تمامی
امامان است، مثل آیه
[أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا
الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ
مِنْكُمْ]؛^۴ و آیه عَهْدِ
امامت: [لَا يَنْالُ عَهْدِي
الظَّالِمِينَ]؛^۵ (ب) آیاتی که مخصوص
امامت و ولایت

امیرمؤمنان عليؑ %
می‌باشد، مثل آیه اکمال
[الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ
دِينَكُمْ]؛^۶ یا آیه تبليغ

حضرت (از امويها و
نواصب و خوارج) از بغض
و کينه فضائل آن حضرت
را نقل نمی کنند و
دوستان علي هم از ترس و
تقيه خودداری از ذکر
مناقب می‌نمایند، مع ذلك
تمام کتابها پر است از
فضائل و مناقب آن حضرت
که نقل تم ام مجالس
است.^۱

و نیز این اعترافات
بعد از زمانی است که
عده ای چون معاویه تلاش
کردند که اولاً سخنانی
علیه امام عليؑ % جعل
نمایند، و ثانیاً فضایلی
را که مربوط به آن حضرت
بوده، به دیگران نسبت
دهند.

«ابو جعفر اسکافي»
می‌گوید: «معاویه عده ای
از اصحاب و تابعان را
وادار کرد که حدیثهایی
در طعن و تبری از عليؑ %
جعل کنند و برای این
کار اجرت زیادی تعیین
کرد و افرادی مانند ابو
هریره، عمرو بن عاص،
عروة بن زبیر و... را
اجیر کرده بود.»^۲

و همین طور معاویه
چهارصد هزار درهم به
«سمره بن جندب» داد تا
حدیثی جعل کند که آیه
۲۰۷ سوره بقره [وَمِنْ

۳. تفسیر نمونه، مکارم
شیرازی و همکاران، دار
الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۰
ش، چاپ بیست و سوم، ج ۲،
ص ۴۸۰.
۴. نساء / ۵۹.
۵. بقره / ۱۲۴.
۶. مائده / ۳.

۱. شبهای پیشاور، سلطان
الواعظین شیرازی، انتشارات
دلیل ما، قم، ۱۳۵۸ ش، ص ۳۸۵.
۲. شرح نهج البلاغه، ابن ابی
الحدید معتزلی، دار احیاء
الکتب العربیة، قاهره، ۱۳۷۸
ق، ج ۴، ص ۱۴۳.



بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ؛ وَآيَةَ وِلَايَتِ [إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا].
آیات فضائل

آیات فضایل نیز به دو دسته تقسیم می‌شوند: یک دسته آیاتی است که مربوط به فضایل تمام اهل بیت) است، مثل آیه مؤذت در سوره شوری آیه ۲۳، و آیه مباهله در سوره آل عمران، آیه ۶۱ و دسته دوم آیاتی که مربوط به فضائل شخص امام علی% است.

آنچه ما در این اثر تقدیم می‌کنیم آمار کلی است از آیاتی که درباره امام علی % نازل شده است، اعم از آیاتی که مربوط به ولایت و امامت حضرت است و همچنین آیاتی که مربوط به فضایل آن بزرگوار می‌باشد.

روایات وارده در این باب روایاتی که در این زمینه در منابع فریقین آمده است، به چند گروه تقسیم می‌شود: گروهی از روایات تصریح دارد بر اینکه: آنقدر که درباره حضرت علی % آیه نازل شده، درباره هیچ کسی نازل نشده است. گروه دوم از روایات می‌گوید: ثلث قرآن درباره اهل بیت و حضرت علی % می‌باشد (طبعاً اگر

درباره اهل بیت هم باشد، شامل حضرت علی % نیز می‌شود).

گروه سوم روایاتی است که یک چهارم قرآن را درباره اهل بیت و حضرت علی % دانسته و دسته چهارم هر آیه‌ای را که با **إِنَّمَا** آغاز شده است مربوط به حضرت علی % برمی‌شمرد. و گروه پنجم روایاتی است که عدد خاص را اسم برده، مثل: سیصد یا هشتاد آیه و امثال آن.

الف) امیر المؤمنین % در مقام اوّل

«حاکم نیشابوری» در کتابش به نام «شواهد التنزیل» روایات فراوانی در این زمینه نقل می‌کند، از جمله

می‌گوید: **«حَكِيمُ الْأُودِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا شَرِيكٌ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ، عَنْ يَزِيدِ بْنِ زُوْمَانَ قَالَ: مَا أَنْزِلَتْ فِي أَحَدٍ مِمَّا أَنْزِلَ فِي عَلِيٍّ مِنْ الْفَضْلِ فِي الْقُرْآنِ؛** درباره هیچ

کسی به اندازه ای که آیات در فضل [و عظمت] حضرت علی % نازل شده است، آیه نازل نشده.»^۳

از «سعید بن جبیر» از «ابن عباس» نقل شده است که گفت: **«مَا نَزَلَ فِي أَحَدٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ مَا**

۳. شواهد التنزیل، حاکم حسکانی نیشابوری، مؤسسه چاپ و نشر، تهران، ۱۴۱۱ ق، ج ۱، ص ۵۴.

۱. مائده / ۶۷.

۲. مائده / ۵۵.



می‌دهد که هر چه آیه درباره فضایل وارد شده است، در رأس آنها حضرت علیؑ قرار دارد.

تعداد [يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا] در قرآن، طبق آمار «المعجم المفهرس» بیش از ۲۶۰ مورد می‌باشد.

در روایت «حذیفه» تعبیر زیبایی آمده است که می‌گوید: «مَا نَزَلَتْ فِي الْقُرْآنِ [يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا] إِلَّا كَانَ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ % لُبًّا وَ لُبَابَهَا؛ هیچ آیه [يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا] در قرآن نازل نشده است [که نشانه

فضیلت و عظمت است]، مگر اینکه مغز و خالص آن مربوط به علیؑ است.»

بعضی «رَأْسَهَا» دارد و بعضی «أَمِيرُهَا» و در بعضی روایات این تعبیرها جمع شده است «مجاهد» نقل کرده

است که: «مَا نَزَلَتْ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا عَلِيُّ رَأْسَهَا؛^۷ آیه در قرآن نازل نشده است [درباره فضیلت و عظمت]، مگر علیؑ % در رأس آنها قرار دارد.» «فرات کوفی» نقل

نَزَلَ فِي عَلِيٍّ %؛ به آن اندازه که درباره علیؑ % از کتاب خدا (قرآن) نازل شده، درباره هیچ کسی آیه نازل نشده است.»

از «یزید بن رومان» نقل شده است که گفت:

«مَا نَزَلَ فِي أَحَدٍ مِنَ الْقُرْآنِ مَا نَزَلَ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ؛ آنچه از (آیات) قرآن درباره علیؑ بن ابیطالب% نازل شده است، درباره هیچ کسی نازل نشده.»

(ب) امام علیؑ % برقله فضایل قرآنی

دسته دوم از روایات می‌رساند که هر چه آیه درباره فضیلت و عظمت گروه و یا فردی نازل شده است، حضرت علیؑ % در رأس تمام آنها است، منتها در بعضی تعبیر «شَرِيفُهَا» دارد، در روایت دیگری از ابن عباس سه تعبیر «سَيِّدُهَا»، «أَمِيرُهَا» و «شَرِيفُهَا» جمع شده است.^۳

جالب این است که حاکم نیشابوری از صفحه ۶۳ شماره ۶۹ تا صفحه ۷۱ شماره ۸۳ حدود ۱۴ روایت را با همین مضمون نقل کرده است که هر سه تعبیر در کنار هم جمع شده است.

روایات فوق نشان

۵. المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، محمد فؤاد عبد الباقی، دار الحدیث، قاهره، چاپ هشتم، ۱۴۰۸ ق، صص ۱۰۷ - ۱۰۹.

۶. شواهد التنزیل، حاکم

نیشابوری، ج ۱، ص ۶۳.

۷. همان، ص ۵.

۱. همان، ص ۵.

۲. همان، ص ۵.

۳. همان، ص ۶.

۴. همان، ص ۶ الی ص ۷.



ج ۲، ص ۴۰۹ نقل شده است.
ج) کرایم قرآن در شأن اهل بیت و علی%
در دسته‌ای از روایات آمده است که کرایم قرآن، درباره حضرت علی% نازل شده است. این مضمون هم در منابع شیعه و هم منابع اهل سنت آمده است.

در «بحار الانوار» از عکرمه، از ابن عباس نقل شده است که رسول خدا - فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَنْزَلَ فِي عَلِيٍّ% كَرَامَةَ الْقُرْآنِ»؛ به راستی خداوند عزیز و جلیل درباره علی% کریمه‌های قرآن (و آیات نیک آن) را نازل فرموده است. همین مضمون در جاهای دیگر بحار الانوار نیز آمده است.

امام سجاد% می‌فرمایند: «نُزِّلَ الْقُرْآنَ عَلَيْنَا وَلَنَا كَرَامَتُهُ»؛ قرآن ب ما [یعنی رسول خدا- و آلش] نازل شده و آیات کریمه آن به ما اختصاص دارد.»

کرده است که: «مَا نَزَّلَتْ فِي الْقُرْآنِ آيَةٌ [يَأْتِيهَا الَّذِينَ آمَنُوا] إِلَّا كَانَ عَلِيٌّ% أَمِيرُهَا؛ آنچه در قرآن آیه «ای کسانی که ایمان آورده‌اید!» نازل شده است، علی% امیر (و مصداق برتر) آن می‌باشد.»

در روایت دیگر «شَرِيفَهَا» آمده است.^۲ در بعضی دیگر، این دو تعبیر کنار هم آمده است. از جمله، از «ابن عباس» نقل شده است که گفت: «مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ آيَةً [يَأْتِيهَا الَّذِينَ آمَنُوا] إِلَّا عَلِيٌّ% أَمِيرُهَا وَ شَرِيفُهَا، وَلَقَدْ عَاتَبَ اللَّهُ أَصْحَابَ مُحَمَّدٍ - وَلَمْ يَذْكَرْ عَلِيًّا% إِلَّا بِخَيْرٍ؛ آیه «ای کسانی که ایمان آورده‌اید!» در قرآن نازل نشده است، مگر اینکه علی% برترین و شریف‌ترین (مصداق) آن است. به راستی خداوند (برخی) اصحاب محمد - را سرزنش کرده؛ ولی علی% را به جز خیر (و خوبی) یاد نکرده است.»

همین مضمون در مناقب خوارزمی و حلیة الاولیاء، ج ۱، ص ۶۴، فضایل الصحابة، ج ۲، ص ۶۵۴، تاریخ ابن عساکر،

۴. المناقب، موفق بن احمد بن محمد مکی خوارزمی، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، جامعه مدرّسین، چهارم، (۱۴۲۱ ق، ص ۲۶۷، ج ۲۴۹ و ص ۲۸، ج ۲۷۲).
۵. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق، ج ۳۵، ص ۳۵۹، ج ۱۱.
۶. همان، ج ۳۸، ص ۲۶.
۷. شواهد التنزیل، حاکم نیشابوری، ج ۱، ص ۵۵.

۱. تفسیر فرات، فرات بن ابراهیم کوفی، مؤسسه چاپ و نشر، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق، ص ۴۷.
۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۶۶.
۳. همان، ص ۶۷.

شافعی، ابن عساکر، شیخ سلیمان قندوزی و... از ابن عباس روایت کرده‌اند که گفت: «نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ ثَلَاثَ مِائَةِ آيَةٍ؛^۳ در شأن علی سیصد آیه نازل شده است.» جالب است که در تعبیر «قندوزی» دارد: «أَكْثَرُ مِنْ ثَلَاثِ مِائَةِ آيَةٍ؛ بیش از سیصد آیه در شأن علی نازل شده است.»

مرحوم سلطان الواعظین شی رازی، از حافظ ابونعیم اصفهانی که کتاب مستقلی دارد به نام «مَا نَزَلَ مِنَ الْقُرْآنِ فِي عَلِيٍّ» و حافظ ابوبکر شیرازی، صاحب کتاب «نزول القرآن فی علیؑ» و طبرانی و محمد بن یوسف گنجی شافعی،

(د) يَك سَوْم و يَا يَك چهارم قرآن درباره حضرت عليؑ جمعی از روایات بر این مطلب دلالت دارند که ثلث قرآن درباره اهلیت و حضرت عليؑ می‌باشد. «اصبغ بن نباته» از امام عليؑ نقل کرده است که این حضرت فرمود: «نَزَلَ الْقُرْآنُ أَثَلَاثًا، ثَلَاثَ فِينَا وَ ثَلَاثَ فِي عَدُوِّنَا وَ ثَلَاثَ فَرَائِصٍ وَ أَحْكَامٍ وَ سُنَنٍ وَ أَمْثَالٍ؛^۱ قرآن به سه قسمت نازل شده: يك سوم آن درباره ما (اهل بیت) است، و يك سوم آن درباره (مذمت و ملامت) دشمنان، و يك سوم آن نیز مربوط به واجبات و احکام و سنتها و تمثیلهای.» در روایات دیگر به جای ثلث، ربع دارد، از جمله:

«أَصْبَغُ بْنُ نُبَاتَةَ، عَنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ: نَزَلَ الْقُرْآنُ أَرْبَعَةَ أَرْبَاعٍ رُبْعٌ فِينَا، وَ رُبْعٌ فِي عَدُوِّنَا، وَ رُبْعٌ حَلَالٍ وَ رُبْعٌ فَرَائِصٍ وَ أَحْكَامٍ.»

(ه) سیصد آیه درباره عليؑ جمعی بر این باورند که فقط سیصد آیه از قرآن درباره حضرت عليؑ نازل شده است، از جمله: جمعی از علمای اهل سنت مثل ابن حجر، خطیب بغدادی، سیوطی، گنجی

۳. تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، بیروت، در بخش ترجمه اسماعیل بن محمد بن عبد الرحمان، شماره ۳۲۷۵، ج ۶، ص ۲۲؛ ینابیع المودة لذوی القربی، شیخ سلیمان قندوزی حنفی، تحقیق سیدعلی جمال اشرف الحسینی، دار الاسوة، قم، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق، ج ۱، باب ۴۲، ص ۱۴۸؛ ترجمه الامام علی بن ابی طالب من تاریخ دمشق، ابی القاسم علی بن الحسین بن هیلاله الشافعی، المعروف بابی العساکر، بتحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، مؤسسة المحمودی، بیروت، للطباعة والنشر، الطبعة الثانية، ۱۳۹۹ ق، ۱۹۷۸ م، ج ۲، ص ۴۳؛ و کفایة الطالب، گنجی شافعی، باب ۶۲، ص ۲۳.

۴. ینابیع المودة، قندوزی، ج ۱، ب ۴۲، ص ۱۴۸.

۱. همان، ص ۵.

۲. همان، ص ۵ و ۶۳.

نقل نموده است که سیصد
آیه از قرآن در شأن
امام علی % نازل شده
است.

ادامه دارد ...



۱. شبهای پیشاور، سلطان
الواعظین شیرازی، دارالکتب
الاسلامیة، تهران، چاپ سی و
هفتم، ۱۳۷۶ ش، ص ۳۸.



حضرت خدیجه ع.ا.س.، الگوی عفت و پاکدامنی

عبدالکریم پاک نیا تبریزی

در کلام، عفت در رفتار، عفت در پوشش، عفت در آرایش، عفت در بیان و قلم، عفت در خوراک و عفت در اقتصاد، برخی از ابعاد مختلف عفت است

عفاف در قرآن

واژه عفت در قرآن کریم، بیش تر در مورد عفت جنسی و اقتصادی استعمال شده است. در سوره مبارکه نور در مورد عفت جنسی

می‌فرماید: [وَلْيَسْتَغْفِرِ

الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا

حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ

فَضْلِهِ]؛ «و کسان ی که

امکان ی برای ازدواج

نم یابند، باید

پاکدامنی پیشه کنند، تا

خداوند از فضل خود آنان

را بونیاز گرداند.»

در آیه ای دیگر از

همین سوره، از واژه

«عفت» بهره گرفته و

به معنای پاکدامنی، پارسائی و خودداری از کارهای زشت و مدیریت غریزه شهوات نفسانیه مادی است.^۱ عفت، ویژه جنس زن است. این ارزشی، فراگیر است.^۲ به پروا پیشه ای عقیف می گویند که از همه حرام ها و زشتی ها دوری می‌کند.

عفت معانی و

کاربردهای مختلفی دارد؛

عفت در اندیشه، عفت در

۱. در ادبیات عرب «عفاف» با فتحه و «عفت» با کسره خوانده می شود. مجمع البحرین، فخر الدین طریحی، نشر المرتضی، تهران، ۱۳۷۵ش، ج ۵، ص ۱۰۷.

۲. لغت نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا، نشر تیراژه، تهران، ۱۳۶۶ش، واژه «ع».

۳. امام صادق ع می فرماید: «أَلُّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعِفَّةَ؛ خدایا من از درگاه تو عفت و بی نیازی می خواهم.» مصباح کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی کفعمی، دارالمرتضی، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۵ق، ص ۲۸۳.

**فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ
أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهَدُوا عَلَيْهِمْ**

وَ كَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا [۳]؛ «و
یتیمان را چون به ح د
بلوغ برسند، بیازمایید!
اگر در آنها رشد کافی
یافتید، اموالشان را به
آنها بدهید! و پیش از
آنکه بزرگ شوند،

اموالشان را از روی
اسراف نخورید! هر کس که
بی‌نیاز است، (از برداشت
حق الزحمه) خودداری کند
و آن کس که نیازمند
است، به طور شایسته و
مطابق زحمتی که می‌کشد،
از آن بخورد. و هنگامی
که اموالشان را به آنها

بازمی‌گردانید، شاهد
بگیرید! اگر چه خداوند
برای محاسبه کافی است»
در آیات شریفه قرآن
کریم، پوش‌یدگی کامل
اندام، با وقار بودن،
پرهیز از سخنان

تحریک‌آمیز و اجتناب از
آرایشهای شبیه به دوران
جاهلیت، برای خانمهای
مسلمان توصیه شده است.

افزون بر این، وجود
دستورهای دینی متعدد در
این زمینه جای ه یچ
تردیدی را باقی نگذاشته
است؛ تا آنجا که بدون
شک، پوشش زن در برابر
مردان بیگانه، یکی از
ضروریات دین اسلام است و
انکار اصل آن از نظر
فقهی، موجب خروج از دین
است. اجتناب از جلوه
نم ائی و رعایت پوشش
اسلامی دو مورد از

عفاف جنسی را به عنوان
یک ارزش برتر معرفی
می‌کند و می‌فرماید: **و
الْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ
الَّتَاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا
فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ
يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ
مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ
يَسْتَغْفِنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللَّهُ
سَمِيعٌ عَلِيمٌ** [۴] «و زنان از

کارافتاده‌ای که امید به
ازدواج ندارند، گناهی
بر آنان نیست که
لباسهای (رویین) خود را
بر زمین بگذارند، به شرط
اینکه در برابر مردم
خودآرایی نکنند و اگر
خود را بپوشانند برای
آنان بهتر است و خداوند
شنوا و داناست»

قرآن کریم در مورد
«عفت اقتصادی» نیز

می‌فرماید: **[... يَحْسَبُهُمُ
الْجَاهِلُ اغْنَاءَ يَاءٍ مِنْ
التَّعَفُّفِ]** [۲]؛ «... از شدت
خویشتن داری، فرد
بی‌اطلاع، آنان را توانگر
می‌پندارد.»

همچنین در سوره بقره
به عفت ورزی در اموال
یتیمان سفارش کرده و

می‌فرماید: **[وَ ابْتَلُوا
الْيَتَامَى حَتَّى إِذَا بَلَغُوا
النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ
رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ
أَمْوَالَهُمْ وَ لَا تَأْكُلُوهَا
اسْرَافًا وَ بَدَارًا أَنْ
يُكْبَرُوا وَ مَنْ كَانَ غَنِيًّا
فَلْيَسْتَغْفِرْ وَ مَنْ كَانَ
فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ**

و تأثیرگذارتر خواهد بود. از مجموع تعالیم دینی و اخلاقی چنانچه فهمیده می‌شود که مبنای حجاب (پوشش) ظاهری، همان عفت و حیای درونی است.

بنابراین حوزه عفاف گسترده‌تر از حجاب است و شامل عفت نفس از شهوات شکم، عفت گفتار و عفت قلم می‌شود.

ارتباط عفاف و غیرت

غیرت از شریف‌ترین اوصاف نفسانی و به معنای حس دفاع از ناموس و ارزشهای مقدس است. عفت، قدرت خودداری از انجام گناه و غیرت، مقدمه عفاف است. پیامبران به عنوان الگوهای عالی بشریت، سرآمد غیرتمندان بودند پیامبر خدا -

می‌فرماید: «كَانَ اِبْرَاهِيمُ اَبِي غَيُورًا وَ اَنَا اَغْيَرُ مِنْهُ وَ اَزْعَمُ اللّٰهُ اَنْفَقَ مَنْ لَا يَغَارُ مِنَ الْمُنُوْمِيْنَ؛ پدرم ابراهیم غیور بود و من از او غیورترم، و خداوند دماغ مؤمن بی غیرت را بـه خاك ذلت می‌مالد.»
عفاف خصلتی است که تنها مختص زنان نیست، بلکه مردان را نیز در

مصادیق بارز حجاب بر بانوان مسلمان است که قرآن برای گسترش فرهنگ عفاف پیشینگی کرده است از منظر آیات وحی، جریان فرهنگ عفت در تمام ابعاد زندگی، یکی از پایه‌های اخلاق برای کنترول رذائل و سوق به سوی تکامل و درجات عالی و کمالات متعالی است.

رابطه عفاف و حجاب

در فرهنگ اسلامی عفت، حجاب معنوی و حجاب، پوشش ظاهری است. بنابراین ممکن است کسی حجاب داشته باشد، ولی از عفاف بی بهره باشد. مثلاً حجاب را از روی اجبار، مصلحت، تقلید، تفریح و یا تفنن رعایت کند و در نتیجه ممکن است شخص باحجاب عفت نباشد.

از مقایسه دو واژه «حجاب» و «عفاف» معلوم می‌شود که هر دوی آنها در اصل معنای «منع و جدایی» مشترک اند؛ با این تفاوت که منع و بازداری در حجاب مربوط به ظاهر است، ولی در عفت، مربوط به باطن و برخاسته از درون است. با توجه به تأثیر متقابل ظاهر و باطن بر یکدیگر، بین حجاب و عفت ارتباط وجود دارد؛ هر چه حجاب بهتر باشد،

تأثیر بیشتری در تقویت و پرورش عفت دارد و هر چه عفت درونی و باطنی عمیق‌تر باشد، حجاب و پوشش ظاهری هم واقعی‌تر

۱. عفاف سرچشمه زیبایی، از نگارنده، نشر نور الزهراء، قم، ۱۳۹۰ش، ص ۲۴.

۲. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰، ص ۲۴۸.

از ازدواج با پیامبر - همه را در اختیار حضرت رسول - نهاد و از جنبه اقتصادی دین اسلام را تقویت نموده و در گسترش آن نهایت تلاش خود را به جای آورد.

مقام او در نزد پیامبر اکرم- به حدی بود که در مدت ۲۵ سال زندگی مشترک با این بانوی با عظمت، آن حضرت به خاطر تکریم وی با هیچ زنی ازدواج نکرد و بهترین دوران جوانی خویش را به وی بخشید و حتی بعد از رحلت وی، رسول گرامی اسلام- همیشه به یاد محبتها و تلاشهای او بود.^۲

مشهورترین لقب حضرت خدیجه & در عصر جاهلیت «طاهره» بود، زیرا او **پاک ترین و عقیق ترین بانوی آن دوران بود.** در ادامه به برخی ویژگیهای زندگی حضرت خدیجه & می پردازیم که نشان از «عفت و پاکدامنی» آن حضرت دارد:

الف. مظهر عفاف در خانواده
اسلام برای حفظ حریم عفاف راهکارهای مختلفی را بیان کرده است که از جمله آنها ارتباط ویژه خانمها با همسرانشان

۲. الخصائص النبویه، از نگارنده، نشر نسیم کوثر، قم، ۱۳۸۵ش، ص ۳۴۶.
۳. «کانت خدیجة تدعی فی الجاهلیة الطاهرة». سیر الاعلام النبلاء، شمس الدین ذهبی، مؤسسة الرسالة، بیروت، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۱۱.

بر می گیرد؛ اما غیرت مختص مردان است کسی که وارد حریم غیر شود، یا اجازه دهد غیر، وارد حریم او شود اهل غیرت و عفاف نیست.

در قرآن و روایات از این خصلت، بسیار تمجید شده و سیره پیشوایان (معصوم) نیز سرشار از این خصلت نیکو است.

حضرت خدیجه &، الگوی عفاف

حضرت خدیجه & همسر گرامی رسول اکرم- ۶۸ سال پیش از هجرت نبوی- در شهر مکه به دنیا آمد. پدر وی خویلد بن اسد و مادرش فاطمه دختر زائده بن اصم می باشد. او در چهل سالگی با حضرت محمد- که ۲۵ سال از عمر شریفش را سپری کرده بود، ازدواج نمود. بنابر قول مشهور، ثمره ازدواج خدیجه & با آن حضرت- شش فرزند به نامهای قاسم، عبدالله، رقیه، زینب، ام کلثوم و فاطمه & بود. ثروت خدیجه در میان اهل مکه بی نظیر بود و اهالی مکه با اموال وی به صورت مضاربه ای تجارت می کردند. حضرت خدیجه پس

۱. امام باقره % می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَجْعَلِ الْغَيْرَةَ لِلنِّسَاءِ وَ إِنَّمَا جَعَلَ الْغَيْرَةَ لِلرِّجَالِ؛ خداوند تبارک و تعالی غیرت را برای زنان قرار نداد، بلکه آن را برای مردان قرار داد» من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۴۴.

بهترین و عقیقت‌ترین زنان
شما آن زنی است که چون
با همسرش خلوت کند، زره
حیا را از خود دور سازد
و چون از خلوت شوهرش
بیرون آید زره حیا را
بر تن کند [و حجاب و
عفت خود را که نشان ه
حیای اوست کاملاً رعایت
کند].»

حضرت خدیجه & در
فرصتهایی مناسب به همسر
گرامی خویش ابراز علاقه
و محبت می کرد. او در
قلب اشعاری زیبا
درباره پیامبر اکرم -،
مکنونات قلبی خویش را
چنین ابراز می‌دارد:
**قُلُو اِنِّي اَمْسِيْتُ فِي كُلِّ
نِعْمَةٍ**
**وَدَامَتْ لِي الدُّنْيَا وَ مَلِكِ
الْاَكَاْسِرَةِ**
**فَمَا سَوِيْتُ عِنْدِي جَنَاحِ
بِعَوْضَةٍ**
**اِذَا لَمْ يَكُنْ عَيْنِي لِعَيْنِكَ
نَاظِرَةً**

«اگر تمام نعمتهای
دنیا و سلطنتهای
پادشاهان را داشته باشم
و ملک آنها همیشه از آن
من باشد، به نظر من به
اندازه بال پشه ای ارزش
ندارد زمانی که چشم من
به چشم تو نیفتد.»
ب. عفاف معیار انتخاب

حضرت خدیجه & به
عنوان الگوی دختران و
زنان مسلمان در مورد
انتخاب حضرت محمد - به
عنوان همسر آینده خویش،

می باشد؛ زیرا آنان
همانطور که از خودنمایی
در مقابل نامحرم منع
شده اند، به دلربایی با
همسران در خلوت توصیه
شده اند؛ به همین جهت
ابراز محبت زن به شوهر
در مکتب اسلام از ارزش
ویژه‌ای برخوردار است.

امام صادق % در
روایتی به زنان مسلمان
توصیه می‌کند که نه تنها
به شوهران خود اظهار
محبت کنند، بلکه اظهار
علاقه آنان، همراه با
دلربایی باشد؛ آن گرامی
می فرماید: **«وَلَا غَنِيَّ
بِالزَّوْجَةِ فِيمَا بَيْنَهَا وَ
بَيْنَ زَوْجِهَا الْمُوَاقِفِ لَهَا
عَنْ ثَلَاثِ خِصَالٍ... وَ
اِظْهَارِ الْعِشْقِ لَهَا
بِالْخَلَايَةِ وَ الْهَيْئَةِ
الْحَسَنَةِ لَهَا فِي عَيْتِهِ؛**

زن برای موفقیت در
زندگی مشترک با همسر
خویش [و حفظ عفت
خانواده و جامعه]، از
مراعات سه چیز ناگزیر
است... اظهار عشق و
محبت به همراه طنازی و
دلربایی و جلوه‌گری برای
شوهر.»

آن بزرگوار در
رهنمود دیگری عقیقت‌ترین
بانوان را این گونه
معرفی می کند: **«خَيْرُ
نِسَائِكُمْ الَّتِي اِذَا خَلَّتْ
مَعَ زَوْجِهَا خَلَعَتْ لَهُ دِرْعَ
الْحَيَاءِ وَ اِذَا لَبِسَتْ
لَبِسَتْ مَعَهُ دِرْعَ الْحَيَاءِ؛**

۱. بحار الأنوار، محمدباقر مجلسی، ۷۵، ص ۲۳۷.
۲. کافی، کلینی، دارالکتب الإسلامیه، تهران، چاپ چهارم،

- ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۲۴.
۳. مستدرک سفینه البحار، شیخ علی نمازی شاهرودی، نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۴۴.

مادر روحانی همه مؤمنین است، به عنوان مادری شایسته و با ایمان در دامن خویش فرزندان نیک و صالحی برای رسول خدا - تربیت نمود. وی ۶ فرزند برای پیامبر - به نامهای قاسم و عبدالله (که به طیب و طاهر شهرت یافتند) و رقیه، زینب، ام کلثوم و حضرت فاطمه & را به دنیا آورد و در دامن پر مهر خویش پرورش داد.

فرزندان حضرت خدیجه که به سن رشد رسیدند از هر لحاظ در میان اقران خود ممتاز بودند بویژه دختران آن گرامی که در اوج عفاف، تقوی و کمالات معنوی بودند.

د. پاسدار حریم حیا

حضرت خدیجه & به تمام معنای کلمه، پاسدار حیا و عفت بود. آن بانوی بانوان، در آستانه وفات خویش هنگامی که وصیتهای خود را بیان می کرد، آنها را در قالب یک گفتگوی صمیمانه و

محبت‌آمیز مطرح نمود. وی خطاب به پیامبر اکرم - عرض کرد: «یا رسول الله! چند وصیت دارم، البته من در حق تو کوتاهی کردم، مرا عفو کن!». >

پیامبر - فرمود: «هرگز از تو تقصیری مشاهده نکردم. تو نهایت

ملاکها و اصولی را مطرح می‌کند که از گفتگوی وی با پیامبر اکرم - معلوم می‌شود.

حضرت خدیجه & هنگامی که پیشنهاد ازدواج به آن حضرت می داد و علت شیفستگی خود را به آن وجود گرامی اعلام می نمود، با تأکید بر فضائل اخلاقی آن بزرگوار، افکار پاک و اندیشه‌های عقیقانه اش را چنین بیان کرد:

«إِنِّي قَدْ رَغِبْتُ فِيكَ لِقَرَابَتِكَ مِنِّي وَ شَرَفِكَ فِي قَوْمِكَ وَ سَطْوَتِكَ فِيهِمْ وَ أَمَانَتِكَ عِنْدَهُمْ وَ حَسَنَ خُلُقِكَ وَ صِدْقَ حَدِيثِكَ؛» به خاطر خویشاوندیت، بزرگواری و امانتداری تو در میان مردم، اخلاق نیک و راستگوئیت، مایلم با تو ازدواج کنم.»

ارزش این انتخاب خدیجه آنگاه نمایان می‌شود که بدانیم او در آن هنگام، موقعیتی عالی و ممتاز در جامعه خود داشت و تمام امکانات و زمینه‌ها برای ازدواج وی با هر یک از جوانان نامدار و ثروتمند قریش فراهم بود.

ج. تربیت فرزندان عقیق

حضرت خدیجه & نه تنها خود الگوی عفاف بود، بلکه فرزندانش نیز چنین بودند. آن بزرگوار علاوه بر اینکه به نص قرآن،

۲. السيرة النبوية، ابن هشام حميري، دارالمعرفة، بيروت، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۹۰.
۳. رباحين الشريعة، ذبيح الله محلاتي، دارالكتب الإسلامية، تهران، ۱۳۷۰ ش، ج ۲، ص ۲۷.

۱. كشف الغممة في معرفة الأئمة، علي بن عيسى اربلي، نشر بني هاشمي، تبريز، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش، ج ۱، ص ۵۰۹.

رسیدن به کمال است، اما در بانوان و زنان نیکوتر و پسندیده‌تر است، این ویژگی شخصیتی در حضرت خدیجه & نیز بسیار بارز و نمونه بود.

آن بانوی مکرمه در تمام مراحل زندگی به ویژه در برخورد با نامحرم همیشه از پشت پرده و حجاب صحبت می‌کرد، حتی در جلسه‌های خواستگاری، از پشت پرده صحبت می‌کردند. علامه مجلسی در کتاب گرانسنگ بحارالانوار بارها به موضوع عفاف و حجاب حضرت خدیجه & قبل و بعد از دواج با پیامبر اشاره می‌کند و می‌نویسد: «هر کس از نامحرمان در آن شب ملاقات می‌کرد، خدیجه پشت پرده بود: **قَدْ أَقْبَلَ وَ دَخَلَ عَلَي خَدِيجَةَ وَ هِيَ تَحْتَ حِجَابِهَا**؛ وقتی پدرش به همراه عده‌ای نزد او آمد او در حجاب کامل بود... **وَقَفَ أَبُو طَالِبٍ خَلْفَ الْحِجَابِ فَسَلَّمَتْ عَلَيْهِ خَدِيجَةُ**؛ ابوطالب در پس پرده ایستاد و خدیجه به او سلام کرد.»

از نمونه‌های دیگر عفت و حیا، مخصوصاً در شبهایی که پیامبر - به امر الهی چهل شب را دور از همسر خود بودند، این است که خدیجه & در غیاب همسر کمال عفاف و حجاب را مواظبت می‌کرد. او

۱. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، ج ۱، ص ۶۸.

درجه تلاش خود را به کار گرفتی و در خانه من زحمات و مشکلات زیادی را متحمل شدی و تمام دارایی خود را در راه خدا مصرف کردی.» حضرت خدیجه & عرض کرد: «یا رسول الله! می‌خواهم خواسته‌ای را توسط دخترم فاطمه به شما برسانم و شرم دارم آن را مستقیماً بازگو نمایم.»

پیامبر - از منزل حضرت خدیجه & بیرون رفت. آنگاه خدیجه & دخترش فاطمه & را صدا کرد و به او گفت: «عزیزم! به پدر بزرگواریت بگو که مادرم می‌گوید: من از قبر هراسناکم، دوست دارم مرا در لباسی که هنگام نزول وحی به تن داشتی، کفن کرده و در قبر بگذارم.» فاطمه & به نزد پدر آمده و پیام مادرش را رساند. پیامبر - آن لباس را برای خدیجه فرستاد. هنگامی که فاطمه & آن را آورد، نشاط زاید الوصفی وجود خدیجه & را فرا گرفت. آنگاه حضرت خدیجه & با دلی آرام چشم از جهان فرو بست.

این حکایت نشان از حیای آن حضرت دارد که حتی کوچک‌ترین خواسته خود را به محضر رسول گرامی اسلام به طور غیر مستقیم ارائه می‌کند. **هـ. در اوج حیا و عفاف**

عفت و حیا برای هر انسانی شایسته و لازمه

می گوید: «فَكَيْانَ إِذَا
جَنَّبَنِي اللَّيْلُ عَطَيْتُ رَأْسِي
وَ اسَجَفْتُ سِتْرِي وَ عَلَفْتُ

بَابِي؛ سرخود را در
هنگام شب پوشانده و
پرده در را انداخته و
در خانه را هبستم.»
این همه نشانه های
عفت و حیا در زمان
جاهلیت و از بانویی که
در اوج رفاه و آسایش
قرار دارد، می تواند
درسهای مهمی را به
مسلمانان داشته باشد
اصولاً نظام خانواده
در اسلام بر پایه حیا و
عفت و ایمان و تقوا
استوار شده، اگر زن
دارای حجاب و حیا باشد،
شوهرش هم دارای چشم پاک
و آرامش خاطر او خواهد
بود، اما اگر زنی از
بی بندوباری جهان غرب
تقلید کند، نه تنها
کانون گرم خانواده را
به هم می زند بلکه در
جهنم ابدی و دائمی
خواهد سوخت
ز. عفت خدیجه & از منظر اهل
نظر

ابو محمد بن هشام
حمیری، محدث، مورخ،
ادیب، نسب شناس و صاحب
مشهورترین کتاب موضوع
سیره نبوی م نویسد:
خدیجه صاحب نسب و الا،
دارای برترین شرافت،
صاحب بیشترین ثروت

۱. العدد القویة لدفع
المخاوف الیومیة، رضی الدین
علی بن یوسف بن المطهر حلی
(برادر علامه حلی)، کتابخانه
آیت الله مرعشی نجفی، قم، چاپ
اول، ۱۴۰۸ق، ص ۲۲۰.

و حریصترین بانوان قریش
به حفظ امانت و التزام
به معیارهای اخلاقی، عفت
و کرامت انسانی، بود به
این جهت خداوند متعال
بلندترین قله شرف را به
او عنایت کرد.

شمس الدین محمد بن
عثمان ذهبی از شخصیت
نگاران برجسته اهل سنت
در مورد تقوی و عفاف
حضرت خدیجه & می نویسد:
مناقب و فضایل

خدیجه & بسیار است؛ او
از جمله زنان کامل،
عاقل، والا، پای بند به
دیانت و عقیق و کریم و
از اهل بهشت بود.

پیامبر اکرم - بارها او
را به کمالات اخلاقی
بویژه پاکی و عفاف
می ستود و بر سایر امهات
مؤمنین ترجیح می داد و
او را بسیار تجلیل
می کرد. به حدی که عایشه
می گفت: بر هیچ یک از
زنان پیامبر به اندازه
خدیجه رشک نورزیدم و
این بدان سبب بود که

پیامبر بسیار او را یاد
کرد. اساساً جناب خدیجه &
قبیل از اسلام هم به خاطر
عفت و پ اکدامنی اش به
ظاهر معروف بود

۲. «و كانت خدیجة بنت خویلد
امراة تاجرة ذات شرف و
مال... و كانت خدیجة امراة
جازمة شریفة لبیبة، مع ما
أراد الله بها من کرامته.»
السیرة النبویة، ابن هشام،
ج ۱، ص ۱۸۸.

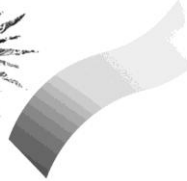
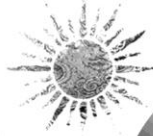
۳. «ومناقبها جمّة. و هي ممن
کمل من النساء. كانت عاقلة
جليلة دينة مصونة کریمة، من
أهل الجنة، و كان النبي -
یثني علیها، و یفصلها علی

در فراق بانوی پاک

این یار پاکدامن
حضرت رسول اکرم -، بعد
از ۲۵ سال زندگی در کنار
آن حضرت در دهمین سال
بعثت در سن ۶۵ سالگی و
در دهم ماه رمضان چشم
از جهان فرو بست و قلب
رسول خدا- و مسلمانان را
داغدار نمود.

پیامبر اکرم - پیکر
پاک او را در حجون با
دستهای خویش به قبر
گذاشت و از شدت حزن و
اندوه سال وفات او را
که با فاصله اندکی از
رحلت ابوطالب % رخ داده
بود، عام الحزن (سال
اندوه) نامید.

سائر أمهات المؤمنین، و
یبالغ فی تعظیمها .» سیر
الأعلام النبلاء، شمس الدین
الذهبی، مؤسسة الرسالة،
بیروت، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۱۱.



اشک ماتم در سوگ امام مظلوم



علی مختاری

مصائب و مناقب اهل بیت) دارد و جا دارد تا بیش از گذشته به آن پرداخته شود؛ لذا به مناسبت‌های مختلف، مصائب اهل بیت (از زوایای گوناگون درج خواهد شد تا مبلغین و مروّجین فرهنگ ناب شیعه، از آن بهره برده و مجالس و محافل مذهبی را رونق بخشند.

گفتنی است بنای اصلی در درج اینگونه مقالات، رعایت اختصار و نقل کم‌ترین مقدار است، ولی اگر مجلسی آمادگی و گنجایش بسط و تفصیل ذکر مصیبت را داشته باشد، ذاکر محترم می‌تواند با ضمیمه کردن سایر روضه‌ها از منابع معتبر و دست اول بر غنای آن مجلس بیافزاید. این نکته نیز قابل توجه است که این مباحث به شکلی که قابل بیان باشد، نگارش شده و بعضاً ادبیاتی شفاهی دارد.

خداوند حکیم حزن و اندوه و گریه را در کنار شادی و سرور و خنده برای بشریت قرار داد و هر دوی آنها در زندگی انسان لازم و در جای خود ارزشمند است. پیروان مذهب تشیع بالاترین افتخار را دارند که حزن و سرورشان را با ایام سرور و حزن بهترینها، پیوند می‌زنند.

امام صادق % می‌فرماید: «نَفْسُ الْمَهْمُومِ لَنَا الْمُعْتَمِرَةُ لِظَلْمِنَا تَسْبِيحٌ وَ هَمُّهُ لِأَمْرِنَا عِبَادَةٌ!»^(۱) نفس کشیدن کسی که برای ما اندوهگین است و برای ستمی که بما شده غمگین است، تسبیح می‌باشد، و همت گماشتنش برای امر ما عبادتست.»
این روایت نشان از

۱. کافی، کلینی، دارالحدیث، قم، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۵۷۶.

آخرین مهمانی و ضیافت
 علی% در آخرین ماه
 صیامش، هر شب در منزل
 یکی از فرزندان افطار
 می کرد. شبی نزد امام
 حسن %، شبی در خانه
 امام حسین% و شبی نزد
 ام کلثوم [یعنی حضرت
 زینت &، زیرا کنیه آن
 حضرت، ام کلثوم است و
 قرینه دیگر آن که در
 برخی روایات، نام شوهرش
 عبدالله جعفر آمده است.]
 بود.

این مردم بگیر و سخت
 گیرتر از من را پر
 ایشان مسلط کن.»
 هنگامی که خواست
 برای نماز صبح به سوی
 مسجد رود، مرغابی ها
 راهش را می بستند و
 فریاد می زدند، اهل منزل
 خواستند آنها را کنار
 زنند، حضرت فرمود:
**«دَعُوهُنَّ فَإِنَّهُنَّ صَوَائِحُ
 تَتَّبِعُهَا نَوَائِحُ»**؛ آنها
 را واگذارید که اکنون
 صیحه می زنند و در پی آن
 نوحه کنندگان خواه ن د
 بود.»

شب نوزدهم برای
 افطار به خانه دخترش
 آمد، و حضرت در آن شب
 مکرر از حجره بیرون
 می آمد و به آسمان نگاه
 می کرد و می فرمود: **«وَاللَّهِ
 مَا كَذِبْتُ وَ لَا كَذِبْتُ وَ
 إِنَّهَا التَّلِيَّةُ الَّتِي وَعَدْتُ
 فِيهَا»**؛ به خدا سوگند،
 [درباره شهادت] دروغ
 نگفتم و به من [خبر]
 کذب داده نشده است و
 این همان شبی است که
 وعده شهادت در آن را به
 من داده اند.»

نیز می فرمود: **«من
 نشسته بودم که در آن
 حال خوابم برد، رسول
 خدا را در خواب دیدم و
 ب ه او از مردم شکایت
 کردم. پیامبر- فرمودند:
 آنان را نفرین کن، من
 گفتم: خدایا! من را از
 این زمره کرد:**
**«أَشِدُّ حَيَازِيمَكَ لِمَوْتٍ
 فَإِنَّ الْمَوْتَ لَأَقِيكَ
 وَ لَا تَجْرَعُ مِنْ الْمَوْتِ
 كَمَا أَضْحَكَكَ آلُ دَهْرٍ
 كَذَاكَ الدَّهْرُ يُبْكِيكَ»**؛
 کمر بند خود را محکم
 ببند که قطعا مرگ، تو
 را ملاقات می کند، و از
 مرگ هراسی و جزعی
 نداشته باش آن هنگامی
 که بر تو وارد آید .

۱. ارشاد، شیخ مفید، ترجمه
 رسولی محلاتی، دارالکتب
 الاسلامیه، تهران، چاپ دوم،
 بی تا، ج ۱، ص ۴۶۷، فصل ۶۳.
۲. بحار الانوار، محمدباقر
 مجلسی، دار احیاء التراث
 العربی، بیروت، چاپ دوم،
 ۱۴۰۲ق، ج ۴۲، ص ۲۲۶.

۳. نهج البلاغه، سید رضی،
 نشر هجرت، قم، ۱۴۰۹ق، خطبه
 ۷۰.

۴. بحار الانوار، محمدباقر

مجلسی، ج ۴، ص ۲۳۸.

۵. همان، ج ۴، ص ۲۷۸.

دل شب محرم سرّ الله است
ناشناسی که به تاریکی
شب
می برد نان یتیمان عرب
فجر تا سینه آفاق شکافت
چشم بیدار علی خفته ۳
نیافت

آخرین نماز محراب
ابن شهر آشوب از قول
عبدالله بن محمد ازدی چنین
می نویسد: من در شب
نوزدهم در مسجد کوفه
کنار گروهی از اهل مصر
که در آن ماه از شب تا
صبح نماز می خواندند،
نماز می خواندم که دیدم
چند نفری نزدیک شده
نماز می خوانند تا اینکه
فجر طالع شد و علی %
برای نماز صبح وارد شد؛
پس شروع کرد به این
نداء: «الصلاة الصلاة»،
پس از اندکی ناگهان برق
شمشیرها را دیدم و
شنیدم گوینده ای می گفت:
لله الحکم لا لك يا علي و
لا لأصحابك؛ فرمانروایی
ویژه خداست نه برای تو
و نه برای یارانت.

پس از آن صدای علی %
را شنیدم که فرمود:
«فرت و رب الكعبة؛ به
خدای کعبه رستگار شدم.»
سپس فرمود: «لا
یفوتکم الرجل؛ این
مرد فرار نکند.»
پس از آن فرمود:
«بسم الله و بالله و علی
میله رسول الله...» عده ای
در پی قاتلان رفتند، ولی
مردم از هر سو هجوم

همانگونه که روزگار تو
را خندان همانگونه تو
را می گریاند.»
شاعر این ابیات را
به فارسی چنین سرود ۵
است:

دست در دامن مولی زد در
که علی بگذر، از این جا
مگذر
شال شه واشد و دامن به
گرد
زینبش دست به دامن که
مزو
شال می بست و ندایی مبهم
که کمر بند شهادت محکم
افطار حضرت

حضرت مکرر از شهادت
خویش خبر می داد و در
آخرین ماه رمضان، تنها
با سه لقمه، روزه
می گرفت، یکی از فرزندان
(امام حسن یا امام
حسین (ع) درباره کم
خوراکی حضرت امیر با
ایشان صحبت می کرد و از
او می خواست تا غذای
بیشتری تناول کند؛ آن
حضرت در پاسخ چنین
می فرمود:

«يا بُنَيَّ يَأْتِي أَمْرُ اللَّهِ
وَ أَيُّا خَمِيصٍ إِنَّمَا هِيَ
لَيْلَةٌ أَوْ تِلْكَانِ فَأَصِيبُ
مِنَ اللَّيْلِ؛ ۶ ای فرزند!
امر خدا (مرگ) خواهد
آمد و من (می خواهم در
آن حال) شکم تهی باشد،
جز این نیست که یک شب
یا دو شب مانده، پس در
همان شب ضریب خورد.»
علی آن شیر خدا شاه عرب
الفتی داشته با آن دل
شب
شب زاسرار علی آگاه است

۳. شهریار تبریزی
۴. مناقب ال ابی طالب، ابن
شهر آشوب، نشر علامه، قم، چاپ
اول، ۱۳۷۹ ش، ج ۳، ص ۳۱۶.

۱. شهریار تبریزی
۲. ارشاد، شیخ مفید، ج ۱،
ص ۳۲۰.

شنیدند، همه در خروش آمدند، و ام کلثوم [حضرت زینب &] پس از شنیدن نداء، سیلی بر صورت زد، غرق عزا و گریه گشت، فریاد

برآورد: «وَا أَبْتَاهُ وَإِ عَالِيَاهُ
وَ مُحَمَّدَاهُ وَإِ سَيِّدَاهُ.»
فرزن دان به مسجد

آمدند و امام حسن % ملاحظه کرد ابا جعه و یاران از حضرت امیر % می خواهند که در محراب نماز بایستد ، ولی آن حضرت دیگر توان ایستادن ندارد که در این هنگام امام از صف اول کنار رفت و امام حسن % پیش آمد و با مردم نماز گزارد.

امیرالمؤمنین % در حالی که خون از چهره پاک می کرد، نماز خود را نشسته خواند . پس امام حسن % فریاد برآورد: «وَا انْقِطَاعِ ظَهْرَاهُ بَعْرُ
وَ اللهُ عَلَيَّ أَنْ أَرَكَ هَكَذَا؛
آه کمرم شکست! پدر جان سوگند به خدا سخت است بر من که تو را بر این حال ببینم.»

امام % فرمود: «يَا
بُنَيَّ لَا جَزَعٌ عَلَيَّ أَيْدِكَ
بَعْدَ الْيَوْمِ هَذَا جَدِّكَ
مُحَمَّدُ الْمُصْطَفَى وَ جَدِّتُكَ
خَدِيجَةُ الْكُبْرَى وَ أُمَّكَ
فَإِطْمَءِ الزُّهْرَاءُ وَ الْحُورُ
الْعَيْنُ مُحْدِقُونَ مُنْتَظِرُونَ
قُدُومَ أَيْدِكَ فَطَبَّ نَفْسًا وَ
قَرَّ عَيْنًا وَ كَفَّ عَنْ
الْبُكَاءِ فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ قَدْ

آوردند و فریادها بلند شد و اطراف محراب پر از جمعیت گردید . حضرت مقداری از خاک محراب را برداشت و روی زخم سرش نهاد و این آیه را خواند.

[مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَ فِيهَا نَعِيدُكُمْ وَ مِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى]؛^۱

«شما را از خاک آفریدیم و به آن باز می گردانیم و بار دیگر نیز شما را از آن بیرون می آوریم.»^۲
هنگام ضربت خوردن امام، ملائکه عالم ملکوت به ضجه آمدند، جبرئیل % چنین ندا داد: «تَهْدَمَتْ

وَ اللهُ أَرْكَانُ الْهُدَى وَ أَنْطَمَسَتْ وَ اللهُ نُجُومُ السَّمَاءِ وَ أَعْلَامُ الْيَقِي وَ انْفِصَمَتْ وَ اللهُ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى قَتَلَ ابْنَ عَمِّ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى قَتَلَ الْوَصِيَّ الْمُخْتَبَى قَتَلَ عَلِيَّ الْبِرْتَضَى قَتَلَ وَ اللهُ سَيِّدَ الْأَوْصِيَاءِ قَتَلَهُ أَشَقَى الْأَشْقِيَاءِ؛^۳ به خدا سوگند ارکان هدایت فرو ریخت و س تارگان آسمان تاریک شدند و نشانه های تقوی از میان رفت و عروه الوثقی پاره گردید، پسر عم مصطفی و وصی برگزیده خدا، علی مرتضی و سید اوصیاء کشته شد و او را شقی ترین مردم به قتل رساند.»

فرزندان امام % هنگامی که ندا را

۱ . طه / ۵۵ .
۲ . مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۲۶ .
۳ . بحار الأنوار، محمدباقر مجلسی، ج ۴، ص ۲۸۶ .

اَزْتَفَعْتَ اَصْوَاتَهُمْ اِلَى السَّمَاءِ؛ پسرم از امروز دیگر پدرت غم و اندوهی ندارد، جدت رسول خدا- و جدّه ات خدیجه کبری & و مادرت فاطمه زهرا & و حور العین چشم براه و منتظر من هستند؛ پس گریه مکن و دل آرام دار که از گریه تو صدای ملائکه به آسمان بلند شده است.^۱

در انتظار شهادت

حضرت امیرالمؤمنین % را به منزل آور دند؛ در حالیکه فرزندان و خصوصاً دختران و ب ه ویژه زینب کبری & فرق شکافته پدر را مشاهده می کردند! (این حالت از حد ادراک و توصیف بیرون است آنگاه که عزیزانش شیون و زاری کنان بر چهره پرخون پدر نگاه می کردند و اشک می ریختند.)

زینب & بر بالین پدر آمد و نشست و بر چهره پدر نظاره کرد، در حالی که آثار شهادت را در آن سیمای آسمانی می دید.

زینب & پرسید: پدر جان ام ایمن از رسول خدا- حدیثی برایم نقل کرده است که دوست دارم آن را از زبان شما بشنوم.

علی % به دخترش پرو کرد و فرمود: «**يَا بُنَيَّةُ الْحَدِيثُ كَمَا حَدَّثْتِكِ اَمَ اَيْمَنَ وَ كَايِي بِكَ وَ بَيْسَاءِ اِهْلِكَ سَبَايَا بِهَذَا الْبَلَدِ اذْ لَاءِ خَاشِعِينَ تَخَافُونَ اَنْ يَتَخَطَفَكُمْ الْيَنَاسُ فَصَبْرًا مِّنْ بَرَا فَوَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَا الْبَيْسَمَةَ مَا لَلَّهِ عَلَيَّ ظَهْرُ الْاَرْضِ يَوْمَئِذٍ وَلِيَّ غَيْرِكُمْ وَ غَيْرِ مُحَبِّبِكُمْ وَ شَيْعَتِكُمْ**؛ ای دخترم

حدیث، همانگونه است که ام ایمن برای تو گفته است و گویی تو را می بینم که با ز نان دیگری از خاندان رسول خدا- در این شهر در چنگ دشمن اسیر و بر خود بیمناکید، و باید در این مصیبت شکبنا باشید، سوگند به آن کسی که دانه را شکافت و جنین را آفرید، آن روز دوست خدا در روی کره زمین به غیر از شما و شیعیان و دوستان شما نیست.»

تکمیل و گریز

در پایان به برخی از اشاراتی که ناظر به حلقه های وصل روضه امام علی % با روضه سید الشهداء% است، خواهیم داشت:

۱. شب نوزدهم، علی % از دختر خداحافظی کرد،

۱. همان، ج ۴، ص ۲۸۳.
۲. و آن حدیث بدین شرح است «پنج تن آل عبا) در یک جا جمع بودند و پیامبر ناگهان غمگین شد؛ علت اندوه حضرت را پرسیدند، حضرت جریان شهادت حضرت زهرا &، حضرت علی % و امام حسن و امام

حسین ع را شرح داد. کامل الزیارات، ابن قولویه، دارالمرتضویه، نجف اشرف، چاپ اول، ۱۳۵۶ ش، ص ۲۵۷ - ۳۶۶ و بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۸۳.
۳. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، ج ۲۸، ص ۶۰ و کامل الزیارات، ص ۲۶.

۴. و ...

ساعتی بعد هنگامی که دختر، پدر را دید ملاحظه کرد فرقی شکافته، محاسنش خونین شده و...؛ در کربلا نیز پدری از دختر خود خداحافظی کرد، اما وقتی آن دختر در پی یافتن پدر آمد، او را شناخت؛ چرا که پدر سر در بدن...»

۲. اینجا دختری فرق شکافته و محاسن خونین بابا را دید در حالیکه همه بستگانش گرد او بودند و او را کمک می‌کردند و مردم به او تسلیت می‌گفتند، ولی در شهر شام دختری سر بابا را پر از زخم و خون بر نیزه‌ها دید، در حالیکه همه دشمنان اطراف او بودند و به سوی سرها و اسیران سنگ پرت می‌کردند و...»

۳. اینجا حضرت امیر% پیش از شهادت، از حال رفت و پیامبر - را در عالم رؤیا دید که می‌فرمود: «زودتر نزد ما بیا، ما مشتاق شمایم.» در کربلا هم یک علی‌اکبر بود که لحظاتی پیش از شهادت، به پدر عرض کرد: «هَذَا جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ يُقْرِئُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ عَجَلِ الْقُدُومِ عَلَيْنَا وَ شَهَقَ شَهَقَةً فَارَقَ الدُّنْيَا؛ این جدم پیامبر خدا است که تو را سلام می‌رساند و می‌فرماید: تعجیل کن و نزد ما بیا. سپس ناله‌ای کرد و شهید شد.»

۱. بحار الانوار، محمدب اقر مجلسی، ۴۵، ۴۶.



روزه در سیره ابرار

سید جواد حسینی

به کسی که قرآن بر او نازل شده است، امروز غذا نخواهم خورد، مگر اینکه در بیرون شهر با دشمن جنگ کنم. گفته اند: جناب حمزه روز جمعه و شنبه روزه بود و در حال روزه داری با دشمن به نبرد پرداخت و در همان حال به شهادت رسید.

جعفر طیار

در جنگ موته (یکی از جنگهای صدر اسلام) که نیروی دشمن سی تا چهل هزار و رزمندگان اسلام سه هزار نفر بودند. جناب جعفر طیار% بعد از آغاز جنگ از اسب پیاده شد و شروع به نبرد کرد.

ماه عبادت و بندگی و ماه تعالی روح و روان انسان است؛ پربرکتترین و زیباترین ماهی است که انسان می تواند خود را به خدا نزدیک تر کند. یکی از اعمال زیبای این ماه، روزه داری است و مؤمنان با روزه داری و عمل به این رکن از ارکان دین مبین اسلام، بر مدعای خود (مسلمانی) صخه گذاشته و در مسیر پیروی از دستورات الهی قرار می گیرند. حال به این مناسبت نیمگاهی به سیره صحابه و یاران اهل بیت (می اندازیم و «روزه داری» را در سیره این بزرگواران بررسی می کنیم.

حمزه سید الشهداء%

در جریان جنگ احد بحث بر سر این بود که مسلمانها بیرون از شهر بجنگند و یا داخل شهر بمانند. جناب حمزه افسر

۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۲، ص ۲۴. «فَقَالَ خَمْرَةُ وَ اِلْذِي اَنْ زَلَّ عَلَيَّ وَ اَلْكِتَابُ لَا اُطْعَمُ اِلَّا بِمِائَةِ رَجُلٍ يَوْمَ الدِّينِ وَ كُنْتُ اِنْ يَفِي خَارِجِ اَمْرِ بِنِ اَلْمَدِينَةِ وَ كُنْتُ اِنْ يَفِي اَلْكَانِ اِنْ خَمْرَةُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ مِائَةً وَ اِيَّامًا وَ يَوْمَ السَّبْتِ صَائِمًا فَلَقَاهُمْ وَ هُوَ صَائِمٌ.»

يُفْطِرُ يَوْمًا؛^۲ محمد فرزند جعفر (صادق) شجاع و سخاوتمند بود، همیشه این‌گونه بود که روزی را روزه می‌گرفت و روزی افطار می‌کرد.»

ابوامامه و همسر او

«ابوامامه» صحابی رسول خدا - و همسر و خادمش از روزه داران معروف در تاریخ اسلام می‌باشند: «كَانَ أَبُوَامَمَةَ وَ أُمَّرَأَتُهُ وَ خَادِمُهُ لَايْلُقُونَ إِلَّا صِيَامًا، فَإِنْ رَأَوْا فِي دَارِهِمْ نَارًا أَوْ دَخَانًا عَلِمُوا أَنَّهٗ قَدْ

اغْتَرَىٰ أَهْمُ ضِيٍّ فُ؛^۳

ابوامامه، همسرش و خادمشان هیچ وقت ملاقات نشدند، مگر اینکه روزه‌دار بودند و هرگاه در خانه شان آتشی یا دودی دیده می‌شد، مردم می‌دانستند که برای ابوامامه مهمان رسیده [و مشغول پذیرایی هستند].»

نکته مهم

روزه‌داری اعضای خانواده با رضایت تمام اعضا یا خانواده خوب و مطلوب است؛ ولی اگر روزه‌داری برخی اعضای خانواده باعث تضییع حق عضو دیگر شود، مطلوبیت خود را از دست می‌دهد. در زمان امیرمؤمنان علی^۴، زنی بسیار روزه می‌گرفت، و به این وسیله همسر خویش را از امور

دست راست و چپ او از بدن جدا شد و هفتاد تیر نیز به بدن او اصابت کرد، به شدت خون از بدنش می‌رفت، او را به خیمه مجروحین یعنی دار الحرب (بیمارستان سیار) بردند.

«عبدالله بن عمر می‌گوید: من هم راه او بودم و او را به خیمه بردم، در حالی که رمق داشت؛ ولی چشمش بسته بود. من متوجه شدم او تشنه است. ظرف آبی را نزد او آوردم و آرام‌شانه او را تکان دادم. او چشمهای خود را به زحمت باز کرد، نگاهی به من کرد و گفت: چه می‌گویی؟ گفتم: آب آورده‌ام، میل داری؟

گفت: این آب را نگهدار تا موقع غروب، اگر زنده ماندم از آن می‌نوشم و اگر زنده نماندم، با لب تشنه، به پیشگاه خدا می‌روم، گفتم: چرا تا مغرب؟ گفت: اکنون روزه‌ام و نمی‌خواهم روزه خود را افطار کنم. محمد بن جعفر الصادق % نقل شده است که از صوامین بوده است.

در «بحار الانوار» می‌خوانیم: «وَ كَانَ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِهِ % شَجَاعًا سَخِيًّا وَ كَانَ يَصُومُ يَوْمًا وَ

۱. روزه؛ درمان بیماریهای روح و جسم، سید حسین موسوی راد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ اول، ۱۳۶۴ ش، ص ۲۳۲.

۲. بحار الانوار، علا مه مجلسی، ج ۴۷، ص ۲۴۲.

۳. مسند احمد، احمد حنبل، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت، ج ۵، ص ۲۵۵.

اما مدتی نگذشت که بی وفایی کوفیان دوباره گل کرد و مختار در شصت و هفتمین بهار عمر خویش در حالی که غسل شهادت کرده، بدن خویش را خوشبو نموده بود، بعد از نبرد جانانه و شجاعانه - تا آنجا که دشمن مرگ را در برابر چشمان خود می‌دید - در محاصره دشمن قرار گرفت و بعد از زخمهای متعدد با دهان روز ه به بزم عشق و حضور و شهود حضرت حق وارد شد، تا روزه خویش را بر سر سفره [**عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ**] بگشاید.

نفیسه خاتون و سی سال روزه

نفیسه، دختر حسن بن زید بن الحسن المجتبی و همسر «اسحاق مؤتمن» فرزند امام صادق % است که بانوی بس یار جلیله بوده و در وصف او گفته اند: **«هِيَ السَّيِّدَةُ الْجَلِيلَةُ وَرَدَّتْ رَوَايَاتٍ فِي مَدْحِهَا؛** او زنی صاحب جلالت و فضیلت است که در مدحش روایات متعدد وارد شده.»

محدث قمی (می‌نویسد: در کتاب «اسعاف الراغبین» آمده است که جناب نفیسه خاتون قبرش را با دست مبارک خویش حفر کرده، در میان آن نماز و قرآن می خواند، تا آنجا که در داخل آن شش هزار ختم قرآن داشته است.

۳. همان، ص ۱۷۳.

زناشویی و آمیزش محروم می‌ساخت، و هیچ گونه تمایلی نسبت به ادای حق شوهر نشان نمی داد، به ناچار مرد جریان همسرش را به محضر آن حضرت عرض کرد، امام % فرمود: **«لَا صَوْمَ لَهَا إِلَّا بِإِذْنِكَ إِلَّا فِي وَاجِبٍ عَلَيْهِ أَنْ تَصُومَهُ»**؛ روزه او صحیح نیست، مگر با اجازه و رضایت تو، جز روزه (واجب) که بر او واجب است (که دیگر آنجا اذن شما شرط نیست).»

مختار و روزه در میدان نبرد

هنگام شروع قیام مختار در کوفه که از لحظه طلوع فجر و با اقامه نماز جماعت شروع شد. جنگ تا مدتی از روز ادامه یافت. جنگ شدید و عرق ریختن فراوانی باعث تشنگی شدید رزمندگان شده بود. در فراغتی مختار از جنگ، مختار دستور داد به تمام سربازان آب بدهند؛ سربازان آب نوشیدند؛ ولی مختار آب ننوشید؛ زیرا او روزه بود. او در این روز مهم برای تقرب به خدا و شکرگزاری از نعمت بزرگ جهاد در راه انتقام از قاتلان امام حسین % روزه گرفته است.

۱. دعائم الاسلام، نعمان بن محمد تمیمی مغربی، مؤسسه آل البيت، قم، چاپ دوم، ۱۳۵۸ ش، ج ۱، ص ۲۸۵.
۲. مختار ثقفی رایت امی د، سید محمود مدنی بجستانی، سازمان تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۸ ش، ص ۱۰۳.

معارضه (و مقاومت) نکن؛ زیرا به برکت وجود او رحمت الهی بر مردم مصر نازل می‌گردد.»

مرحوم محدث قمی (به دنبال این جریان می‌ویسد: از شعرانی حکایت شده که شیخ محمد ابوالمواهد شاذلی (که از بزرگان علم و عمل بوده است) پیامبر اکرم - را خواب دید، آن حضرت فرمود: «يَا مُحَمَّدُ! إِذَا كَانَ لَكَ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ فَإِنَّ ذِرَّ لِنَفْسِ الطَّاهِرَةِ وَ لَوْ بَدُرُ هُمْ يَقْضَى اللَّهُ تَعَالَى حَاجَتَكَ! أَيُّ مُحَمَّدٍ (شاذلی)! اگر برای تو در پیشگاه الهی حاجتی بود، پس برای نفیسه پاکیزه، و لو یک درهم نذر کن، خداوند حاجتت را برآورده خواهد نمود.»

نذر عجیب روزه داری

مرحوم کلینی (روایت نموده است که: مردی به نام «کزام» سوگند یاد کرده بود در روز طعام نخورد تا حضرت مهدی (عج) قیام فرماید. کزام می‌گوید: نزد حضرت صادق (ع) رفتم، عرض کردم: «رَجُلٌ مِنْ شِيعَتِكَ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ أَنْ لَا يَأْكُلَ طَعَامًا بِنَهَارٍ أَبَدًا حَتَّى يَقُومَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ فَقَالَ: فَصُمُّ يَا كَرَامُ: وَ لَا ثَلَاثَةَ التَّشْرِيقِ وَ لَا إِذَا كُنْتَ مُسَافِرًا؛^۱ مردی

او در ماه مبارک رمضان سال ۲۰۸ ق از دنیا رفت.

هنگام احتضار و فرا رسیدن مرگ، روزه دار بود. او را الزام کردند که روزه خود را افطار کند، در جواب فرمود: و اعجابا! من سی سال است که از خداوند خواسته‌ام که او را با زیان روزه ملاقات نمایم، [آیا شدنی است که] الان افطار کنم؟ [خیر] این کار شدنی نیست [خداوند دعایم را مستجاب نموده]. سپس مشغول به قرائت سوره مبارکه انعام شد، تا وقتی به آیه شریفه [لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ]؛ "برای آن‌ان در نزد پروردگارشان، خانه سلامت (و بهشت) است" رسید، فوت کرد.

بعد از وفات، همسرش اسحاق تصمیم گرفت او را به مدینه ببرد تا در قبرستان بقیع دفن کند؛ اما مردم مصر با اصرار زیاد خواهش کردند و پیشنهاد مال نمودند تا نفیسه خاتون را در مصر دفن کند، که مردم مصر به وجود او تبرک جویند و کسب رحمت و برکت نمایند. جناب اسحاق راضی نگشت تا اینکه شب رسول خدا - را در خواب دید. آن حضرت به او فرمود: «يَا إِسْحَاقُ! لَا تَعَارِضْ أُمَّ لَ مِنْ رَفِي نَفْسِهِ فَإِنَّ الرَّحْمَةَ تَنْزَلُ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَتِهَا؛ ای اسحاق! با او (نفیسه درباره) (دفن) نفیسه

۱. سفینه البحار، محدث قمی، انتشارات اسوه، تهران، ۱۳۸۰ ش، ج ۸، ص ۳۰۱، حرف نفس
۲. کافی، شیخ کلینی،

اینکه ماه رجب دارد می‌آید، مشخص بود . می‌گفتند: یک هفته به ماه رجب مانده، سه روز مانده، امشب احتمالاً شب اول ماه رجب است و مرحوم ابوی ما و مرحوم والدۀ ما غیر از اول و آخر ماه رجب و غیر از ایام البیض پنج شبه‌ها و جمعه‌ها روزه بودند و بلکه مرحوم ابوی ما در بعضی از سالها دو ماه رجب و شعبان را پیوسته روزه می‌گرفتند و به ماه مبارک رمضان متصل می‌کردند.»^۲

از شیعیان شما برای خدا نذر کرده که روزها غذا نخورد تا قائم آل محمد% قیام کند. حضرت فرمود: ای کرام! [متوجه شد که نذر مربوط به خود اوست] روزه بگیر؛ ولی در عید فطر و قربان و سه روز ایام تشریق (دهم الی دوازدهم ذی حجه) و هنگام مسافرت روزه نگیر!»

آیت الله بروجردی (و نذر روزه

مرحوم آیت الله العظمی بروجردی (اوقاتی که در بروجرد بودند، جهت نگهداری خویش از تندی و عصبانیت و جهت سرکوب هوای نفس، نذر می‌کند که اگر با کسی تندی کند، برای عقوبت نفس خود یکسال روزه بگیرد، اتفاقاً روزی در درس یکی از شاگردان اشکال نامناسبی کرد؛ مطلب ناروایی گفته بود، ایشان تندی می‌کنند و بعد ناراحت می‌شوند و برای وفای به نذر یک سال متوالی (جز ایام حرام) روزه می‌گیرند.

پدر شهید مطهری (و روزه‌داری

استاد مطهری می‌گوید: «ما که بچه بودیم، در منزل خود ما - من از هفت و هشت سالگی کاملاً یادم هست - اصلاً

انتشارات اسلامیة، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۲ ش، ج ۱، ص ۵۴۴.

۱. روزه؛ درمان بیماری های روح و جسم، سید حسین موسوی راد، ص ۲۳۱.

۲. آشنایی با قرآن، مرتضی مطهری، صدرا، تهران، ۱۳۶۸ ش، ج ۸، ص ۲۳۳.



«[آن چند روزی که روزه آن واجب شده، [ماه رمضان است؛ ماهی که قرآن، برای راهنمایی مردم، و نشانه های هدایت، و فرق میان حق و باطل، در آن نازل شده است.»

این آیه به طور صریح اعلام می‌کند که قرآن در ماه مبارک رمضان نازل شده است؛ ولی اینجا خصوصیات دقیق آن را که در کدام شب یا روز بوده، بیان نمی‌کند.

در سوره دخان، پس از سوگند به «کتاب مبین»؛ یعنی قرآن، می‌فرماید: **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُتَنَبِّرِينَ * فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ * أَمْراً مِنْ عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ * رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ**

از رخدادهای مهم ماه مبارک رمضان، نزول قرآن کریم می‌باشد که در : بقره / ۱۸۵، دخان / ۳ و قدر / ۱ مورد اشاره قرار گرفته است.

در این مقاله نزول قرآن با توجه به آیات مذکور، مورد بررسی مختصر قرار می‌گیرد.

نزول قرآن در ماه رمضان
از آیات قرآن و

روایات معصومین (استفاده می‌شود که قرآن کریم در ماه رمضان نازل شده است.

در سوره بقره، پس از بیان حکم وجوب روزه در «ایام معدودات»، برای معرفی آن ایام

می‌فرماید: **[شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ مِّن**

۱. مقاله حکم وجوب روزه، مجله مبلغان، شماره ۱۴۲ به قلم نگارنده.

در آن شب به اذن پروردگارشان برای (تقدیر) هر کاری نازل می‌شوند، شبی است سرشار از سلامت (برکت و رحمت) تا طلوع صبح.»
در این سوره مبارکه، شب نزول قرآن به عنوان «شب قدر» معرفی شده و ویژگی‌هایی برای آن بیان شده است که تنها با شب مبارک مذکور در سوره دخان تطبیق می‌نماید و معلوم می‌شود که شب مبارک، همان شب قدر است.

جمع‌بندی آیات

از جمع‌بندی آیات ذکر شده، چنین نتیجه گیری می‌شود که قرآن در شب قدر - که شب مبارکی است - نازل شده، و آن شب در ماه رمضان قرار دارد؛ اما اینکه کدام یک از شب‌های ماه رمضان است؟ از قرآن چیزی در این مورد استفاده نمی‌شود. در روایات پیشوایان معصوم) نیز ماه رمضان، ماه نزول قرآن معرفی شده است.

رسول خدا - فرمود :
«إِنَّ بَيْنَ شَعْبَانَ وَ شَوَّالٍ شَهْرَ رَمِضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ، وَ هُوَ شَهْرُ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ، وَ هُوَ شَهْرُ الْبِرَّةِ، وَ هُوَ شَهْرُ الْمَغْفِرَةِ، وَ هُوَ شَهْرُ الرَّحْمَةِ، وَ هُوَ شَهْرُ التَّوْبَةِ، وَ هُوَ شَهْرُ الْإِنَابَةِ، وَ هُوَ شَهْرُ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ...» میان

الْعَلِيمُ [؛ «ما آن [قرآن] را در شبی پربرکت نازل کردیم. ما همواره ا نذارکننده بوده ایم. در آن شب که هر امری بر اساس حکمت [الهی] تدبیر می‌گردد، [آری، نزول قرآن [فرمانی بود از سوی ما. ما [محمد - را] فرستادیم، اینها همه به خاطر رحمتی است از سوی پروردگارت، همانا که او شنونده و دانا است»
در این آیات تصریح شده است که نزول قرآن در شب بوده، نه روز. و آن شب، يك شب مبارك است که در آن هر امری از امور بر اساس حکمت الهی تفصیل و تبیین می‌شود. روشن است که اوصاف مذکور، تنها با شب «قدر» تطبیق می‌کند که خدای سبحان آن را در سوره قدر بیان فرموده است:

[بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ * وَ مَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ * لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ * تَنْزِيلُ الْكَلَامِ وَ الْرُوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ * سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ]؛ «ما آن (قرآن) را در شب قدر نازل کردیم، و توجه می‌دانی شب قدر چیست؟! شب قدر بهتر از هزار ماه است. فرشتگان و روح

۳. فضائل الاشهر الثلاثة، شیخ

۱. دخان / ۳ - ۶.
۲. قدر / ۱ - ۵.

قلب ماه رمضان شب ق در است و قرآن در شب اول ماه رمضان نازل شده، و با تلاوت قرآن به استقبال این ماه برو!» در این دو حدیث شریف، علاوه بر اینکه ماه رمضان، ماه نزول قرآن معرفی شده، ماه تلاوت آن نیز معرفی گردیده، اگر چه در حدیث دوم، نزول قرآن به شب اول ماه رمضان نسبت داده شده و وجه آن برای ما روشن نیست؛ ولی در این جهت که نزول قرآن در ماه رمضان بوده است، با احادیث دیگر مطابقت دارد.

بنابراین، از روایات معصومین نیز استفاده می‌شود که: قرآن در ماه رمضان نازل شده است. **نزول تمام کتابهای آسمانی در ماه رمضان**

از برخی روایات استفاده می‌شود که نه تنها قرآن در ماه رمضان نازل شده است؛ بلکه دیگر کتابهای آسمانی نیز در این ماه مبارک نازل شده‌اند.

«حفص بن غیاث

می‌گوید: از امام صادق %

درباره آیه [شهر رمضان الذي أنزل فيه القرآن]

سؤال کردم که: چگونه این آیه می‌گوید: قرآن در ماه رمضان نازل شده، در حالی که قرآن در طول بیست سال نازل شده است؟

امام فرمود: «نزل القرآن جملة واحدة في شهر رمضان إلى البيت»

ماه شعبان و شوال، ماه رمضان است که قرآن در آن نازل شده و آن، ماه خدای متعال است؛ ماه برکت، ماه آمرزش، ماه رحمت، ماه توبه و ماه بازگشت به سوی خدا، ماه قرائت قرآن و...»

و از امام صادق %

روایت شده است: «إِنَّ

عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا

عَشْرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ

يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْ

أَرْضَ ۚ فَغَرَّةُ الشُّهُورِ شَهْرُ

اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَهُوَ شَهْرُ

رَمَضَانَ وَ قَلْبُ شَهْرِ رَمَضَانَ

لَيْلَةُ الْقَدْرِ وَ نَزَلَ

الْقُرْآنُ فِي أَوَّلِ لَيْلَةٍ مِنْ

شَهْرِ رَمَضَانَ وَ اسْتَقْبِلَ

الشَّهْرَ بِالْقُرْآنِ؛ تعداد

ماه‌ها نزد خدا در کتاب

الهی، از آن روز که

آسمانها و زمین را

آفریده، دوازده ماه

است، پس آغاز ماه‌ها

(درخشان‌ترین و شریفترین

آنها) ماه خدای متعال؛

یعنی ماه رمضان است، و

صدوق، کتابفروشی داورى، قم،

چاپ اول، ۱۳۹۶ ق، ص ۱۱۷، ح

۱۱۴؛ مراقبات ماه رمضان،

محمد محمدی ری‌شهری، ترجمه

جواد محدثی، دار الحدیث،

قم، چاپ چهارم، ۱۳۸۵ ش، ص

۱۰۰. ۱. توبه / ۳۶.

۲. فضائل الاشهر الثلاثة، شیخ

صدوق، ص ۸۷، ح ۶۷؛ وسائل

الشیعة، شیخ حر عاملی،

مؤسسه آل‌البیت، قم، چاپ

اول، ۱۴۱۱ ق، ج ۱۰، ص ۴۰۵ و

۳۰۶، ابواب احکام شهر

رمضان، باب ۱۸، ح ۸؛

البرهان فی تفسیر القرآن،

سید هاشم بحرانی، بنیاد

بعثت، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۶

ق، ج ۲، ص ۲۸۹.

در روایت دیگر، ابو بصیر از امام صادق % نقل کرده که فرموده است: «نَزَلَتِ التَّوْرَةُ فِي سِتِّ مَضْيَنٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ نَزَلَ الْإِنْجِيلُ فِي اثْنَتَيْ عَشْرَةَ مَضْتٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ نَزَلَ الزَّبُورُ فِي ثَمَانِي عَشْرَةَ مَضْتٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ نَزَلَ الْفُرْقَانُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ؛^۱ تورات در شب [شب] گذشته، انجیل دوازده [شب] گذشته، و زبور هجده [شب] گذشته از ماه رمضان، و فرقان در شب قدر نازل شده است.»

اگر چه مضمون این روایت، با روایت قبلی تف اوت جزئی دارد؛ ولی در اثبات این مطلب که: ماه رمضان، ماه نزول کتابهای آسمانی است، با آن هماهنگ می‌باشد. «جلال الدین سیوطی» مضمون روایت فوق را با چند طریق و با عبارتهای مختلف نقل کرده است؛ با این تفاوت که در تمام آنها نزول قرآن در شب بیست و چهارم ماه رمضان آمده است.

محلّتی، المطبعة العلمية، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰ ق، ج ۱، ص ۸۰، ح ۱۸۴.
۳. وسائل الشیعة، شیخ حرّ عاملی، ج ۱۰، ص ۳۱۱، ابواب احکام شهر رمضان، باب ۱۸، ح ۱۶؛ البرهان فی تفسیر القرآن، بحرانی، ج ۱، ص ۳۹۰، (با این تفاوت که به جای فرقان، قرآن تعبیر شده است).
۴. رک: الدر المنثور، جلال الدین سیوطی، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۱۸۹.

الْمَعْمُورِ ثُمَّ نَزَلَ فِي طُولِ عِشْرِينَ سَنَةً؛ در ماه رمضان، قرآن یکجا به «بیت المعمور» نازل شده، سپس از آنجا در طول بیست سال نازل شده است.» در ادامه این حدیث، امام صادق % به فرمایش جدش رسول خدا - استشهاد کرده و فرموده است: «نَزَلَتْ صُحُفُ

إِبْرَاهِيمَ فِي أَوَّلِ لَيْلَةِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ أُتْرِلَتْ التَّوْرَةُ لِسِتِّ مَضْيَنٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ أَنْزَلَ الْإِنْجِيلَ لِثَلَاثِ عَشْرَةَ لَيْلَةً وَ جَلَّتْ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ أَنْزَلَ الزَّبُورَ لِثَمَانِي عَشْرَةَ خَلْوِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ أَنْزَلَ الْقُرْآنَ فِي ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ؛^۱ صحف ابراهیم در شب اول، تورات در شب ششم، انجیل در شب سیزدهم، زبور در شب هجدهم و قرآن در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان نازل شده‌اند.» این حدیث را «تفسیر

عیاشی» از امام صادق % نقل کرده است که با حدیث فوق تفاوتهایی جزئی دارد و تفاوت مهم آن این است که نزول قرآن را در شب بیست و چهارم ماه رمضان معرفی کرده است.^۲

۱. اصول کافی، شیخ کلینی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۶۲۸ و ۶۲۹، باب النوادر، ح ۶؛ البرهان، بحرانی، ج ۱، ص ۳۹۰.
۲. تفسیر عیاشی، محمد بن مسعود، با تحقیق رسولی

بودن آنها داده شده است.^۱ البته - همانگونه که گذشت - از آیات چیزی در این باره استفاده نمی‌شود؛ ولی در روایات اهل بیت (روی شب نوزدهم، بیست و یکم و بیست سوم تأکید بیش‌تری شده است.

مرحوم شیخ حرّ عاملی در «وسائل الشیعه» بابی تحت عنوان «تعیین لیلة القدر و انها فی کلّ سنة...» منعقد نموده و در آن، ۲۱ حدیث نقل کرده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: شخصی به نام «حسان بن ابی علی» می‌گوید: از امام صادق % درباره تعیین شب قدر سؤال کردم.

امام فرمود: «أُطْلِبَهَا فِي تِسْعِ عَشْرَةَ وَ إِحْدَى وَ عَشْرِينَ وَ ثَلَاثِ وَ عَشْرِينَ؛ شب قدر را در نوزدهم، بیست و یکم و بیست و سوم بجوی!»

«سفیان بن سمط» نیز می‌گوید: به امام صادق % عرض کردم: شبهایی که امید بیش‌تر می‌رود، کدامند؟ فرمود: «تِسْعِ عَشْرَةَ وَ إِحْدَى وَ عَشْرِينَ وَ

البته معلوم است که شب بیست و چهارم در مورد زمان نزول قرآن، صحیح نمی‌باشد؛ زیرا خود قرآن در سوره «قدر» با صراحت می‌فرماید: [إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ] و در هیچ روایت معتبری شب بیست و چهارم به عنوان شب قدر معرفی نشده است؛ بلکه به احتمال قوی شب قدر یکی از سه شب: ۱۹، ۲۱ و ۲۳ می‌باشد.

به هر حال، روایات «سیوطی» نیز می‌تواند مؤید این مطلب باشد که: ماه رمضان، ماه نزول قرآن و دیگر کتابهای آسمانی است.

جمع‌بندی آیات و روایات
تا اینجا روشن شد که آیات و روایات بر اثبات نزول قرآن در ماه رمضان دلالت صریح دارند، و اما در مورد بقیه کتابهای آسمانی، اگر چه از قرآن چیزی استفاده نمی‌شود؛ ولی طبق مضمون روایات متعدد اثبات می‌شود که آنها نیز در ماه رمضان نازل شده‌اند.

تعیین شب قدر
اکنون این سؤال پیش می‌آید که «شب قدر» کدام يك از شبهای ماه مبارك رمضان است؟

در این مورد احتمالات متعددی وجود دارد، از جمله: شب اول، هفدهم، نوزدهم، بیست و یکم، بیست و سوم، بیست و هفتم و بیست و نهم ماه رمضان احتمال شب قدر

۱. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی و همکاران، دار الکتب الاسلامیة، تهران، چاپ سی و دوم، ۱۳۸۳ ش، ج ۲۷، ص ۲۱۱.

۲. وسائل الشیعة، شیخ حرّ عاملی، ج ۱۰، ص ۳۶۰ - ۳۶۱، ابواب أحكام شهر رمضان، باب ۳۲، ج ۲۱ و ۱، با تفاوت جزئی.

دو شب (۲۱ و ۲۳) تأکید بسیاری شده است، حتی هنگامی که راوی اصرار می‌کند: کدام یک از این دو شب است؟ امام % تعیین نمی‌کند، مثل روایت زراره از امام

باقر % که می‌گوید: «سَأَلْتُهُ عَنِ لَيْلَةِ الْقَدْرِ؟ قَالَ: هِيَ لَيْلَةُ إِحْدَى وَ عَشْرِينَ أَوْ ثَلَاثٍ وَ عَشْرِينَ. قُلْتُ: أَلَيْسَ إِنَّمَا هِيَ لَيْلَةٌ؟ قَالَ: بَلَى. قُلْتُ: فَأَخْبِرْنِي بِهَا. فَقَالَ: وَ مَا عَلَيْكَ أَنْ تَفْعَلَ خَيْرًا فِي لَيْلَتَيْنِ؛» (زراره می‌گوید:) از امام باقره % درباره شب قدر پرسیدم، فرمود: شب بیست و یکم یا بیست و سوم است. عرض کردم: مگر شب قدر، یک شب نیست؟ فرمود: آری.

عرض کردم: پس همان را به من خبر بده؟ فرمود: چه اشکالی دارد که در دو شب، کار خیر انجام دهی؟! «

مخفی شدن شب قدر
با توجه به روایات فوق، این سؤال پیش می‌آید که چرا شب قدر باید مخفی باشد و پیشوایان معصوم (از تعیین دقیق آن خودداری کرده‌اند؟ آیا آنان نیز آگاه نبودند؟

در پاسخ این سؤال باید گفت: پیشوایان معصوم (از طرف خدا

ثَلَاثٍ وَ عَشْرِينَ: نوزدهم، بیست و یکم و بیست و سوم. «دوباره عرض کردم: «فَإِنْ أَخَذْتَ إِنْسَانًا الْفُتْرَةَ أَوْ عَلَيْهِ مَا الْمُعْتَمِدُ عَلَيْهِ مِنْ ذَلِكَ؛ اگر کسی گرفتار سستی و مریضی و امثال آن گردد، از میان این سه شب، کدام بیشتر مورد اعتماد است؟»

امام فرمود: «ثَلَاثٍ وَ عَشْرِينَ؛ بیست و سوم.» در هر دو حدیث فوق، شب قدر، میان سه شب ۱۹، ۲۱ و ۲۳ به صورت مردّد قرار داده شده؛ ولی در ذیل حدیث دوم، ر و ی شب بیست و سوم تأکید شده است.

در برخی از روایات همان باب، برای هر یک از سه شب مذکور، مرحله خاصی از تعیین سرنوشت، قرار داده شده است، مثل روایت زراره از امام صادق % که: «التَّقْدِيرُ فِي لَيْلَةِ تِسْعَةِ عَشْرٍ وَ الْإِبْرَامُ فِي لَيْلَةِ إِحْدَى وَ عَشْرِينَ وَ الْأَمْضَاءُ فِي لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَ عَشْرِينَ؛»^۳ تقدیر مقدرات در شب نوزدهم، و تحکیم آن در شب بیست و یکم و امضای آن در شب بیست و سوم است.»

و در برخی دیگر از احادیث همان باب، روی

۱. همان، ص ۳۵۷ - ۳۵۸، ح ۸.
۲. در احادیث ۹، ۱۳ و ۱۶ همان باب نیز بیشتر شب بیست و سوم تأکید شده است.
۳. همان، ص ۳۵۴، ح ۲. و در حدیث ۶ و ۷ نیز قریب به همین مضمون آمده است.

۴. همان، ص ۳۵۹، ح ۱۴. و در حدیث ۱۹ و ۲۰ نیز قریب به مضمون فوق آمده است.

می‌باشد.
 در «تفسیر نمونه»
 می‌نویسد: «بسیاری
 معتقدند: مخفی بودن شب
 قدر در میان شبهای سال،
 یا در میان شبهای ماه
 مبارک رمضان، برای این
 است که مردم به همه این
 شبها اهمیت دهند،
 همان گونه که خداوند
 رضای خود را در میان
 انواع طاعات پنهان کرده
 تا مردم به همه طاعات
 روی آورند، و غضبش را
 در میان معاصی پنهان
 کرده تا از همه
 بپرهیزند، دوستانش را
 در میان مردم مخفی کرده
 تا همه را احترام کنند.
 اجابت را در میان دعاها
 پنهان کرده تا به همه
 دعاها رو آورند. اسم
 اعظم را در میان اسمائش
 مخفی ساخته تا همه را
 بزرگ دارند، و وقت مرگ
 را مخفی ساخته تا همه
 در همه حال آماده
 باشند. و این فلسفه
 مناسبی به نظر می‌رسد.»
 این مطلب نیز مطابق
 با روایت فوق می‌باشد.
 لازم به ذکر است آقای
 محمدی ری شهری در این
 رابطه بحث مفیدی تحت
 عنوان «پژوهشی درباره
 شب قدر» مطرح کرده است
 که بهتر است مبلغان
 گرامی معارف حیاتبخش
 اسلام، آن را با دقت
 مورد مطالعه قرار
 دهند.^۱

مأمور بودند که آن را
 به صورت تردید بین سه
 شب و یا دو شب معرفی
 نمایند، تا مردم در
 تمام آنها عبادت نمایند
 و به فیض بیش‌تری نایل
 آیند.

همچنان که در روایتی
 آمده است: به
 امیرمؤمنان علی % عرض
 کردند: ما را از شب قدر
 آگاه کن! فرمود: «مَا
 أَخْلَوُا مِنْ أَنْ أَكُونَ
 أَعْلَمَهَا فَيَسْتَبَيِّنَ عَلِمَهَا وَ
 لَسْتُ أَشْكُ أَنْ اللَّهَ إِنَّمَا
 يَسْتَبَيِّنُهَا عَنْكُمْ نَظْرًا لَكُمْ
 لِأَنَّكُمْ لَوْ أَعْلَمْتُمْوهَا
 عَمَلْتُمْ فِيهَا وَ تَرَكْتُمْ
 غَيْرَهَا وَ أَرْجُو أَنْ لَا
 تُحْطِبْتُمْ أَنْ شَاءَ اللَّهُ!»^۲

خالی از این نیستم که
 آن را بدانم و از شما
 پنهان کنم، شک ندارم که
 خدا به خاطر کمک به شما
 آن را از شما پوشاند؛
 چون اگر آن را به شما
 اعلام می‌کرد، در همان شب
 عمل می‌کردید و در غیر
 آن شب ترك می‌کردید، و
 امیدوارم که اگر خدا
 بخواهد، در مورد شب قدر
 گرفتار خطا نشوید!»
 از این حدیث روشن
 می‌شود مخفی داشتن شب
 قدر برای مصلحت مردم

۱. بحار الانوار، علامه
 مجلسی، دار احیاء التراث
 العربی، بیروت، چاپ دوم،
 ۱۴۰۳ ق، ج ۹۴، ص ۵، باب ۵۳،
 ج ۶؛ شرح نهج البلاغه، ابن
 ابی الحدید (عبد الحمید بن
 هبه الله) کتابخانه مرعشی
 نجفی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق،
 ج ۲۰، ص ۱۵۴؛ مراقبات ماه
 رمضان، محمدی ری شهری، ص
 ۳۷۲.

۲. تفسیر نمونه، مکارم و
 همکاران، ج ۲۷، ص ۲۱۳.
 ۳. مراقبات ماه رمضان، ص
 ۳۷۹ - ۳۹۳.

نزول تدریجی و دفعی قرآن

اکنون پس از اثبات نزول قرآن در شب قدر، این سؤال مطرح می شود که: از نظر تاریخی مسلم است قرآن کریم در طول مدت بیست یا بیست و سه سال دوران رسالت پیامبر اسلام- نازل شده است، و محتوای قرآن نیز با حوادث مختلف زندگی آن حضرت ارتباط و پیوند دارد، چنانچه می فرماید:

[وَ قُرْآنًا لِّتَقْرَأَهُ لِيَتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي هُوَ خَلَقَ النَّاسَ وَنَزَّلْنَا تَنْزِيلًا]؛^۱

«و قرآنی که آیاتش را از هم جدا کردیم، تا آن را با درنگ بر مردم بخوانی؛ و آن را به تدریج نازل کردیم.» حال چگونه می توان گفت که قرآن در شب قدر نازل شده است؟

تمام این مطالب مؤید این نکته است که قرآن به تدریج و در مدت طولانی نازل شده است، نه در یک شب، با این حال چگونه می توان گفت که قرآن در شب قدر نازل شده است؟ در پاسخ این سؤال، نظریه های متعدّد و مختلفی از سوی محققان و مفسران قرآن مطرح شده است که مهم ترین آنها دو نظریه است که خلاصه آنها در زیر می آید.^۲

۱. اسراء / ۱۰۶.
۲. جهت اطلاع از نظریه های دیگر، به کتاب تلخیص التمهید، محمد هادی معرفت، شورای مدیری ت حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۶۹ ش، ص ۷۶ - ۷۷ مراجعه شود.

۱. بعضی از صاحب نظران علوم قرآنی می گویند: قرآن دو نوع نزول دارد: یکی «نزول دفعی» و جمعی که یکجا از سوی خدای سبحان بر قلب مبارک پیامبر - یا به «بیت المعمور» در آسمان چهارم، در ماه رمضان و شب قدر نازل گردیده که در پیش تر آیات قرآن از آن به «انزال» تعبیر شده است. و دیگری «نزول تدریجی» که بر حسب شرایط، حوادث و نیازها در طی ۲۰ یا ۲۳ سال نازل شده که در اکثر آیات از آن با تعبیر «تنزیل» و مشتقات آن یاد شده است.

این قول طرفداران زیادی دارد که بعضی از آنان عبارت اند از: شیخ صدوق^۳، علامه مجلسی^۴، فیض کاشانی^۵، علامه طباطبایی^۶ و آیت الله مکارم و همکاران ایشان.

۲. بعضی دیگر ر از

۳. اعتقادات الامامیه، شیخ صدوق، کنگره شیخ مفید، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق، ص ۸۲.
۴. بحار الانوار، علامه مجلسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۸، ص ۴۵۴.
۵. تفسیر صافی، فیض کاشانی، انتشارات صدر، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۶۴ - ۶۶ مقدمه نهم.
۶. المیزان فی تفسیر القرآن، علامه طباطبایی، مؤسسه الاعلمی، بیروت، چاپ دوم، ۱۳۹۳ ق، ج ۲، ص ۱۹ تا ۱۹.
۷. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی و همکاران، ج ۲۱، ص ۱۶۰ - ۱۶۴.

نقل کرده است. ° البتة یکی از شاگردان آیت الله سید مهدی روحانی (سید علی میرشریفی) نیز همین مطلب را از ایشان نقل نموده است.

در هر صورت، نزول قرآن در ماه رمضان و در شب قدر؛ شبی که مقدرات بندگان تعیین می‌شود، بر شرافت آن افزوده است، و چه زیبا است رابطه میان قرآن و شب قدر! و چه پر معنی است پیوند این دو با یکدیگر!

نخستین آیات قرآن

سؤال دیگر اینکه اولین آیه یا سوره‌ای که بر رسول خدا- نازل شده، کدام است؟ در پاسخ این سؤال، سه قول وجود دارد که عبارت‌اند از:

۱. سورة علق یا پنج آیه اول آن؛
۲. سورة مدثر؛
۳. سورة فاتحة الكتاب (حمد)؛

آیت الله معرفت پس از نقل و توضیح این اقوال می‌گوید: میان این اقوال سه گانه اختلاف اساسی وجود ندارد؛ زیرا

می‌توان آنها را این‌گونه جمع کرد که: پنج آیه اول سورة علق در آغاز

۵. الصحيح من سيرة النبي الاعظم، عاملي، دار الحديث، قم، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش، ج ۲، ص ۲۹۳ و ۲۹۴.

۶. درسنامه آشنایی با تاریخ اسلام، مؤسسه مشعر، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۹ ش، ج ۱، ص ۶۴.

صاحب نظران می‌گویند: قرآن، نزول دفعی نداشته؛ بلکه فقط به صورت تدریجی نازل شده است و آغاز نزول آن از ماه رمضان و شب قدر بوده است و منظور از «قرآن» در آیات فوق، کل قرآن نمی‌باشد؛ بلکه منظور جنس قرآن است که اطلاق آن بر یک یا چند آیه نیز صحیح می‌باشد. و اشکالی ندارد که بعثت پیامبر- در بیست و هفتم ماه رجب باشد، و نزول قرآن حدود یک ماه و چند روز بعد از آن، در شب قدر ماه رمضان همان سال شروع شود.

این قول نیز طرفداران زیادی دارد که بعضی از آنان عبارت‌اند از: زمخشری^۱، شیخ مفید^۲، آیت الله محمدهادی معرفت^۳، محمد جواد مغنیه^۴ و جعفر مرتضی عاملی که علاوه بر ذکر عقیده خودش مبني بر تأیید این قول، عقیده آیت الله سید مهدی روحانی را که از ایشان شنیده،

۱. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، محمود زمخشری، دار الكتاب العربي، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۲۲۷.

۲. تصحیح اعتقادات الامامیه، شیخ مفید با تصحیح حسین درگاهی، کنگره شیخ مفید، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق، ج ۱، ص ۱۲۳ و ۱۲۴.

۳. تلخیص التمهید، معرفت، ص ۷۴.

۴. تفسیر الکاشف، محمد جواد مغنیه، دار الکتب الاسلامیه، ته ران، چاپ اول، ۱۴۲۴ ق، ج ۱، ص ۲۸۴.

الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ
الْعَظِيمَ فَأَيَّرَدَ الْإِمْتِنَانَ
عَلَى بَفَاتِحَةِ الْكِتَابِ وَ
جَعَلَهَا بِيَأْزَاءِ الْقُرْآنِ
الْعَظِيمِ وَ إِنَّ فَاتِحَةَ
الْكِتَابِ [أَعْظَمُ وَ] أَشْرَفُ
مَا فِي كُنُوزِ الْعَرْشِ؛^۳

خداي بزرگ به من فرمود:
اي محمد! ما به تو سورة
حمد و قرآن عظيم داديم،
پس به خاطر دادن سورة
حمد، بالخصوص بر من منت
نهاده و آن را در برابر
قرآن عظيم قرار داده
است، و سورة حمد با
ارزشترين ذخير گنجهاي
عرش خدا محسوب می‌شود.»
آخرين آیات قرآن

سومين سؤالي که
درباره نزول قرآن مطرح
می‌شود اين است که :
آخرين سوره يا آيه‌اي که
بر پیامبر اسلام - نازل
شده کدام است؟

در پاسخ به این
سؤال، دانشمند محقق آیت
الله معرفت پس از نقل چهار
قول در این باره، چنین
نتیجه‌گیری کرده است :
آخرين سوره‌اي که یکجا و
به طور کامل نازل شده،
سورة «نصر» است و اما
آخرين سوره اي که به
اعتبار آغاز سوره، نازل
شده سورة «برائت»
می‌باشد، و آخرین آیه،
آیه اکمال [الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ
لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ
عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ

نبوت پیامبر به عنوان
بشارت بر آن حضرت نازل
شده (به اجماع امت
اسلام) و پس از فاصله‌اي
کوتاه آياتي از اول
سورة مدثر نازل شده
است. و اما سوره «حمد»
اولين سوره‌اي است که به
طور کامل و یکجا بر آن
حضرت نازل شده، و لذا
صحیح است که آن سوره به
عنوان «فاتحة الكتاب»
نامیده شود و با توجه
به اهمیت این سوره و
وجوب قرائت آن در
نمازها، در مقام فضیلت
معادل کيل قرآن قرار
گیرد، آنجا که در مقام
امتنان به پیامبر -

می‌فرماید : [وَ لَقَدْ
آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنْ
الْمَثَانِي وَالْقُرْآنِ
الْعَظِيمِ]؛^۱ «ما به تو
سورة حمد [که هفت آیه
است و دو بار نازل شده]
و قرآن عظيم داديم.»
در این آیه از سورة
حمد، به خاطر نزول
مخصوصش در مقابل مجموع
قرآن به عنوان يك نعمت
مستقل یاد شده است.^۲
همین مضمون، در
روایات نیز آمده است،
از جمله در روایتي از
امیرمؤمنان علي % نقل
شده است که فرمود : از
رسول خدا - شنیدم که
می‌فرمود : «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ
جَلَّ قَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ وَ
لَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنْ

۳. البرهان في تفسير القرآن، سيد هاشم بحراني، ج ۱، ص ۹۵؛ بحار الأنوار، مجلسي، ج ۸۹، ص ۲۲۷، ح ۵.

۱. حجر / ۸۷.
۲. تلخیص التمهید، معرفت، ص ۸۷.

به خصوص در ماه مبارک رمضان که ماه نزول قرآن است، ثواب فوق العاده‌ای به همراه دارد.

در اهمیت تلاوت قرآن در ماه رمض از پیشوایان معصوم) احادیث بسیاری روایت شده است که به برخی از آنها در اینجا اشاره می‌شود:

۱. از امام باقر % روایت شده است: «لِكُلِّ

شَيْءٍ زَبِيحٌ وَ زَبِيحُ الْقُرْآنِ شَهْرُ رَمَضَانَ؛ هر چیزی بهاری دارد و بهار قرآن، ماه رمضان است»
۲. در خطبه معروف

پیامبر اسلام - درباره ماه رمضان، این جمله به چشم می‌خورد که فرموده است: «وَمَنْ تَلَا فِيهِ آيَةً مِنَ الْقُرْآنِ كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ خَتَمَ الْقُرْآنَ فِي غَيْرِهِ مِنَ الشُّهُورِ؛ و هر کس در ماه رمضان، آیه‌ای از قرآن تلاوت کند، پاداش کسی را دارد که در ماه‌های دیگر، ختم قرآن کرده است.»

۳. در روایتی از امام رضا % آمده است: «مَنْ قَرَأَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ آيَةً مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ

۳. اصول کافی، شیخ کلینی، ج ۲، ص ۶۳۰، باب النوادر، ح ۱۰؛ مراقبات ماه رمضان، محمدی ریشهری، ص ۱۸۸.

۴. فضائل الأشهر الثلاثة، شیخ صدوق، ص ۷۷، ح ۶۱؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۹۳، ص ۳۵۷، ح ۲۵؛ وسائل الشیعة، حر عاملی، ج ۱۰، ص ۳۱۳ و ۳۱۴، ابواب احکام شهر

رمضان، باب ۱۸، ح ۲۰؛ مراقبات ماه رمضان، ریشهری، ص ۹۲.

لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا [۱]

می‌باشد که در روز نصب امیرمؤمنان علی % در غدیر خم نازل شده است که این آیه ضمن اعلام تکمیل دین، هشدار به پایان یافتن وحی بر رسول خدا- می‌باشد.^۲

البته مهم‌تر از این مباحث، انس با قرآن و تلاوت آن، آموزش و تدبیر در قرآن و تلاش برای فهم، عمل و گسترش معارف آن و اجرای دستورات الهی در جهان بشری است. شناخت زمان و مکان نزول و شأن نزول آیات گامی به سوی تشخیص بهتر مفهوم پیام الهی می‌باشد.

اهمیت تلاوت قرآن در م اه رمضان

اگر چه انجام اعمال در هر زمان و مکانی دارای پاداش و فواید معنوی می باشد؛ ولی انجام این‌گونه اعمال در زمانها و مکانهای مقدس، در افزایش پاداش معنوی مؤثر است، مثل افزایش ثواب نماز در مساجد، به خصوص در «مسجد الحرام» و «مسجد النبی» و افزایش ثواب اعمال خیر در شب قدر، شب و روز جمعه و... .

از این‌رو، تلاوت قرآن که از اعمال نیک است و در هر زمان و مکانی پاداش بسیاری دارد، هرچند در زمانهای مقدس،

۱. مائده / ۳.
۲. تلخیص التمهید، معرفت، ص ۸۹ و ۹۰.

كَانَ كَمَنْ خَتَمَ الْقُرْآنَ فِي
غَيْرِهِ مِنَ الشُّهُورِ؛^۱ هر
کس در ماه رمضان يك آيه
از کتاب خدا بخواند،
مثل کسی است که در غیر
آن، ختم قرآن کرده
باشد.»

۴. در خطبه ای که
امیرمؤمنان علي % در
روز اول ماه رمضان، در
مسجد کوفه، ایراد
فرموده است، این جمله
به چشم می خورد: «أَيُّهَا
الصَّائِمُ! تَقَرَّبْ إِلَى اللَّهِ
بِتِلَاوَةِ كِتَابِهِ فِي لَيْلِكَ وَ
نَهَارِكَ؛ فَإِنَّ كِتَابَ اللَّهِ
شَافِعٌ مُشَفَّعٌ يَشْفَعُ يَوْمَ
الْقِيَامَةِ لِأَهْلِ تِلَاوَتِهِ،
فَيَعْلَوْنَ دَرَجَاتِ الْجَنَّةِ
بِقِرَاءَةِ آيَاتِهِ؛^۲ ای
روزه دار! در شب و روزت
با تلاوت کتاب خدا به او
تقرب بجوی، که همانا
کتاب خدا شفيعي است که
روز قیامت شفاعتش برای
قرآن خوانان پذیرفته
است و با قرائت آیات
آن، از درجه های بهشت
بالا میروند.»

لازم به یادآوری است
که تدبیر در آیات قرآن و
سعی در فهم معانی و عمل
به مضمون آن، پاداش
تلاوت را افزونتر می کند.
خدایا! ما را مورد
شفاعت قرآن قرار بده!

۱. فضائل الأشهر الثلاثة، شیخ
صدوق، ص ۹۷، ج ۲؛ بحار
الانوار، علامه مجلسی، ج ۹۳،
ص ۳۴۱، ج ۸؛ مراقبات ماه
رمضان، ص ۱۰۸.
۲. فضائل الأشهر الثلاثة، ص
۱۰۹، ج ۱۰۱؛ مراقبات ماه
رمضان، ص ۱۰۴.



سید محمد امام (جزایری)

شیعیان در این عصر (بعد از رحلت امام عسکری % به شک افتادند و درباره جانشین ایشان، سخنان مختلفی را ابراز داشتند؛ زیرا عموم شیعه از وجود امام، خبر نداشتند و ولادت و حیات ایشان در خفا بود و خواص اصحاب امام عسکری% هم که از ایشان خبر داشتند، نمی‌توانستند به‌طور علنی به همه خبر دهند؛ به گونه‌ای که تردیدها برطرف شود؛ از این رو، نوبختی که در این زمان می‌زیسته از فرقه فرقه شدن پیروان امام عسکری% خبر داده است! ^۱ ولی مسعودی که تقریباً نیم قرن متأخر از اینها است، تنها از اختلاف شیعه سخن گفته، نه فرقه

در شماره گذشته، نگاهی اجمالی به تاریخ تشیع داشتیم و در آن به اصل پدید آمدن شیعه در زمان پیامبر گرامی اسلام - تصریح شد. به تاریخ تشیع در زمان خلفا تا عصر غیبت صغری نیز اشاره کردیم و اکنون در ادامه این مبحث به سیر تاریخی تشیع در زمان غیبت صغری و پس از آن در دوران غیبت کبری می‌پردازیم.

عصر غیبت صغری

این دوران که از آن به عصر حیرت به معنای سرگردانی یاد می‌شود از سال ۲۶۰ ق که امام حسن عسکری% به شهادت رسید آغاز و ۶۹ سال ادامه داشت. بعد از آن تا اواخر قرن چهارم هجری را عصر حی رت می‌نامند، زیرا شیعیان درباره امامشان تردید جدی داشتند.

از این رو، در برخی

۱. فرق الشیعة، حسن بن موسی نوبختی، المطبعة الحیدریة، نجف اشرف، ۱۹۳۶ م، ص ۱۰۲.

افراد دیگری را به عنوان وکلای امام نام می‌برد که ظاهراً در اموری خاص، وکالت داشتند.

همان‌گونه که اشاره شد از جمله وظایف نایبان خاص، از میان بردن تردید درباره وجود امام زمان (عج) بود که مهم‌ترین وظیفه آنان نیز به شمار می‌آمد. نایبان خاص از راه‌های مختلف به ویژه از راه دریافت توقیعات آن حضرت و عرضه آنها به شیعیان و دریافت پاسخ‌های پرسش‌های مردم از امام عصر (عج) به این وظیفه مهم خ‌ود عمل می‌کردند. شیخ طوسی و شیخ صدوق، بسیاری از توقیعات و نیز پاسخ‌های امام زمان (عج) به پرسش‌های شیعیان را آورده‌اند.

گستره شیعیان در دوران غیبت صغری

اگر بخواهیم گستره جغرافیایی شیعیان را در قرن سوم که مصادف با عصر غیبت صغری است، تبیین کنیم می‌توانیم این امر را از دو راه بررسی کنیم:

۱. تشکیل دولتهای

فرقه شدن آنها^۱. با گذشت زمان و به تدریج، حقیقت وجود امام زمان (عج) برای شیعیان مشخص شد؛ اما شک و شبهه‌ها به طور کلی برطرف نشد؛ زیرا امام، غایب شده و غیبت او طولانی بوده و این امر در زمانهای گذشته سابقه نداشته است؛ پس در این زمان، دانشمندان و محدثان شیعه، کتابهایی با عنوانهای: الغیبة، الحیرة و کشف الحیرة نوشتند؛ از جمله وظایف نایبان خاص امام زمان (عج) نیز زدودن تردید درباره امام زمان (عج) و اثبات وجود آن حضرت بود.

نایبان خاص که در غیبت صغری، نیابت حضرت را بر عهده داشتند، عبارت‌اند از: ابو عمرو عثمان بن سعید عمری، ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری، ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی، ابو الحسن علی بن محمد سمري. این نایبان خاص، یکی پس از دیگری در میان مردم معرفی شدند و مردم موظف بودند در مسائل و مشکلاتی که برایشان پیش می‌آید به آنان مراجعه کنند. گویا این چهار نفر، سفارت عامه امام دوازدهم را به عهده داشتند؛^۲ اما شیخ طوسی،

۱. للمطبوعات، بیروت، [بتا]، ج ۲، ص ۴۸.

۲. الغیبة، ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، مکتبه نینوی الحدیث، تهران، [بتا]، ص ۲۰۹ تا ۲۱۴.

۳. کمال الدین و اتمام النعمة، محمد بن علی صدوق، تصحیح: علی اکبر غفاری، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، [بتا]، ص ۴۸۲ - ۵۲۲؛ الغیبة، طوسی، ص ۱۷۲ - ۱۹۹.

۱. مروج الذهب، مسعودی، مؤسسة الاعلمی، بیروت، ۱۴۱۱ ق، ج ۲، ص ۲۳۲.

۲. أعيان الشیعة، سید محسن امین، دار التعارف

می‌شد.^۳ همان‌گونه که پیش از این نیز اشاره شد، جریان مشارکت شیعیان امامی در دستگاه حکومتی در دوران آخرین امامان شیعه (رو به گسترش گذاشت. در دوران امام یازدهم % و پس از آن در غیبت صغری، ش مار فراوانی از شیعیان در دستگاه عباسی، شغل‌های مهمی به دست آوردند. نکته مهم در این دوران، آن بود که شیعیان با وجود دشواری‌های فراوان، توانستند این قبیل موقعیتها را به دست آورند و جایگاه خویش را در بغداد مستحکم سازند. در این زمان، افزون بر دشمنی عباسیان با شیعیان، شورش‌های شیعیان زیدی، جنبش قرامطه و نیز حرکت اسماعیلیه، خطرهای فراوانی را برای شیعیان امامی به دنبال داشت؛ زیرا به هر حال نام شیعه، میان آنها مشترک بود. با وجود این، شیعیان امامی کوشیدند خود را از این جریانها به دور داشته، سلطه خویش را در بغداد استوار سازند.

شیخ صدوق (اشکالی را از قول مخالفان درباره مسئ له غیبت امام زمان (عج) آورده است و

شیعی در سرزمینهای اسلامی. حکومت علویان در طبرستان حدوداً ۱۰ سال پیش از شروع غیبت صغری در سال ۲۵۰ ق تشکیل شد؛ حکومت فاطمیان در شمال آفریقا در غیبت صغری و حدوداً ۳۶ سال پس از شروع غیبت صغری در سال ۲۹۳ ق تشکیل شد. هم‌چنین سادات حسنی در اواخر قرن سوم، هجرت کردند و حکومت زیدیان یمن را تشکیل دادند. اگرچه این دولتها بر اساس مبانی شیعه امامیه تشکیل نشده بودند، با این حال، وجود این حکومتها نش انگر گسترش تشیع و حاکی از زمینه مناسب برای پذیرش آن در سرزمینهای اسلامی بوده است که اسماعیلیان و زیدیان از آن بهره‌برداري کرده‌اند.

۲. لیست مناطقی که ائمه اطهار (در آنها وکیل داشتند عبارتند از: اهواز، همدان، سیستان، بست، ری، بصره، واسط، بغداد، مصر، یمن، حجاز و مداین. هم‌چنین تا پایان قرن سوم، کوفه، قم و نیشابور مهم‌ترین شهرهای شیعی به شما می‌رفتند و فقه شیعی بر اساس احادیث ائمه اطهار) در آنها تدریس

۱. تاریخ الامم و الملوك، محمد بن جریر طبری، تحقیق: محمد ابو الفضل ابراهیم، دار سویدان، بیروت، ۱۲۸۷ ق، ج ۵، ص ۳۴۵.
۲. تاریخ عصر غیبت، سید مجید پور طباطبایی، مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، [بیت ۱]، ص ۱۱۹.

۳. درسنامه تاریخ تشیع، غلامحسین محرمی، نشر هاجر، قم، ۱۳۹۱ ش، ص ۱۷۸.

۴. حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، رسول جعفریان، انتشارات انصاریان، قم، ۱۳۷۹ ش، ص ۵۹۴.

جعفریان، گزارشی از این رساله در کتابی، به نام «دین و سیاست در دوره صفوی» و در گفتار نخست آن، تحت عنوان «مبانی فقهی مشارکت علما در دولت صفوی» آورده است.

عصر غیبت کبری

در عصر غیبت کبری نمی‌توان نقش حکومت‌های شیعی را در گسترش تشیع، نادیده گرفت. مقارن غیبت صغری و شروع سأل‌های آغاز غیبت کبری، حکومت شیعی فاطمی در مغرب و مصر، شکل گرفت و تا دو قرن و نیم ادامه یافت. این حکومت، اسماعیلی بود؛ ولی بستر گرایش به سوی تشیع امامی را آماده کرد. در همین زمان، حکومت شیعی امامی حمدانیان در شمال عراق و سوریه روی کار آمد و حاکمانی خوش‌نام، ادب‌پرور و علم‌دوست داشت که مایه روی آوردن مردمان آن سامان به تشیع بودند. عالمان بسیاری با پشتیبانی آنان به نشر تشیع می‌پرداختند.

بعد از آنها حکمرانی آل بویه، قدرتمندترین حکومت شیعی امامی در قلمروهای ایران و عراق شکل گرفت. حکومت ایشان حدود ۱۵۰ سال ادامه یافت و بهترین و بیشترین بستر را برای گسترش کیفی و کمی تشیع فراهم آورد و بسیاری از عالمان شیعه در این زمان پدید آمدند و شیعه از سفره علمی گسترده شده در آن زمان، تا

آن اینکه چرا امامان در دوران اموی که فشار شدیدتر بود، غیبت نکردند؛ اما در دورانی که شیعیان، فراوان شدند و به واسطه دوستی با بزرگان دولتی و صاحبان قدرت، قدرت و شوکت ی یافتند، مسئله غیبت پیش آمد؟ در این نقل، به طور تلویحی به نفوذ سیاسی شیعیان در این دوره اشاره شده است. پاسخ شیخ صدوق آن است که آن زمان، حرکت امامان سیاسی نبوده و بحث قیام سیف برای امامان شیعه (در کار نبود؛ اما درباره امام زمان (عج) مسئله قائم بودن و قیام به سیف، مطرح بود و به همین دلیل، خطر از این ناحیه، بسیار پیش بینی می‌شد.

آنچه قابل تأمل است اینکه شیعه از یک سو حکومت عباسیان را نامشروع می‌دانستند و از سوی دیگر در حکومت آنها تا حد وزارت پیش رفتند. این مسئله‌ای است که از دیرباز در فقه سیاسی شیعه مورد توجه بوده است. افزون بر این، عبارات فراوانی در کتاب‌های فقها در این باره آمده است؛ برای نمونه سید مرتضی، رساله‌ای خاص در این باره با عنوان «مسئله فی العمل مع السلطان» تألیف کرده است. رسول

۱. کمال الدین و تمام النعمة، محمد بن علی صدوق، ص ۴۵.

حوزه بغداد

وجود مرقد مطهر امام هفتم و همچنین امام نهم در جانب غربی بغداد که به کاظمین مشهور است، سبب مسافرت علمای شیعه و اسکان در این شهر بود. با مهاجرت و اسکان عده ای از شیعیان در بغداد، برخی محلات شهر، رنگ شیعی به خود گرفت که از جمله می توان به محله کرخ اشاره کرد که در قرن سوم و چهارم از مراکز اصلی فرهنگ تشیع به حساب می آید. مقدسی که در اواخر قرن چهارم از بغداد دیدار کرده، از شیعه و حنابله به عنوان فِرَق غالب آن شهر یاد می کند.

حوزه بغداد،

دانشمندان بسیاری را به خود دیده است. نجاشی و طوسی، شرح حال برخی راویان از ائمه را با عنوان «بغدادی» آورده اند. ریاست حوزه بغداد بر عهده بزرگان شیعه بود. دانشمندانی همچون ابن قولویه، شیخ مفید، شریف رضی، شریف

هم اکنون، بهره مند است. منابع اصیل شیعه مربوط به آن دوران است. البته گرایش مغولان به تشیع در زمان الجایت و تحت تأثیر علامه حلی، مدت اندکی بوده است؛ ولی به جهت گستردگی قلمرو آنان و جدیت حاکم مغولی در رسمی کردن مذهب شیعه در قلمرو ایران و عمق توسعۀ تعالیم علامه حلی، تأثیر زیادی در گسترش تشیع داشته است. بی شک نمی توان نقش دولت صفویه را در یکپارچگی تشیع در ایران و نقش تاسیسی آنان درباره مؤسّسات حوزوی و دینی منکر شد. امام زمان (عج) در نامه ای تکلیف شیعیان را در دوران غیبت کبری مشخص کرد. آن حضرت در توقیع و نوشته ای به نایب خاص خود (در دوران غیبت صغری) یعنی محمد بن عثمان عمّری درباره حوادث و اتفاقاتی که ممکن است در زمان غیبت کبری رخ دهد، ضمن ارجاع مردم به راویان حدیث امامان، آنان را بر مردم حجّت قرار داده است؛ هم چنان که خود حضرت، حجّت خداوند بر آنان است.^۳

یکی از دلایل مهم گسترش تشیع در عصر غیبت کبری وجود حوزه های علمیة پرونق شیعه در کشورهای اسلامی است که در این بخش به اختصار به آن اشاره می کنیم:

۱. سلطان محمد خدابنده از ایلخانان مغول
۲. همان، ص ۴۸۴.

۳. تاریخ تشیع ۱ و ۲، سید احمد رضا خضری و گروه مؤلفان، سمت، تهران، ۱۳۸۵ ش، ج ۲، ص ۲۲۰.

۴. احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، محمد بن احمد مقدسی، ترجمه علی بن منزوی، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، تهران، ۱۳۶۱ ش، ص ۱۲۶.

۵. فهرست اسماء مصنفی الشیعة، نجاشی، تحقیق: سید موسی شبیری زنجان، دفتر انتشارات اسلامی، قم ۱۴۰۷ ق، ص ۳۹۳، ش ۱۰۵۱.

کتابخانہ بسیار مهم
شخصی او کہ اغلب منابع
و مدارک مهم فقہی و
کلامی و ہم چنین سایر
رشته های علوم اسلامی را
دارا بود نابود شدند .
هم چنین کتابخانہ عظیم
شاهپور نابود و بہ مال
و جان مردم تعرض شد، و
بساط عظیم و گستردہ
دانش با ہجرت شیخ طوسی
بہ نجف اشرف بہ این شہر
مقدس انتقال یافت.

حوزه نجف اشرف

شیخ طوسی در سال
۴۴۸ ق با ہجرت از
بغداد بہ نجف اشرف،
نشاط علمی فراوانی بہ
حوزه های علمیه این شہر
مقدس داد . عمدہ دروسی
را کہ شیخ طوسی (در
کتاب «الأمالی» برای
دانشجویان املا کردہ در
نجف اشرف بودہ است . پس
از رحلت شیخ طوسی)
فعالیتہای علمی، عمدتاً
از نجف اشرف بہ حلہ
منتقل شد . حوزه علمیه
نجف، مختصّ تعلیم علوم
شیعی بود و دیگر مذاہب
در این حوزه، کرسی
تدریس نداشتند و دروسی
ہمچون: فقہ، اصول فقہ،
تفسیر، حدیث، علم رجال،
فلسفہ، کلام، صرف و نحو،
بلاغت، منطق، ریاضیات و
حساب نیز در آن تدریس
شد.

از بزرگانہی کہ
این حوزه بہ فعالیت
علمی پرداختند می توان
علمای زیر را نام برد :
شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق)،

مرتضی و شیخ طوسی یکی
پس از دیگری، ریاست
حوزه بغداد را بر عہدہ
داشتند، از جملہ مظاهر
رونق حوزه علمی ہ شیعیہ
در بغداد، کتابخانہ های
بودہ کہ بہ دست علما و
شخصیتہای بزرگ شیعی
تأسیس شدہ بود کہ
می توان بہ کتابخانہ های
ذیل اشارہ کرد:

کتابخانہ ہشتاد ہزار
جلدی علم الہدی ،
کتابخانہ سید رضی کہ
عموم طلاب از آن استفادہ
می کردند ، کتابخانہ
شاهپور دیلمی کہ متعلق
بہ ابونصر شاهپور فرزند
عضد الدولہ یکی از
شاہزادگان دانشمند و
دانش پرور آل بویہ و از
دوستاناران اہلبیت) بود
و در سال ۳۸۱ ق در محلہ
بین السورین بغداد،
کتابخانہ خود را تأسیس
نمود کہ در آن
کتابخانہ، دہ ہزار و
چہارصد جلد کتاب نفیس
موجود بود. رشد و کمال
و حتی موجودی ت دانش،
علم، تحقیق و کتاب در
کرخ تا سال ۴۴۸ و ۴۴۹ ق
ادامہ یافت؛ اما در این
سالها با ورود طغرل،
اولین پادشاہ سلجوقی و
لشکریان او، آتش تعصب
کور ترکان سلجوقی و
حنبلیان بغداد، ہمہ چیز
را نابود کرد و کرسی
رسمی تدریس شیخ طوسی و

۱. درسنامہ تاریخ تشیع،

محرمی، ص ۲۸۵.

۲. همان، ص ۵۷۵.

۳. الکامل فی التاریخ، ابن

اثیر، دار صادر، بیروت،

۱۴۰۲ق، ج ۷، ص ۳۲۴.

۴. همان، ص ۳۲۴، و ج ۸، ص
۸۸.

فاضل مقداد (م ۸۲۶ق) و محمدکاظم خراسانی (م ۱۳۲۹ ق).
حوزه حله
 شکوفایی این حوزه پس از سقوط بغداد به دست هلاکوخان است. در این دوره، تحریک علمی بغداد و نجف به حله منتقل شد. از قرن ششم تا هشتم، دانشمندان بسیاری از این حوزه برخاسته‌اند که از جمله آنها می‌توان به ابن ادریس، محقق حلی، علامه حلی و فخر المحققین اشاره کرد. شیخ آقا بزرگ تهرانی نام ۳۴ نفر از دانشمندان حلی قرن هفتم و ۳۸ نفر از دانشمندان حلی قرن هشتم را ذکر کرده است.

مشایخ قم است. قم در قرن ۵ و ۶ (دوره سلجوقیان) مرکزی بزرگ برای فقها و علمای شیعه بوده و عده‌ای برای تحصیل به این شهر می‌آمدند. این حوزه شیعی در قرن سوم و اوایل قرن چهارم، دارای سیطره علمی مهمی در حوزه جهان تشیع بوده است؛ به نحوی که حسین بن روح نوبختی (سومین نایب خاص امام زمان (عج)) برای تعیین میزان صحت احادیث کتاب التادیب، آن را نزد محدثان قم ارسال می‌دارد.

حوزه ری
 شه ری را می‌توان یکی از حوزه‌های علمیه شیعه در عصر ائمه تا قرن پنجم به شمار آورد. این شهر با احتساب ۴ صحابی، بعد از شهر قم با حدود ۱۴۰ صحابی، بالاترین ارتباط و پیوند را با ائمه (در سرزمینهای شرقی خلافت دارا است). برخی از محدثان و علمای امامی ری در قرون اولیه اسلامی به ترتیب حروف الفبا، بدین شرح است: ۱. ابراهیم بن علی بن عیسی رازی (ق ۴)؛ ۲. ابو طیب رازی (ق ۴)؛ ۳. ابوعلی احمد بن علی بن ابراهیم بن هاشم بن خلیل قمی (ق ۴)؛ ۴.

بزرگترین محدثان و فقهای شیعه امامیه از زمان غیبت کبری (۳۲۹ ق) تا اول قرن پنجم در شهر قم و ری زندگی می‌کردند و کتابهای حدیثی مهمی تألیف کردند. علمایی همچون: کلینی (م ۳۲۸ ق)، علی بن حسین بن بابویه، پدر شیخ صدوق (م ۳۲۹ ق)، ابن قولویه (م ۳۶۹ ق)، شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) و محمد بن حسن صفار، در این قرن، تلاشهای علمی بسیاری در قم انجام دادند و عمده روایات کلینی در کتاب «الکافی»، مأخوذ از

طبقات اعلام الشيعة، محمد حسن آقا بزرگ تهرانی، محقق علی‌نقی منزوی، اسماعیلیان، قم، [بتا]، ج ۳، ص ۵۶ و ۶۲.

۲. تاریخ تشیع ۱ و ۲، خضری و دیگران، ج ۲، ص ۳۲۴.
 ۳. الغیبة، طوسی، ص ۳۹۰.
 ۴. درسنامه تاریخ تشیع، محرمی، ص ۲۸۸.

وف ادارہ امیرالمؤمنین % می‌رسد. شهید اول پس از رسیدن به قله علوم و هرم معارف، حوزه علمیه جزین را در زادگاه خود تاسیس و شاگردان بسیاری در آن مهد تشیع تربیت کرد. از شهید اول، آثار علمی بسیاری بر جای مانده که از مشهورترین آنها، اربعین، الفیه، دروس، ذکری و لمعه است از مناطق علمی جبل عامل، منطقه جباع است که زین الدین بن علی مشهور به «شهید ثانی» از آنجا است. بعد از جزین جباع، کهن ترین مرکز علمی در جبل عامل بوده است. حضور شهید ثانی در جباع، باعث تاسیس حوزه ای نیرومند در آن منطقه و ورود طلاب و علاقه‌مندان بسیاری به آنجا شد.

صاحب اعیان الشیعه، بی‌ش از پنجاه تن از فرهیختگان حوزه علمیه جباع را برشمرده است که برخی از این شخصیت‌های علمی عبارت‌اند از: شیخ بهایی، شیخ حرّ عاملی، کفعمی، صاحب معالم و صاحب مدارک. گسترش علم و حضور فقها در جبل عامل به‌گونه ای بود که قاضی نور الله شوشتري درباره آن می‌فرماید: «هی‌چ قریه ای از جبل عامل نیست که جمعی از فقها و فضلاء

ابومحمد حسن بن احمد بن محمد بن هیثم عج لی (ق ۴)؛ ۵. ابو القاسم عبد العظیم بن عبد الله بن علی بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب % (ق ۳)؛ ۶. علاء بن حسن رازی (ق ۳)؛ ۷. ابو الحسن علی بن محمد بن ابراهیم بن ابان کلینی (ق ۳ و ۴)؛ ۸. ابو جعفر محمد بن عبد الرحمان بن قبه رازی (ق ۴)؛ ۹. ابو جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی (ق ۳ و ۴). شیخ کلینی، مؤلف کتاب الکافی است که از ارکان چهارگانه حدیث شیعه است. ایشان ثقه، شیخ و بزرگ امامیه در زمان خود و در علم حدیث، موثق ترین و در ثبت آن دقیق ترین فرد بوده است.

حوزه جبل عامل

مشهور است که اهل جبل عامل به دست ابوذر به تشیع گرویدند. او به شام تبعید و پس از درگیری با معاویه تبعید شد؛ پس به نشر فضایل اهل بیت (پرداخت و اهالی جبل به دست او به تشیع گرویدند).^۱ ابو عبد الله شمس الدین محمد بن جمال الدین مکی، مشهور به «شهید اول» در سال ۷۳۴ ق در جزین متولد شد. نسب او به حارث همدانی، یار

۳. الشیعة و فنون الاسلام، سید حسن صدر، [بی‌تا]، لبنان، ۱۳۳۱ ق، ص ۳۶۵.
۴. درسنامه تاریخ تشیع، محرمی، ص ۳۰۳ و ۳۰۴.

۱. اختیار معرفة الرجال، محمد بن حسن طوسی، مؤسسة آل البيت، قم، ۱۴۰۴ ق، ص ۴۹۵.
۲. اعیان الشیعة، سید محسن امین، ج ۴، ص ۲۳۸.

امامیه در آنجا
نباشند.

شاه اسماعیل صفوی،
بنیان‌گذار صفویان،
هنگامی که شیعه را مذهب
رسمی کشور اعلام کرد، به
شماری از علمای برجسته
شیعی در سطح بسیار بالا
احساس نیاز کرد، از این
رو به دعوت وی، شماری
از علمای جبل عامل به
اصفهان مهاجرت کردند که
ذکر نام برخی از آنان
در بخش حوزه اصفهان
خواهد آمد.

حوزه اصفهان

یکی از نشانه‌های
تشیع اصفهان در عهد
اولجایتو (م ۷۱۶ ق)،
محراب زیبای اولجایتو
در مسجد جامع این شهر
است که نام مبارک
دوازده امام بر آن نقش
بسته است. نمونه دیگر،
بقعه پیرپیکران در قریه
بکران در سی کیلومتری
جنوب غرب اصفهان است که
در آنجا نام دوازده
امام بر کتیبه گچی آن
دیده می‌شود.

دوران صفویه، یکی از
پررونق‌ترین دوره‌های
حوزه علمیه اصفهان است
و با دعوت علما و
دانشمندان جبل عامل به
ایران و مرکزیت یافتن
اصفهان در عهد صفوی،
حوزه علمیه اصفهان به
اوج شکوفایی رسید؛ از
جمله دانشمندانی که از
جبل عامل به اصفهان
آمدند، عبارت‌اند از: ۱.

علی بن عبد العالی کرکی
(۸۷۰ - ۹۴۰ ق)؛ ۲. علی
بن هلال کرکی (م ۹۹۳ ق)؛
۳. حسین بن عبد الصمد
جباعی (۹۱۸ - ۹۴۸ ق)؛
۴. بهاء الدین عاملی
(شیخ بهایی) (۹۵۳ -
۱۰۳۰ ق).

درخشش حوزه فلسفی

اصفهان به عصر
میرداماد، شیخ بهایی و
صدر المتألهین شیرازی
می‌رسد که در زمان حکومت
صفویان، حوزه اصفهان را
اداره می‌کردند. با
مهاجرت صدر المتألهین
از اصفهان به قم در
حوزه فلسفی اصفهان،
وقفه‌ای پیش آمد که سبب
رکود علوم عقلی در این
شهر شد. البته دیگر
شاگردان میرداماد، مکتب
فلسفی را در اصفهان تا
قرن سیزدهم ادامه
دادند؛ اما حوزه قم با
برخورداری از استاد
فرزانه‌ای چون صدر
المتألهین شیرازی و
شاگردان مبرزش، پام‌دار
حکمت متعالیه شد.

حوزه بحرین

منطقه بحرین از
دیرباز، یکی از حوزه‌های
مهم شیعی بوده است.
مسلمانان از نقاط مختلف
برای دانش‌اندوزی به این
سرزمین مهاجرت
می‌کرده‌اند. تشیع مردم
بحرین و نواحی آن، مثل
قطیف و احساء همچنان که
شیخ قاضی نور الله شوشتری
نیز در مجالس المؤمنین
به آن اشاره می‌کند، از

۱. مجالس المؤمنین، قاضی
نور الله شوشتری، کتاب فروشی
اسلامیه، [بج]، [بتا]، ج
۱، ص ۷۷.

۲. درسنامه تاریخ تشیع،
محرّمی، ص ۳۱۲ - ۳۱۵.

برای کسب علم در نجف اشرف زندگی کرده و از مشایخ حدیث مانند علامه شیخ فخر الدین طریحی (اجازہ نقل حدیث، گرفته است).

تألیفات بسیار مرحوم سید ہاشم بحرانی بر احاطہ و تتبع بی نظیر آن بزرگوار در جمع احادیث فري قین دلالت دارد کہ برخی از آنها عبارتاند از: ۱. اثبات الوصیة؛ ۲. اجتماع المخالفین علی امامة

امیرالمؤمنین %؛ ۳. ارشاد المسترشدين؛ ۴. الانصاف في النص علي الائمة الاثني عشر؛ ۵. ايضاح المس ترشدين في تراجم الراجعين الي ولاية اميرالمؤمنين % و

از دیگر عالمان بزرگ بحرین می توان به بزرگانی همچون شیخ علامہ بحرانی (م ۳۰۸ ق) ابن شریف اکمل بحرانی (م ۶۰۵ ق)، قوام الدین محمد بن محمد بحرانی (م ۵۶۳ ق)، کمال الدین احمد بن علی بن سعد بن سعاده بحرانی (م ۶۲۷ ق)، شیخ علی بن سلیمان بحرانی (م ۶۹۹ ق)، سیدہاشم توبلی بحرانی صاحب تفسیر بزرگ البرهان و شیخ سلیمان ماحوزی مشهور به محقق بحرانی اشاره کرد. نقش انقلاب اسلامی ایران در گسترش تشیع در عصر غیبت کبری

بدون شك يکي از عوامل گسترش تشیع در عصر غیبت کبری، انقلاب

دیرباز بوده و از جمله علت‌ها ي این گرایش به تشیع را می توان حضور ابان بن سعید به عنوان عامل حکومت در صدر اسلام در این منطقه دانست؛ زیرا او از دوستان و پیروان امیر المؤمنین % بود. همچنین عمر بن ابی سلمه، فرزند ام سلمه همسر رسول اکرم- (که از شیعیان بوده) در آنجا سمت عاملیت داشته و تشیع را رواج داد.

بعد از قرن سوم به دانشمندان زیادی از بحرین برمی خوریم که هر يك باعث گسترش دانش شده اند؛ از جمله: ابن میثم بحرانی (م ۶۷۹ ق) که تألیفات فراوانی دارد؛ مانند: ۱. شرح نهج البلاغه (کبیر، متوسط و مختصر) که در میان شروح متعدد نهج البلاغه، شرح ابن میثم از لحاظ ارائه نظریات دقیق و طرح مباحث اعتقادی و

تاریخی، برجسته است؛ ۲. القواعد في علم الکلام معروف به قواعد المرام؛ ۳. شرح اشارات؛ ۴. البحر الخضم (در دین شناسی)؛ ۵. المعراج السماوي در عرفان.

همچنین علامه سید هاشم بحرانی که نام ایشان سید هاشم بن سلیمان بن اسماعیل عبد بن جواد بن علی بن سلیمان بن ناصر حسینی توبلی بحرانی است. توبل، نام قسمتی از جزیره بحرین است. سید هاشم مدتی را

شیعیان سایر کشورها مانند عراق و نیز شیعیان خوجه، فعالیت زیاده‌ای در تبلیغ تشیع داشته‌اند. پس از تحولات عراق، آوارگی شیعیان فرهیخته آن کشور نیز، سبب رشد و گسترش تشیع در جهان شده است. هم‌چنین برخی از نهادهای دینی وابسته به مرجعیت شیعه در عراق که امروزه مراکزی در لندن یا آمریکا دارد، در این کار، تلاش زیادی انجام داده است.

ناگفته پیداست که پس از انقلاب اسلامی، تحقیقات شیعه‌شناسی در میان مؤسسات پژوهشی غرب، جایگاه ویژه‌ای یافته و پژوهشهای جدیدی درباره آن صورت گرفت. این را نیز باید ناشی از امواج گسترده انقلاب اسلامی ایران دانست.

جمع‌بندی

از بررسی سیر تاریخ تشیع می‌توان به نتایج زیر دست یافت:

۱. شیعه در اصطلاح به مسلمانانی گفته می‌شود که معتقدند امامت امیرالمؤمنین % از سوی پیامبر اکرم - منصوص بوده و امامت، جز به ظلم از علی % و اولاد او خارج نمی‌شود. شروع تشیع از زمان پیامبر- بوده و ایشان پیروان امیرالمؤمنین % را

اسلامی ایران بوده است که به لحاظ اسلامیت، بیش از هر حرکت دیگری در جهان، در پی بسط اندیشه‌های انقلابی خود در فراسوی مرزهای ملی نیز بود. هر چند که تشیع در دوران صفویه، مذهب رسمی ایران شد؛ اما به برکت انقلاب اسلامی، تشیع به اقصای نقاط عالم منتقل شد. به طور طبیعی، اعتبار شخصی امام خمینی!

موضع گیریهای ضد استعماری و اصولاً ضد سلطه بر جهان اسلام برای بسیاری از مسلمانان، جاذبه ایجاد کرده است. استاد رسول جعفریان درباره نشر تشیع می‌نویسد: پس از انقلاب اسلامی، مؤسسات فراوانی در ایران، نشر تشیع را بر عهده گرفت ه‌اند و هم‌زمان در نشر افکار انقلابی و شیعی، فعالیت کرده و می‌کنند... . هم‌چنین مدارس و نهادهای آموزشی زیادی برای تبلیغ اسلام و تشیع در کشورهای اسلامی مختلف ایجاد شده است.

گفتنی است که در برخی از کشورها، مانند مالزی یا اندونزی و حتی برخی از کشورهای آفریقایی در گذشته هیچ شیعه‌ای وجود نداشت یا دست کم میان بومیان، شیعه‌ای نبود؛ اما اکنون شمار فراوانی از شیعیان وجود دارد. البته نمی‌توان همه شیعه‌شدگان را به انقلاب اسلامی نسبت داد. باید توجه داشت که

۱. مقالات تاریخی، رسول جعفریان، الهادی، قم، ۱۳۷۸ ش، دفتر پنجم، ص ۲۳۸ و ۲۳۹.

تشیع در دوران عباسیان،
گسترش بیشتری داشت.

۶. مردم در عصر غیبت

صغری به حیرت

(سرگردانی) فرو رفتند و

در این عصر که به عصر

حیرت معروف شد، درباره

امامشان تردید جدی

داشتند تا اینکه علما

کتابهایی به عنوان

الغیبة و الحیرة و کشف

الحیرة نوشتند .

سرانجام علما توانستند

به تدریج، حیرت مردم را

برطرف کنند.

۷. سرانجام تشیع در

قرن چهارم هجری به اوج

رشد و گسترش خود رسید و

دولتهای شیعی زیدی،

اسماعیلی و آل بویه و

حمدانیان تشکیل شد . در

عصر غیبت کبری حوزه های

علمیه بغداد، قم، نجف

اشرف، حله، جبل عامل،

ری، اصفهان و بحرین،

کانون علم و فقاہت شد و

انقلاب اسلامی ایران به

رهبری امام خمینی! نقش

بسیار مهمی را در ترویج

تشیع ایفا کرد.

شیعه، نام نهاد.

۲. نخستین شیعیان،

از صحابیان بزرگوار

پیامبر- بودند و عده ای

از اصحاب در زمان

پیامبر- به شیعه علی %

معروف بودند.

۳. شیعه، در

احتجاجات کلامی که در

مقاطعی چون سقیفه و ...

در مقابل کارگردانان

دستگاه خلافت داشت، در

زمان خلفای اولیه به

حالت مدارا با دستگاه

خلافت برخورد کرد و

دورادور، با آنان

همکاری می کرد؛ اما در

دوره خلافت

امیرالمؤمنین % تظاهر

به تشیع از خصوصیات

شیعیان بود.

۴. در دوران ظلم و

جور بنی امیه، شیعیان بر

اثر فشارهایی که بر

آنان وارد می شد به

مناطق گوناگون

سرزمینهای اسلامی مهاجرت

می کردند و سبب گسترش

تشیع می شدند.

۵. دعوت عباسیان از

سال ۱۱۱ ق شروع شد و از

آن زمان، بنی امیه در

صدد سرکوب کردن قیام

عباسیان بودند . این

زمان که مصادف با دوران

امامت امام باقر و امام

صادق بود، دوران آزادی

نسبی برای شیعیان به

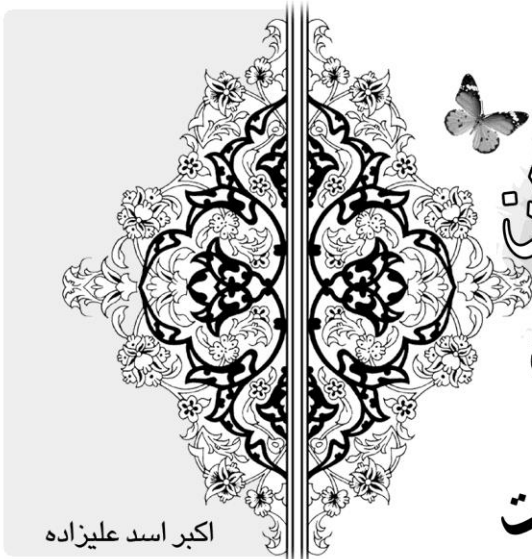
شمار می آید . این دو

امام به تربیت شاگردان

پرداختند و فقیهان و

متکلمان بسیاری از محضر

ایشان بهره جستند و



اکبر اسد علیزاده

سیمای مؤمنان در عالم آخرت از نگاه آیات و روایات

۲

است از جانب خدا...
مخصوصاً نمازهایی چون
عشاء، صبح و نافله شب که
در تاریکی اقامه
می‌شوند، در قیامت و
مراحل مختلف آن و حتی
در همین دنیا ایجاد
نورانیت می‌کنند.
نماز شب

امیرالمؤمنین علی %
فرمود: «وَمَنْ صَلَّى سُبْحًا
لَيْلَةً خَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ يَوْمَ
يُبْعَثُ وَوَجْهُهُ كَالْقَمَرِ
لَيْلَةَ الْبَدْرِ» کسی که یک
هفتم شب را نماز
بخواند، در روز مبعوث
شدن [برای قیامت] در
حالی از قبرش خارج
می‌شود که چهره او
همانند ماه شب چهاردهم
نورانی است.»
در روایت آمده است:

در شماره ۱۷۷
ماهنامه مبلغان
(رجب المرجب) به موضوع
«سیمای مؤمنان در عالم
آخرت» پرداخته شد و در
آن به برخی عوامل
نورانیت چهره در عالم
آخرت، همچون: «ذکر لا
إله الا الله»، «اعتقاد به
ولایت امیرالمؤمنین %»،
«تبلیغ و حفاظت از مکتب
اهلبیت»، «وضو گرفتن»،
و... اشاره شد؛ اکنون
ادامه این مقاله ارائه
می‌گردد.

۸. نماز گزاردن

نماز، چه واجب و چه
مستحب، خود نور است و
نمازگزار را نورانی
می‌کند، چنانکه پیامبر
اکرم - فرمود: «الصَّلَاةُ
نُورٌ الْمُؤْمِنِ وَالصَّلَاةُ
نُورٌ مِنَ اللَّهِ» نماز نور

۲. اُمالی، شیخ صدوق، نشر
کتابچی، تهران، ۱۳۷۶ ش، ص
۲۹۲، مجلس ۴۸؛ ثواب الاعمال
و عقاب الاعمال، شیخ صدوق،
دار الشریف الرضی، قم، ۱۴۰۶ ق
ص ۴۳.

۱. مستدرک الوسائل، محدث
نوری، مؤسسه آل‌البیت، قم،
۱۴۰۸ ق، ج ۳، ص ۹۲، ح ۲۹-
باب نوادر ما يتعلق بأعداد
الفرأ.

کند «جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
وَوَجْهُهُ كَالْقَمَرِ لَيْلَةً
الْبَدْرِ»؛^۳ روز قیامت در
حالی وارد محشر می شود
که چهره اش همانند ماه
شب چهاردهم می درخشد.»
نمازهای مستحبی ماه های
رجب، شعبان و رمضان
از رسول خدا- و ائمه
طاهرین) روایات متعددی
وارد شده است که نماز و
عبادت در شبهای ماه های
رجب، شعبان و رمضان
باعث نورانیّت چهره مؤمن
در عالم آخرت می شود و
آنان در حالی از قبر بر
می خیزند که از
چهره هایشان نور متألّی
است و تمام اهل محشر را
نور آنها فرا می گیرد.

زمان و کیفیت
نمازهای یاد شده به
عبارت زیر است:
۱. صد رکعت نماز در
شب چهارم ماه رجب به
صورت دو رکعت؛ رکعت اول
پس از حمد سوره فلق و
در رکعت دوم پس از حمد،
سوره ناس یک بار خوانده
شود.
۲. پنجاه رکعت در شب
پانزدهم؛ در هر رکعت پس
از حمد، توحید، فلق و
ناس، هر کدام یک بار.
۳. سی رکعت در شب
شانزدهم و هفدهم؛ در

حضرت موسی% به خدا عرض
کرد: خدایا! پاداش کسی
که در تاریکی شب به
دنبال اطاعت و عبادت تو
رود، چیست؟ «قَالَ أَوْجِبُ
لَهُ النُّورَ الدَّائِمَةَ يَوْمَ
الْقِيَامَةِ إِنْ لَهُ مِنْ
الْحَسَنَاتِ بَعْدُ كُلِّ شَيْءٍ
مَرَّ عَلَيْهِ سَوَادُ اللَّيْلِ وَ
ضَوْءُ النَّهَارِ وَ نُورُ
الْكَوَاكِبِ»؛ خداوند

فرمود: برای او در روز
قیامت، نور دائم قرار
می دهد و به تعداد هر چه
که سیاهی شب و نور ماه
و ستارگان بر آن گذشته،
برای او حسنات نوشته
می شود.»
نماز شب یکشنبهها

پیامبر اکرم- فرمود:
کسی که شب یکشنبه چهار
رکعت نماز بخواند و در
هر رکعت پس از حمد، آیت
الکرسی، سوره اعلی و
توحید را قرائت نماید:
«جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ
وَجْهُهُ كَالْقَمَرِ لَيْلَةً
الْبَدْرِ»؛^۲ روز قیامت در
حالی وارد محشر می شود
که چهره اش همانند ماه
شب چهاردهم می درخشد.»
در روایت دیگر

می فرماید: کسی که در شب
یکشنبه دو رکعت بخواند
و در هر رکعت سوره حمد
و آیت الکرسی و سوره
توحید را یک بار قرائت

۳. البلد الأمين و الدرع
إلحصین، کفعمی، مؤسسه
اعلمی، بیروت، ۱۴۱۸ ق، ص
۱۴۸؛ المصباح، کفعمی،
دارالرضی، قم، ۱۴۰۵ ق، ص
۴۰۶.
۴. الإقبال بالأعمال الحسنة،
علی بن موسی بن طاووس، دفتر
تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۶ ش،
ج ۲، ص ۶۵۰.
۵. همان، ج ۲، ص ۶۵۸.
۶. همان، ص ۶۶۴.

۱. فضائل الأشهر الثلاثة، شیخ
صدوق، کتابفروشی دآوری، قم،
۱۳۹۶ ق، ص ۸۹ - ۸۸، ج ۶۸؛
بحار الأنوار، محمد باقر
مجلسی، دار احیاء التراث
العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق، ج
۶۶، ص ۴۱۴، باب ۳۸، ج ۱۳۱.
۲. مصباح المتهدد، شیخ
طوسی، مؤسسه فقه الشیعه،
بیروت، ۱۴۱۱ ق، ج ۱، ص ۲۵۲.

الْلَامِعِ فِي أَوَّلِ رُؤْمَرَةٍ مَعَ
السَّائِقِينَ وَ وَجْهَهُ أَضْوَاءُ
مِنَ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ؛^۸

کسی که مواظب نماز
جماعت باشد (پیوسته در
نماز جماعت شرکت کند)
جزء اولین گروهی است که
مثل برق جهنده از پل
صراط عبور می‌کند، و در
گروه پیشتازان باشد در
حالی که چهره او بیشتر
از ماه شب چهاردهم
می‌درخشد.

۹. روزه داشتن

الف) روزه ماه رمضان

پیامبر اکرم - فرمود:
کسی که ماه رمضان را
روزه بگیرد، خدای عزیز
و بزرگ مونس را به جهت
امان از وحشت قبر بر او
قرار می‌دهد، «و خَرَجَ مِنْ
قَبْرِهِ مَبْيُضًا وَجْهَهُ؛^۹ و
در (روز قیامت) در حالی
از قبر خارج می‌گردد که
صورتش سفید [و درخشان]
است.»

ب) روزه ماه رجب

پیامبر اکرم - فرمود:
کسی که پنج روز از ماه
رجب را روزه بگیرد، در
روز قیامت مبعوث شود در
حالی که صورتش همچون
ماه شب چهارده می‌درخشد،
و کسی که شش روز از ماه
رجب را روزه بگیرد، از
قبرش خارج می‌شود، در
حالی که صورتش نوری
دارد که درخشش و سفیدیش
برتر از نور خورشید است
و غیر از این، نوری به
او عطا می‌شود که تمام

هر رکعت پس از حمد
پایزده بار سوره توحید
قرائت شود.

۴. صد رکعت در شب
اول ماه شعبان؛ مانند
نماز صبح.

۵. چهار رکعت در شب
ششم؛ در هر رکعت پس از
حمد پنج بار سوره
توحید.

۶. چهار رکعت در شب
چهاردهم؛ در هر رکعت پس
از حمد پنج بار سوره
عصر.

۷. سی رکعت در شب
بیست و سوم؛ در هر رکعت
پس از حمد یک بار سوره
زلزال.

۸. چهار رکعت در شب
بیست و هشتم؛ در هر
رکعت پس از حمد سوره‌های
فلق، ناس و توحید هر
کدام یک بار.

رسول خدا - فرمود:
کسی که شب بیست و سوم
ماه مبارک رمضان را
احیا نگهدارد و در آن
صد رکعت نماز بخواند،
«خَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ وَ نَوْرُهُ
يَتَلَّأَلُ لِأَهْلِ الْجَمْعِ؛^{۱۰} در
حالی از قبرش خارج
می‌شود که نور او تمام
اهل محشر را فرا
می‌گیرد.»

مواظبت بر نماز جماعت

رسول خدا - فرمود:
«مَنْ حَافِظٌ عَلَى الْجَمَاعَةِ
حَيْثَمَا كَانَ مَرَّ عَلَى
التَّصْرَاطِ كَالْبَرْقِ الْخَاطِفِ

۱. همان، ص ۶۶۵.
۲. همان، ص ۶۸۳.
۳. همان، ص ۶۹۰ و ۶۹۱.
۴. همان، ص ۶۹۳.
۵. همان، ص ۷۲۱.
۶. همان، ص ۷۲۳.
۷. فضائل الأشهر الثلاثة، ص ۱۳۸، ح ۱۴۸.

۸. ثواب الأعمال و عقاب
الأعمال، ص ۲۹۱.
۹. فضائل الأشهر الثلاثة، ص
۶۴، ح ۴۶، و ص ۱۲۴، ح ۱۲۳.

اہل محشر بہ وسیلہ آن نورانی می‌گردند، و کسی کہ ہفت روز از ماہ رجب را روزہ بگیرد، در حالی از قبر خارج می‌شود کہ بر چہرہ اش نوری است، کہ تمام اہل محشر بہ وسیلہ آن نورانی می‌گردند، حتی می‌گویند: این نور نبی مصطفی است.

ج) روزة ماہ شعبان

پیامبر اکرم- فرمود:
«مَنْ صَامَ ثَمَانِيَةَ وَعَشْرِينَ يَوْمًا مِنْ شَعْبَانَ تَهَلَّلَ الْقِيَامَةَ»؛ کسی کہ بیست و ہشت روز از ماہ شعبان را روزہ بگیرد، روز قیامت چہرہ اش براق و درخشان خواهد بود.»

و کسی کہ بیست و سہ روز از شعبان را روزہ بگیرد، «أَتِي بِدَابَّةٍ مِنْ نُورٍ عِنْدَ خُرُوجِهِ مِنْ قَبْرِهِ فَيَرْكَبُهَا طَيَّارًا إِلَى الْجَنَّةِ»؛ هنگام خروج از

۱. «مَنْ صَامَ مِنْ رَجَبٍ خَمْسَةَ أَيَّامٍ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُرْضِيَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيُعْثَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ وَجْهَهُ كَالْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ وَ سَاقَهُ إِلَى أَنْ قِيلَ وَ مَنْ صَامَ مِنْ رَجَبٍ سِتَّةَ أَيَّامٍ خَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ وَ لَوَجْهَهُ نُورٌ يَتَلَأَلُ أَشَدَّ بَيَاضًا مِنْ نُورِ الشَّمْسِ وَ أُعْطِيَ سَوَى ذَلِكَ نُورًا يَسْتَضِي بِهِ أَهْلُ الْجَمْعِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يُعْثَ مِنَ الْأَمِينِ حَتَّى يَمُرَّ عَلَى الصَّرَاطِ بِغَيْرِ حِسَابٍ وَ سَاقَهُ إِلَى أَنْ قِيلَ وَ مِنْ صَامَ مِنْ رَجَبٍ تِسْعَةَ أَيَّامٍ خَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ وَ هُوَ يُنَادِي لِإِلَهِهِ إِلَّا اللَّهُ وَ لَا يُصْرَفُ وَجْهَهُ دُونَ الْجَنَّةِ وَ خَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ لَوَجْهَهُ نُورٌ يَتَلَأَلُ لِأَيُّامِ الْجَمْعِ حَتَّى يَقُولُوا هَذَا نَبِيُّ مُصْطَفَى.»
ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۵۵.

۲. آمالی، شیخ صدوق، ص ۲۳، مجلس ۷.
۳. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۶۳؛ الإقبال

قبر مرکبی از نور برای او می‌آورند سوار آن شده بہ بہشت پرواز می‌نماید.»

۱۰. قرائت قرآن

قرآن، کتاب نور و ہدایت است کہ خواندن و عمل کردن بہ آن باعث نورانیت دل مؤمن و تقرّب او بہ پروردگار متعال است، لذا در روایات متعددی سفارش شدہ کہ با قرآن مانوس شوید؛ چراکہ ہر کدام از سورہ ہای آن آثار معنوی خاص خود را دارد. اثر قرائت برخی از سورہ ہا آن است کہ مؤمن در قیامت با چہرہ نورانی وارد عالم محشر می‌گردد.

پیامبر اکرم- در این رابطہ می‌فرماید: کسی کہ سورۃ قمر را یک روز در میان بخواند «بُعْثَ وَ وَجْهَهُ كَالْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ»؛ روز قیامت در حالی برانگیخته می‌شود کہ صورتش همچون ماہ شب چہاردم می‌درخشد.»

و در روایت دیگر فرمود: ہر کس سورۃ قمر را یک روز در میان بخواند «بُعْثَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ وَجْهَهُ عَلَى صُورَةِ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ وَ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ وَجْهَهُ مُسْفِرًا عَلَى وَجْهِهِ الْخَلَائِقِ»؛ روز قیامت در حالی برانگیخته می‌شود کہ صورتش همچون ماہ در

بالأعمال الحسنة، ج ۳، ص ۳۶۰.

۴. المصباح، کفعمی، ص ۴۴۶.

۵. مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۴، ص ۳۵، باب

۴۴، ح ۸۶.

شب بدر است، و در قیامت نور و روشنایی صورتش بر سایر خلائق برتری دارد.»
و کسی که سوره قیامت

را تلاوت کند، من و جبرئیل در روز قیامت شهادت می دهیم که وی

مؤمن به روز جزا بوده
«وَجَاءَ وَ وَجْهَهُ مُسْفِرٌ
عَلَى وَجْهِهِ الْخَلَائِقُ؛» و

روز قیامت در حالی می آید که نور چهره اش بر سایر مردم برتری دارد.»

و کسی که سوره فجر را در شبهای دهگانه (ده شب اول ذی الحجه)

بخواند، خدا گناهان او را می بخشد، و کسی که در سایر ایام بخواند

«كَانَتْ لَهُ نُورًا فِي الْقِيَامَةِ»؛ در روز قیامت نور و روشنایی خواهد داشت.»

امام صادق% فرمود : کسی که بر خواندن سوره «حم عسق» (شوری) مداومت نماید

«بِعَثَّةِ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ وَجْهَهُ كَالْتَلْجِ أَوْ كَالشَّمْسِ؛» روز قیامت

خدا در حالی او را برمی انگیزاند که مانند برف [سفید] یا خورشید [تابان] است.»

و کسی که سوره واقعه را هر شب قبل از خواب بخواند

«لَقِيَ اللَّهَ وَ وَجْهَهُ كَالْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ؛» در حالی که

چهره اش همانند ماه شب چهاردهم می درخشد، خدا را ملاقات خواهد کرد.»

۱۱. تعلیم قرآن

رسول گرامی اسلام - فرمود : کسی که فرزند خود را بیوسد، خدای عزیز و جلیل برای او

حسنه ای می نویسد و کسی که او را خوشحال کند، خدا او را در قیامت

خوشحال می کند و هر کس به فرزندش قرآن یاد دهد

«دُعِيَ بِالْأَبْوِينِ فَيُكْسِيَانِ حُلَّتَيْنِ يُضِيءُ مِنْ نُورِهِمَا وَجْوهَ أَهْلِ الْجَنَّةِ؛» [روز قیامت]

خوانده می شوند و آنگاه به آنها دو حله نورانی پوشانیده می شود که از نور آن دو، چهره های

بهشتیان نورانی می گردد.»

۱۲. دوستی برای خدا

امام صادق % فرموده : «إِنَّ الْمُتَحَابِّينَ فِي اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ قَدْ أَضَاءَ نُورٌ وَ وَجْوهَهُمْ وَ نُورٌ أَحْسَادِهِمْ وَ نُورٌ مَنَابِرِهِمْ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى يُعْرَفُوا بِهِ فَيُقَالُ هَؤُلَاءِ الْمُتَحَابُّونَ فِي اللَّهِ؛»

کسانی که در راه خدا (و برای خدا) همدیگر را دوست می دارند، روز

مؤسسه آل البیت)، قم، ۱۴۰۹ ق، ج ۶، ص ۱۱۳، ح ۷۴۸۴.

۵. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا، ج ۱، ص ۴۹، باب بز الأولاد، ح ۶.

۶. المحاسن، احمد بن خالد برقی، دار الکتب الاس لامیه، تهران، ۱۳۷۱ ق، ج ۱، ص ۲۶۵، باب ۳۶، ح ۳۲۹؛ الکافی، ج ۲، ص ۱۲۵، باب حب الله ح ۴.

۱. المصباح، کفعمی، ص ۴۴۹.

۲. همان، ص ۴۵۰.

۳. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۱۱۳؛ المصباح

للكفعمی، ص ۴۴۴.

۴. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۱۱۷؛ المصباح

للكفعمی، ص ۴۴۶؛ وسائل

الشیعة، شیخ حر عاملی،

وَجُوهُهُمْ مِنْ نُورٍ وَ رِيَّاشُهُمْ مِنْ نُورٍ جَلُوسٍ عَلَى كِرَاسِيٍّ مِنْ نُورٍ؛

روز قیامت قومی زیر سایه عرش مبعوث می شوند که صورتها و لباس آنان از نور است و بر صندلیهایی از نور نشسته اند. «امام % در ادامه می فرماید: «مردم آنان را تکریم نموده، می پرسند: آیا اینان پیامبران الهی اند؟ پس منادی از پایین عرش ندا دهد که: نه، اینها پیامبر نبوده اند. پس مردم گویند: آیا اینان شهیدان هستند؟ باز منادی از زیر عرش ندا دهد که: نه، اینها از شهدا نبوده اند؛ بلکه اینها مردمی بوده اند که بر مؤمنین آسان می گرفتند و به کسی که نمی توانست بدهی خود را پرداخت کند، مهلت می دادند تا او توانگر شود.»

۱۴. تلاش برای رفاه خانواده

امام باقر % فرمود: کسی که برای بی نیازی از مردم و رفاه خانواده خود، و به جهت نیکی کردن به همسایه تلاش کند و به طلب مال و امکانات زندگی برخیزد «لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ وَجْهَهُ مِثْلُ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ؛^۲ در حالی خدا را

قیامت بر منبرهایی از نور جای دارند که نور چهره و بدن آنها و نور منبرهای آنان هر چیز را روشن کرده است، به گونه ای که با آن نور شناخته می شوند، پس گفته می شود: اینها کسانی هستند که در راه خدا محبت و دوستی داشته اند.»

رسول خدا - فرمود: کسانی که به خاطر خدا همدیگر را دوست می دارند، روز قیامت بر زمینی که از زبرجد سبز و درخشانده است، در کنار عرش الهی ایستاده اند «وَجُوهُهُمْ أَشَدُّ بَيَاضًا وَ أَضْوَاءُ مِنْ الشَّمْسِ الطَّالِعَةِ يَغِيظُهُمْ بِمَنْزِلَتِهِمْ كُلِّ مَلِكٍ مُقَرَّبٍ وَ كُلِّ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ يَقُولُ النَّاسُ مَنْ هَؤُلَاءِ فَيَقَالُ هَؤُلَاءِ الْمُتَحَابُّونَ فِي اللَّهِ؛^۱

صورتها بسیار سفید و نورانی دارند که از نور خورشید درخشانده ترند. ملائکه مقرب و انبیای مرسل به منزلت آنان غبطه می خورند و مردم می پرسند: آنان چه کسانی هستند؟ گفته می شود: اینها کسانی اند که [در دنیا] برای خاطر خدا با هم دوست بودند.»

۱۳. آسان گرفتن بر بدهکار مؤمن

امام باقر % در این باره می فرماید: «يُبْعَثُ قَوْمٌ تَحْتَ ظِلِّ الْعَرْشِ

۲. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۱۴۵؛ وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۳۶۷، ح ۲۳۸۶۲.
۳. تهذیب الأحکام، شیخ طوسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران،

۱. المجاسن، ج ۱، ص ۲۶۴، باب ۳۴، ح ۳۳۷؛ الکافی، ج ۲، ص ۱۲۶، باب حب الله...، ح ۷.

لَيْلَةَ الْبَدْرِ؛^۳ هیچ مؤمنی نیست که میهمان را دوست بدارد، مگر اینکه [در عالم آخرت] در حالی از قبر خود برمی خیزد که چهره اش مانند ماه شش ب چهاردهم می‌باشد.»
۱۷. رفتن به مسجد

رسول خدا - فرمود :
 خدا می‌فرماید: بدانید! مساجد خانه های من در زمین است و آنها برای آسمانیان نورافشانی می‌کنند، همان گونه که ستارگاه به اهل زمین روشنی می‌بخشند. خوشا به حال کسی که مسجد خانه عبادت او است! خوشا به حال کسی که در منزل خود وضو می‌گیرد، سپس برای زیارت من به مسجد می‌آید. بر من است که زائرین خود را گرامی بدارم. «سپس فرمود: ای پیامبر! **بِشْرِ الْمَشَاءِ فِي الظُّلُمَاتِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ**؛^۴ بشارت ده به کسانی که در تاریکی شب به مساجد می‌روند که آنها در قیامت دارای نوری درخشنده‌اند.»

عوامل شاد و خندان بودن چهره در آخرت

طبق بیان معصومین (عواملی که باعث شادی، نشاط و خنده رویی مؤمن در عالم آخرت می‌گردد، بسیار است، از جمله:

۳. جامع الأخیار، محمد بن شعبری، مطبعة الحیدریه، نجف، بی‌تا، ص ۱۶۳.

۴. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۳، ص ۳۶۰، ح ۳۷۷۹.

ملاقات می‌کند که نور از صورتش همچون ماه شب چهاردهم می‌درخشد.» و پیامبر اکرم- فرمود: هر کس حلال دنیا را برای فزون‌طلبی و فخرفروشی بخواهد، خدا را ملاقات خواهد کرد، در حالی که از او خشناک است، و هر کس آن را به منظور حفظ آبروی خود بطلبد **«جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ وَجْهُهُ كَالْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ**؛^۱ روز قیامت در حالی وارد محشر می‌شود که چهره اش چون ماه شب چهارده می‌درخشد.»

۱۵. ساختن استراحتگاه برای مسافران در کنار جاده

رسول خدا - فرمود :
 کسی که در کنار جاده پناهگاهی برای مسافرین و رهگذران بسازد **«بِعَثَّةِ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَي تَحْتِ مِنْ دَرٍّ وَ وَجْهُهُ يُضِيءُ لِأَهْلِ الْجَنَّةِ نُورًا**؛^۲ خداوند در روز قیامت او را نشسته بر تختی از درّ، در حالی که صورتش برای اهل بهشت می‌درخشد، بر می‌انگیزاند.»

۱۶. میهمان داشتن

امیرالمؤمنین علی (ع) فرمود : **«مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يُجِبُ الضَّيْفَ إِلَّا وَ وَجْهُهُ كَالْقَمَرِ مِنْ قَبْرِهِ وَ وَجْهُهُ كَالْقَمَرِ**

۱۴۰۷ ق، ج ۶، ص ۳۲۴، باب ۹۳، ح ۱۱؛ وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۲۱، باب ۴، ح ۵.
 ۱. مراق العقول فی شرح أخبار آل الرسول، محمد باقر مجلسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۰، ص ۲۵۰.
 ۲. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۹۱.

نوشته‌های معتبر معاصرین دیدم روایت شده است که: وقتی رسول خدا - شهادت امام حسین% و سختی‌ها و محنتهایی از او را به دخترش فاطمه& خبر داد، ایشان& به شدت گریست و عرض کرد: پدر! این جریان کی اتفاق می‌افتد؟ فرمود: در زمانی که نه من هستم، نه تو و نه علی. گریه فاطمه & شدیدتر شد و پرسید: پس چه کسی بر حسینم گریه و عزاداری می‌نماید؟ فرمود: فاطمه جان! زنان امتم بر زنان اهل بیتم گریه می‌کنند و مردان امتم بر مردان اهل‌بیتم. اینان هر سال (به یاد شهادت حسین) دسته‌های عزاداری بر پا می‌کنند. پس وقتی قیامت بر پا شد، شما زنان امتم را شفاعت می‌کنی و من مردان امتم را و هر کدام که بر مصیبت حسین گریه کردند، دستشان را می‌گیریم و وارد بهشت می‌کنیم. ای فاطمه! تمام چشمها در روز قیامت گریانند، به جز چشمی که بر مصیبت حسین % گریه کرد ه باشد که گریه‌کنندگان بر مصیبت حسین % با چهره‌های خندان و شادمان - وارد محشر شده و - از نعمتهای بهشتی بهره‌مند می‌شوند.

۳. «رَأَيْتُ فِي بَعْضِ تَأْلِيفَاتِ بَعْضِ الثَّقَاتِ مِنَ الْمُعَاَصِرِينَ رَوَى أَنَّهُ لَمَّا أَخْبَرَ النَّبِيَّ ص ابْنَتَهُ فَاطِمَةَ بِقَتْلِ وَلَدِهَا الْحُسَيْنِ وَ مَا بَجَرِي عَلَيْهِ مِنَ الْمُخَنِّ بِكَتِّ فَاطِمَةَ بَكَاءً شَدِيداً

۱. رضایت خدا از بنده اگر خدا از اعمال و رفتار بنده خود راضی باشد، در روز قیامت او به صورت خندان و شادمان وارد محشر می‌گردد. انس بن مالک می‌گوید: از پیامبر اکرم- درباره آیه شریفه: [وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ] پرسیدم، حضرت فرمود: ای انس! آن چهره‌های خندان و دل‌های شاد متعلق به ما فرزندان عبدالمطلب؛ یعنی من، علی، حمزه، جعفر، حسن، حسین و فاطمه است که از قبرهایمان برمی‌خیزیم، در حالی که نور چهره ما در روز قیامت مانند آفتاب نیم‌روز است، و از اینکه خدای سبحان از ما راضی است، بسیار خوشحال و شاد هستیم و به جهت ثوابی که خدا به ما وعده داده، شادمان و خندانیم.

۲. عزاداری سید الشهداء% مرحوم علامه مجلسی می‌نویسد: در بعضی از

۱. عبس / ۳۸.
۲. «عن انس بن مالك قال : سألت رسول الله عن قوله: [وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ] قال: يا انس! هي وجوهنا بني عبد المطلب أنا و علي و حمزة و جعفر و الحسن و الحسين و فاطمة، نخرج من قبورنا و نور وجوهنا كالشمس الضاحية يوم القيامة، قال الله تعالى [وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ] يعني مشرقة بالنور في أرض القيامة (ضاحكة) فرحانة برضاء الله عنا (مستبشرة) بثواب الله الذي وعدنا.» شوا هذ التنزيل لقواعد التفضيل، عبید الله بن احمد حسکانی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۴۱۱ ق، ج ۲، ص ۴۲۳، ح ۱۰۸۰.

ببیند، آن همراه به او می‌گوید: ناله و زاری نکن و آن دوه‌گین مباش! وی از جانب خدا به مؤمن پیوسته سرور و عظمت بزرگی را بشارت می‌دهد، تا اینکه در پیشگاه خدای عز و جل می‌ایستد تا از او حسابرسی ساده و راحتی شود و به بهشت فرمان یابد. در اینجا نیز آن شبیه در جلوی او حرکت می‌کند، مؤمن به او می‌گوید: خدا تو را رحمت کند! چه همراه خوبی هستی، پیوسته مرا به سرور و کرامت از خدا بشارت دادی تا این لحظه را دیدم. راستی تو کیستی؟ گوید: «أَنَا السَّرُورُ الَّذِي كُنْتُ أَدْخَلْتُ عَلَىٰ أَخِيكَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الدُّنْيَا خَلَقَنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْهُ لِابْتِشَارِكَ؛^۳ من همان سرور و شادبی هستم که تو در دنیا بر قلب برادر مؤمنت وارد کردی. خدای عز و جل مرا از آن آفرید تا تو را بشارت

دهم.»
۵. اکرام فقیر
 پیامبر اکرم- فرمود: هر کس فقیر مسلمانی را اکرام کند «لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُوَ يَضْحَكُ إِلَيْهِ؛ روز قیامت خدا را با چهره خندان ملاقات خواهد نمود.»

۳. الکافی، ج ۲، ص ۱۹۰، باب ادخال السرور علی المؤمنین، ج ۸؛ امامی، شیخ مفید، گنجره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق، ص ۱۷۸، مجلس ۲۲، ج ۸.
 ۴. وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۲۶۸، باب ۱۴۶، ج ۱۰.

۳. خواندن سوره عبس و عصر پیامبر اکرم- فرمود: کسی که سوره عبس را تلاوت کند «جَاءَ فِي الْقِيَامَةِ ضَاحِكاً مُسْتَبْشِراً؛ در قیامت خوشحال و خندان وارد محشر می‌گردد.»

و امام صادق % فرمود: هر کس سوره عصر را در نمازهای مستحبه خود بخواند «بَعَثَهُ اللَّهُ مُشْرِقاً وَجْهَهُ ضَاحِكاً سَنَهُ قَرِيراً عَيْنُهُ؛ خدا روز قیامت او را با چهره ای درخشان و لبانی خندان و چشمانی روشن برانگیزد.»
۴. خوشحال کردن مؤمن

امام صادق % در حدیثی طولانی فرمود: هنگامی که خدا مؤمن را از قبرش برمی‌انگیزد، همراه او شبیهی از قبرش خارج می‌شود و در جلوی او حرکت می‌کند. هر زمان که مؤمن هول و هراسی از وحشتهای روز قیامت

وَقَالَتْ يَا أَبَهُ مَتَى يَكُونُ ذَلِكَ قَالَ فِي زَمَانِ خِيَالِ مَتَى وَ مِنْ مِينِ عَلِيٍّ فَاشْتَدَّ بِكَأْوْهَا وَ قَالَتْ يَا أَبَهُ فَمِنْ بَيْتِي عَلَيْهِ وَ مِنْ يَلْتَزِمُ بِإِقَامَةِ الْعِزَاءِ لَهُ فَقَالَ النَّبِيُّ يَا قَاطِمَةَ إِنَّ نِسَاءَ أُمَّتِي يَبْكُونَ عَلَيَّ نِسَاءً أَهْلَ بَيْتِي وَ رَجَالَهُمْ يَبْكُونَ عَلَيَّ رَجَالٌ أَهْلَ بَيْتِي وَ يُجَدِّدُونَ الْعِزَاءَ جِلا بَعْدَ جِلا فِي كُلِّ سَنَةٍ فَإِذَا كَانَ الْقِيَامَةَ تَشْفَعِينَ أَنْتَ لِلنِّسَاءِ وَ أَنَا أَشْفَعُ لِلرِّجَالِ وَ كُلٌّ مِنْ بَيْتِي مِنْهُمْ عَلَيَّ مُصَابُ الْحُسَيْنِ أَخَذْنَا بِيَدِهِ وَ إِدْخَلْنَاهُ الْجَنَّةَ يَا قَاطِمَةَ كُلَّ عَيْنٍ بِأَكْيَةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا عَيْنَ بَكْتِ عَلَيَّ مُصَابُ الْحُسَيْنِ فَإِنَّهَا ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ بِنَعِيمِ الْجَنَّةِ.» بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۶۹۲ و ۶۹۳، باب ۳۴، ج ۳۷، ص ۴۴۹.
 ۱. همان، ص ۴۴۹.
 ۲. المصباح كفعمي، ص ۴۵۲.



قلس شریف

محور وحدت و رمز اقتدار

غلامرضا گلی زواره

آرامش، در همین منطقه دیده به جهان گشود و در سنین کودکی، برای دفاع از صداقت و طهارت مادر خویش، در گهواره لب به سخن گشود و از اینجا به سوی آسمان عروج کرد.

زاده بلد امین، مصطفای پیامبران و خاتم رسولان حضرت محمد - از مکه معظمه به بیت المقدس سیر داده شد و از این مکان مبارک به جانب عالم قدس و ملکوت و شرکت در ضیافت عرشیان به م عراج رفت و در اینجا پایه های نردبان عروج به ملکوت را بنا نهاد.

در قرآن کریم به این موضوع تصریح گردیده است: **سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنَ آيَاتِنَا**

که فرستادگان آلهی و سفیران بزرگ آسمانی را در دامن پاک و مقدس خویش پرورش داده و سیری نورانی از خاک تا افلاک ترسیم نموده است .

تپه های سرسبز و دشتهای مصفایش به پای پیامبران متبرک گردیده اند؛ قلمروی که پایه گذار و معمارش انبیا بوده اند . حضرت داود و سلیمان نبی در این مکان جاه و جلالی داشتند و پیوسته در جهت متجلی ساختن جلوه های حق تعالی، اهتمام ورزیده اند . حضرت

زکریا % در اینجا به وجود فرزندی به نام «یحیی» بشارت داده شده ،

حضرت ابراهیم خلیل% به این ناحیه مهاجرت کرد و حضرت موسی% در این ارض عظمت خدا را مشاهده و با پروردگار خویش تکلم کرد . حضرت عیسی % آن

إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ [۱]؛ «منزه است خدایی که بنده خویش را شبانگاه از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی که پیرامونش را مبارک نمودیم، سیر داد، تا بعضی نشانه های خود را به او بنمایانیم، به درستی که او شنوا و بینا است.» جبرئیل در همی ن پایگاه پاک به رسول اکرم- عرض کرد که محل حشر و نشر؛ حساب، روز جزا و صراط در اینجا برپا خواهد شد.^۲ آن روح قدسی در همین بیت نورانی با اشاره فرشته الهی جلو رفت تا پیامبران سلف به امامتش نماز گزارند.^۳ رسول اکرم - فرمودند: **«مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَيَّ يُقَعِّدْ مِنْ بُقْعِ الْجَبَّةِ فَلْيَنْظُرْ إِلَيَّ بَيْتِ الْمَقْدِسِ»**؛ هر کس بخواهد به جایی از نواحی بهشت نظر افکند، پس به بیت المقدس بنگرد.» و نیز بنا بر روایات یکی از سه شهری که خداوند در میان سرزمین‌های دیگر برگزیده

و برتر دانسته، بیت المقدس است. همچنین یکی از نقاطی که پیامبر اکرم- تأکید کرده اند، هر کس به سوی آن سفر کند، سزاوار نیست بار سفر پبندد، مسجد الاقصی است.

در این دیار، شکوهمندترین حماسه های جاوید اسلامی به نمایش گذاشته شده و صخره ها و مناره هایش شاهد فرازهایی از فداکاری است که به حیات انسانها هویت بخشیده است.^۴ فلسطین پایگاه مبارزهٔ پیروان خدا و رسولش با شیاطین انسی و جنی و عرصهٔ ایثار و افق خونین رادمردان پایدار و پارساست. احتمالاً حکمت الهی چنین بوده که هر جا را حق تعالی برگزیده و کانون رسالت رسولانش بوده و میدان نبرد پویندگان صراطش کرده، از زمینش چشمهٔ خون جاری گردد و بر جبینش شیارهای خونرگ کشد و در سینه اش پیکان آتش بیافشاند و توفان فراگیر غم و درد و آوارگی را بر دامنش حواله کند.

آری، در جوار بقعه‌ای مبارک که طور سئین چون دُرّی ثمین بر پیشانی می‌درخشد و به فرمایش

۱. اِسراء/۱.
 ۲. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۸، ص ۳۱۷.
 ۳. الاحادیث القدسیه، محمد توفیق عویضه، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۰۳ ق، ج اول، ص ۱۳۶.
 ۴. الانس الجلیل بتاریخ القدس و الخلیل، مخبر الدین الحنبلی، شریف رضی، قم، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۲۳۹.

۵. بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۵۲ و ج ۹۶، ص ۳۷۲.
 ۶. کنز العمال، علاء الدین متقی هندی، مؤسسة الرسالة، بیروت، ج ۱۲، ح ۳۵۰۰۰.

قرار گرفته‌اند.^۱
اولین بنای اسلامی که
قبل از ورود به این شهر
جلب توجه می‌کند، دیوار
سلیمان نام دارد که به
صورت حصاری شهر کهنه را
در خود جای داده است.
این دیوار در قرن دهم
هجری توسط فرمانروای
امپراتوری عثمانی
«سلیمان قانونی» بنا
نهاده شده و هشت دروازه
دارد که مهم‌ترین آنها
باب دمشق نامیده شده
است. در زمان حضرت
داود^۵% مقدمات تأسیس
معبدی فراهم گردید که
در عصر فرزندش حضرت
سلیمان^۶% احداث گردید و
این نبی گرامی آنجا را
محلی برای تقرب پیروان
خویش به خداوند و مکان
راز و نیاز و عبادت
قرار داد، مسلمانان بعد
از فتح بیت المقدس در
این محل مسجد الاقصی را
ساختند که بارها تجدید
بنا گردیده است. همچنین
مسلمانان مسجدی بر بالای
صخره مقدس ساختند، همان
صخره‌ای که بنا به برخی
روایتها آخرین منزلگاه
رسول اکرم - بر روی
زمین، در شب معراج بوده
است. بیت المقدس از آغاز
بعثت نبی اکرم - قبله‌گاه
مسلمین بوده و این
ویژگی تا سال دوم هجری

حضرت علی ^۷% قصری از
قصرهای بهشت است؛
درندگی اشغالگران
صهیونیست و توخ^۸
ش
استکبار، محصورش کرده و
روبهان حيله‌گر با شیران
بیشة شجاعت و صلابت در
نبرد هستند.

سرزمین بیت المقدس
یا قدس شریف، قبله نخست
و حرم دوم مسلمانان و
مرکز کشور فلسطین است
که دارای دو بخش قدیم و
جدید بوده، پیروان
ادیان توحیدی برای این
دیار قداست وی ژه‌ای
قائل‌اند. بخش کمی در
جنوب شرقی بیت المقدس
امروزی قرار گرفته است
و آن را شهر کهنه
می‌نامند. بلندترین نقطه
این شهر صحن حرم قدس
است که در خود بناهای
متبرکی چون «قبه
الصخره» و «مسجد الاقصی»
را جای داده است. این
دیار که در وضع کنونی
حدود ۱۱۰ کیلومتر مربع
مساحت دارد، در تقسیمات
داخلی فلسطین، مرکز
استان بیت المقدس به
شمار می‌آید و توابع آن
عبارت‌اند از: **الخلیل** -
که شهری کوهستانی است -
بیت لحم - دیاری است که
زادگاه حضرت عیسی ^۹%
می‌باشد - **رام الله** - که
قلمرو بیلاقی و خوش آب و
هواست - **بیت جالا**،
اریحا، **پیره** و **بیت**
ساحور نیز در این منطقه

۱. سرگذشت فلسطین، اکرم
زعینتر، ترجمه: علی اکبر
هاشمی رفسنجانی، دفتر
تبلیغات اسلامی، قم، بی تا،
ص ۴۹ - ۵۱.

ادامه یافت تا آنکه کعبه واقع در مسجد الحرام قبله گاه جدید آنان اعلام گشت.^۱ با این وجود قداست و معنویت قدس شریف همچنان برای جهان اسلام برقرار بود، چنان‌که امام صادق% فرمودند: مسجد بیت ال مقدس از مساجد چهارگانه مهم اسلامی است که عبادت در آن فضیلت بسیاری دارد.^۲

دوازده قرن در آغوش اسلام فلسطین از

قدیمی ترین مناطق مسکونی جهان به شمار می‌آید، نام فلسطین را رومیان به این قلمرو اطلاق کردند و بعد از تجزیه امپراتوری روم به دو بخش شرقی و غربی، سرزمین مذکور به عنوان یکی از ایالات مهم روم شرقی تحت کنترل دولت بیزانس که مرکز آن در قسطنطنیه (استانبول کنونی) بود، درآمد. با طلوع تابناک آیین اسلام در سرزمین حجاز، در صحنه معادلات جهان قدرت جدیدی، ظاهر گردید و

سرانجام رزمندگان مسلمان در سال دهم هجرت مطابق ۶۳۴ میلادی در نهایت شجاعت و شهامت و با تکیه بر اقتدار معنوی و صلابت ایمانی با لشکر روم به نبردی سخت برخاستند و سرانجام بعد از جنگ «یرموک» واقع در شرق فلسطین، قدس شریف را از رومیها گرفتند و به این منطقه غلبه پیدا کردند. بنابراین، ادعای سراسر کذب صهیونیستها که می‌گویند مسلمانان قدس را از یهودیان گرفته‌اند، موهوم است و مدارک تاریخ بر آن خط بطلان می‌کشد.

بدین ترتیب قبله نخستین مسلمانان آزاد گردید و هرقل (هراکلیوس) امپراتوری روم شام را ترک گفت و به جانب مرکز بیزانس در استانبول کنونی متواری گردید. بدین گونه قدس در دامن اسلام آرمید و در آغوش قرآن و ایمان به شکوفایی باشکوهی رسید و سرافراز گردید و مسجد الاقصی از دامانش سر برداشت و سرانجام مسلمانان در طول دوازده قرن فرمانروایی خود، بیت المقدس را مرکز حکومت فلسطین قرار دادند.^۳

۱. سیمای قدس مصلی پیامبران، از نگارنده، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۴ ش، ص ۲۶ و ۲۷؛ ویژه‌نامه روز جهانی قدس، مجید قدیری، سروش، تهران، ۱۳۶۰ ش، ص ۱۲ و ۱۳.
۲. وسائل الشیعة، شیخ حرّ عاملی، تصحیح: شیخ عبد الرحیم ربانی شیرازی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ چهارم، ۱۳۹۱ ش، ج ۳، ص ۵۵.

۳. نهایة الارب، ن ویری، ترجمه مهدوی دامغانی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲ ش، ج ۴، ص ۱۰۵ و ۱۳۴؛ فتوح البلدان، بلاذری، انتشارات نصر، تهران، ۱۳۶۷، ص ۲۰۰.

خود نوشت : «بعد از شهادت امام حسین %، سنگی را در بیت المقدس برنداشتن د، جز آنکه زیرش خون آلود بود.»^۱ در اواخر قرن نهم هجری که سلطنت در اختیار «سلطان الملک الاشرف» سنی مذهب بود و برای زیارت به بیت المقدس آمده بود، وقتی فردی مسیحی به ساحت مقدس اهل بیت اهانت کرد، قاضی مالکی وی را به شدت مجازات نمود. از نشانه های حضور تشیع در قدس، وجود طوایفی از سادات در این دیار است که نسبت آنان به امام سجاد% می رسد، با روی کار آمدن دولت عثمانی، علویان و شیعیان در قلمرو فلسطین با تنگناهایی سخت و آزاردهنده روبه رو شدند و بوستان تشیع در این منطقه دچار پژمردگی گردید و با جدا شدن قدس از بدنة جهان اسلام، تمایلات شیعی در آن سیر نزولی پیدا کرد.^۲ بیت المقدس در سال ۹۲۳ ق به تصرف امپراتوری عثمانی درآمد و از آن به بعد فلسطین به یکی از نواحی

در عصر حکومت فاطمیان، گرایشهای شیعی در قدس رو به فزونی نهاد، به همین دلیل جناب آقای مقدسی جغرافی دان مسلمان و اهل بیت المقدس که متمایل به تشیع است، می نویسد: اهل طبریه و نیمی از نابلس و قدس شیعه اند. بیشتر رفتار مردم امروز صبغة مذهب فاطمی (شیعی) دارد.^۳

اگر چه دولت فاطمیان توسط سلجوقیان در اواسط قرن پنجم هجری برچیده شدند؛ ولی در اواخر همین قرن «افضل بن بدر الجمالی» وزیر شیعی فرمانروایان فاطمی، قدس را از سلجوقیان باز پس گرفت و استیلای شیعیان را بر قدس شریف برقرار کرد. در سال ۴۹۲ ق قدس در اولین جنگ صلیبیهایی قسی القلب سقوط کرد؛ اما «صلاح الدین ایوبی» آن را از چنگال آنها بیرون آورد، اگر چه ایوبیان گرایشهایی به مذهب تسنن داشتند؛ ولی در عصر آنان علاقه به اهل بیت در قدس همچنان استوار بود و «میجر الدین حنبلی» به نقل از ابن شهاب، در اثر معروف

۲. الانس الجلیل، ج ۱، ص ۲۸۵.
۳. تاریخ شیعه، محم د رضا مظفر، ترجمه : محمدباقر حجتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ص ۲۵۴؛ سیمای قدس مصلا پیامبران، ص ۷۹ - ۸۱.

— ۲۰۱؛ تارخ یعقوبی، یعقوبی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۲ ش، ج ۲، ص ۱۶۷.
۱. احسن التباسیم فی معرفة الاقالیم، مقدسی، شرکت مؤلفان و ترجمان ایران، تهران، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۲۳۵.

بریتانیای استعمارگر نیز خواهان از هم پاشیده شدن امپراتوری مقتدر عثمانی بود و از این رو به اعراب وعده همکاری داد؛ اما در ورای این حرکت، پیگیر نیرنگی نهفته بود. طبق همین برنامه، دولت استکباری انگلستان (در سال ۱۳۳۴ ق / ۱۹۱۵ م) به حسین بن علی، شریف مکه، که از سادات والاتبار بود، وعده استقلال داد و وی را علیه عثمانی تحریک کرد. گرچه توافقی طرفین شامل تمامی منطقه عربستان و سرزمینهای عراق، سوریه، لبنان، فلسطین و اردن می‌گردید، و این نقاط تحت نفوذ شریف حسین قرار می‌گرفت؛ اما عملاً بعد از استقرار بر فلسطین، دولت حيله‌گر انگلستان مدعی گردید که فلسطین جزء محدوده مورد توافق ما نبوده است.^۱

غصب يك کشور و آوارگی يك ملت

يکي از افرادی که پایه های توطئه علیه جهان اسلام را ریخت و زخم خون‌چکان فلسطین را به وجود آورد، صهیونیست جنایتکاری به نام «تئودور هرتزل» است. او در کتاب «دولت یهود»

امپراتوری مذکور تبدیل گردید. در سال ۱۲۱۴ ق «ناپلئون بناپارت» به این منطقه یورش برد و آن را به تصرف درآورد و در سال ۱۲۴۹ ق «ابراهیم پاشا» خدیو مصر (پادشاه مصر) بدین سرزمین تاخت و مدت هفت سال آن را تحت سیطره خود درآورد؛ اما از سال ۱۲۸۱ ق دولت عثمانی این نواحی را تجدید سا مان داد و نواحی جنوبی فلسطین استقلال یافت که والی آن به طور مستقیم توسط امپراتور عثمانی تعیین می‌شد.

با شروع دوران زوال دولت اسلامی عثم انی (در اواخر قرن سیزدهم هجری و نوزدهم میلادی) و هم زمان با اوج گیری سیاستهای ضد یهودی در اروپا، حرکتهایی از یهودیان ساکن این قاره شکل گرفت که از همان ابتدا به صهیونیزم معروف شد که برای به اجرا گذاشتن نقشه ای خطرناک خود را مهیا و اولین تیر توطئه را شلیک کردند و خواهان ایجاد يك وطن ملی و استقرار تمامی یهودیان در این سرزمین گردیدند. به موازات آن، جنبشهای ملی گرایانه و نژادی اعراب ساکن در قلمرو دولت عثمانی که خواهان خروج از استیلاي ترکان عثمانی بودند، پا گرفت. از سوی دیگر،

۱. گیتاشناسی نوین کشورها، عباس جعفری، مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، تهران، بی تا، ۳۱۲ص.

یہودی ثروتمند انگلیسی،
منتشر گردید، اتفاق
کردند. در این اعلامیہ
آمدہ بود: «حکومت
انگلستان با نظر مساعد
به تاسیس وطنی برای
یہودیان در فلسطین
می‌گردد و نہایت تلاش خود
را برای تحقق این آرمان
به کار می‌برد.»
دولت بریتانیا برای
جلب حمایت یہودیان یک
نفر صہیونیست را به
عنوان کمیسر عالی
فلسطین منصوب کرد. وی و
اولین رئیس حکومت
سرپرستی فلسطین کہ یک
نفر صہیونیست بود، برای
برہم زدن ترکیب جمعیت
این سرزمین و یہودی
کردن آن نقشہ‌هایی را بہ
اجرا گذاشتند و با
توطئہ انگلستان کہ
فلسطین را تحت قیمومیت
خود داشت، زمینہ های
مہاجرت یہودیان بہ این
قلمرو را فراهم کردند.
علامہ عبد الحسین شرف
الدین دانشمند جهان
تشیع این نیرنگ را
تشخیص داد و با آن بہ
مخالفت برخ است، آیت اللہ
محمد حسین کاشف الغطاء
نیز در فتوایی بہ دفاع
از فلسطین پرداخت و
خاطر نشان ساخت: «رژیمی

نوشت: «مسئله قوم یہود
جز از طریق تبدیل شدن
به یک موضوع سیاسی
جهانی کہ باید بہ دست
ابرقدرتها حل شود، از
طریق دیگری درست
نمی‌شود.» وی افزود: «ما
قادریم دولتی برپا کنیم
کہ قدرتمند باشد.»
ہرتزل در گام بعدی موفق
گردید اولین کنگرہ
صہیونیستی را با شرکت
۲۰۴ نمایندہ در ۱۳۱۴ ق
در شہر بال سوئیس
برگزار کند و از این
رہگذر سازمان جهانی
صہیونیسم را تشکیل دہد.
این کنگرہ ہدف جنبش
نژادی و استعماری
صہیونیسم را این گونه
مشخص کرد: «تاسیس میہنی
برای یہودیان در سرزمین
فلسطین.» ہرتزل موفق
گردید با «جزوف چمبرلن»
از بزرگترین
سیاستمداران انگلیسی کہ
حامی آشکار صہیونیسم
بود، ملاقات کند. بعد از
بہ ہلاکت رسیدن ہرتزل،
این توطئہ شوم را
«ازروا ترمن یہودی» پی
گرفت. سرانجام منافع
بریتانیای استعمارگر و
نقشہ صہیونیستها بہ
یکدیگر نزدیک گردید و
این دو برای عملی ساختن
نقشہ ای خطرناک با ہم
متحد گردیدند. در بہار
۱۳۳۵ ق سیاستمداران
انگلیسی و صہیونیستها
بر روی اعلامیہ «لرد
بالفور» انگلیسی کہ
خطاب بہ «لرد روچیلد»

۱. درباره فلسطین، ماکسیم
رونسون، ترجمہ منوچہر
ہزارخانی، توس، تہران،
۱۳۴۸، ص ۷۸.
۲. شرف الدین، محمد رضا
حکیمی، دفتر نشر فرہنگ
اسلامی، تہران، ۱۳۶۱، ص ۲۲۷
- ۲۲۸.

اختیار داشتند. در رجب همین سال به محض آنکه دولت انگلیس به قیومیت خود در فلسطین پا یان داد، «بن گوریون» رئیس آژانس یهودیها موجودیت دولت اسرائیل را رسماً اعلام کرد و آمریکا و شوروی سابق آن را به رسمیت شناختند.^۲

به تدریج دولت غاصب صهیونیستی اراضی بیشتری را به تصرف درآورد و مسلمانان ساکن در فلسطین را به اجبار وادار به تخلیه اراضی کرد، در این میان صهیونیستها، حامی نیرومندی چون آمریکا به دست آورده بودند و این کشور سلطه گر، ضمن اینکه رژیم اشغالگر قدس را در غضب، جنایت و تجاوز یاری می کند، ارتجاع عرب و برخی مزدوران خاورمیانه را با خود همگام می سازد، در نبرد سال ۱۳۸۶ ق / ۱۹۶۷ م که در مدت شش روز صهیونیستها موفق شدند تمام شبه جزیره سینا (در مصر)، کرانه غربی رود اردن (از کشور اردن) و ارتفاعات جولان (از سوریه) را به تصرف درآورند، این آمریکا بود که از دولت متجاوز اسرائیل در مجامع جهانی دفاع کرد و ناوگان ششم

که فلسطین را اشغال کرده است، از اولین روزی که به این غضب غیرعادلانه و نامشروع دست زده، گویی با خود پیمان بسته است که نه برای عدالت ارزشی قائل باشد و نه مغه ومی را برای حق بپذیرد.»^۱

در منطقه فلسطین علیه این اشغالگری غاصبانه قیامهایی صورت گرفت، چنان که در سال ۱۳۵۳ ق «عز الدین قسام» مبارزات مخفیانه خود را بر ضد این توطئه آغاز کرد؛ اما وی سال بعد به شهادت رسید، قیام «عید القادر حسین» در ۱۳۵۶ ق نیز درخور توجه بود که با شهادت وی و یارانش خاتمه یافت. تظاهرات گسترده و اعتصابات عمومی نیز سراسر فلسطین را فرا گرفت، انگلستان که دیگر ادامه این حرکتها و اعتراضها را به نفع خود نمی دید به حیل دیگری روی آورد و ماجرای فلسطین را به جامعه ملل ارجاع داد، سازمان ملل در محرم ۱۳۶۷ ق رای به تقسیم این سرزمین داد. با توطئه جدیدی که این سازمان بین المللی به اجرا درآورد ۵۵٪ اراضی فلسطین به یهودیان تعلق گرفت، در حالی که آنان تنها ۶٪ مساحت این کشور را در

۲. ارتباط خطرناک، اندروولسی کالبورون، ترجمه محسن شرفی، اطلاعات، تهران، ۱۳۶۷، ص ۲۹ - ۴۰.

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، ویژه نامه قدس، ۱۳۶۰/۵/۸.

قدرت می دهد که اعراب
مسلم را آواره کند.»^۳ و
در بیانات دیگری تصریح
نموده اند: «مجال دادن
به دولت پوشالی اسرائیل
برای غصب حقوق مسلمین و
سلب آزادی و معامله
قرون وسطایی نمودن،
جناياتي است که در
پرونده رؤسای جمهور
آمریکا ثبت می شود.»^۴

مقام معظم رهبری > نی ز
فرموده اند: «هر جوان
فلسطینی که به خاک و
خون کشیده می شود و هر
خانواده فلسطینی که
بی سرپرست و متلاشی
می شود، دولت آمریکا به
طور مستقیم در این جرم
شریک است.»^۵

از دیدگاه مقام
معلم رهبری > اسرائیل
قائم مقام حضور استکبار
در منطقه است: «دنیای
استکباری به سرزمین
فلسطین به عنوان قلب
جغرافیایی جهان اسلام
احتیاج دارد تا اسلام را
بکوبد، ملتهای اسلامی را
زیر فشار قرار بدهد و
از حرکت اسلامی مانع
شود. دولت اسرائیل در
این منطقه، قائم مقام

خود را که در مدیترانه
مستقر نموده بود، ب رای
کمک به غاصبان قدس مهیا
ساخت، چنان که یورش
وحشیانه اس رائیل به
لبنان در ذی قعدة ۱۴۰۱ق
با موافقت و حمایت
آمریکاییها صورت گرفت .
هر گاه در شوراي امنیت
– حداقل به صورت ظاهر –
قطع نامه هایی در محکوم
کردن اعمال غیرقانونی و
ضد انسانی اسرائیل صادر
می گردید، آمریکا آنها
را با استفاده از حق
وتو، بی اثر می ساخت. به
همین دلیل آیت الله کاشف
الغطاء در محرم ۱۳۷۳ ق
در نامه ای خطاب به نخست
وزیر پاکستان نوشت :
«استعمارگران، فلسطین
عزیز را غصب کرده و به
یهود اعطا کرده اند و
به طور مداوم به آنان
کمک می کنند و تجاوزات
دشمن را تقویت می کنند .
بنابراین، روا نمی باشد
که با دولت آمریکا
هم پیمان گردید.»^۶ امام
خمینی (نیز بارها
فرموده اند : «آمریکا
حامي اسرائیل است .
آمریکاست که از اسرائیل
و هواداران آن پشتیبانی
می کند ... به اسرائیل

۳. ولایت فقیه، سید روح الله
موسوی (امام خمینی)، انتشارات آزادی، قم، ۱۳۵۹،
ص ۶.

۴. صحیفه نور، سید روح الله
موسوی (امام خمینی)، وزارت
فرهنگ و ارشاد اسلامی،
تهران، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۲۲.

۵. مجله مجلس و پژوهش، سال
دوم، ش ۱۲، آبان و آذر
۱۳۷۳، ص ۷.

۱. فلسطین و حقوق بین
الملل، هنری کتان، ترجمه
غلامرضا فدایی عراقی، امیر
کبیر، تهران، ۱۳۶۸، ص ۱۶۰.
۲. نامه ای از امام کاشف
الغطاء، ترجمه جلال الدین
فارسی، کانون انتشارات
چیستی، تهران، بی تا، ص ۸۹
– ۹۰.

حضور استکباری است تا منافع استکبار را تأمین کند.»^۱

روز قدس؛ ابتکار

خردمندان امام خمینی

در فرهنگ اسلامی از دیرباز ماه مبارک رمضان نماد مبارزه با نفس و شیطان و تلاش برای پالایش روح تلقی گردیده است . امام خمینی (که خود سالها در مسیر سیر و سلوک معنوی و جهاد اکبر گام می زد، با نگرشی متفاوت به مقوله عرفان، آن را به هیچ وجه با انجام وظایف اجتماعی در تقابل نمی دانست . ماه مبارک رمضان را به ایام مبارزه با دشمن درونی و بیرونی تبدیل کرد و در روز شانزدهم مرداد ماه سال ۱۳۵۸ ش مصادف با ۱۳ رمض ان ۱۳۹۹ق پس از بمباران جنوب لبنان توسط رژیم صهیونیستی و همزمان با آغاز دور تازه ای از جنایات بیرحمانه این رژیم، در سرزمین مقاوم لبنان، روز جمعه آخر ماه مبارک رمضان را به عنوان روز جهانی قدس مقرر کردند و عموم مسلمین جهان را به همبستگی اسلامی در این روز بزرگ فراخواندند تا همراهی و همدلی خود را در حمایت از حقوق

قانونی و انسانی مردم مسلمان فلسطین به نمایش بگذارند. یادآور می‌گردد که بعد از جنگ شش روزه ۱۹۶۷م و شکست مصر و سوریه، برای اولین بار فلسطینیها با یک سلسله عملیات نظامی در درّه کرامه (در مرز اردن و سوریه) به اسرائیل لطمات شدیدی وارد کردند و به دنبال این پیروزی آن روز به معرکه کرامه و روز جهانی فلسطین معروف شد و به مناسبت آن مراسمی در این روز برگزار می‌شد؛ اما چون این حرکت هویتی ملی‌گرایانه داشت، مورد استقبال مسلمانان جهان قرار نگرفت؛ ولی ابتکار خردمندان امام خمینی (ضمن اینکه حمایت‌های جهانی را به دنبال داشت، موضوع فلسطین را به مسئله ای بین المللی و مرتبط با دنیای اسلام تبدیل کرد . انتخاب آخرین جمعه ماه مبارک رمضان برای حمایت از ملت مظلوم فلسطین امری هوشمندانه و هدفمندانه بوده است؛ چرا که در این روز مسلمانان بعد از حدود یک ماه عبادت و بندگی خالصانه خداوند باید نتایج خودسازی و تهذیب خویش را با آگاهیهای سیاسی و اجتماعی پیوند

۱. حدیث ولایت (مجموعه

رهنمودهای مقام معظم رهبری)، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۷، ج ۸، ص ۱۵۴ - ۱۵۵.

۲. روزنامه اطلاعات، ۱۳۹۱/۵/۲۵، ش ۲۵۳۸۷.

بزنند و با مظلومان
جهان همدردی کنند .
همچنین تبدیل تد ریجی
روز قدس از سطح ملی به
بین المللی، نکته ای است
که بر لزوم حمایت از
فلسطینیها و وجود
مطالبه جهانی در این
رابطه دلالت می کند و اگر
مطابق با خواسته ها
نبود، به تدریج فراموش
می شد؛ اما اکنون بعد از
سی و پنج سال،
راهپیمایی حمایت از قدس
و فلسطین در
گسترده تر، با شکوه تر و
توأم با بیداری اسلامی و
افزایش آگاهی مسلمانان
نسبت به توطئه های
استکباری و گسترش نفرت
از ابرقدرتها و انزجار
شدید از صهیونیستها
برگزار می شود.
بدون تردید، اهمیت
حمایت از فلسطینیها در
قالب راهپیمایی نباید
دست کم گرفته شود و
باید به این امر واقف
بود که اگر با ساماندهی
مطلوب حدود یک و نیم
میلیارد نفر مسلمان در
این روز منسجم، متحد و
همگام، به دفاع از این
ملت رنج دیده پردازند،
صهیونیستها که در
بهترین شرایط حدود
پانزده میلیون نفرند،
برابر یک درصد جمعیت
دنیای اسلام خواهند بود
و این حرکت شکوهمند
چنان رعبی در قلب سیاه
و ذهن علیل آنان
می افکند که هیچگاه جرأت

جسارت به مسلمانان
فلسطینی را نخواهند
داشت و یا حداقل از
ادامه جنایتهای خود
امتناع خواهند کرد.
در واقع روز جهانی
قدس - که حاصل ابتکاری
حکیمانه و جاودانه از
سوی امام خمینی بود -
برای توجه دادن افزون تر
افکار عمومی مردم و
دولتمردان جهان اسلام به
یکی از اساسی ترین مسائل
و مشکلات جهان اسلام بوده
است، اکنون این ماجرا
از چنان هویت و ماهیتی
برخوردار گردیده است که
در حقیقت می توان آن را
نماد بارز پیدایش یک
اجماع بین المللی علیه
رژیم اشغالگر صهیونیستی
دانست . همچنان که در
مراسم عبادی - سیاسی حج
مسلمانان دنیا با انجام
اعمالی نمادین (رمی
جمرات) نسبت به نظام
شیطانی و تمام مظاهر
مربوط به آن اعلام
انزجار و اعلان برائت
می کنند . روز جهانی قدس
نیز در پایان ماه عبادی
رمضان، تجلی و نشانگر
مبارزه بی امان با مظهر
عینی فعالیت های
استکباری و سیاست های
شیطانی رژیم اشغالگر
قدس است که امروزه به
عنوان مصداق بارز
تروریسم دولتی در تمام
نقاط جهان شناخته می شود
و اگر بخواهیم جلوه های
ستم، زشتی، پلیدی و
جنایتهای وحشیانه را در

دنیای امروز و تاریخ بشریت نشان دهیم، همان سرزمین اشغال‌شده فلسطین است. روز قدس، هنگامه اعلام حمایت از مبارزات بر حق مردم مظلوم فلسطین در مسیر احقاق حقوق از دست رفته و غصب شده آنان است؛ روز پیوند خوردن تمام قلبها و عواطف انسانی، اندیشه ها و وجدانهای بیدارگر مردمی به دردها، رنجها و زخمهای ملت فلسطین در نگاهی وسیع و کلان است، روز قدس فراتر از جامعه مسلمانان، تمام آزادیخواهان و عدالت دوستان از هر آیین، قوم و ملیتی را که مدعی و منادی حمایت از ستم دیده‌گان و دفاع از حقوق اولیه انسانی و پیوستن به جامعه مدافع حقوق بشرند، در برمی‌گیرد. موضوع فلسطین امروزه به معیار و محک مشخصی برای ارزیابی و عیارسنجی کارنامه مجامع و سازمانهای بین المللی تبدیل شده است که سنگ دفاع از حقوق بشر را به سینه می‌زنند و ادعای صیانت از حرمت و حریت انسانها را مطرح می‌کنند. فلسطین در وضع فعلی، آیینه بازتابش حقیقت ملت مظلومی است که در روز روشن نادیده گرفته می‌شود. امروزه مردم جهان نه تنها نسبت به حمایتهای بی دریغ و

بی‌شرمانه دولتمردان آمریکا از رژیم متجاوز اسرائیل، اعتراض دارند؛ بلکه سکوت تأمل برانگیز و شگفت آور سازمان ملل متحد را با مرامنامه حقوقی و منشور این نهاد جهانی در تضاد و تعارضی آشکار می‌بینند. سرزمین مظلوم فلسطین هنوز هم در آتش بی‌داد رژیم غاصب و تروریستی اسرائیل، هر روز شاهد از دست رفتن سرمایه های انسانی، فرهنگی و طبیعی خود است.

بهار بیداری در پرتو

خورشید انقلاب اسلامی

در مهرماه سال ۱۳۳۵ ش مقدماتی برای برقراری روابط از سوی رژیم سفک پهلوی با اشغالگران قدس فراهم گردید و رفته رفته استبداد شوم حاکم بر ایران، این سرزمین را زیر سلطه آمریکا و صهیونیسم می‌برد و حتی سوخت هواپیماهای بمب افکن اسرائیلی و دیگر نیازهای این غاصبان توسط حاکمان جنایتپیشه ایران تأمین می‌گردید، نفت ایران با بهایی نازل و تقریباً رایگان به سوی این جانیان سرازیر بود. آنان در ایران فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی گسترده ای داشتند و حجم صادرات و واردات بین ایران و اسرائیل به نحو قابل توجهی گسترش یافت؛ حتی صهیونیستها

باشند کہ سه مو ضوع را رعایت کنند : علیه شخص اول مملکت سخنی بر زبان نیاورند. ضد اشغالگران قدس تبلیغی نکنند و نیز به مردم نگویند کہ اسلام در خطر است . امام

خمینی (کہ در آن تاریکیهای ستم و جهالت، چون آذرخش می خروشد و پرتوافشانی می کرد، به واعظان، مبلّغان و مروّجان دیانت گوش زد نمود کہ از زجر، حبس و تهدیدهای طاغوت، هراسی به دل راه ندهند و با شجاعت خطر اسرائیل و عُمّ الش را به مردم تذکر دهند و در همان زمان کہ نهضت اسلامی را رهبری می کرد و کارنامه سیاه ستمگران رژیم منحوس پهلوی را افشا می کرد، از اشغالگران قدس به عنوان جنایتکاران و غاصبان سخن می گفت و از اینکه روحانیان و مبلّغان را درباره سه موضوع مورد اشاره تهدید کرده اند، برآشفته، فریاد برمی آورد: «اگر ما این سه تا امر را کنار بگذاریم، دیگر چه بگوییم؟ ما هر چه گرفتاری داریم از این سه تا است.»

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، مسئله فلسطین از نقش ویژه ای برخوردار گردید و در اولین قدم،

رژیم پهلوی را در سرکوبی تظاهرات ایران و نیز پرونده سا زی برای نیروهای مبارز و انقلابی یاری می دادند و در فاجعه جمعه سیاه ایران (۱۷ شهریور ۱۳۵۷) دست خود را به خون شیعیان ایران آلوده کردند، البته مردم ایران با هدایت های علمای شیعه از این وضع آسف بار راضی نبودند و به مناسبت هایی نفرت خود را از رابطه

رژیم پهلوی با صهیونیستها ابراز می داشتند، چنانکه وقتی اولین مسابقه فوتبال بین ایران و رژیم صهیونیستی در سال ۱۳۴۷ ش در ایران برگزار شد، تماشاگران با غیرت و برخورداری از شعور سیاسی، از همان لحظات اول این مسابقه را به یک تظاهرات سیاسی ضد اسرائیلی تبدیل کردند و صحنه ای را بوجود آوردند کہ برای شاه و اربابانش تلخ و هشدار دهنده بود.

عمّال اسرائیل به همراه دستگاه جهانی ساواک در ایران اختناق شدیدی را حاکم کردند و سازمان امنیت، مبلّغان و اهل منبر را فراخواند، و از آنان التزام می گرفت کہ به هنگام ترویج دیانت، مراقب

۲. در جستجوی راه از کلام امام، دفتر ۱۹، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۳ ش، ص ۴۴ - ۴۵.

۱. باران بیداری، از نگارنده، نور السجاد، قم، ۱۳۸۷ ش، ص ۴۵۲.

است. روز قدس روزی است که باید سرنوشت ملت‌های مستضعف معلوم شود، باید همان طور که ایران قیام کرد، تمام ملت‌ها قیام کنند و این جرثومه‌های فساد را به زباله‌دانه‌ها بریزند. روزی است که باید جامعه مسلمین، همه اظهار وجود کنند و هشدار بدهند به ابرقدرتها.»^۲

امام خمینی (م) مسلمانان را به این امر مهم توجه می‌دهد که ضمن تکریم روز قدس با راهپیمایی و تظاهرات این تلاش را مقدمه‌ای بدانند، برای اینکه در سرزمین‌های خود قیام کنند و با نهضت خود جلوی مفساد سردمدا را خودسر را بگیرند.

ضرورت حمایت از انتفاضه

به فرمایش مقام معظم رهبری >: «مسئله فلسطین، مسئله اول بین المللی اسلامی است و در دهه‌های اخیر که مبارزات ملت مسلمان این سرزمین مغضوب خواب از چشم دولت غاصب صهیونیستی و حامیان‌ش ربوده، بزرگترین وظیفه تمام ملت‌ها و دولت‌های مسلمان حمایت از این مبارزات

سفیر رژیم صهیونیستی از ایران طرد و صدور نفت به آن کشور قطع گردید و سفارت فلسطین در ایران دایر شد و کمیته حمایت از انقلاب فلسطین شکل گرفت. امام خمینی (که در طول سال‌های طولانی دوران اختناق ستم‌شاهی، خطر اسر ائیل را برای مسلمانان جدی اعلام کردند و این رژیم را غده سرطانی و مایه فساد در قلب ممالک اسلامی معرفی کردند، به مناسبت اولین سال روز پیروزی انقلاب اسلامی فرمودند: «اسرائیل، این جرثومه فساد، همیشه پایگاه آمریکا بوده است، من در طول نزدیک به بیست سال خطر اسر ائیل را گوشزد نموده‌ام، همه به پا خیزیم و اسرائیل را نابود کنیم و ملت قهرمان فلسطین را جایگزین آن گردانیم.»^۱

امام (برای احیای آرمان مقدس ملت فلسطین و افشای جنایات اشغالگران قدس و معطوف نمودن جهان اسلام به این قضایا فرمودند:

«روز قدس یک روز جهانی است، روزی نیست که فقط اختصاص به قدس داشته باشد. روز مقابله مستضعفین با مستکبرین

۲. تبیان، آثار موضوعی، دفتر چهارم (فلسطین از دیدگاه امام خمینی)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۲، ص ۱۲۴ - ۱۲۵.

۱. صحیفه امام، سید روح الله موسوی (امام خمینی) مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۸، ج ۱۲، ص ۱۴۸.

است .»^۱ ایشان در بیاناتی دیگر تأکید نموده اند : «در فضای عالم، این جو آمادگی، حضور و انتظار و طلبکاری نسبت به فلسطین باید روز به روز بیش تر شود، در داخل فلسطین هم باید این شعله مقدس برافروخته تر بشود . آن کسانی که در زندانه ای فلسطین به سر می برند، از شعار شما و مشت گره کرده شما، احساس قوت و قدرت می کنند و ایستادگی می نمایند . آن کسی که پشت دیوارهای زندان فلسطین است، باید احساس تنهایی نکند تا بایستد، آن زن و مردی که در کوچه ها و خیابانهای بیت المقدس، نوار غزه و شهرهای دیگر فلسطین اشغالی مورد تهاجم اراذل و اوباش صهیونیست است، باید احساس کند که شما پشت سرش هستید تا بتواند مقاومت کند.»^۲ ولی امر مسلمین تصریح نموده اند که مسلمانان باید نسبت به ماجرای فلسطین احساس مسئولیت کنند : «مسئله فلسطین فقط متعلق به عربها و همسایه های

فلسطین نیست؛ تمام مسلمین عالم در هر جای دنیا که هستند، باید نسبت به قضیه فلسطین احساس مسئولیت کنند.» «مسئله فلسطین یکی از مصایب بزرگ جهان بشریت کنونی است، هر کس که احساسی در مورد انسان و حقوق انسان دارد و دم از حمایت از مظلومین می زند، باید این قضیه را قضیه خود بداند . امروز عده ای مسلمان فداکار، برگزیدگان ملت فلسطین از پیر و جوان و مرد و زن در سرزمینهای مقدس فلسطین دارند مبارزه می کنند، به آنها کمک کنید ! باید ملتهای مسلمان حرکت کنند و احساس تکلیف نمایند.»^۳ یادآور می گردد که به برکت فروزندگی انقلاب اسلامی که در راهپیمایی های با شکوه روز قدس تجلی یافت و به یمن رهنمودهای امام خمینی (و مقام معظم رهبری) مبارزات خودجوش مردم فلسطین در قالب حرکت خودجوش انتفاضه شکل جدی به خود گرفت . انتفاضه از عملک رد معترضان و شجاعانه اهالی غیر مسلح فلسطین در برابر رژیم اشغالگر قدس ح کایت دارد، حرکت توده های سنگ به دست

۱. راه امام راه امام، بیانات مقام معظم رهبری، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، سال ۱۳۶۹، ص ۳۳ - ۳۴.

۲. حدیث ولایت، سید علی خامنه ای، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۶ ش، ج ۷، ص ۱۹ - ۲۰.

۳. همان، ج ۵، ص ۲۸۱.
۴. همان، ج ۸، ص ۱۵۳ - ۱۵۷.

اینکه مبادا از جانب سیاستمداران به تندروی، ماجراجویی و تروریسم متهم گردد، برای اثبات میانه روی، نرمش و آشتی پذیری خود در هر قدم شتاب کرد، اقدامات وحشیانه حاکمان صهیونی و ناامیدی از دولتهای حامی نیز باعث گردید فلسطین با اتکا به اسلام و الهام از انقلاب اسلامی، به خیزش درونی و جنبشی مردمی و خودجوش روی آورد.»

رژیم صهیونیستی با شروع انتفاضه اول و دوم (انتفاضه مسجد الاقصی) دچار زیانها و صدمات زیادی گردید که عبارت‌اند از:

۱. انتفاضه چون توفانی اقتصاد این رژیم را در نوردید و آن را با بحران عمیق مواجه کرد و دچار رکود بی‌سابقه ای شد؛ حتی جراید وابسته به صهیونیستها اعتراف کرده‌اند، اقتصاد اسرائیل هرگز پویایی خود را به دست نخواهد آورد، این بحران باعث کاهش قدرت خرید مردم، تنزل سطح رفاه عمومی، افزایش شکاف طبقاتی، کاهش بودجه و افزایش مشکلات انسانیهای کم‌بضاعت گردیده است؛

مسلمان فلسطینی که در برابر سربازان تا بن دندان مسلح اسرائیلی مقاومت می‌کنند تا پیام مظلومیت و اشغال سرزمین خویش را به گوش جهانیان برسانند. شهید دکتر فتحی شقاقی، رهبر سابق سازمان جهاد اسلامی، می‌گوید: «هیچ جریانی به ان دازه انقلاب اسلامی نتوانست ملت فلسطین را به هیجان درآورد و احساسات آنان را برانگیزد و امید را در دل‌های آنان زنده کند. با پیروزی انقلاب اسلامی ما به خود آمدم و دریافتیم که آمریکا و اسرائیل نیز قابل شکست‌اند. ما فهمیدیم که با الهام از دین اسلام قادریم کارها ی شگفتی انجام دهیم.

از دیگر عوامل آغاز انتفاضه ناامیدی ملت فلسطین از رهبران خود بود. سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) که کانون اتکای مردم فلسطین اشغالی به شمار می‌آمد، از یک تشکیلات مبارز و مدافع حقوق فلسطینیها به سازمانی تبدیل گردید که برای به دست آوردن ساد ه‌ترین حقوق مردم، کم‌ترین توانایی را از خود نشان می‌داد.» ابو ایاد از رهبران سابق ساف می‌گوید: «جنبش ما دچار بوروکراسی شد و خاصیت رزمندگی خود را از دست داد و از بیم

۱. روزنامه اطلاعات، ۲۵ مرداد ۱۳۹۰، ش ۲۵۳۷۸؛
روزنامه ایران، ۲۶/۵/۱۳۹۱، ش ۵۱۵۴.

۶. انتفاضہ ارتش
رژیم صہیونیستی را برای
اولین بار بعد از جنگ
لبنان در زمینه تحقیق
اهداف اسرائیل با
چالشهایی روبه رو ساخت،
به نحوی که برای سرکوبی
مردم کم تر از نیروی
زمینی بهره میگیرند؛

۷. در آغاز
صہیونیستها به یهودیان
وعده دادند که اسرائیل
برای آنان مکان امن و
آرامی است؛ ولی بر اثر
حرکات انتفاضه موجی از
نگرانی و هراس متوجه
یهودیان گردیده و فضای
آکنده به ارباب بر روح
و روان آنان سایه
افکنده است.^۱

۲. فروپاشی بخش
گردشگری: به نحوی که
شمار گردشگران نسبت به
سالهای گذشته ۶۰٪ کاهش
یافته است و شرکتهای
مسافرتی و سیاحتی صدها
میلیون دلار زیان
دیده اند؛

۳. مهاجرت معکوس:
ضربات پیاپی نیروهای
مقاومت شمار زیادی از
صہیونیستها را وادار به
مهاجرت به کشورهای
اروپایی و آمریکایی
شمالی کرده است، برخی
آمارها نشان می دهد به
دلیل اوضاع نا بسامان
امنیتی، عملیات شهادت
طلبانه حماس، جهاد
اسلامی و گردانهای شہدای
الاقصی تا یک میلیون نفر
یهودی مهاجرت معکوس
داشته اند؛

۴. شعله های انتفاضه
در میان صہیونیستها
چنان خوف و هراس بوجود
آورده است که
شهرک نشینان ساکن کرانه
باختری رود اردن و نوار
غزه و منطقه دشت اردن،
مناطق مسکونی خ ود را
تخلیه کرده و به داخل
کانونهای شهری و
روستایی فلسطین اشغالی
مهاجرت کرده اند؛

۵. وجہة بین المللی
رژیم اشغالگر قدس به
شدت کاهش یافته است و
این رژیم راه انزوا را
طی می کند و حملات تبلیغی
علیه غاصبان قدس؛ حتی
در اروپا شدت پیدا کرده
است.

۱. روزنامه اطلاعات،
۱۳۸۳/۷/۸، و نیز ۱۳۸۳/۷/۹.



محمد اسماعیل عبداللہی

چلوگیری کنند. اکنون باید دید دین مقدس اسلام در این زمینه چه می گوید و از نگاه دین، کمیّت انسانی مهم است یا کیفیّت؟ به عبارت دیگر نگاه دین به مقوله ازدیاد نسل به چه کیفیتی است؟ اینها از جمله پرسشهایی هستند که در این مقاله به آن خواهیم پرداخت.

تکثیر نسل در اسلام

در اندیشه دینی، نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده تأکید فراوانی شده است: [وَأَنْكِحُوا الْأَيَامِي الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنَّ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ]؛ «عزبهایتان را و غلامان و کنیزان خود را که

پیرامون ازدیاد و تکثیر نسل دیدگاه های متفاوتی مطرح شده است؛ عدّه ای آن را موجب عقبماندگی و بروز مشکلات می دانند و معتقدند که امکانات لازم برای مدیریت بشریت موجود نیست و اگر جلوی تکثیر نسل گرفته نشود، عواقب خطرناکی را برای جامعه انسانی به ارمغان خواهد آورد.

عدّه ای نیز بر تولید بدون حدّ و حصر انسان تأکید می کنند و معتقدند تفاوتی نمی کند که زندگی این بشر به چه کیفیتی سپری شود؛ بلکه مهم زاد و ولد است تا فطرت اجتماعی انسانیت ارضا شود و مدنیّت کلان شکل گیرد. به عقیده آنان در پرتو تکثیر نسل، خود بشر قادر خواهد بود خویشتن (و در نتیجه جامعه) را مدیریت کند و

تکثی ر نسل مسلمانان
برای زدودن بنای شرک و
فساد توسط آنان را از
مهم ترین مقاصد شریعت
ذکر کرده و می‌نویسد: «و
من جهة آخری من أهم

المقاصد عند شارع
الإسلام تكثير نسل
المسلمين و عمارة الأرض
بید مجتمع مسلم عمارة
صالحة ترفع الشرك و
الفساد؛ و از سوی

دیگر، یکی از مهم ترین
مقاصد و اهداف در نظر
شارع اسلام، زیاد شدن
نسل مسلمانان و آباد
شدن زمین به دست آنان
است به گونه‌ای که شرک و
فساد را از بین ببرد.»

آیت الله مکارم شیرازی >
می‌گوید: «از نظر اصولی،
ظاهر روایات در میان
شیعه و سنی این است که
افزایش جمعیت مسلمین
مطلوب است. به مقتضای
«تَنْ الْكُحْوَا تَنْ اَسْ لُوا
فَ اِنِّي اَبِ اِهِي بِكُمْ اَلْاَمَمْ
يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَ و
بِالْاَسْ قَطْ و امثال آن،

۱. المیزان فی تفسیر
القرآن، سید محمدحسین
طباطبایی، دفتر انتشارات
اسلامی وابسته به جامعه
مدرسین حوزه عملیه قم، قم،
چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق، ج ۴، ص
۱۸۹.

۲. (ای مردان و زنان) با
همدیگر ازدواج کنید و دارای
نسل گردید و زیاد شوید، به
راستی که من مباحث می‌کنم
به واسطه شما در مقابل
امتهای دیگر در روز قیامت،
ولو به فرزند سقط شده شما.
جامع الاخبار، شعیری،
مطبعة الحیدریه، نجف، چاپ
اول، بی‌تا، ص ۱۰۱.

شایسته باشند، همسر
دهید. اگر بینوا باشند،
خدا ب فضل خود
توانگرشان خواهد ساخت،
که خدا گشایش دهنده و
دانا است.»

در مرحله بعد به
تولی د و تکثیر نسل
تأکید می‌ورزد. زن و مرد
طالب این هستند که با
مشاهده ثمره وجودی
خویش، خود را بر مسند
پر افتخار مادری و پدری
بنگرند و مسئولیت تربیت
انسانهایی صالح و
ارزشمند را بر عهده
گیرند و از این رهگذر
به نسل خویش امتداد
بخشند.

فرزند جلوة وحدت پدر
و مادر است. درست است
که بعضی ژنهای والدین
به صورت بارز اثر خود
را بیشتر نشان می‌دهند و
بعضی کم تر؛ ولی به هر
حال، فرزند آمیزه‌ای است
که پاره تن هر دوی
آنهاست و زمینه‌های
وجودی والدین خویش را
در خود ذخیره دارد و از
هیچ یک جدا نیست.

در اسلام سفارشات
زیادی در باره ازدیاد
نسل وجود دارد؛ اما در
پرتو این سفارشات بر
کیفیت تولید نسل و
شرایط برخورداری از
فرزند صالح نیز تأکید
فراوانی شده است. در
اینجا تلاش می‌کنیم تا
نگاه دین در این باب را
بازگو و تبیین نماییم.
اهتمام دین بر ازدیاد نسل
علامه طباطبایی!

گرفته است که موجب افزایش نسل می‌شود. جمله دوم نیز فلسفه تحریم لواط را فزونی نسل ذکر کرده است که دلالت قابل قبولی بر مطلوبیت شرعی ازدیاد نسل دارد.

ازدیاد نسل و همکاری

خانوادگی

در آیات متعددی از قرآن کریم آمده است که افزودن مال و فرزند موجب کمک به مردم است، از جمله در سوره نوح می‌فرماید: [وَيُمَدِّكُمْ

بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ

لَكُمْ جَنَاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنَّهُ أَرَأَى]؛ برخی این آیات را این گونه تفسیر کرده اند: پس از آنکه حضرت نوح % به

پروردگارش عرض کرد: مدتهاست تبلیغ دین

می‌کنم؛ اما هیچ کس گوش نمی‌دهد، حضرت تأکید

می‌کند که بارها بر این مطالب اصرار ورزیدم که

اگر دعوت مرا بپذیرید، از شرک و کفرم تن‌فر

خواهید شد، خدا شما را خواهد بخشید، فراوانی

نعمت و خوراکیها را خواهید داشت و در پرتو

وفور اموال، فرزندان و نسل شما زیاد خواهد شد.

دلیل روشنی است که افزایش نفوس، مطلوب شارع است.»

علاوه بر روایاتی وجود دارد که بر رجحان ازدیاد نسل و کثرت جمعیت به طور مطلق دلالت دارند. مانند:

«صَلَّةُ الْأَرْحَامِ مَنَّمَاةٌ لِّلْعَدَدِ... وَ تَرْكُ اللَّوَاطِ

تَكْثِيرًا لِلنَّسْلِ»؛ صله

رحم را برای فراوانی خویشاوندان... و ترك

لواط را برای فزونی فرزندان.»

و نیز از این روایات که می‌فرماید: «تَنْ الْخُورِ

تَنْ اسْلُوا تَكْثُرُوا...؛ ازدواج کنید و دارایی

نسل گردید و زیاد شوید!»

«مَنْ مَفْعَلُهُ، از ریشه نمو به معنای زی‌ادی و فزونی

است و تناسل به معنای فراوانی نسل است، نه

صاحب نسل شدن. در «لسان العرب» آمده است: «و

تَنَاسَلُ بَنُو فُلَانٍ إِذَا كَثُرَ أَوْلَادُهُمْ.»

در روایت «نهج البلاغه» صله رحم به این

جهت مورد تشویق قرار

۱. أنوار الفقاهه فی أحكام العترة الطاهرة، کتاب النکاح، ناصر مکارم شیرازی، انتشارات مدرسه امام علی %، قم، ج ۵، ص ۶۱.

۲. نهج البلاغه، سید رضی، نشر هجرت، قم، حکمت ۲۵.

۳. جامع الاخبار ص ۱۰۱.

۴. لسان العرب، ابن منظور، دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۶۶.

۵. «پس [به آیان] گفتم: از پروردگارتان امرزش بخواهید که او همواره بسیار آمرزنده است - تا بر شما از آسمان باران پی در پی و با برکت فرستد - و شما را با اموال و فرزندان یاری کند، و برایتان باغها و نهرها قرار دهد.»

در شرايط نزول آیات است.»

علاوہ بر این، روایاتی داریم کہ فرزند را موجب امداد بہ پدر و مادر می داند و از این رو ازدیاد فرزند موجب تعاون و همکاری ہر چہ بیش تر اعضای خانوادہ و در نتیجہ پیشرفت در امور زندگی خواهد شد. روایاتی کہ فرزند داشتن را بہ جہت کمک آنها بہ پدر مورد تشویق قرار دادہ و ای «اولاد بار» را از سعادت انسان شمرده است.

۱. امام سجاد %
می فرماید: **مَنْ سَعَىٰ عَادَةَ الرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ يَسْتَعِينُ بِهِ مِمَّا** از خوشبختی های مرد داشتن فرزندان است کہ از آنان کمک بگیرد.»

۲. امام صادق %
می فرماید: **«ثَلَاثَةٌ مِنَ السَّعَادَةِ: الزَّوْجَةُ وَالْمُؤَاتِيَةُ وَالْبَارُونَ وَ...»** سه چیز مایة خوشبختی است؛ همسر همراه، فرزندان نیکوکار و...»

اینکہ در نگاہ دین مبین اسلام، فرزند مایة کمک بہ والدین معرفی می شود، حکایتگر نگاہ مثبت دین بہ ازدیاد نسل است. ہر چند نباید از این نکتہ نیز غفلت کرد

۳. کاف ی، محمد بن یعقوب کلینی، دارالحدیث، قم، ۱۴۲۹ ق، ج ۵، ص ۲۵۷.
۴. همان، ص ۲۵۸.

از جملہ آثار قبول دعوت رسول بہ خداپرستی و پرهیز از قبایح اعمال آن است کہ پروردگار وسایل آسایش زندگی را برای ہمگان فراهم آورد، از جملہ بارش بارانہ ای پی در پی و بہ موقع کہ محصولات نباتی و رستنیها بہ قدر کافی برای تأمین نیازهای عموم در دسترس آنان گذارده خواهد شد و ہمہ گونه احتیاجات مردم و اموال عموم طبقات افزایش یافته، نسل و فرزندان رو بہ ازدیاد نہادہ، وسایل زندگی در نہایت سہ ولت خواهد بود و رابطہ اقوام و قبایل بہ یکدیگر نزدیک شدہ، بہ صورت مجتمعه ای خداپرستان مرتبط و پیوستہ درخواہد آمد. صاحب تفسیر «بحر العلوم» می نویسد: **«وَأَيُّكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ»** یعنی **«بِعَطِيكُمْ أَمْوَالًا وَ أَوْلَادًا»** کہ «بنین» را بہ معنای اولاد آورده است.

بنابراین، در این آیات قرار گرفتن «بنین» در کنار «اموال» نشان م ی دہد کہ ستایش کثرت فرزندان بہ دلیل نقش ثانوی آنها در افزایش قدرت مادی فرد و جامعہ

۱. انوار درخشان، سید محمدحسین حسینی ہمدانی، قموس، بی جا، ۱۳۴۷ ش، ج ۱۷، ص ۱۰.

۲. بحر العلوم، نصر بن محمد بن احمد سمرقندی، دارالفکر، بیروت، بی تا، ج ۳، ص ۵۰۰.

عطا کردیم که رحمتی از سوی ما و مایه پند و تذکری برای عبادت‌کنندگان بود.» خدا از نعمت خود بر حضرت ایوب % یاد کرده است که پس از موفقیّت آن حضرت در آزمون سخت، خدا فرزندان از دست رفته اش را به وی بازگرداند و تعداد آنها را دو برابر نمود. هرچند در این آیات افزون شدن تعداد فرزندان رحمت خدا دانسته شده و در این آیات نشان‌دهنده از این‌که مقصود بُعد مادی و دنیایی آن است، دیده نمی‌شود.

ازدیاد شفاعت‌کنندگان آخرت با ازدیاد نسل

این ادعا در روایاتی که برای فرزندان در قیامت حق شفاعت والدین خود را قرار داده است، آمده که از آن جمله این روایت است:

امام صادق % می‌فرماید: «إِنَّ أَوْلَادَ الْمُسْلِمِينَ مَوْسُومُونَ عِنْدَ اللَّهِ شَافِعٌ وَ مُشَفَّعٌ فَإِذَا بَلَغُوا اثْنَتَيْ عَشْرَةَ سَنَةً كُتِبَتْ لَهُمُ الْحَسَنَاتُ فَإِذَا بَلَغُوا الْحُلُمَ كُتِبَتْ عَلَيْهِمُ السَّيِّئَاتُ؛^۳ به درستی که فرزندان مسلمین نزد خدا شافع و مشفع نامیده می‌شوند، پس وقتی دوازده ساله می‌شوند، برای آنها

که زمانی این مهم محقق خواهد شد که فرزند تحت کنترل و تربیت والدین بوده، نسلی صالح تربیت شود؛ اما اگر صرفاً بر تکثیر نسل، بدون تربیت صحیح، تأکید شود، هر آینه این چنین فرزندانی نه تنها موجب خیر و برکت و پشتوانه والدین نخواهند بود؛ بلکه موجب هرج و مرج و عنصری ضد روحیّه تعاون خانوادگی خواهند شد.

ازدیاد رحمت خدای متعال با ازدیاد نسل

می‌فرماید: [وَوَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَ ذِكْرِي لِأُولِي الْأَلْبَابِ]؛^۱ «افراد خانواده اش را به او بخشیدیم، و همانند آنان را بر آنها افزودیم، تا رحمتی از سوی ما و تذکری برای اندیشمندان باشد.»

در این آیه و آیات [فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَ آتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَ ذِكْرِي لِلْعَابِدِينَ]؛^۲ «پس ندایش را اجابت کردیم و آنچه از آسیب و سختی به او بود، برطرف نمودیم، و خانواده اش را [که در حادثه‌ها از دستش رفته بودند] و مانندشان را همراه با آنان به او

۳. وسایل الشریعة، ج ۲۱، ص ۳۵۵.

۱. ص / ۰۴۳ .
۲. انبیاء / ۸۴ .

وَمِنْ حَفَرٍ بِنْرًا، وَمِنْ
بَنِي اللَّهِ مَسْجِدًا، وَمِنْ كِتَابٍ
مُصْحَفًا، وَمَنْ خَلَفَ ابْنًا
صَالِحًا؛ پنج گ روہ از
دنیا رفتہ اند؛ ولی
[پروندة آنان بستہ
نشده،] دایم بہ آنان
ثواب می رسد: کسی کہ
درخت خرمایی کاشته، یا
چاہ آبی [برای
بہرہ برداری مردم] حفر
کرده، یا بہ خاطر خدا
مسجدی ساختہ، یا قرآنی
نوشته و یا فرزند
شایستہ ای از خود بہ جای
گذاشته است.»

ازدیاد گویندگان کلمة
توحید با ازدیاد نسل
روایات زیاد ی
سنگین تر شدن زمین با
گویندہ کلمة توحید را
تشویق کرده اند کہ بر
رجحان کثرت نسل دلالت
دارند. امام صادق %
توصیة حضرت یعقوب % بہ
فرزند دانیخ و دمنی بر
آوردن فرزندان ی اہل
تسبیح الہی را نقل و بہ
آن استناد کرده و
می فرماید: «جاء رَجُلٌ
إِلَى رَسُولِ اللَّهِ - فَقَالَ: يَا
نَبِيَّ اللَّهِ! إِنَّ لِي ابْنَةً عَمَّ
قَدْ رَضِيتُ جَمَالَهَا وَ
حَسَنَهَا وَ دِينَهَا، وَلَكِنِّي
عَاقِرٌ، فَقَالَ: لَا تَزُوجِهَا
إِنَّ يَوْسُفَ بْنَ يَعْقُوبَ لَقِي
أَخَاهُ فَقَالَ: يَا أَخِي!
كَيْفَ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَتَزَوَّجَ
النِّسَاءَ بَعْدِي؟ فَقَالَ: إِنَّ

۲. بحار الانوار، محمدباقر
مجلسی، دارالاحیاء التراث
العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق، ج
۱۰۴، ص ۹۷.

حسنات نوشته می شود، پس
وقتی بالغ می شوند،
سئیات آنها نوشته
می شود.»

سنگینی پروندة عمل با
ازدیاد نسل

امام صادق %
می فرماید: «قَالَ رَسُولُ
اللَّهِ: الْإِوْلَادُ الصَّالِحُ
رَيْحَانَةٌ مِنَ اللَّهِ قَسَمَهَا بَيْنَ
عِبَادِهِ؛ پیامبر گرامی
اسلام - فرمود: فرزند
شایستہ دستہ گلی خوشبو
از جانب خدا است کہ
میان بندگان قسمت
می کند.»

در روایات متعدد ی
یکی از سعادتہای انسان
را داشتن ولد صالح و
نیکوکار معرفی کرده است
و کار خیر و استغفار
فرزند در دنی را باعث
مغفرت والدین دانسته،
پدر و مادر را در ثواب
کارہای خیر فرزندان خود
شریک قرار داده است.
بر اساس مبانی دینی،
ہر عمل نیک و خیر فرزند
بہرہ و ثوابی نیز برای
والدین او بہ دنبال
خواہد داشت؛ چہ والدینش
زندہ باشند، چہ نباشند.
از این رو، ہرچہ تعداد
نسل صالح آدمی بیش تر
باشد، عمل نیک نیز برای
او فزونی و استمرار
خواہد داشت.

رسول خدا - می فرماید:
«خَمْسَةٌ فِي قُبُورِهِمْ وَ
ثَوَابُهُمْ يَجْرِي إِلَيْهِ
دِيْوَانُهُمْ: مَنْ عَرَسَ نَحْلًا،

مختلف بر مطلوبیت
فراوانی اولاد دلالت
می‌کند:
الف) تشویق به
ازدواج با ولود (بسیار
زا)؛
ب) محبوب بودن
سنگینی زمین به وسیله
تسبیح کنندگان؛
ج) تعلیل به تفاخر
بر امتها در روز قیامت
ب انبوه جمعیت
مسلمانان.

در روایت دیگری امام
باقر^ع می‌فرماید: «قال
رسول الله: ما يمنع
المؤمن أن يتخذ أهلاً
لعل الله يرزقه نسمة تثقل
الأرض بلا إله إلا الله»^۲

رسول خدا- می‌فرماید: چه
چیز مانع می‌شود از
اینکه مؤمن همسری
بگیرد، به امید آن که
خدا ذی‌روحی را نصیب او
کند تا زمین را با گفتن
«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» سنگین
نماید؟»

این روایات، مؤمنین
را به تکثیر نسل مسلمان
تشویق می‌نمایند.

أبي أمرني، وقال: إن
استطعت أن تكون لك
ذرية تثقل الأرض
بالتسبيح فافعل .

قال^۳: فجاء رجل من
الغد إلى النبي فقال
له مثل ذلك، فقال له:
تزوج سواً ولوداً فإني
مكاتبكم الأمم يوم
القيامة. قال: فقلت
لأبي عبدالله: ما السواء؟
قال القبيحة؛ مردی

نزد رسول خدا - آمد و
گفت: ای پیامبر!
دخترعمویی دارم که
زیبایی و حسن و دین او
را می‌پسندم؛ ولی نازا
است. پیامبر- فرمود: با
او ازدواج نکن؛ زیرا
حضرت یوسف در دیدار با
برادرش پرسید: چگونه پس
از من توانستی با زنان
ازدواج کنی؟ پاسخ داد:
پدرم به من فرمان داد و
گفت: اگر می‌توانی
فرزندانی پدید آوری که
زمین را آکنده از تسبیح
کنند، ازدواج کن. امام
صادق^ع فرمود: فردای آن
روز مردی نزد پیامبر -

آمد و همان پرسش را
نمود، پیامبر فرمود: با
زن سواء كه فرزند زیاد
می‌آورد، ازدواج کن؛
زیرا من در روز قیامت
به فراوانی مسلمانان بر
سایر امتها تفاخر
می‌کنم. راوی می‌گوید:
پرسیدم: «سواء» چیست؟
فرمود: زن زشت منظر.
این حدیث از جوانب

۲. من لایحضره الفقیه، محمد
بن علی بن بابویه، دفتر
انتشارات، ج ۳، ص ۳۸۲؛
وسائل الشیعه، محمد بن حسن
حر عاملی، ج ۷، باب ۱، صص ۳
و ۴.

۱. کافی، ج ۵، ص ۳۳۳.



علی ملکوتی نیا

رضامندی و احساس خوشبختی انسانهای موفق، به ویژه پیامبران و عالمان اخلاقی در سختیهای زندگی، چه بوده است؟

در نوشتار پیش رو، به بررسی و پاسخ این مسئله می‌پردازیم.

رضامندی؛ بستر موفقیتها

بر اساس تحقیقات روانشناسان اسلامی «رضامندی» یکی از دو جزء اساسی احساس شادکامی در زندگی است، که در کنار جزء دیگر؛ یعنی «نشاط»، بستر کامیابیها و موفقیتها را فراهم می‌کند.

منظور از رضامندی؛ احساس خرسندی از مجموع زندگی و منظور از نشاط؛ سرزندگی و پویایی در مجموع زندگی می‌باشد.

رضایت از زندگی و احساس خوشبختی بسان کیمیا، آرزوی تمامی انسانها در طول تاریخ بوده است که امروزه نیز از مسائل مهم روانشناسی مثبت‌گرا به شمار می‌آید و دانشمندان در مباحثی همچون «شادکامی و بهزیستی روانی»، درباره آن بحث می‌کنند. در اخلاق اسلامی نیز، مفاهیم «شکر»، «صبر»، «رضا»، «تسلیم»، «توکل» و... جلوه‌های این رضایت و خشنودی هستند.

این رضایت از زندگی، یکی از نمادهای بارز زندگی پیامبران، اولیای الهی و مردان آسمانی است؛ چرا که آنها با بیشترین سختیها دست و پنجه نرم می‌کردند و در عین حال، لحظه‌ای ناراضی و معترض نبوده‌اند.

سؤال اساسی این است

۱. ر.ک. به: رساله میانی و عوامل شادکامی در اسلام با

«مقتدای راهبر»^۳، برای تاریخ به ارمغان گذاشت راز رضایت از زندگی از قرآن کریم، احادیث و تاریخ زندگی پیامبران الهی، پیشوایان معصوم و عالمان ربّانی برمی آید، که آنان تمام حوادث تلخ و شیرین زندگی را بر مدار «خیر» ارزیابی می‌کردند.

**به جهان خرم از آنم که
جهان خرم از اوست
عاشقم بر همه عالم که
همه عالم از اوست**

پس راز رضایت از زندگی و موفقیت، «خیر باوری» یعنی هماهنگسازی با واقعیت توحیدی است. باور به اینکه تمام امور زندگی انسان بر اساس تقدیر خدای متعال رقم می‌خورد که تماماً مبتنی بر خیر است، و اگر این اندیشه در رفتار ما نیز جریان

انسانهای موفق و نمونه از حوادث زندگی خود، در ناگوارترین شرایط، احساس خرسندی و رضایتمندی داشته اند و به دنبال آن، با توانی مضاعف به انجام وظیفه پرداخته‌اند.

نمونه بارز این افراد، پیامبران الهی، پیشوایان معصوم و در ادامه، سلسله نورانی عالمان ربّانی هستند که در کوران حوادث تلخ، لحظه ای ناامید نشدند؛ بلکه با شادابی بیشتر و رضایت افزون تر، به بندگی، تبلیغ دین و خدمت به دیگران پرداختند.

مواردی همچون؛ کفرورزی و اعراض مردم، سخنان ناروا، استهزا، افترا، تکذیب، جنگ، بیماریها و ده ها عامل تنش زای دیگر در مسیر زندگی پیامبران، به خصوص زندگی پیامبر

اسلام-،^۱ ذره‌ای آنها را دچار تردید و شکایت نکرد؛ بلکه همین مقاومت و پایداری، از آنها «الگوی حسنه»^۲ و

کثیراً[۱]؛ «قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکو است: برای آن کس که خدا و روز واپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند.» احزاب/۲۱.

۳. [أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمْ أَقْتَدِهِ قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرِي لِلْعَالَمِينَ]؛ «اینان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده، پس به هدایت آنان اقتدا کن. بگو: من از شما هیچ مزدی بر این [رسالت] نمی‌طلبم. این [قرآن] جز تذکری برای جهانیان نیست.» انعام/۹۰.

۴. عامل اصلی رضامندی؛ «خیرباوری» است. (همان؛ چکیده).

رویکرد روانشناسی مثبت‌گرا، عباس پسندیده، دانشکده علوم حدیث، قم، ۱۳۸۹ ش، ص ۱۰۸.

۱. ر.ک. به: پایان‌نامه کارشناسی ارشد «عوامل توان‌افزایی در تحمل سختیها از نگاه قرآن»، محسن عطاء الله، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ۱۳۹۰ ش.

۲. [لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ

فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا [۲]؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! برای شما حلال نیست که زنان را به اکراه ارت برید و آنان را زیر فشار مگذارید تا بخشی از آنچه را به آنان داده‌اید [از چنگشان به در] ببرید، مگر آنکه مرتکب زشتکاری آشکار شوند و با آنها به شایستگی رفتار کنید و اگر از آنان خوشتان نیامد، پس چه بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و خدا در آن مصلحت فراوان قرار می‌دهد.»

پس باور به خیر بودن تقدیرهای الهی، عامل اساسی رضایت از زندگی است و پیشنهاد خیرباوری نیز، ایمان به تقدیر الهی است. که دین می‌کوشد این باور و ایمان را در انسانها به وجود آورد و در این راستا، ضمن بازگویی این واقعیتها، انبیا و اولیای خود را به عنوان الگو و راهبر معرفی می‌نماید.

مدیریت هستی بنا به عقیده اولیای الهی مدیریت و سرپرستی عالم به دست خدا است و هیچ چیز از نگاه نافذ وی دور نیست. او هر چه را مصلحت و شایسته بداند، به انجام می‌رساند. همان گونه که قرآن کریم خبر می‌دهد:

پیدا کند، به رضایت خواهد رسید؛ زیرا «خیر» رضایت آور است و اگر انسان بداند که چیزی به نفع او است، راضی خواهد شد، حتی اگر سخت و دشوار باشد.^۱

خدای سبحان در ضمن آیاتی چنین فرموده‌اند:
كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كَرْهٌ لَّكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ [۲]؛ «بر شما

کارزار واجب شده است، در حالی که برای شما ناگوار است و بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و آن برای شما خوب است. و بسا چیزی را دوست می‌دارید و آن برای شما بد است و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.»

با می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَجِدُ لَكُمْ كَرْهًا وَلَا تَعْضَلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْنَهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ يَفَاحِشَةً مُّبِينَةً وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يَجْعَلَ اللَّهُ**

۱. برای اطلاعات بیشتر، ر.ک. به: مقاله «پایه نظری رضامندی از دیدگاه اسلام»، عباس پسندیده و همکاران، مجله روان شناسی و دین، زمستان ۱۳۹۱، شماره ۲۰.
۲. بقره/۲۱۶.

کعبه الهی نمود . جهت
مخارج سفر، مقداری زر
مهیّا کرد و گوهری نفیس
که قیمت آن سه هزار
دینار بود، با آن زر در
همیانی نهاد و بر کمر
بست.

در منزلی از منازل
راه به قصد قضای حاجت
از کاروان فاصله گرفت،
همیان از میان بگشاد و
به کناری گذاشت و مشغول
قضای حاجت شد . چون از
کار خود فراغت یافت،
برداشتن همیان را
فراموش کرد و به راه
خود ادامه داد، پس از
مدتی از همیان یاد

آورد. به محل قضای حاجت
بازگشت؛ ولی همیان را
نیافت. چون اموال دیگر
در اختیار داشت و
می‌توانست ادامه سفر
دهد، از گم شدن همیان
غصه‌ای به خود راه نداد.
پس از ادای حج و بجا
آوردن مناسک به وطن
اصلی مراجعت نمود، در
حالی که در وطن، انواع
محنتها به او حمله‌ور شد
و کار به جایی رسید که
جهت حلّ مشکل هر تیری به
ترکش می گذاشت و
می‌انداخت، به خطا می‌رفت
و هر تجارت که از راه
تجربه پیش می‌گرفت، دچار
خسران می‌شد.

در مدتی اندک تمام
مال و منال او از دست
رفت. از خوف مردم و ترس
طلبکار و شرمساری از
دوستان و شدت رنج و غم،
وطن اصلی را وداع کرد و

[وَإِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ
فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَ إِنْ
يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ
لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ
مِنْ عِبَادِهِ وَ هُوَ الْغَفُورُ
الرَّحِيمُ]؛ «و اگر خدا

گزند و آسیبی به تو
رساند، آن را جز او
برطرف کننده ای نیست، و
اگر برای تو خیری
خواهد، فضل و احسانش را
دفع کننده ای نیست. خیرش
را به هر کس از بندگانش
بخواهد، می‌رساند و او
بسیار آمرزنده و مهربان
است.»

یا می‌فرماید: [قُلْ
اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي
الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَ تَنزِعُ
الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَ تَعَزَّ
مَنْ تَشَاءُ وَ تَدْبِلُ مَنْ تَشَاءُ
شَيْءً قَدِيرًا]؛ «بگو: بار

الها! مالک حکومتها
تویی. به هر کس خواهی،
حکومت می‌بخشی و از هر
کس خواهی، حکومت را
می‌گیری . هر کس را
بخواهی، عزت می‌دهی و هر
که را بخواهی، خوار
می‌کنی. تمام خوبیها به
دست تو است . تو بر هر
چیزی قادری.»

برای روشن شدن حقیقت
یاد شده به این حکایت
توجه کنید:

«سید الدین محمد
عوفی» نقل می‌کند: تاجری
معروف و ابرودار و مورد
توجه مردم، قصد زیارت

۱. یونس/۱۰۷.
۲. آل عمران/۲۶.

خواب مردمان شدہ ای؟
گفتم: عیالِم دچار وضع
حمل است، دو درہمی پول
نقر داشتیم، روغن و شکر
خریدم. آن ہم از دستم
برفت.

گفت: ای مرد! برای
دو درہم نقرہ عزا لازم
نیست و گریہ و زاری
معنا ندارد. گفتم: درد
من همین نیست. مرا وقتی
ثروتی و نعمتی وافر
بود، در حدی کہ سه ہزار
دینار ہمراہ گوہری گران
از دست دادم و ذرہ ای
غصہ نخوردم: اما امروز
این دو درہم برای من
مالی بود و گوشہ ای از
درد مرا دوا می کرد.
تضرع و زاریم و فریاد و
نالہ ام بیجا نیست. در
این موقعیت جای سرزنش
نمیباشد. صاحبخانہ مرا
نزد خود دعوت کرد و
گفت: وصف ہمیان خود را
بازگویی، گفتم: ای
خواجہ! از سر این
داستان بگذر و بیچارگان
را بہ سخن بی معنا
میازار. خواجہ گفت: این
سؤال بہ شوخی نمیکنم و
قصد آزار تو را ندارم.
برای من بگو در چه وقت
و در کجا این ہمیان از
دست دادهای؟

تم ام قصۃ زندگی خود
را برای او بازگفتم، بہ
من گفت: اکنون عیال تو
کجاست؟ آن سرای خراب بہ
او نشانی دادم. عداہی
از خدمتکاران خود را
فرستاد و عیال مرا بہ
خانۃ خود آورد و دستور
داد بہ بہترین صورت از

ترک شہر و دیار نمود.
او با زن و فرزند در
حرکت بود. نہ منزلی
پدید و نہ مقصدی معین و
نہ مرحلہ ای مہیا و نہ
زادی پیدا. همان طور در
حرکت بود تا بہ دہی
رسید، در سرایی خراب
فرود آمد. فصل زمستان،
رنج و مشقت آنان را بیش
از پیش کرد. در چنین
وضعیتی ہمسر او دچار
وضع حمل شد، بہ مرد
گفت: فکری کن و چراغی
برافروز و غذایی مناسب
حال تہیہ کن.

مرد را بیش از اندکی
پول نقرہ نبود، میگوید
در آن شب تاریک برخاستم
و بہ دکان بقالی رفتم و
او را التماس کردم تا
دکان خود را باز کرد.
شرح حال بدو باز گفتم.
قدری روغن و شکر بہ من
داد. ظرف روغن و کیسہ
شکر بہ سوی منزل
میبردم، پایم بہ سنگی
سخت آمد، با سر بیفتادم
کاسۃ روغن شکست و آن
روغن با گل و لای مخلوط
شد و ہر ذرہ شکر بہ
جایی ریخت. در حالی کہ
فریاد از نہادم برآمد
از جای برخاستم و بہ
آواز بلند گریہ سر دادم
و بر خود و این ہمہ
رنجی کہ بہ من رسیدہ،
نوحہ کردم. ناگہان مردی
سر از پنجرۃ خانہ بیرون
کرد و آواز داد: ای
مرد! تو را چہ می شود کہ
در این نیمہ شب بہ
فریاد آمدہ ای و مزاحم

خواهی، بردار! گفت: ای
خواجه! سالهاست که من
به حفظ این مبتلا بودم و
این ساعت وجود مقدس حق
مرا خلاصی داد و حق به
حق دار رسید. من بر آن
مرد بزرگوار دعا کردم و
مال خود در تصرف آوردم
و پس از اندکی به توفیق
حق و گشوده شدن در
رحمت، دولت و اقبالم به
استقبال آمد و از رنج و
مجنت به راحت افکند.»

سنگ بدگوهر اگر کاسه

زین شکند

قیمت سنگ نیفزاید و زر

کم نشود

سعديا! گر به تو درد

است به درمان برسي

هر که دردی نکشد لایق

مرهم نشود

اینچاست که گفته اند:
«تو خود حدیث مفصل
بخوان از این مجمل!» و
بین که خدای سبحان
چگونه برای تربیت و
تعالی انسانها، دارایی
و نداری، برخورداري و
محرومیت را با سر انگشت
قدرت و محبت خود رقم
میزند تا آدمی ورزیده و
بینا شده، به منزل شکر
و صبر بار یابد و به
این وسیله، رنگ الهی
گرفته، آسمانی گردد.
بر این اساس امام
سجاد % تندرستی و

زن و بچه ام پذیرایی
کنند، سپس گفت: تو
مقصدی معین نداری. اگر
اینجا بمانی، تو را
سرمایه دهم که به آن
داد و ستد نمایی.
پیشنهادش پذیرفتم. مرا
سیصد دینار زر مایه به
کف نهاد و من آن را در
خرید و فروش به کار
بردم و در مدتی اندک
منافع آن به پانصد
دینار رسید. تمام آن به
خدمت خواجه بردم، مرا
گفت: اکنون تو را ثروتی
حاصل آمد و سرمایه به
دست افتاد و از مجنت
فقر و فاقه خلاصی یافتی
و آماده ای تا مسئله ای
برایت بگویم. گفتم:
بگو! گفت: اگر آن همیان
خود را ببینی، بشناسی؟
گفتم: آری. همیانم را
آورد. با تعجب دیدم مهر
آن از سرش برنداشته و
همچنان دست نخورده باقی
مانده. به من گفت: من
در همان شب تاریک
خواستم همیان را به تو
بازگردانم؛ اما چون تو
را در فقر و فاقه عظیم
دیدم و در شدت نگرانی،
ترسیدم که تو را طاقت
آن لذت و خوشحالی نباشد
و خدای ناکرده رنجی به
تو رسد. سیصد دینار به
تو دادم تا چشمت پر شود
و دستت فراخ گردد و
روحیه ات آماده شود.
آنگاه همیان را به تو
برگرداندم.

من آن همیان را

بگشادم و آن مال پیش او
نهادم و گفتم: چندان که

۱. تفسیر و شرح صحیفه
سجادیه، حسین انصاریان، ج ۱،
ص ۲۹۱ - ۲۸۹، به نقل از:
جوامع الحکایات، ص ۵۷۵، جزء
دوم.

۲. ملحقات «غزلهای عرفانی»،
سعدي شیرازی

سپس به او فرمود : اي سلمان! در بيماري تو سه خصلت براي تو است:

۱. در ياد حضرت حقی؛
۲. دعايت در بيماري
- مستجاب است؛ ۳. بيماري، گناهي برايتم نمي گذارد، مگر اينکه از پرونده تو مي ريزد.

و همچنين

فرموده اند: «سَاعَاتِ الْأَوْجَاعِ يَذْهَبْنَ بِسَاعَاتِ الْخَطَايَا»^۱ ساعات دردها، از بين برنده ساعات خطاها است.»

بنابراين، بيماريها و مشکلات، انسان را از آلودگيهاي گناهان، پاکيزه مي کند و صفاي باطن بخشيده، آدمي را به ساحت خداي سبحان نزديکتر مي سازد.

با عنايت به اين باور، سفارش شده است که شخص بيمار اين دعا را تکرار کند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ...»

بنابر آنچه گفته شد گوهر رضايتم در حوادث زندگي، راز آرامش و موفقيت مردان الهي و

۲. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۸۵، باب ۱، ج ۳۷؛ الأمالي شيخ صدوق، ص ۴۶۷، ج ۹.
۳. همان، ص ۱۹۱، باب ۱، ذيل ج ۴۹؛ مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۰، باب ۱، ج ۱۴۰۶.
۴. همان، ص ۲۱۲، باب ۲، ذيل ج ۳۰؛ مکارم الاخلاق، ص ۳۸۹.

بيماري را دو نعمت از سوي خدا معرفي فرمود و مي دانست که خوشيها و ناخوشيهاي زندگي، با اراده و تقدير خداي متعال مديریت مي شود. بنابراین، در هنگام بيماري يا اندوه و گرفتاري، اين دعا را زمزمه مي نمود:

«اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا لَمْ أَرَلْ أَتَصَرَّفْ فِيهِ مِنْ سَلَامَةٍ بَدَنِي، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا أَحَدَّثت بِي مِنْ عِلَّةٍ فِي جَسَدِي فَمَا أَدْرِي، يَا إِلَهِي، أَيُّ الْخَالِقِينَ أَحَقُّ بِالشُّكْرِ لَكَ، وَ أَيُّ الْوَقْتِينَ أَوْلَى بِالْحَمْدِ لَكَ؛^۱ خدایا! تو

را سپاس بر تندرستي بدنم که پیوسته از آن برخوردار بودم، و تو را سپاس بر بيماري و مرضي که در جسمم پديد آوردی. اي خداي من! نمي دانم کدام يك از اين دو حال براي سپاس گزارى به درگاهت سزاوارتر، و کدام يك از اين دو وقت، براي سپاس و ثنا به پيشگاهت شايسته تر است.»
پيك محبت خداوند

امام صادق % نیز بيماريها را پيك محبت خداي متعال و حامل برکات معرفي نموده و فرموده است: رسول خدا - از سلمان هنگامی که بيمار بود، عيادت کرد،

۱. دعای پانزدهم صحیفه سجادیه، در هنگام بيماري يا اندوه و گرفتاري

رفت. عرضه داشت که تا پایان عمر با این بیماری صبر می‌کنم؛ زیرا مقام آخرتی بالاتر از سلامت دست من است، سپس از خواب بیدار شد و تا روز مرگ با همان رعشه، در حالی که قلبی راضی از حضرت حق داشت، به سر برد.»

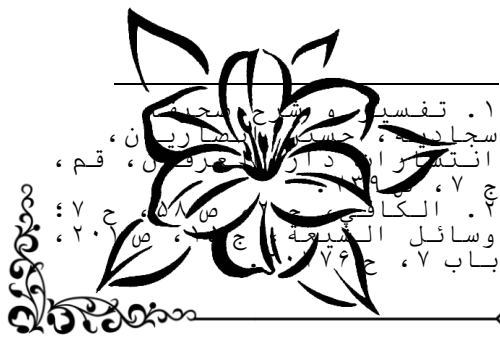
بدون شك باور به تقدیر الهی، آدمی را از نارضایتی و شکایت مصون می‌دارد. کسانی که به این باور می‌رسند، به ایمان راستین دست یافته و راضی و تسلیم تقدیر می‌گردند. و در نهایت آرامش زندگی می‌کنند.

امیرالمؤمنین علی % در این باره فرموده است: **«لَا يَجِدُ عَبْدٌ طَعْمَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَعْلَمَ أَنَّ مَا أَصَابَهُ لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئَهُ وَ أَنَّ مَا أَخْطَأَهُ لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبَهُ وَ أَنَّ الضَّارَّ النَّافِعَ هُوَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ»**؛ بنده مزه ایمان را نمی‌چشد تا اینکه بداند آنچه باید به او برسد، می‌رسد و آنچه نباید به او برسد، نمی‌رسد و اینکه تنها زیان‌بخش و سودبخش فقط حضرت حق است.»

آسمانی است. آنان همواره به رضایت الهی می‌اندیشند، و غم و شادی برایشان تفاوتی ندارد. اگر بدانند رضایت خدا و خیر آنها در بلاها و سختیها است، با جان و دل به استقبال آن می‌روند.

یکی از عالمان اخلاق می‌نویسد: «دوستی داشتم به نام حاج محمد تهرانی که از سواد خواندن و نوشتن بهره‌ای نداشت؛ ولی از نظر ایمان و یقین و عمل صالح، مردی فوق‌العاده بود. یک بار در عرفات و بار دیگر در کاظمین، خدمت مولای بزرگوارمان حضرت ولی عصر (عج) رسیده بود. در اواخر عمر، مبتلای به بیماری رعشه سخت در هر دو دستش شده بود، به طوری که از جابجا کردن یک استکان آب عاجز بود. برای زیارت حضرت

امام رضا % به مشهد مشرف شد. بالای سر حضرت طلب شفا کرد. نیمه شب همان شب در عالم رؤیا به خدمت حضرت رضا % رسید. امام به او فرمود: به خاطر این رعشه در دست، مقامی در قیامت برایت مقرر شده که بسیار عالی است. چنانچه در این چند روزه باقیمانده عمر بخوای، از خدا برای تو طلب شفا کنم؛ ولی در مقابل شفای این بیماری آن مقام آخرتی از دستت خواهد



۱. تفسیر و شرح بحار جلد ۱۰، حدیث ۱۰۰۰۰، حسن بن صالح بن حمزه، انتشارات دار المعرفه، قم، چ ۷، ص ۷۶.
 ۲. الکافی ج ۲، ص ۸۸، ح ۷؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۰۰، باب ۷، ح ۷۶.



عبدالله رضوانشهری

مقال تنها به ذکر چند نکته بسنده می‌شود:
شرافت و اصالت
 اجداد ایشان در زمان صفویه به عنوان شیخ الاسلام از سبزواری به ساوه اعزام می‌شوند و بسیاری از اهل سنت آنجا را مستبصر می‌کنند و برای کسب علم با حوزه‌ها ارتباط برقرار می‌نمایند. پدر ایشان آیت الله سید محمد حسین شیخ الاسلام، به هنگام تولد فرزندش (سید مرتضی) از اصحاب میرزای شی‌رازی در سامرا بود و در دوران کودکی سید مرتضی، وفات یافت. در حوادث مهم سیاسی ایران و عراق و جنگ جهانی مترصد بهترین زمینه‌ها و فرصتها بود. و به جای زمینگیر شدن در حوا دث، بارها به سامرا، قم، نجف، لبنان، مصر، تهران

عسکری در سال ۱۲۹۳ شمسی (مصادف با سال ۱۳۳۲ قمری) دیده به جهان گشود و در سال ۱۳۸۶ شمسی مقارن با پنجم رمضان المبارک ۱۴۲۸ قمری دیده از جهان بربست.
 این مرزبان مکتب اهل بیت (می‌تواند برای مبلغان اسوه ای موفق از درستی رفتار، خلوص کردار و سلوک علمی باشد. ایشان در چند رشته تبلیغی - ترویجی برجستگی دارد؛ تبلیغ قلمی، بیانی، تربیت جوانان، تأسیس مراکز مختلف آموزشی و مؤسسات خیریه، مبارزات، مناظرات و غیره که ناشی از غیرت دینی و سوز درونی ایشان و درد دین داشتن وی است که او را مبلغ موفقی کرد، کلمات آموزنده حیات ایشان

را بر فرزندش گذاشت روزی در ایام عرفه به کربلا مشرف می شود و در حرم حضرت عباس % دوست عالم و همشهریش حاج میرزا آقا ساوجی را می بیند. ایشان می گوید: من می خواهم شما را وصی خود قرار دهم. سید محمد می گوید: من زودتر از شما وفات می کنم و می خواهم شما را وصی خود قرار بدهم، و وصیت هایش را می کند، از جمله می گوید: ثلث اموال مرا برای صغارم بدهید و لازم نیست برای نماز و روزه من خرج کنید؛ چون من نمازهای تمام عمر پدر و مادرم را نیز اعاده کرده ام.»^۲

جدشان به دیدار حضرت صاحب الزمان (عج) مشرف شدند. علامه می گوید: «مرحوم جدم برای تزویج دخترش قصد سفر از نجف به ساوه را داشتند. قبل از حرکت، به مسجد کوفه می روند و در هنگام عبادت، چشمشان به چهره صاحب العصر و الزمان (عج) روشن می گردد. حضرت به ایشان می فرماید: آقا سید اسماعیل! می خواهی کجا بروی؟ عرض می کند: می خواهم به ساوه بروم. حضرت می فرمایند: خدمت

و... مسافرت کرد و کارش را ادامه داد. آغاز طلبگی در سامرا بود، و سپس در عهد آیت الله حائری یزدی (از اساتید مهم حوزه قم بهره برد؛ اما با فشارهای دوره رضاخان به نجف و کاظمین هجرت کرده و در زمان آیت الله بروجردي) به قم بازگشت. هنگامی که دید با آشفته گیهای دوران نهضت نفت و قیام آیت الله کاشانی (در ایران، طرحهایش به نتیجه نمی رسد، به عراق بازگشت و پس از ستمگریهای حزب بعث عراق، به لبنان و سوریه رفت و سرانجام با پیروزی انقلاب اسلامی، ایران را پایگاه خود قرار داد تا سرانجام در ۱۳۸۶/۶/۲۵، در حرم حضرت معصومه & در رواق شهید مطهری) آرمید.

حضرت آیت الله مصباح یزدی > در شأن وی می فرماید: «امروز هم شیوة ایشان برای ما مدل قابل اقتباسی است.»^۱

کرامت پدر

آیت الله سید محمد ، پدر علامه عسکری که ملازم و همراه عابد زاهد، آیت الله سید مرتضی کشمیری) بود، از شدت ارادت که به استادش داشت، نام او

۲. مکتب علامه، ص ۱۷، با کمی تغییر و ویرایش

۳. نقباء البشر، آقا بزرگ تهرانی، نشر المرتضی، مشهد، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۱۶۴ - ۱۶۵.

۱. مکتب علامه، جمعی از نویسندگان، انتشارات علامه، قم، ۱۳۸۹ ش، ص ۱۲.

... ده ساله بودم که
«جامع المقدمات» را
خواندم. بعد هم همان
کتابهای رسمی حوزه عراق
را خواندم. ... من
غالباً دو سه درس را با
هم می‌گرفتم و کتابها را
زود تمام می‌کردم، با
این حال خیلی از اشعار
«مطوّل» را هنوز حفظ
دارم. در مدرسه میرزای

شیرازی (که بودم،
اساتیدم فکر می‌کردند که
استعدادم خیلی خوب است،
لذا مربی خصوصی برای
من گذاشته بودند تا از
او درس خصوصی بگیرم تا
قسمتی از سطوح را در
سامرا خواندم و در کنار
تحصیل، درس هم
می‌گفتم.»

همچنین می‌گوید:
«زندگی من و پدرم از
املاک ساوه می‌گذشت و از
سهم امام % استفاده
نمی‌کردم، رضا شاه بردن
پول از ایران به عراق
را ممنوع کرد ... به
همین دلیل مجبور شدم در
زمان مرحوم آیت الله حاج
شیخ عبد الکریم حائری ()
وارد حوزه علمیه قم
شوم.»

۲. خبرگزاری فارس، ویژه
نامه مراسم ارتحال علامه
عسکری (، ۱۳۹۲/۷/۱۱)، برگرفته
از کتاب: علامه عسکری،
مرزدار مکتب اهل بیت، محمد
باقر ادیبی لاریجانی،
انتشارات دانشکده اصول دین،
قم.

۳. پایگاه اطلاع رسانی
دانشکده اصول دین، به
آدرس: www.dezful-ac.ir.

مولی الموالی را رها
می‌کنی و به ساوه
می‌روی؟»
جد مادریش - که در
دامن او پرورش یافت -
آیت الله میرزا محمد
طهرانی (۱۳۷۱ق) از
شاگردان میرزا علی آقا
و میرزا محمدتقی
شیرازی، از بزرگان حوزه
سامرا است.

دوران طلبگی

نوجوانی را در حوزه
سامرا گذراند و از
کتابخانه پربار جدش
استفاده‌ها نمود. خود او
می‌گوید:

با اینکه در طفولیت
یتیم شدم، در ده سالگی
که مرا به طلبگی
سپردند، خواندن و نوشتن
به زبان عربی و فارسی
را به خوبی می‌دانستم.
از همان آغاز

کتابخوانی، به مطالعه
کتابهای سیره و تاریخ
پیامبر - و اصحاب و
فتنه های صدر اسلام و
سفرنامه‌ها (مثل سفرنامه
ابن خبیر و ابن بطوطه و
سفرنامه های اروپاییان
به مشرق زمین) علاقه
داشتم و داستان استعمار
استعمارگران را نسبت به
کشورهای اسلامی دنبال
می‌کردم؛ مثلاً «رسالة
دخانیه» را - که نوشته
یکی از شاگردان میرزای
شیرازی [درباره نهضت
تنباکو] بود - خواندم.

۱. مکتب علامه، ص ۱۹.

اساتید اخلاق علامه

ایشان می‌گویند: «در قم مربی اخلاق، مرحوم شیخ مهدی پایین شهری بود، البته از اساتید دیگری نیز در اخلاق عملی استفاده کردم؛ مثلاً مرحوم آیت الله سید محمد تقی خوانساری (که روزها خدمتشان می‌رسیدم و با اخلاقشان تربیت می‌شدم، نه با حرفشان.»^۱

نیت و اخلاص علامه

یکی از اصحاب ایشان به نقل از علامه می‌گوید: «در جوانی، تردید و وسواس در باب اخلاص و نیت داشتم. بعد این‌گونه مسئله را برای خودم حل کردم: هر کاری را که وظیفه شرعی خود تشخیص دادم، عمل می‌کنم، و کاری به مدح و ذم دیگران یا علاقه و بی‌علاقگی خودم ندارم و بیش از ۶۰ سال و امروز نیز این چنین است.» باز خودشان فرمودند: «حدود ۱۷ یا ۱۸ ساله بودم که به پیشانی خود نوشتم: «من وقف اهل بیت هستم» و تا به حال، به وقف خود عمل کرده‌ام.»^۲

عوامل دوران‌دیشی علامه

چه عواملی می‌تواند در وسعت بینشی روحانی تأثیر بگذارد؟ چرا علامه عسکری (برای بهسازی تشیع، روحانیت، علوم انسانی و... یک قرن پیش اندیشه‌هایی داشت که امروزه بسیاری از افراد از آنها بی‌خبرند؟

به عنوان مثال:

اسلامی سازی دانشگاه‌ها، تحوّل علوم انسانی از غربی به اسلامی، تدوین متون درسی، باز سازی بنیادهای تبلیغی، تربیت مبلغ، ترویج علومی مثل تفسیر، عقاید و کلام که از حوزه‌ها رخت بر بسته بود، عقیده تقریب مذاهب در عین عشق به ولایت، بیشترین تلاش و بهترین نوع معرفی انقلاب و امام راحل^۳ به دن‌یا، و... از جمله اندیشه‌های مرحوم علامه عسکری بود.

پاسخ: به طور خلاصه^۳ می‌توان گفت عوامل زیر در دوران‌دیشی علامه عسکری مؤثر بوده است:

۱. عشق شدید به تشیع و اهل بیت) و علاقه به ایجاد حکومت اسلامی؛
۲. مطالعات گسترده

حس اب شده از اوضاع جهان؛

۳. دیدار با نخبگان جهان اسلام، شهیدان و

۱. کتاب فصل، سیری در زندگی نامه علامه عسکری، مؤسسه علمی و فرهنگی علامه عسکری، قم، ۱۳۸۲.

۲. مؤتمرتکریم العلامة السید مرتضیٰ العسکری،

المجمع العالمی لأهل البیت، قم، ۱۴۲۴ ق، ص ۵، سخنان حاج آقای جاودان (با تلخیص و ویرایش).

۳. برای آگاهی تفصیلی، باید مصاحبه‌های ایشان و تفصیل شرح حالشان ملاحظه گردد

دوستانش، از جمله آیت
اللہ سید محمود طالقانی (،
برای وارد ساختن این
مواد در دروس حوزه ،
طرحی را تهیه و ارائه
میکنند و با کمک هفت
نفر از دوستان، از آیت
اللہ حاج میرزا خلیل
کمره ای میخواهند که
تفسیر بگوید.

علم کلام را نیز از
محضر امام خمینی ()
استفاده می کردند؛ ولی
با ستمگریهای رضاخانی و
کمبود فرصت طلاب، این
طرحها ناتمام می ماند،
ایشان میگوید:

«استاد تفسیر ما
مرحوم آقا میرزا خلیلی
کمره ای بود که هر شب به
ما درس تفسیر می داد.
طلبه هایی که از کنار ما
عبور می کردند، ما را
مسخره می کردند که اینها
در شب تحصیلی، تفسیر
می خوانند! ما چند نفر،
در کنار درسهای حوزوی،
درسهایی را برای خودمان
معین کرده بودیم تا
بتوانیم مبلغ بشویم؛
اما مرحوم آقا میرزا
مهدی بروجردي (۱۳۸۹ ق)
حوزه را اداره می کرد و
همه کاره حوزه بود، با
این کار مخالفت کرد و
توانست منع کند .
استادهای ما گفتند: ما
نمی توانیم درس بدهیم .
من هم قهر کردم و
برگشتم سامرا...!»

۱. مجله پژوهش و حوزه،
شماره ۹، ص ۵۶.

مبارزان بزرگ همچون:
نواب صفوی، محمدباقر
صدر، امام موسی صدر و
مراجع بزرگ؛

۴. دیدار با مراکز
مهم حوزوی و دانشگاهی و
بررسی برنامه ها و
سرفصلهای درسی آنها در
مصر، عربستان، لبنان،
سوریه، ایران و...؛
۵. تسلط کامل بر
زبانهای عربی و فارسی و
حضور در پایتختهای
اسلامی؛

۶. قرار گرفتن در
متن چند نهضت مهم و
آگاهی از جزئیات آنها
با مطالعه و مصاحبه و
نیز اطلاع از نقشه های
استعمار در قرون اخیر.
**سیر مطالعاتی و پژوهشهای
دینی علامه**

وی تمامی متون درسی
رایج در آن دوره را با
جدیت و سرعت و بعضاً با
استاد خصوصی و به سرعتی
مضاعف می خواند و ما به
جهت رعایت اختصار، نام
دروس و اساتید را ذکر
نمی کنیم؛ ولی جا دارد
دانسته شود که راز و
رمز مطالعه دروسی فراتر
از فقه و اصول که دروس
رسمی بود، چیست و جو
علمی آن دوران چگونه
بوده است؟

ایشان در حوزه آیت
اللہ حائری (احساس می کند
نیاز است مبلغینی متخصص
در علم تفسیر، حدیث و
کلام، تربیت شوند؛ از
این رو، به همراه

عنایت علامه به جنگ نرم دشمن

علامه، به جنگ فرهنگی استعمار و لزوم مسلح شدن مسلمانان در برابر دشمن، عنایت و اهتمام داشت. از این رو می‌فرماید: «استعمار پس از عدم پی‌روزی در جنگ‌های صلیبی، برای مقابله با مسلمانان به جنگ فرهنگی روی آورده، الآن نزدیک به سیصد سال است که صهیونیسم و غرب علیه اسلام، جنگ فرهنگی داشته و دارند و امروزه وهابیت، با تمام امکانات در تمام دنیا به جنگ تشییع آمده و ما باید درس عقاید را در حوزه‌ها جدی بگیریم.»^۱ مطالعات جنبی استاد در سامرا عبارت است از: کتاب‌های سیره، تاریخ پیامبر اکرم-، فتنه‌های صدر اسلام، سفرنامه‌های اسلامی و مستشرقین غربی، تاریخ مبارزات اسلامی در ایران و عراق و... . ایشان می‌گویند: «در عراق که بودم، مطالعات غیردرسی هم داشتم، در همین مطالعات بود که متوجه (جنايات) استعمار و استعمارگران در ممالک مستضعف شدم، لذا مطالعه

گسترده‌ای را در این زمینه آغاز کردم، شبها از کتابخانه مرحوم جد مادری ام، آیت الله میرزا محمد تهرانی (کتابی برداشته و تا صبح مطالعه می‌کردم.

وقتی که به ایران آمدم، این سیر مطالعاتی را ادامه دادم - مخصوصاً در زمان رضا شاه که از طریق ترجمه کتاب‌های غربی دروازه فرهنگ غرب را به روی ایرانیان باز کرده بود - تابستانها و تعطیلات برای مطالعه این نوع کتابها از قم به تهران می‌آمدم و کتاب را از کتابفروشیها اجاره و مطالعه می‌کردم. در این مطالعات متوجه جنگ فرهنگی شدم.»^۲

بینش سیاسی - فرهنگی علامه برای شخصیت‌های

دوران‌دیش و دلسوز، فرهنگ و سیاست؛ دین در هم تنیده است، نه جدا و بریده. از این رو، گزارشی اجمالی از این دو حوزه را نقل می‌کنیم: از دغدغه‌های مهم امام راحل(و مقام معظم رهبری >، اسلامی‌ش دن دانشگاه‌ها و بومی‌سازی علوم انسانی و اصلاح همه جانبه حوزه‌ها بوده و هست.

علامه عسکری(نیز این ایده و آرزو را داشت و در راه ایجادش گام

۳. همان.

۱. مجله پیام حوزه، شماره ۹، ص ۶۵.

۲. مرزبان مکتب اهل بیت (، مهدی سلیمانی آشت یانی، انتشارات دانشکده اصول دین، قم، ۱۳۸۶ ش، ص ۱۰ - ۱۱.

«الأمراض الاجتماعية» را تدوین کرد و به کمک دانشمند متعهد، استاد احمد امینی عراقی (مؤلف «التکامل فی الاسلام» که از اساتید برجسته ریاضی و آگاه به پنج زبان زنده دنیا بود) دست به فرهنگسازی و تأسیس مدارس ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان زدند. این آموزشگاه ها برای پسران و دختران از بغداد تا بصره، بیش از ده عدد می شود. تأسیس این مدارس از سال ۱۳۶۳ ق؛ یعنی ۳۱ سالگی علامه عسکری (بوده است و از شاگردانش می توان شهید آیت الله سید محمد باقر صدر و بسیاری از شخصیت های متعهد و کارآمد انقلاب اسلامی عراق را نام برد. گفتنی است، معمولاً بزرگان، از جمله آیت الله العظمی حکیم، همواره از ایشان حمایت می کردند.^۱

تلاش های سیاسی علامه
علامه عسکری، بیشترین خدمت را به نهضت امام خمینی (در خارج از کشور به انجام رسانید و بارها با بزرگانی مثل آیت الله بروجردی (برای اصلاح حوزه و با آیت الله حکیم برای تشکیل دولت اسلامی

برمی داشت، پس علاوه بر تربیت نیرو و کادرسازی برای برپایی حکومت اسلامی، برای پرورش استاد و مبلغ موفق نیز اقدام کرد. ایشان یکی از علل عقب ماندگی ما را استعماری بودن روش تعلیم و تربیت می دانست که عمده آن را مستشاران اروپایی طراحی و برنامه ریزی کرده اند. ایشان می گوید:

«ضمن مطالعاتم متوجه شدم در وزارت معارف و فرهنگ ایران، سوریه و لبنان مستشاران فرانسوی وجود دارند و در عراق و مصر مستشاران انگلیسی. وضعیت مدارس در عراق آشفته بود؛ یک دانش آموز عراقی وقتی از این مدارس فارغ التحصیل می شد، به جز اینکه کارمند اداره دولتی بشود، نمی توانست کار دیگری انجام دهد، لذا نام این مدارس را «آموزشگاه کارمندان» گذاردم... علاوه، فرزندان ما با پذیرفتن فرهنگ بیگانه از دست می روند.

ما باید افرادی را به عنوان دانشمند اسلامی - که آگاه به علوم اسلامی باشد - تربیت کنیم و برای برپایی حکومت اسلامی کادرسازی کنیم...»
از این رو، کتاب

۱. ر.ک: مؤتمر تکریم العلامة السيد مرتضى العسکری، ص ۴۵؛ گذری بر زندگی علامه سید مرتضی عسکری، ص ۲۲.

شدند و گفتند : ما به شما استقلال می‌دهیم؛ اما «ملک فیصل اول» را روی کار آوردند و با این کارها در جامعه عراق «استعمار سیاسی» رخ داد.

پس از مدتی علما متوجه شدند که به استعمار سیاسی مبتلا شده اند، لذا شرکت در انتخابات مجلس مؤسسان و نامزد شدن در آن را تحریم نمودند. انگلیسیها نیز حدود چهل نفر از علمای شیعه همانند حضرات آیات عظام : آقا سید ابو الحسن اصفهانی، میرزا حسن نائینی، شیخ مهدی خالصی، سید عبد الحسین حجت و... را به ایران تبعید کردند.

مردم [نا آگاهانه] در انتخابات شرکت کردند و مجلس مؤسسان تشکیل شد و با روی کار آوردن «ملک فیصل» به ظاهر در عراق دموکراسی ایجاد کردند؛ ولی در واقع، دست نشاندۀ خود را به قدرت رساندند.

استعمار فکری و فرهنگی
استعمارگران برای استمرار استعمارشان، فکر مردم را آماده پذیرش خود می‌کنند. از جمله چنین جلوه می‌دهند که تمامی خوب‌ها و بزرگواریها در دست استعمارگران است و کار

مذاکره داشت که برخی از فعالیت‌های سیاسی ایشان در عراق به تشکیل «حزب الدعوة الاسلامیة» و «جماعة علماء بغداد و الکاظمیة» و «أبناء ثورة العشرين» انجامید.

در اینجا - به صورت مختصر - برخی دیدگاه‌های ایشان که برای جوانان راهنما است، نقل می‌کنیم:

پس از جنگ جهانی اول استعمار، برای چهار کشور چهار نقشه داشت؛ برای مصر، براندازی دانشگاه الأزهر؛ در عراق، نابودی شیعه؛ در ترکیه، فروپاشی خلافت عثمانی و در ایران، جنگ با تفکر تشیع [شبیخون فرهنگی].

به همین منظور در ایران افرادی چون «میرزا یعقوب خان ارمینی» و پسرش «میرزا ملک خان ناظم الدوله» و... تا می‌رسد به «کس روی» افراد متعددی را به کار استحاله فرهنگ شیعه واداشتند. بعد از جنگ جهانی

اول، عراق مستعمره انگلیس شد. علمای شیعه عراق علیه این استعمار به رهبری مرحوم آیت الله میرزا محمدتقی شیرازی (قیام کرده، جنگیدند. انگلیسیها نیز برای آنکه همه چیز را از دست ندهند، به ظاهر تسلیم

و نیز راه درمان^۲ را تشخیص داد. از این رو، وقتی اولین نوشته خود (کتاب «الأمراض الاجتماعية») را در کاظمین به استاد احمد امینی عراقی می‌دهد تا اظهار نظر و نقد نماید، وی با تعجب از اینکه یک طلبه، چ‌نین آگاهی‌هایی دارد، می‌گوید: «اگر کسی این واقعیات را فهمید، باید به او ماهی صد دینار بدهیم.» و همین خشت اول تاسیس مدارس، دبیرستانه‌ها، دانشکده‌ها و مؤسسات فرهنگی می‌گردد.

پی‌گیری تاریخ و حدیث از سوی علامه

حجت الاسلام و المسلمین جاودان که مدتی طولانی همراه علامه بوده است، می‌گوید: علامه بارها می‌گفت: در اوایل تحصیلاتم و در جوانی دیدم فقها بیش‌تر به احادیث - که الفاظ و اقوال معصومین است - استدلال می‌کنند و فعل معصوم و تقریر معصوم که بخشی از حجت‌ها و سنت شمرده می‌شود، مورد غفلت است. گفتم: محدث نوری، برای «وسائل الشیعه»، «مستدرک» نوشت، من هم شاید بتوانم یک مستدرک دیگری که شامل رفتار و

را به جایی می‌رسانند که شخصیت افراد تحت سلطه را نابود می‌کنند و آنان را خود باختہ و مقلد بار می‌آورند؛ مثلاً اجناس خارجی را - هر چند بهتر از آن در داخل تولید گردد - مرغوب‌تر و برتر می‌دانند و همچنین آداب و رسوم و لباس خویش را بد و غرب را خوب می‌دانند...

استعمار فکری به قدری پنهان است که گاهی، مردم فرهنگ بیگانه را نشانه تمدن و تجدد می‌دانند.

تا پیش از جنگ جهانی دوم در تمام عراق بیست هزار و در بغداد دو هزار یهودی بود؛ ولی روز شنبه - که عید یهود است - بازارهای بغداد همگی بسته بودند؛ اما روز جمعه که عید مسلمانان است، تمام بازار باز بود؛ یعنی بازار مسلمین تابع آنان بود.

تلاش‌هایی که علامه () برای تحوّل در حوزه و تدوین متون درس و تاسیس حدود سی مؤسسه خیریه و آموزشی و مناظرات و مسافرت‌هایی که داشتند، هم‌گی برای مبارزه و رفع استعمار بود.

اولین کتاب علامه

علامه خیلی زود درد

۱. مکتب علامه، ص ۶۸ - ۶۹، (با کمی تغییر و ویرایش).

۲. در آینده به درد و درمان اشاره می‌شود و برای مطالعه بیشتر به منابع این مقاله رجوع شود.

تحقیقات ایشان در مورد مسائل تاریخی و حدیثی بوده؛ ولی او یک مورخ نیست؛ بلکه تمام تلاشهایش برای رفع موانع شناخت اسلام بوده است. می‌گوید: من مشکل تاریخ دانی را نداشتم. دغدغه من شناخت اسلام است. به این علت بود که این راه را در پیش گرفتم.

این کتابها در جهان اسلام خیلی صدا کرد و تلاشهای امویان را بر باد فنا داد. از این رو، علمای بزرگ جهان اسلام، تشویق کردند و خواستند این راه ادامه یابد...»

تألیفات علامه

از ایشان بیش از چهل اثر سودمند به جا مانده است که در اینجا به ترجمه فارسی آثار ایشان اشاره می‌شود:

۱. نقش عایشه در تاریخ اسلام
۲. یکصد و پنجاه صحابه ساختگی
۳. عبد الله بن سبأ و دیگر افسانه‌های تاریخی؛
۴. معالم المدرستین ۳ (جلد) که به سه نام «ویژگیهای دو مکتب در اسلام، ترجمه: سردار نیا»، «پژوهش و بررسی تحلیلی مبانی اندیشه‌های

تقریر معصوم (است، بنویسم تا در کنار سنت قولی قرار بگیرد. آن روزها تصویری می‌کردم در نقل سنت ائمه (اگر اختلافی هست، در سنت پیامبر اکرم -، شیعه و سنتی متحدند و یک نواخت نقل کرده‌اند.

هنگامی که به منابع تاریخی مراجعه کردم، دیدم موانع فهم صحیح سیره پیامبر- زیاد است و باید مشکلات فهم سیره برطرف گردد. از این رو، به نقد و بررسی حدیث و تاریخ پرداختم، وقتی به یک نقل تاریخی برخورد می‌کنیم، قبل از بررسی متن، لازم است سند آن را بررسی کنیم.

یکی از تحقیقات علامه عسکری، بررسی روایات «سيف بن عمر تميمي» است. او به صورت هدفمند دروغهای گسترده ای را برای تحریف تاریخ، و تطهیر قریش ساخته و داخل فرهنگ اسلام کرده و متأسفانه تاریخ طبری نیز آنها را با آب و تاب نقل کرده است. معلوم نیست، سيف اسم شخص است یا حزب توطئه‌گر که فرهنگ اسلام را تحریف کرده‌اند.

لذا علامه برای این قسمت، کتاب «افسانه عبد الله سبأ» را نوشت و پس از آن «یکصد و پنجاه صحابه ساختگی» و ... پس گر چه عمده

۱. مؤتمر تکریم العلامة السید مرتضیٰ العسکری، ص ۳۱ - ۵۰، با تلخیص زیاد و ویرایش

- اسلامی در دیدگاه دو
مکتب، ترجمہ : جلیل
تجلیل»، «ترجمہ معالم
المدرستین، ترجمہ کرمی
ترجمہ شدہ است؛
۵. عقاید اسلام در
قرآن؛
۶. القرآن الکریم و
روایات المدرستین؛
۷. دور الأئمہ فی
إحیاء السنّة؛
۸. در راه وحدت؛
۹. مع ابي الفتوح
التليدي في كتابه
«الأنوار الباهرة»؛
۱۰. مع الدكتور
الوردي في كتابه «وعاظ
السلطين»؛
۱۱. طب و درمان در
اسلام؛
۱۲. مصطلحات
الاسلاميه؛
۱۳. برگسترة كتاب و
سنّت، در ۱۷ جلد کہ شامل
موضوعاتي همچون : گريه
بر ميّت، بزرگداشت ياد
انبیاء، بندگان صالح
خدا، صلوات، عدالت
صحابه، آية تطهير،
امامان اين امت دوازده
نفرند، مصحف در روايات
و آیات، بدا يا محو و
اثبات الهي، ازدواج
موقت، جبر و تفويض،
عصمت، حکم بازسازي
قبور، توسل ، صفات
خداوند جليل، شيعيان
اهل بيت)، تاريخ حديث،
سجده بر تربت و علي %
در قرآن می شود؛
۱۴. ادیان آسمانی و
مسئله تحریف؛
۱۵. نقش ائمه (در
احیای دین؛
۱۶. سقیفه؛
۱۷. آخرین نماز
پیامبر-؛
۱۸. فی طریق اهل
البيت)؛
۱۹. حديث كسا در دو
مکتب؛
۲۰. افتراءات و
اکاذيب في كت اب «الله ثم
للتاريخ»؛
۲۱. ولايت علي % در
قرآن يا خلافت و مهدويت
در مکتب خلفا؛
۲۲. الأسطورة
السيئّة كما تخيلها و
اختلفها سيف بن عمر.
گفتني است ایشان چند
اثر منتشر نشده نیز
دارد و بسیاری از
کتابهاي مذکور به ساير
زبانها ترجمه شده است
تبليغ و تربيت مبلغ
خود علامه مي گوید: در
بغداد علاوه بر منبر و
محرابي که در محله
«کراة شرقي» داشتم، هر
روزه درسهاي حديث،
تفسير، تاريخ و عقايد
را تدریس مي کردم که هم
دانشجویان جوان و هم
اساتيد و هم طلاب، خيلي
زياد از آنها استقبال
مي کردند.^۱
ایشان در ادامه
مي گوید:
- در مدتي که ام
جماعت يکي از محله هاي
۱. مجله علوم حديث، شماره
۲۰، ص ۸۵ - ۸۶، با تصرف و
تلخيص.

هنگامی که علامه از لبنان به ایران هجرت کرد، همان اهداف را پی گرفت و به همراه چهار نفر از دوستانش توانست دانشکده اصول دین را در تهران، قم و دزفول راه اندازی کند که پس از آن آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی به علامه نوشت: «من از شما خواهش می‌کنم که اسم من را در دانشکده بنویسید تا در روز قیامت جزو خدمتگزاران دانشکده اصول دین محشور شوم.»^۲
خاطره ای از اولین منبر علامه

استاد علامه عسکری در سال ۱۳۵۳ قمری که از قم به سامرا برگشتند، بیست و یک سال بیش تر نداشت که در حوزه علمیه آنجا و در مدرسه میرزای شیرازی، در حضور حضرات آیات علما و اساتید بزرگ منبر رفتند. در طلیعه سخن با تلاوت آیه شریفه نَفَرٍ خَطَابٍ بِه حَضَارٍ مجلس گفت: «آیا می‌دانید این آیه شریفه نسخ شده و چنین قرائت و عمل می‌شو د: [فَلَوْ لَا نَفَرٍ مِّنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ] [لِيَدْخُلُوا الْمَدَارِسَ وَ يَدْرُسُوا إِلَيْهِمْ] [وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ]؟»
 بدیهی است، آیه نسخ نشده است؛ ولی علامه

محترم بغداد بودم، متوجه شدم آقایانی که به خارج می فرستیم، نمی‌توانند تبلیغ کنند. بنابراین، به این فکر افتادم که دانشکده ای تأسیس کنم به اسم «علوم قرآن و حدیث» و کسانی را برای تحصیل از خارج بیاوریم و پس از اتمام دوره به آنها گواهی بدهیم تا بروند و آنجا تبلیغ کنند.

برای این منظور، دانشکده اصول دین را در بغداد تأسیس کردیم و اعلام کردیم که چهل نفر را به خرج دانشکده قبول می‌کنیم. وضع در عراق بهتر از ایران بود؛ معروفتر بودم و برنامه سیاسی و علمی داشتم. ما پنج نفر در کاظمین بودیم که با پشتیبانی آنها برای احقاق حقوق شیعیان با دولت مبارزه می‌کردیم. وقتی دانشکده اصول دین را تأسیس کردیم، گروهی در آن قبول شدند...

این بنیان علمی آثار و ثمرات نیکویی داشت. بسیاری از مردان علم و سیاست در عرصه عراق و بسیاری از کشورهای عربی منطقه، از جوانان آن روز دانشکده اصول دین هستند. البته حزب سفاک بعث عراق، این دانشکده و سایر مدارس را تعطیل کرد.

۱. مرزبان مکتب اهل بیت، ص ۲۲.

۲. همان، ص ۲۳.

دست دارم.»^۱
علامه حتی در بیماری و سفر کار می‌کرد و اگر کسی نزد ایشان اظهار خستگی می‌کرد، می‌گفت: «اگر تمام عالم را بگردید، ضعیف و خسته‌تر از من پیدا نمی‌کنید؛ ولی خدمت به اسلام باعث می‌شود انسان این خستگیها را احساس نکند.»^۲

ایشان در بغداد، مسجد و نماز جماعت و انواع تدریسه‌ها را برای فرهیختگان داشت، در ایران نیز پیوسته در حال تدریس، تألیف و سخنرانی در سمینارها و مجامع علمی بودند.

می‌خواست با این شیوه، تأثیر بیش‌تری بگذارد و نشان دهد که برخی بی‌جهت تا آخر عمر در حوزه می‌مانند، سپس توضیح دادند که هدف و ماهیت حوزه چیست و چه وظایفی دارد و از روحانیت چه انتظاری می‌رود.

لطف حضرت زهرا & به علامه

یکی از اطرافیان ایشان می‌گوید: «در جلسه هیئت امنای مؤسسه علمی - فرهنگی علامه عسکری، علامه گفتند: چند شب پیش خوابی دیده‌ام، می‌خواهید تعریف کنم؟ همه گفتند: بفرمایید! گفت: در عالم رؤیا دیدم اتاقم روشن شد. نور سبزی فضای اتاق را روشن کرد. درست نگاه کردم، دیدم بانویی نورانی است. فهمیدم مادرم حضرت زهرا & است. خواستم پای مبارکش را ببوسم، اجازه نداد، فقط اجازه فرمودند که دست ایشان را ببوسم. علامه با حالت گریه و اشک ریزان ادامه داد: وقتی حضرت خواستند بروند، به ایشان عرض کردم: مادر! مرا هم با خود ببر. حضرت فرمودند: شما هنوز کارهایی در دست اقدام داری، به زودی انجام می‌دهی و نزد ما برمی‌گردی. سپس در ادامه گفت: فکر می‌کنم اعمالی که باید انجام دهم، همین قسمت مربوط به

حضرت زهرا & و نقش ائمه و امام زمان) است که در

۱. مکتب علامه، ص ۹۸ - ۱۰۱.
۲. همان، ص ۱۰۳.



نقد دیدگاه وهابیت

در باره محل خمیت

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اداره کل فرق و ادیان - رضاگرگی

مقدمه

یکی از تهمتهای وهابیت به شیعه، این است که می گویند: شیعه معتقد است که مأموران خلیفه عباسی به منزل حضرت عسکری % در «سامرا» هجوم آوردند تا حضرت مهدی (عج) را دستگیر کنند و آن حضرت که در آن هنگام در سرداب بود، از دیده ها پنهان شد و تا کنون در آنجا بدون آب و غذا زندگی می کند و روزی از آنجا ظهور خواهد کرد. این داستان، چنان شهرت یافته است که وی را «صاحب سرداب» لقب داده اند. آن ها ادعا

می کنند که شیعیان در سرداب، دنبال امام خود هستند و منتظر ظهور ایشان از آنجا می باشند. در صورتی که در کتابهای شیعه، هیچ مدرکی برای سخنان آنها وجود ندارد. در این مقاله ضمن نقل سخنان وهابیت، به نقد و بررسی سخنان آنها می پردازیم. علمای شیعه نیز در دفاع از مکتب حقه خود، به این شبهات و ته متها پاسخ داده اند، که در این مقاله به سخن آنان اشاره خواهیم کرد.

سخنان وهابیت

وهابیت به شیعیان نسبت به سرداب مقدس تهمتهایی زده است که آنها عبارت است از:
الف) حضرت مهدی (عج) در سرداب، غائب شده است
ابن تیمیه که بنیان گذار فکری وهابیت

۱. منهاج السنة النبویة، ابن تیمیه، دارالعروة، قاهره، بی تا، ج ۱، ص ۴۴ و ۴۵.

۲. الصواعق المحرقة، ابن حجر هیتمی، مکتبه القاهره، بی تا، ج ۲، ص ۴۸۲؛ منهاج السنة النبویة، ابن تیمیه،

آنہاست، و حتی خوارج ہم
آن را قبول ندارند... .
یکی از آن عقاید، این
است که می گویند امام
دوازدهم، غائب و در
سرداب، مخفی شده است.^۳
قفاری از علمای
معاصر وهابیت، در این
باره می گوید: آنها
قائلاند که مهدی بعد از
مرگ پدرش داخل سرداب
شد؛ در حالی که دو سال،
سه سال یا پنج سال
(بنابر اختلاف در
روایات) عمر داشت.^۴
وی در جای دیگری،
بیان می کند که امام
مفترض الطاعة از سال
۲۶۰ قمری تا امروز در
سرداب، غایب شده است.^۵
صالح بن فوزان نیز مدعی
است که روافض معتقدند،
حضرت در طفولیت در
سرداب، داخل شد که بیش
از هزار سال از آن
می گذرد.

ب) شیعیان، منتظر ظهور

حضرت از سرداب
ابن تیمیه با
تهمت زدن به اینکه
شیعیان در مکانهایی
مانند سرداب سامرا،

است، در کتاب منهاج
السنة درباره سامراء
می نویسد: از حماقت های
شیعیان، این است که
برای منتظر (حضرت مهدی)
مکانهایی را قرار
داده اند که انتظار او
را در آنجا می کشند؛
هم اند سردایی که در
سامرا است، آنها خیال
می کنند که او در آنجا
غایب شده است و مکانهای
دیگر.^۱

ابن قیم جوزیه
(متوفای ۷۵۱ ق) که از
شاگردان ابن تیمیه است،
می گوید:

رافضیها قول چهارم
را (درباره مهدی)
انتخاب کرده و گفته اند
که مهدی همان «م ح م د»
بن الحسن العسکری از
فرزندان حسین بن علی
است، نه از فرزندان
حسن % که در تمام
زمانها حاضر، اما از
دیدگان غایب است؛ همان
کسی که عصا را به ارث
می برد... وارد سرداب
شده، در حالی که کودک
خردسالی بوده، پانصد
سال است که چشمی او را
ندیده و خبری از او
شنیده نشده و اثری دیده
نشده است.

عبد الله القصیمی، از
بزرگان وهابی معاصر در
این باره می گوید: نزد
شیعه عقاید منکری وجود
دارد که فقط مختص ب

۳. الصراع بين الاسلام و
الوثنية، القصیمی، مکتبه
السلفیه، قاهره، ۱۳۵۶ ق، ج
۱، ص ۳۸۵.
۴. اصول مذهب الشيعة
الإمامية الإثني عشرية (عرض و
نقد)، ناصر بن عبد الله قفاری،
دارالرضا، جیزه،
دارالسلفیه، بمبئی، ۱۹۸۳
م، (مصر)، ۱۴۱۸ ق، ج ۲، ص ۸۹۹.
۵. همان، ج ۲، ص ۸۸۸.
۶. الإرشاد إلى صحيح الاعتقاد
والرد على أهل الشرك و
الإلحاد، صالح فوزان،
دأرالعاصمه، ریاض، ۱۴۲۲ ق، ج
۱، ص ۲۲۶.

۱. منهاج السنة النبوية،
ابن تیمیه، ج ۱، ص ۴۴ و ۴۵.
۲. المنار المنيف في الصحيح
و الضعيف، ابن قیم الجوزیه،
مکتبه المطبوعات الاسلاميه،
حلب، ۱۹۸۳ م، ج ۱، ص ۱۵۲.

صدای خروس از خود
درمی آورند و سپس هر دو
نماز را با هم، بدون
خشوع و آرامش و بدون
جماعت، می خوانند و
سرشکسته و ناامید
برمی گردند...
ابن قیم جوزیه
(متوفای ۷۵۱ ق) در کتاب
المنار المنیف می گوید:
رافضیها (در باره مهدی)
گفته اند که مهدی همان م
ح م د بن الحسن العسکری
از فرزندان حسین بن علی
است... او وارد سرداب
شده است، در حالی که
کودک خردسالی بوده و
پانصد سال است که چشمی
او را ندیده و خبری از
او شنیده نشده و اثری
دیده نشده است؛ اما
شیعیان، منتظرند و هر
روز با اسبهایشان بر در
سرداب می ایستند و فریاد
می زنند تا او خارج شود
و می گویند: ای مولای ما
خارج شو! ای مولای ما
خارج شو! سپس با
ناامیدی و خسران
برمی گردند، و این عادت
آنها و عادت او (حضرت
مهدی) است.

و شاعر گفته:
ای وقت آن نشده که
سرداب، بزاید آن کسی را
که با جهلتان هر آن با
او سخن می گوید؟ وای بر
شما و عقلهای
بی خاصیتتان که فرد سومی
را به سیمرغ و غول

منتظر حضرت هستند،
می گوید: شیعیان در این
مکانها چهارپایانی مثل
قاطر، اسب و... را
می بندند تا وقتی [حضرت]
خارج شد، سوار این چهار
پا بشوند. آنها صبح،
عصر و دیگر اوقات در
این مکانها جمع می شوند
و فریاد می زنند که ای
مولای ما بیرون بیا! ای
مولای ما بیرون بیا!
سلاحهایشان را از غلاف
بیرون می آورند، بدون
اینکه کسی در آنجا باشد
تا با او بجنگند. در
میان آنها کسانی هستند
که نماز نمی خوانند از
ترس اینکه مبادا وی در
حال نماز باشد و (حضرت)
مهدی خروج کند و این
نماز، او را از قیام و
خدمت به آن حضرت باز
دارد...
محمد بن عبد الوهاب

هم در «رسالة في الرد
علي الرافضة» می نویسد:
برخی گفته اند که دلیل
جمع خواندن نماز ظهر و
عصر شیعیان در طول
تاریخ، با اینکه
می توانند جدا جدا
بخوانند، این است که
آنها منتظر قائم
مخفی شده در سرداب هستند
تا به او اقتدا کنند.
پس نماز ظهر خود را تا
زمان نماز عصر و
نزدیکی های غروب به
تاخیر می اندازند و
زمانی که ناامید می شوند
و خورشید کم کم تاریک
می شود، صدای همانند

۲. رسالة في الرد علي
الرافضة، محمد بن عبد
الوهاب، دارالسلفية، بمبئی،
۱۹۸۳ م، ج ۱، ص ۳۳.

۱. منهاج السنة النبوية،
ابن تیمیه، ج ۱، ص ۴۴ - ۴۵.

میکنند، تا اینکه ستارگان ظاہر می‌شوند. سپس پراکنده می‌شوند و این کار را در شب بعد هم انجام می‌دهند.

ابن جبریل می‌نویسد: روافض ادعا می‌کنند که قرآن، ناقص و تحریف شده است، و قرآن کامل با امام غایبی که در آخرالزمان از سرداب سامراء خروج می‌کند، خواهد آمد.

صالح بن فوزان نیز مدعی است که روافض، منتظر خروج امام خود از سرداب هستند.

ج) مکان سرداب

سرداب در سامراء قرار دارد؛ ولی بعضی از وهابیه از محل قرار گرفتن سرداب، چیزی نمی‌دانند. بعضی مکان آن را در حله دانسته،

می‌نویسند: «ان الثاني

عشر من ائمتہ م... دخل

في سرداب بالحلة وتغيب

حين اعتقل مع امه وغاب

هتالك؛^۷ امام دوازدهم

آنان داخل سردابی در

حله شد و هنگامی که

همراه با مادرش دستگیر

شد، در آنجا غایب شد.»

مجموعاً پندار ابن تیمیہ

و محمد بن عبد الوهاب و

افزودید.^۱

احسان الہی ظہیر

می‌گوید: «لا یصلون خشية

ان یخرج و ہم في

الصلاة !!!»؛ [بعضی از

شیعیان، [نماز

نمی‌خوانند و می‌ترسند یک

مرتبه امام زمان ظهور

کند و آنها مشغول نماز

باشند.»

عبد الله القصيمي در

این باره می‌گوید:

کودن ترین کودنها،

کوتہ فکرترین کوتہ فکران،

کسانی هستند کہ امامشان

به همراه قرآن و مصحفش

در سرداب غایب شده است.

کسانی کہ هر شب با

اسبها و الاغهایشان به

این سردابی می‌آیند کہ

امامشان در آن جا غایب

شده و منتظر او می‌مانند

و فریاد می‌زنند کہ به

سوي آنها خارج شود. این

کار آنان ب عد از هزار

سال همچنان ادامه

دارد.

وي در جاي ديگري از

کتابش می‌نویسد: شیعیان

تا به امروز، منتظر

خروج امام خود از سرداب

هستند، و به همین علت،

امامشان را منتظر، لقب

داده‌اند. آنها بعد از

نماز مغرب با مرکبی در

سرداب می‌ایستند و نام

وي را صدا می‌زنند و او

را به خروج دعوت

۱. المنار المنيف في الصحيح

و الضعيف، ابن قيم الجوزية،

ج ۱، ص ۱۵۳.

۲. فرق معاصره، احسان الہی

ظہیر، ادارة ترجمان السنة،

لاهور، ۱۹۹۵ م، ج ۱، ص ۲۰۸.

۳. الصراع بين الاسلام و

الوثنية، عبد الله القصيمي، ج

۱، ص ۳۷۴.

۴. همان، ج ۱، ص ۵۶.

۵. الآثار الواردة عن عمر بن

عبد العزيز في العقيدة،

حياة بن محمد بن جبريل، ج

۱، ص ۳۷۷.

۶. الإرشاد، الي صحيح

الاعتقاد والرد علي أهل

الشرك و الإلحاد، صالح

فوزان، ج ۱، ص ۲۲۶.

۷. الصراع بين الاسلام و

الوثنية، عبد الله القصيمي، ج

۱، ص ۵۶.

دوازده جانشین برای خود ذکر کرده اند که دوازدهمین آنها حضرت مهدی (عج) است. جابر بن سمره می گوید از رسول خدا - شنیدم که فرمود: **«لَا يَزَالُ الْإِسْلَامُ عَزِيْزًا أَلَىٰ أَتْنِيْ عَشْرَ خَلِيْفَةٍ ثُمَّ قَالَتْ لِأَبِي فَقَالَ كَلَّمَهُمْ مِنْ قَرِيْشٍ»**؛ اسلام با دوازده

خلیفه، همواره عزیز می ماند. سپس پیامبر، کلماتی را فرمود که متوجه نشدم. از پدرم آنها را سؤال کردم، گفت که همه آن دوازده نفر از قریش هستند.»

بنابر این اصل مهدویت و اینکه حضرت مهدی از ذریه و از عترت آل رسول است، مورد اتفاق فریقین است؛ ولی داستان غیبت و یا زندگی کردن حضرت مهدی (عج) در «سرداب سامرا» دروغ و بهتانی بیش نیست؛ بلکه شیعیان اعتقاد دارند که در غیبت کبری، محل استقرار آن حضرت بر همه مخفی است؛ چنان که در دعای ندبه می خوانند: کاش من می دانستم که تو در کجا مستقر شدی؟ آیا در رضوی یا ذی طوی یا غیر آنها؟

و در کتاب غیبت نعمانی، روایتی از حضرت

علمای معاصر وهابی، این است که اولاً: حضرت مهدی (عج) در سرداب، غایب شده است و ثانیاً: شیعیان، منتظر ظهور حضرت از سرداب هستند و اسبی و شتری آنجا می برند و منتظر حضرت هستند و نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا را با هم می خوانند... ابن بطوطه، مکان آن را نیز در حله و بعضی، مکان آن را در بغداد ذکر کرده اند.

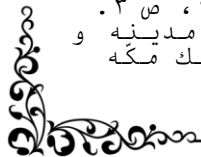
نقد و بررسی

همان گونه که می دانیم، مهدویت و اندیشه ظهور حضرت مهدی (عج) بر اساس بشارت های پیامبر گرامی اسلام - میان تمامی فرقه ها و مذاهب اسلامی وجود دارد. احادیث مربوط به حضرت مهدی، ویژگیها و نسب ایشان، در کتاب های روایی فریقین وجود دارد؛ چنان که از پیامبر - نقل شده است که حضرت مهدی از ذریه امام حسین % است.

در روایات دیگری آمده است که رسول خدا -

۱. ادب الرحلات، رحلة ابن بطوطه، دار التراث، بیروت، ۱۲۹۹ م، ج ۲، ص ۵۶.
۲. اخبار الدول و آثار الاول فی التاریخ، احمد بن یوسف قرمانی، عالم الکتب، بیروت، ۱۹۹۹ م، ص ۳۵۳.
۳. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ج ۹، ص ۱۳۰؛ دلائل الامامة، محمد بن جریر طبری، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۸ ق، ص ۴۷۵.

۴. الجامع الصحیح المسمی صحیح مسلم، مسلم بن حجاج نیشابوری، دار الحدیث، بیروت، ۱۴۱۲ ق، ج ۶، ص ۳.
۵. رضوی، کوهی در مدینه و ذی طوی موضعی نزدیک مکه است.



صادق % آمده است که فرمودند: از برای صاحب این امر، غیبتی در بعضی از این دَرّه هاست، و اشاره فرمود به دست خود به سوی ناحیه ذی طُوی. «الغائب عن الأَبصارِ وَ الحَاضِرِ فِي الأَمصارِ وَ الغائبِ عَنِ العُيُونِ وَ الحَاضِرِ فِي الأَفكارِ بَقِيَّةُ الأَخبارِ»^۱ از نظرها پنهان است و در همه شهرها حاضر است و از چشمها پنهان است و در دلها و خاطر هها باقیمانده، از نیکان است.»

امام صادق% فرمودند که در زمان غیبت کبری، حضرت در موسم های حج حاضر می شود و مردم را می بیند؛ ولی مردم، او را نمی بینند؛^۲ پس اینکه شیعه معتقد به غایب بودن حضرت در سرداب باشد، تهمتی بسیار روشن است؛ اما اینکه ظهور حضرت از سرداب است را هیچ یک از بزرگان شیعه، نگفته اند و چنین باوری ندارند؛ بلکه بخش عمده ای از روایات فریقین دلالت می کند که

حضرت، امر ظهورش را از مکه اعلان کرده و در کنار رکن حجر الاسود و مقام حضرت ابراهیم، یارانش با او بیعت می کنند؛ چنانکه ام سلمه روایت کرده است که پیامبر فرمودند: «فَيُبَايِعُونَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ المَقَامِ.»^۳

بر اساس تاریخ و روایات شیعه، سرداب مقدسی که از آن سخن گفته می شود، به زیرزمینی گویند که در کنار مرقد مطهر و منور امامین عسکریین (حضرت هادی و امام عسکری(ع)) در سامرا است؛ معمولاً در کشور عراق به ویژه در شهرهای گرمسیر، رسم بر آن بوده که مردم در کنار خانه های خود، سردابی در زیر زمین حفر می کردند تا در روزهای گرم تابستان به آنجا پناه ببرند؛ همان گونه

۴. کمال الدین و تمام النعمة، شیخ صدوق، انتشارات اسلامیة، تهران، ۱۳۹۵ ق، ج ۱، ص ۳۳۱؛ عیون أخبار الرضا %، شیخ صدوق، نشر جهان، تهران، ۱۳۷۸ ق، ج ۲، ص ۷۲.

۵. در کتب روایی اهل سنت: سجستانی، أبو داؤد سلیمان بن الأشعث، سنن أبي داؤد، دار الکتب العربی، بیروت، بی تا، ج ۴، ص ۱۷۵؛ صحیح ابن حبان، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۹۸۴ م، ج ۱۵، ص ۱۵۹؛ مسند الإمام أحمد بن حنبل، دار الفکر، بیروت، ۱۴۰۶ ق، ج ۴۴، ص ۲۸۶؛ المعجم الكبير، طبرانی، مکتبة المعارف، ریاض، ۱۴۰۵ ق، ج ۲۳، ص ۳۹۰. در کتب روایی شیعه: بحار الانوار، مجلسی، ج ۵۱، ص ۸۸.

۱. الغيبة النعمانی، ابن ابی زینب، نشر صدوق، تهران، ۱۳۷۹ ق، ص ۱۸۲؛ بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، دار الکتب الاسلامیة، تهران، بی تا، ج ۵۲، ص ۳۴۱، باب ۲۷، سیره و أخلاقه و عدد أصحابه.

۲. مهج الدعوات، سید بن طاووس، دار الذخائر، بیروت، ۱۴۱۱ ق، ص ۳۴۵.

۳. الکافی، کلینی، دار الحدیث، قم، ۱۴۲۹ ق، ج ۱، ص ۳۳۹.

که امروز هم در شهرهای مناطق گرم چنین می‌کنند. منزل امام هادی و امام عسکری^ع نیز علاوه بر اتاقه‌ایی که داشتند، سردابی را به همان منظور در کنار خانه خود حفر کرده بودند و در روزهای گرم، طبق روال آن زمان، اهل خانه در سرداب زندگی می‌کردند. سرداب سامرا در نظر شیعه، ارج و احترام خاصی دارد؛ چرا که بخشی از خانه مسکونی امام هادی و امام عسکری^ع است و سه امام معصوم در آن نماز خوانده‌اند. زادگاه امام مهدی و همچنین گذراندن سنین کودکی حضرت را نیز در این مکان گزارش داده‌اند. این يك امر معقول و طبیعی در میان تمامی ادیان و مذاهب است که به علت علاقه مندی به پیشوا و رهبر دینی، آنچه متعلق به او است محترم داشته شود؛ بلکه این کار، سیره و سنت عملي همه مسلمانان در طول تاریخ است؛ چنان‌که همه مسلمانان وقتی به مکه مشرف می‌شوند، به زیارت غار حراء (محلّ بعثت حضرت رسول اکرم - می‌روند و در آنجا با خواندن نماز در جایگاه رسول خدا - و تکریم آن مکانهای مقدّس، قصد تقرب به خداوند و تحصیل ثواب می‌کنند. شیعه هم از این عشق و احترام به مکانهای

مقدّس و مشاهد مشرفه دفاع می‌کند؛ اما این احترام، غیر از تهمت‌های مخالفان به شیعه است. علمای شیعه نیز به تهمت‌های وهابیت پاسخ‌هایی داده‌اند، که ما بعضی از آنها را ذکر می‌کنیم.

علي بن عیسی اربلی می‌گوید: کسانی که به وجود امام مهدی (عج) عقیده دارند، نمی‌گویند که او در سرداب است؛ بلکه به عقیده آنها حضرتش زنده است و در نقاط مختلف زمین سیر می‌کند و صاحب زندگی است، که در این باره داستان‌هایی را نیز ذکر می‌کنند.

علامه امینی (در جواب قصیمی و ابن تیمیه می‌گوید: افتراء سرداب، زشت‌تر از دیگر تهمت‌های آنان است، ... قصیمی در طومار خود، گفتارهای دیگری را اضافه کرده است؛ مانند: همراه آوردن الاغ و اینکه که این عمل هر شب تکرار می‌شود و بیش از هزار سال است که ادامه دارد؛ در حالی که شیعه، به غیبت امام در سرداب و اینکه از آنجا ظهور می‌کند، اعتقاد ندارد. شیعیان با پیروی از

۱. كشف الغمّة، اربلی، انتشارات مکتب بنی هاشمی، تبریز، ۱۳۸۱ ش، ج ۲، ص ۴۹۳، در ذکر الإمام الثانی عشر، الباب الخامس والعشرون فی الدلالة علی کون المهدي حيا باقیا.

روایاتشان، اعتقاد دارند که آن حضرت از مکه و کنار خانه خدا ظهور می‌کند و هیچ‌یک از آنها درباره سرداب نگفته‌اند که آن نور در سرداب، غایب شده است؛ بلکه سرداب خانه ائمه (در سامرا بوده، و در آن زمان، ساختن سرداب در خانه‌ها برای حفاظت از گرما شایع بوده است. اگر این سرداب به طور خصوص شرف پیدا کرده، از آن جهت است که به سه نفر از امامان دین منسوب است. همانند دیگر مکانهای این خانه مبارک، خانه‌هایی که خداوند متعال اذن داده که ارتفاع معنوی یابند و در آنها نام و یاد خدا برده شود. برخی دیگر در پاسخ به این شبهه می‌نویسند: عده‌ای تهمت می‌زنند و می‌گویند: امام منتظر با مادرش در حله، زندانی و در همان‌جا غایب شده است؛ اما این اتهام، دروغ رسوا شده‌ای است؛ به چند دلیل:

الف) مادر امام %، دو سال پیش از وفات امام حسن عسکری % از دنیا رفته است. ب) هیچ‌یک از مورخان شیعه و دیگران نگفته‌اند که امام منتظر (عج) زندانی شده یا به دست آنها نسبت داده‌اید،

حاکم عباسی افتاده باشد، نه در حله و نه در جای دیگر. ثالثاً: از افتراات آنها بر شیعه این است که شیعیان بر در سردابی که در حله واقع شده، می‌ایستند و با خود مرکبی برای امام می‌آوردند و آن حضرت را با نامش صدا می‌زنند و تا زمانی که ستارگان بیرون نیامده‌اند، از او درخواست خروج می‌کنند. این مطلب از دروغهایی است که هیچ شیعه‌ای آن را نشنیده و شیعه از این تهمت مبرا است.

شیخ میرزا حسین نوری طبرسی متوفای ۱۳۲۰ ق صاحب کتاب مستدرک الوسائل در کتاب دیگرش به نام الإستار عن وجه الإمام الغائب عن الأبصار، درباره قضیه سرداب می‌نویسد:

ما می‌گوییم: ای دانشمندان و حافظان عصر، این کتابهای دانشمندان شیعه است که پیش از ولادت حضرت مهدی تا این زمان نوشته شده و در اختیار شما است، یا می‌توانی د به آنها دسترسی داشته باشید؛ پس یک کتاب از علمای کوچک شیعه را پیدا کنید که در آن، این مطلبی که به آنها نسبت داده‌اید،

۱. الغدير في الكتاب والسنة والأدب، علامه امینی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۶ ش، ج ۳، ص ۳۰۸.

۲. حياة الإمام المهدي (عج)، باقر شریف قرشي، ناشر مؤلف، بی‌جا، ۱۳۷۵ ش، ص ۱۱۰.

پیدا شود؛ چه رسد به
بزرگان علمای شیعه،
همانند شیخ ابو جعفر
کلینی صاحب کتاب کافی
که ابن اثیر جزری در
کتاب جامع الأصول، او را
زنده‌کننده مذ‌هب شیعه
نامیده است و ... و
دیگر علمای شیعه که
فضایل و احوال امام
عصر(عج) را بعد از پدرش
نقل کرده‌اند.

نتیجه:

خلاصه آنکه افسانه
سرداب، از تهمت‌های زشتی
است که وهابیت، به علت
ناتوانی در برابر
استدلالات محکم شیعه در
اعتقاد به مهدویت،
گفته‌اند و هیچ سند و
مدرکی نیز از کتاب‌های
شیعه برای اثبات
گفته‌های خود نیافته‌اند.





حفظه

اقتصاد مقاومتی از منظر مقام معظم رهبری

و مبانی دینی آن

سید حسین میر معزی

مقدمه

اقتصاد مقاومتی از جمله موضوعات مهمی است که در سالهای اخیر به دلیل مواجهه نظام مقدس جمهوری اسلامی با دسیسه های استکبار جهانی، از جمله تحریمهای ظالمانه اقتصادی، در صدر اولویتهای مورد نظر رهبری معظم انقلاب قرار گرفته است. از آنجا که در بند ۲۱ سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی، تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان سازی آن بویژه در محیطهای علمی آموزشی و رسانه ای و تبدیل آن به گفتمان فراگیر و رایج ملی مورد تأکید قرار گرفته است، انجمن اقتصاد اسلامی حوزه علمیه قم به منظور ایفای چنین رسالتی، مجموعه پیش رو را جهت استفاده مبلغان محترم

تهیه و ارائه نموده است.

۱. چستی اقتصاد مقاومتی در بیانات مقام معظم رهبری، همانطور که در صدر ابلاغیه سیاست های اقتصاد مقاومتی نیز اشاره فرموده اند، اقتصاد مقاومتی یک نوع الگوی اقتصادی است که برگرفته از فرهنگ و ارزشهای اسلامی و انقلابی است و خصلت بارز آن توانمندی اقتصاد کشور در مقابله با تهدیدهای دشمن و تبدیل آنها به فرصتی برای پیشرفت بیشتر است.

برای توضیح بیشتر می توان گفت اقتصاد مقاومتی واژه ای ترکیبی از دو کلمه «اقتصاد» و «مقاومت» است. کلمه اقتصاد در لغت به معنای میانه روی است، ولی در اینجا معنای اصطلاحی آن مورد نظر است که یک نوع

پایداری داشته باشد. بر این اساس اقتصاد مقاومتی را اینگونه تعریف کرده‌اند:

«گفتمان و الگوی اقتصادی است که ضمن مقاوم سازی و تقویت اقتصاد ملی در برابر تهدیدها، توان تحریم شکنی با رویکرد عقب راندن نظام سلطه را داشته باشد و در عین حال پیش رو، فرصت ساز، مولد، درون‌زا و برون‌گرا باشد.»

تفاوت «اقتصاد مقاومتی» با «مقاومت اقتصادی» در این است که مقاومت اقتصادی می‌تواند ناظر بر یک اقدام تدافعی و موردی باشد که در کنار سایر انواع مقاومت‌ها در مقابل دشمن انجام می‌شود، بدون آنکه ماهیت و ساختار اصلی اقتصاد را تحت تأثیر قرار دهد، ولی اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که با درک عمیق از اینکه همواره دشمن در کمین اقتصاد ملی است و مداوم در حال برنامه ریزی و اقدامات تهاجمی و تخریبی است، ماهیت و ساختار خود را به گونه‌ای سامان می‌دهد که در فرض وجود دشمن هم به فعالیّت خود ادامه دهد به گونه‌ای که نه تنها عملیات دشمن موجب توقف فعالیّت‌ها نشود، بلکه حتی امکان با

دانش و یا نظامی است که به رفتارهای انسان و وضعیت‌های بهینۀ زندگی او در زمینه‌های تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات و امکانات رفاهی می‌پردازد. مقاومت از ریشه «قوم» و از باب مفاعله است و مفاهیمی مانند قوام، قیام، استقامت، مستقیم و قیمت، هم از این ماده اشتقاق یافته‌اند. باب مفاعله وقتی استعمال می‌شود که بری فعل طرف دیگری هم وجود داشته باشد، مانند مکاتبه که در معنای عمل نوشتن میان دو نفر به کار می‌رود. بنابراین استعمال صفت مقاومتی برای اقتصاد، دلالت بر حالتی از اقتصاد می‌کند که اولاً: در ساخت درونی خودش از قوام و استحکام لازم برخوردار باشد و ثانیاً در مواجهه با عوامل تهدیدزای خارجی نیز بتواند قوام و پایداری خود را حفظ نماید.

بر این اساس اقتصاد مقاومتی، به معنای یک نوع اقتصادی است که **اولاً:** در ساخت درونی خودش برخوردار از قوام باشد و **ثانیاً:** در مقابل تهدیدات بیرونی نیز قدرت ایستادگی و

۱. والقوام، بالكسر: نظام الأمر و عماده و ملاکه الذي يقوم به. تاج العروس، الزبیدی، دارالمکتبه الحیة، بیروت، بی‌تا، ج ۱۷، ص ۵۹۴.

۲. اقتصاد مقاومتی، مبانی نظری، سید حسن قوامی، تهران.

تبدیل تهدیدها به فرصتها و خنثی نمودن نقشه‌های دشمن، پویایی و رشد نیز تحقق یابد. با عنایت به تباین ذاتی ماهیت انقلاب اسلامی و ارزشهای حاکم بر جریانهای مسلط اقتصادی در عرصه جهان و با توجه به تجربه‌سی و پنج ساله نظام جمهوری اسلامی در مواجهه با توطئه‌های استکبار جهانی، طراحی اقتصاد مقاومتی برای جمهوری اسلامی یک ضرورت انکارناپذیر است. بنا بر این اقتصاد مقاومتی یک امر موقتی نیست، بلکه به خاطر تقابل ذاتی اندیشه اسلامی با اندیشه سکولاریسم و لزوم کسب قدرت بازدارندگی که فکر دسپسه را از ذهن دشمنان خارج کند، اقتصاد ما همواره باید توان مقاومت را داشته باشد.

۲. ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی

برخی از ویژگیهای اقتصاد مقاومتی از نگاه مقام معظم رهبری عبارتند از:

* باید در مقابل این فشارها مصونیت‌سازی کرد، باید به بنای داخلی استحکام بخشی کرد. اقتصاد را باید قوی کنیم تا دشمن از تأثیرگذاری در این ناحیه مأیوس بشود؛ وقتی دشمن مأیوس شد، خیال ملت و مسئولین کشور هم

راحت خواهد شد.^۱
* برخی از مردم اقتصاد مقاومتی و ریاضت اقتصادی را یکی میدانند و یا تصور می‌کنند اقتصاد ریاضتی یکی از شاخه‌های اقتصاد مقاومتی است در حالی که این دو اصطلاح کاملاً متفاوت بوده و هیچ ارتباطی به یکدیگر ندارند. اقتصاد مقاومتی به معنای ریاضت اقتصادی نیست.^۲

* اقتصاد مقاومتی فقط جنبه منفی نیست؛ این جور نیست که اقتصاد مقاومتی معنایش حصار کشیدن دور خود و فقط انجام یک کارهای تدافعی باشد.^۳

* اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که به یک ملت امکان میده و اجازه میده که حتی در شرایط فشار هم رشد و شکوفایی خودشان را داشته باشند.^۴

* مجموع سیاستهای اقتصاد مقاومتی در واقع یک الگوی بومی و علمی است که برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی ما است؛ متناسب با وضعیت امروز و فردای ما است.

۱. بیانات مقام معظم رهبری در جلسه تبیین سیاستهای اقتصادی مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰.
۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۹۲/۰۶/۰۶.
۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان، ۱۳۹۱/۰۵/۱۶.
۴. همان.
۵. بیانات مقام معظم رهبری

را به نظام کاهش دهند^۳ و نظام جمهوری اسلامی را از درون به سمت تضعیف و نهایتاً فروپاشی ببرند.»
 * «ایران اسلامی با استعداد های سرشار معنوی و مادی و ذخائر و منابع غنی و متنوع و زیر ساخت های گسترده و مهم تر از همه، برخوردار از نیروی انسانی متعهد و کارآمد و دارای عزم راسخ برای پیشرفت، اگر از الگوی اقتصادی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی که همان اقتصاد مقاوم تی است، پیروی کند نه تنها بر همه مشکلات اقتصادی فائق می آید و دشمن را که با تحمیل یک جنگ اقتصادی تمام عیار در برابر این ملت بزرگ صفارایی کرده، به شکست و عقب نشینی وا می دارد، بلکه خواهد توانست در جهانی که مخاطرات و بی اطمینانی های ناشی از تحولات خارج از اختیار، مانند بحران های مالی، اقتصادی، سیاسی و... در آن رو به افزایش است، با حفظ دستاوردهای کشور در زمینه های مختلف و تداوم پیشرفت و تحقق آرمان ها و اصول قانون اساسی و سند چشم انداز بیست ساله، اقتصاد متکی به دانش و فناوری، عدالت بنیان، درونزا و برون گرا، پویا و پیشرو

* این مربوط به وضع کنونی و شرایط کنونی کشور نیست، این یک تدبیر بلندمدت برای اقتصاد کشور است.
 * گرایش به اقتصاد مقاومتی مخصوص ما هم نیست؛ امروز در بسیاری از کشورها - بخصوص در این سال های اخیر - با تکان های شدید اقتصادی که در دنیا به وجود آمد، کشورهای متعددی به دنبال مقاوم سازی اقتصاد خودشان برآمدند.^۲

۳. اهمیت، ضرورت و اهداف اهمیت پرداختن به موضوع «اقتصاد مقاومتی» و ضرورت و اهداف این امر از نگاه مقام معظم رهبری عبارت است از:
الف. مقابله با حمله ها و تهدید های اقتصادی خارجی
 * «اهمیت اقتصاد

مقاومتی از آن جا ناشی می شود که همه دشمنان انقلاب اسلامی برای متوقف کردن روند پیشرفت انقلاب در سال های اخیر بیش از هر زمان دیگری بر عرصه اقتصاد تمرکز یافته است. دشمنان در پی فشار اقتصادی، به دنبال این هستند که **اولاً:** روند پیشرفت کشور را متوقف نمایند، **ثانیاً:** از طریق دشوار ساختن زندگی اقتصادی برای مردم، اعتماد و دلبستگی ایشان

در جلسه تبیین سیاست های اقتصاد مقاومتی

۱۳۹۲/۱۲/۲۰

۱. همان.

۲. همان.

۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۰۵/۰۳.

ملی دچار اختلال و خطر شود، مردم دچار مشکل شوند، دلزده بشوند، از نظام اسلامی جدا شوند؛ هدف فشار اقتصادی دشمن این است، و این محسوس بود؛ این را انسان می‌توانست مشاهده کند. من سال ۸۶ در صحن مطهر علی‌بن موسی الرضا (علیه الصلاة والسلام) در سخنرانی اول سال گفتم که اینها دارند مسئله اقتصاد را پی گیری می‌کنند؛ بعد هم آدم می‌تواند فرض کند که این شعارهای سال حلقه‌های بود برای ایجاد یک منظومه کامل در زمینه مسائل اقتصاد؛ یعنی اصلاح الگوی مصرف، مسئله جلوگیری از اسراف، مسئله همت مضاعف و کار مضاعف، مسئله جهاد اقتصادی، و امسال تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی. ما اینها را به عنوان شعارهای زودگذر مطرح نکردیم؛ اینها چیزهایی است که می‌تواند حرکت عمومی کشور را در زمینه اقتصاد ساماندهی کند؛ می‌تواند ما را پیش ببرد. ما باید دنبال این راه باشیم.»^۲

* «تحریم‌های اخیر اگر چه به بهانه انرژی هسته‌ای افزایش یافته است، اما در حقیقت با هدف مقابله با کلیت

را محقق سازد و الگوی الهام بخش از نظام اقتصادی اسلام را عینیت بخشد. لازم است قوای کشور بی‌درنگ و با زمان‌بندی مشخص، اقدام به اجرای آن کنند و با تھیة قوانین و مقررات لازم و تدوین نقشه راه برای عرصه‌های مختلف، زمینه و فرصت مناسب برای نقش آفرینی مردم و هم‌فعالان اقتصادی را در این جهاد مقدس فراهم آورند تا به فضل الهی حماسه اقتصادی ملت بزرگ ایران نیز همچون حماسه سیاسی در برابر چشم‌جهانیان رخ نماید.»

ب. پیشگیری از تضعیف اقتصاد کشور و دلسردی مردم از نظام اسلامی

* «ما چند سال پیش "اقتصاد مقاومتی" را مطرح کردیم. همه کسانی که ناظر مسائل گوناگون بودند، می‌توانستند حدس بزنند که هدف دشمن، فشار اقتصادی بر کشور است. معلوم بود و طراحی‌ها نشان می‌داد که اینها می‌خواهند بر روی اقتصاد کشور متمرکز شوند. اقتصاد کشور ما برای آنها نقطه مهمی است. هدف دشمن این بود که بر روی اقتصاد متمرکز شود، به رشد ملی لطمه بزند، به اشتغال لطمه بزند، طبعاً رفاه

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مس نولان و کارگزاران نظام ۱۳۹۱/۰۵/۰۳.

۱. بیانات مقام معظم رهبری >، سیاست‌های کلی «اقتصاد مقاومتی» ۱۳۹۲/۱۱/۲۹.

نظام جمهوری اسلامی برنامه‌ریزی شده است.»
* «تهدیدهای اقتصادی، خارجی است. خب تحریمها از قبل بود، منتها این تحریمها از حدود زمستان سال ۹۰ تا امروز، تبدیل شده به جنگ اقتصادی، دیگر اسم آن تحریم هدفمند نیست، یک جنگ تمام عیار اقتصادی است که متوجه ملت ما است. علت آن هم، نه مسئله هسته ای است، نه مسئله حقوق بشر است، نه مسائل دیگری از این قبیل است؛ علت آن را خود آنها هم می‌دانند، ما هم می‌دانیم؛ علت، استقلال‌خواهی ملت ایران است؛ علت، داشتن یک حرف نو بر پایه مبانی اسلام است که برای کشورهای دیگر و ملت‌های مسلمان الگو خواهد شد؛ می‌دانند که اگر جمهوری اسلامی در این عرصه‌ها و میدانها موفق شد، دیگر جلوی رشد این حرکت را در دنیا نمی‌شود گرفت و این یک حرکت مهمی است؛ مسئله این است. حالا بهانه یک روز انرژی هسته ای است، یک روز غنی‌سازی است، یک روز حقوق بشر است، یک روز حرفهایی از این قبیل است. تحریمها علیه ما، قبل از اینکه اصلاً مسئله انرژی هسته ای مطرح هم بشود وجود داشت، بعد از این هم

وجود خواهد داشت. این مسئله هسته ای و این مذاکرات اگر ان‌شاءالله به نقطه حلی برسد، باز خواهید دید همین فشارها وجود خواهد داشت.»
ج. اقتصاد مقاومتی پاسخگوی ظرفیتهای فراوان مادی و معنوی کشور

* «طبعاً کشوری مثل کشور ما - کشور بزرگی است، کشور ریشه داری است، کشور دارای موقعیت ممتازی است، امروز در دنیا کشور بسیار آبرومندی است، دارای فرهنگ مترقی است، دارای سابقه درخشان و مترقی است، دارای هدفهای بلندی است، حرف نویی مطرح کرده، کشوری با این خصوصیات، نیاز دارد به اینکه اقتصاد آن با همان خصوصیات باشد که در سیاستهای اقتصاد مقاومتی مورد ملاحظه قرار گرفته.»^۲

* «ظرفیتهای کشور خیلی وسیع است؛ خیلی از ماها آگاه نیستیم به گستره ای ن ظرفیتهای عجیب، یا به اهمیت آن توجه نداریم؛ می‌دانیم، آمارها دستان هم هست [توجه نمی‌کنیم]. بعضی از مسئولین این جورند، آمارها را دارند، [اما] اهمیت آمارها مورد توجه آنها قرار نمی‌گیرد؛ حالا

۲. بیانات مقام معظم رهبر در جلسه تبیین سیاستهای اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰. همان. ۳.

۱. بیانات مقام معظم رهبر در اجتماع مردم بجنورد، ۱۳۹۱/۰۷/۱۹.

از باب مثال نیروی انسانی که من قبلاً هم یک اشاره‌ای کردم.»
د. اقتصاد مقاومتی راه حلی برای حل مشکلات مزمن و دیرپای کشور

* «مشکلاتی است که داریم - مشکلات مزمن، مشکلات دیرپا - که اینها جز با یک حرکت اقتصادی جمعی مهم، امکان ندارد برطرف بشود؛ یکی از آنها وابستگی به نفت است که عرض کردیم، یکی از آنها عادت به واردات است - آن هم واردات بدون اولویت؛ عادت است که متأسفانه دچار آن هستیم و این عادت را هم نتوانستیم کنار بگذاریم؛ نگاهمان به تولید خارجی است. تورم مزمن، بیکاری، معیوب بودن برخی از ساختارهای اقتصادی ما، اشکال در نظامات مالی ما، نظامات پولی ما، نظامات بانکی ما، نظامات گم‌رکی ما - اشکال در الگوی مصرف، اشکال در مسئله تولید، اشکال در بهره‌وری؛ اینها مشکلات موجود کشور است، باید با اینها مقابله کرد. یکی از چیزهایی که هر انسان دلسوزی را و هر مسئول با هم‌تی را برمی‌انگیزد که کاری و حرکتی از قبیل اقتصاد مقاومتی انجام بدهد، وجود هم‌ین مشکلات است. اینها جز با یک حرکت جهادی و جمعی و دلسوزانه و مستمر - با

الزاماتی که دارد و عرض خواهم کرد - میسر نخواهد شد.»
ه. مقابله با بحرانهای اقتصادی جهانی

* «بحرانهای اقتصادی جهانی است؛ که البته اشاره کردم قبلاً که ناشی است از اقتصاد غرب و اقتصاد آمریکا؛ در اروپا هم در حقیقت سرریز مشکلات آمریکا [بود که] مشکلات را دامن زد، اگرچه زمینه آن وجود داشت؛ در جاهای دیگر هم همین‌جور. ما هم که نمی‌خواهیم دور خودمان حصار بکشیم؛ ما نمی‌توانیم و نمی‌خواهیم که از لحاظ اقتصادی، ارتباطات را با دنیا قطع کنیم، نه ممکن است، نه مطلوب است، بنابراین تحت تأثیر اینها قرار می‌گیریم، پس باید مقاومت‌سازی کنیم.»

۴. اصول و مبانی اقتصاد مقاومتی از منظر آیات و روایات

قرآن کریم و روایات اهل‌بیت (به عنوان دو بازوی شناختی و معرفتی در جهان، اصول و مبانی اقتصاد مقاومتی را برای مؤمنین و پیروان مکتب حق و حقیقت روشن و میرهن ساخته اند؛ در اینجا به برخی از این اصول و مبانی اشاره

۲. همان.

۳. بیانات مقام معظم رهبر در جلسه تبیین سیاستهای اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰.

۱. همان.

است ، ... آن کسی که سفاقت اقتصادی دارد، درایت اقتصادی ندارد، صلاحیت آن را ندارد که مال را به دست او بدهند . اگر هم هوش اقتصادی دارد ولیکن طهارت قدسی و قداست عقل در او یافت نمی شود او سفیه است . سفاقت در فرهنگ قرآن تنها در فقدان نظر نیست ، بلکه بسیاری از افرادند که از نظر علم ی خردمند و پخته و فرهیخته هستند ، ولی از نظر عقل عملی سفیه اند . قرآن کریم کسانی را که راهی راه ابراهیم خلیل سلام الله علیه نیستند سفیه می داند . [وَمَنْ يَرْعُبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ] ^۱

در حدیث گهرباری که از امام صادق^ع نقل شده است ، اهمیت اموال در پایداری و استواری اسلام و مسلمین و لزوم مدیریت آن توسط افراد آگاه و متعهد چنین بیان شده است : «إِنَّ مِنْ بَقَاءِ الْمُسْلِمِينَ وَبَقَاءِ الْإِسْلَامِ أَنْ تَصِيرَ الْأَمْوَالُ عِنْدَ مَنْ يَعْرِفُ فِيهَا الْحَقَّ، وَ يَصْنَعُ (فِيهَا) الْمَعْرُوفَ؛ فَإِنْ مِنْ بَقَاءِ الْإِسْلَامِ وَفَنَاءِ الْمُسْلِمِينَ أَنْ تَصِيرَ الْأَمْوَالُ فِي أَيْدِي مَنْ لَا يَعْرِفُ فِيهَا الْحَقَّ، وَ لَا يَصْنَعُ فِيهَا الْمَعْرُوفَ؛»^۲

می شود : الف. نقش قدرت اقتصادی در محافظت از دین و دنیای مردم

قرآن کریم مال و ثروت را مایه قوام زندگی انسان می داند و می فرماید : [وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا]؛ ^۱ «و اموال خود را - که خداوند آن را وسیله قوام [زندگی] شما قرار داده - به سفیهان مدهید.»

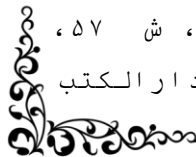
امام صادق^ع به یکی از اصحاب خود فرمود : «إِحْتَفِظْ بِمَالِكَ؛ فَإِنَّهُ قِوَامٌ دِينِكَ . ثُمَّ قَرَأَ : [وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا]؛ ^۲ مالت را نگاه دار

که قوام دین تو به آن است سپس آیه [وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا] را خواند.» مفسر بزرگ معاصر حضرت آیت الله جوادی آملی با اشاره به این آیه می فرماید :

مال عامل قیام و قوام یک ملت است ملت اگر بخواهد قائم و مقاوم باشد چاره ای نیست که کیف و جیبش پر باشد؛ ملتی که دستش تهی است از ستون محروم است، از قیام و مقاومت طرفی نمی بندد، این مال است که عامل قیام یک ملت

۳. بقره / ۳۰ .
 ۴. هفته نامه میهن، ش ۵۷ ، ۱۳۹۳/۲/۱۸ .
 ۵. کافی ، کلینی، دارالکتب

۱. نساء / ۵ .
 ۲. نساء / ۵ .



سلاح های هر زمان - به عنوان يك وظيفه قطعی اسلامی - بهره گیری کرد، نباید از قدرت های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، که آنها نیز در مفهوم «قوة» مندرج هستند و نقش بسیار مؤثری در پیروزی بر دشمن دارد تیز غفلت کرد.^۲

ج. پیشرفت اقتصادی شاخصه امت اسلامی

قران کریم درباره پیامبر - و یاران او می فرماید: **اللّٰهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَ مَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ ۗ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَّغْفِرَةٌ وَأَجْرًا عَظِيمًا** [۱]؛^۳ «محمد -

پیامبر خداست؛ و کسانی که با اویند، بر کافران، سختگیر [و] با همدیگر مهربانند. آنان را در رکوع و سجود می بینی. فضل و خشنودی خدا را خواستارند. علامت

اگر ثروت و دولت در کف حق شناسان افتد: آنان که حق نعمت الهی را بدانند و در کار نیک و احسان به خلق کوشا باشند، مایه بقای اسلام و

مسلمین خواهد بود. و اگر ثروت و دولت در کف حق ناشناسان افتد: آنان که حق نعمت الهی را در نیابند و در کار نیک و احسان به خلق کوشا

نباشند موجب فناء اسلام و مسلمین خواهد گشته»

ب. اقتدار اقتصادی، لازمه اقتدار سیاسی مسلمانان

قران کریم فراهم کردن هر گونه نیرو و قدرتی که باعث ترس دشمن ان اسلام شود را ضروری شمرده است و

می فرماید: **[وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَّا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ]**؛^۴ «و

هر چه در توان دارید از نیرو و اسبهای آماده بسیج کنید، تا با این [تدارکات]، دشمن خدا و دشمن خودتان را بترسانید.»

کلمه «قوة» نه تنها وسائل جنگی و سلاح های مدرن هر عصری را در بر می گیرد، بلکه تمام نیروها و قدرت هایی را که به نوعی از انواع، در پیروزی بر دشمن اثر دارد، شامل می شود. بنابراین علاوه بر اینکه باید از پیشرفته ترین

۲. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و همکاران، انتشارات مدرسه امیرالمؤمنین، قم، ج ۷، ص ۲۲۶. ۳. فتح / ۲۹.

الإسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۵. ۱. انفال / ۶۰.

[مشخصه] آنان بر اثر سجود در چهره هایشان است. این صفت ایشان است در تورات، و مثل آنها در انجیل چون کشته ای است که جوانه خود برآورد و آن را مایه دهد تا سبزر شود و بر ساقه های خود بایستد و دهقانان را به شگفت آورد، تا از [انبوهی] آنان [خدا] کافران را به خشم دراندازد. خدا به کسانی از آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، امرزش و پاداش بزرگی وعده داده است.»

مفاد آیه قدرت یافتن مسلمانان و رسیدن به شکوه و عظمتی است که دشمنان اسلام تاب تحمل آن را ندارند، لذا طبعاً باید این اقتدار از هر جهت باشد، هم اقتدار سیاسی، هم اقتدار نظامی و هم اقتدار اقتصادی و فرهنگی. لذا خود اتکا نبودن و چشم به دروازه های خارج دوختن، نه تنها خشم کافران را بر نمی انگیزد، بلکه موجبات خرسندی آنان را نیز فراهم می سازد.

د. لزوم جلوگیری از سلطه کفار

در قرآن کریم ایجاد رابطه با غیر مسلمانان به شرط اینکه از در جنگ با مسلمین در نیایند و فکر نابودی دین و ایمان آنها را نداشته باشند، مجاز شمرده شده است. براساس آموزه های اسلامی مسلمانان در مواجهه با

غیر مسلمانان، همواره باید بدانند که با اعضای یک پیکره بیگانه مواجه اند و معنای اینکه نباید ولاء غیر مسلمان را داشته باشند، این است که مسلمان نباید عملاً عضو پیکر جامعه غیر مسلمان قرار گیرد. همه اینها ایجاب می کند که روابط مسلمان با غیر مسلمان محتاطانه باشد.

بر همین اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، هر گونه قراردادی را که موجب سلطه بیگانگان بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور شود، ممنوع اعلام می کند.

همچنین در فصل چهارم قانون اساسی که مربوط به اقتصاد و امور مالی است، یکی از ضوابط جمهوری اسلامی ایران، جلوگیری از سلطه بیگانگان بر اقتصاد کشور بیان شده است.^۱

به طور کلی، یکی از اصولی که توجه به آن در روابط خارجی دولت اسلامی ضرورت دارد، حفظ استقلال و عزت مسلمانان در روابط سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی است. در آیه «نفی سبیل»، هرگونه راهی برای تسلط کفار بر مؤمنین از طرف

۱. ر.ک: ولاءها و ولایتها، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، قم.

۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۵۳.

۳. همان، اصل ۱۴۲، بند ۸.

نامشروع است.^۳ پذیرش سلطه اقتصادی بیگانگان و وابستگی به آنها موجب احساس حقارت، خود باختگی و خود کم بینی مسلمانان در مقابل آنان و به تدریج وابستگی فرهنگی می شود. از این رو پیامبر گرامی اسلام- در تمام عرصه های زندگی اجتماعی خویش به ویژه در روابط اقتصادی با اهل کتاب به این اصل مهم و اساسی توجه جدی می نمود؛ آن حضرت - می فرماید: «**الْإِسْلَامُ يَعْلُو وَ لَا يُعْلِي عَالِيَهُ**؛ اسلام [همیشه بر دیگر مکاتب و ملل] برتری دارد و هیچ چیزی بر اسلام برتری ندارد.»

بر این اساس مشخص می گردد که پیامبر عظیم الشان اسلام- به هیچ وجه به تسلط غیر مسلمانان بر مسلمانان در همه ابعاد، اعم از عرصه های سیاسی، نظامی، اقتصادی، علمی و فن شناختی، فرهنگی و... رضایت نمی دادند و عزت مسلمانان را در بی نیازی از کفار و سر خم نکردن مقابل آنان می دانستند. یکی از اقدامات عبرت آموز ایشان برای قطع ریشه های وابستگی مسلمانان به اهل کتاب،

خداوند ممنوع شده است؛ آنجا که می فرماید: [وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا]؛^۱ «و خداوند هرگز بر [زیان] مؤمنان، برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است.»

از آنجا که کلمه «سبیل» به اصطلاح از قبیل «نکره در سیاق نفی» است و معنی عموم را می رساند، از آیه استفاده می شود که کافران نه تنها از نظر منطق، بلکه از نظر نظامی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و خلاصه از هیچ جهتی نباید بر افراد با ایمان، تسلط داشته باشند و اگر پیروزی آنها را بر مسلمانان در میدانهای مختلف می بینیم به خاطر آن است که بسیاری از مسلمانان مؤمنان واقعی نیستند و راه و رسم ایمان و وظائف، مسئولیتهای و رسالتهای خویش را په کلی فراموش کرده اند.^۲

غالب فقها برای نفی هرگونه سلطه به آیه فوق تمسک و مفاد آن را حکم دانسته اند نه اخبار؛ یعنی مسلمانان باید با عمل خویش راه تسلط کفار را سد نمایند و هر عمل منتهی به سلطه کفار

۳. اصول و مبانی اقتصاد اسلامی، محمدرضا مهدوی کنی، دانشگاه امام صادق، تهران، ۱۳۷۹ش، ص ۲۰۱.
۴. تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۰.

۱. نساء / ۱۴۱.
۲. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و همکاران، ج ۴، ص ۱۴۷.

رعیت بر حذر داشته و می‌فرماید: «وَ اِيَّاكَ وَ الْمَنِّ عَلَى رِعِيَّتِكَ بِاِحْسَانِكَ؛^۲ تو را برحذر می‌دارم از اینکه بر مردم به خاطر احسانت، منّت گذاری.» سیره امامان معصوم در صدقه دادن پنهانی، بهترین گواه بر این مدعاست. قرآن کریم شیوه و روش مسلمانانی را که راه عزّت، اقتدار و سربلندی خود را در ارتباط عمیق تر با کافران جستجو می‌کنند، ناصحیح دانسته، و تمامی عزّت و اقتدار مسلمین را در گرو پیوند با خدا می‌داند و می‌فرماید:

[الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ اَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ اَيَّبْتَخَوْنُ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَاِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا]؛^۳ «همانان که غیر از مؤمنان، کافران را دوستان [خود] می‌گیرند. آیا سربلندی را نزد آنان می‌جویند؟ [این خیالی خام است،] چرا که عزّت، همه از آن خداست.»

قرآن کریم کسانی که عزّت را از کفار طلب می‌کنند، بدین نحو مورد سرزنش قرار داده و راه دستیابی به عزّت را نه در دوستی با کفار و بیگانگان، بلکه در ارتباط با عزیز مطلق که

تغییر بازار مدینه از بازار بنی‌قینقاع - که در دست یهودیان بود و موجبات تسلط آنان بر قلب اقتصاد مدینه را فراهم کرده بود- به بازار مستقلی در نزدیکی باغهای انصار برای مسلمانان بود. تأسیس این بازار و وضع مجموعه قوانین تسهیل‌کننده معاملات آن، انحصار تجارت و سودهای کلان ناشی از آن را از دست یهود خارج کرد و مسلمین را در موضع برتر قرار داد.

ابن شَبّه می‌گوید: «زمانیکه رسول خدا - خواست برای مدینه بازاری بنا نهد، به بازار بنی‌قینقاع رفت و سپس به بازار مدینه آمد و با پای خود مکان آن را معین نمود و فرمود: این بازار شماست پس تنگ نمی‌شود و از آن خراج ستانده نمی‌شود.»^۴
هـ. خود اِتکای اقتصادی، رمز عزّت و سربلندی امت اسلامی

هرگونه فعالیت اقتصادی باید به دور از هرگونه احساس ذلّت باشد و حفظ عزّت و جلوگیری از تحقیر مسلمین آنچنان اهمیت دارد که امیرالمؤمنین% در نامه خود به مالک اشتر او را از منّت‌گذاردن بر سر

۱. تحف العقول، ابن شعبه حرّانی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱ش، ج ۱، ص ۳۰۴.
۲. نهج البلاغه، سید رضی، نشر هجرت، قم، ۱۴۰۹ق، نامه ۸۹.
۳. نساء / ۱۳۹.

ہمانا خداوند قادر متعال است، می‌داند. این قاعده، راه هرگونه نفوذ و سلطه کفار بر جوامع اسلامی در حوزه‌های مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی را مسدود می‌نماید و عدم وابستگی اقتصادی و جلوگیری از نفوذ فرهنگی را مورد نظر قرار می‌دهد. بنابراین وظیفه مسلمانان جلوگیری از سلطه بیگانگان بر مقدرات و سرنوشت سیاسی و اجتماعی خود و تلاش در جهت حفظ استقلال سیاسی و از میان برداشتن زمینه‌های وابستگی است. در اندیشه اقتصاد اسلامی یکی از مهم‌ترین عوامل تحقق عزت برای مسلمین، استغناء و تأمین بودن نیازهای اساسی آنان معرفی شده است. بر اساس آموزه‌های اسلامی، افراد باید تلاش کنند که بی‌نیاز از دیگران شوند و دولت اسلامی نیز در جهت تأمین نیازهای اساسی آنها اقدام کند. در آموزه‌های اسلامی و در سیره و سخنان ائمه بزرگوار (نیز این مطلب دیده می‌شود.

امام صادق % عزّت مؤمن را در بی‌نیازی او

۱. مفهوم و اصول اقتصاد مقاومتی در آموزه‌های اقتصاد اسلامی، سیدمهدی معلمی، اولین همایش ملی اقتصاد مقاومتی، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۱، دانشگاه علم و صنعت

از سایر مردم معرفی می‌کند و می‌فرماید: «شرف المؤمن قیام اللیل و عزه استغناؤه عن الناس»^۲ «شرافت مؤمن به شب زنده داری و عزتش به بی‌نیازیش از مردم است.»
توضیح و تکمیل

خوداتکایی غیر از خودکفایی است؛ خودکفایی یعنی جامعه‌ای که همه نیازمندیهای خود را تأمین کند و نیازی به واردات نداشته باشد، اما اقتصاد خوداتکا ممکن است که احتیاج به وارد کردن برخی از کالاها داشته باشد، لکن در تأمین آنها وابستگی به سایر جوامع ندارد و ناگزیر به باج دادن نیست، بلکه در روابطی سالم به داد و ستد محصولات می‌پردازد. از این رو یک جامعه مستقل، باید در کالاهای ضروری و حیاتی چون غذا و دارو، خود اتکا باشد.

همچنین خوداتکایی غیر از قطع روابط اقتصادی با خارج است، زیرا ممکن است کشوری با سایر جوامع داد و ستد بازرگانی داشته باشد، بدون اینکه استقلال خود را از دست بدهد. بنابراین ممکن است جامعه اسلامی ترجیح دهد برخی از نیازمندیها را به جهت استفاده بهتر از امکانات جامعه در تولیدات مفیدتر و

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۴۸.

کم هزینه تر، از خارج وارد کند.^۱
۵. دستورات اُکید قرآن به مقاومت در راه دستیابی به اهداف

«ریاضت اقتصادی» و «اقتصاد مقاومتی» دو واژه جدید هستند که یکی پس از مشکلات و بحرانهای اقتصادی اخیر در غرب و دیگری بعد از تحمیل تحریمهای جدی اقتصادی غرب علیه ایران مطرح گردیده اند.

در ریاضت اقتصادی مصطلح، امیدی به آینده نیست و افراد مجبورند سختی را تحمل کنند و این تحمل سختی ما بازائی ندارد؛ اما در اقتصاد مقاومتی، افراد سختیهای را تحمل می کنند و می دانند این تحمل، بهای یک چیز با ارزش است که به خاطرش باید آن سختی را به جان خرید و از سوی دیگر این مشکلات را با امید به آینده ای روشن تحمل می کنند.

خداوند متعال حالت این دو گروه را چنین به تصویر کشیده است: [وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْمُونًا فَإِنَّهُمْ يَأْمُونُ كَمَا تَأْمُونُ وَ تَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَ كَانِ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا]؛^۲ «در تعقیب دشمنان [و به

هنگام دست و پنجه نرم کردن با آنها] سستی نکنید [بلکه روحیه تهاجمی خود را همه حال حفظ کنید؛ زیرا [همانطور که شما در سختی هستید، آنها هم در سختی هستند [با یک فرق که] شما امید به رحمت وسیع پروردگار دارید؛ اما آنها چنین امیدی ندارند.»

خداوند متعال آیات مربوط به استقامت و صبر را برای حفظ روحیه امید و از دست ندادن نشاط مبارزه، نازل فرموده است:

* [فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ]؛^۳ «پس، همانگونه که دستور یافته ای ایستادگی کن، و هر که با تو توبه کرده [نیز چنین کند]، و طغیان مکنید که او به آنچه انجام می دهید بیناست.»

* [فَلِذَلِكَ فَادِعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ وَلَا تَتَّبِعِ أَهْوَاءَ هُمْ]؛^۴ «[ای پیامبر] به دعوت پرداز، و همانگونه که مأموری ایستادگی کن، و هوسهای آنان را پیروی مکن.»
* [يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ]؛^۵ «ای کسانی که ایمان

۱. مبانی اقتصاد اسلامی، ص

۲۰۲ / نساء / ۱۰۴.

۳. هود / ۱۱۲.

۴. شوری / ۱۵.

۵. آل عمران / ۲۰۰.

نافرمانی در بین آنان بود. مسئله فدک و غصب آن نیز از همین قبیل بود که دست امیرالمؤمنین% را از عایدات فدک قطع کنند تا حضرت بنیة اقتصادی اداره اطرافیان خود را نداشته باشد. از دیگر نمونه های این محاصره نیز می توان به بستن آب بر امام حسین % و اهل بیت آن حضرت در روز عاشورا اشاره کرد تا در اثر تشنگی، صدای اعتراض لشکریان یا زن و فرزندان امام حسین % بلند شود و حال که تاریخ یک مورد از این اعتراضات را ثبت نکرده است. اکنون هم با ملت عاشورایی ایران همین معامله را می کنند تا بر اثر فشار اقتصادی اعتراض و نافرمانی ایجاد شود؛ لیکن کور خوانده اند، چراکه این ملت همانگونه رفتار خواهد کرد که اصحاب امام حسین % در روز عاشورا انجام دادند.

۶. آثار و نتایج استقامت

از منظر آیات و روایات وعده قرآن کریم به مؤمنانی که در راه رسیدن به اه داف و آرمانهای الهی استقامت ورزیده و با تحمّل سختیها، از هر گونه تلاش و مجاهدتی برای غلبه بر مشکلات و موانع فرو گذار

آورده اید به طور فردی و جمعی صبر داشته باشید و با هم مرتبط باشید و تقوا داشته باشید که اینها موجب رستگاری است.»

البته فشار اقتصادی به انواع و اقسامش علیه پیروان حق، در تاریخ سابقه دارد. در زمان پیامبر- یکی از روش های منافقان برای پراکنده ساختن افراد از اطراف ایشان، مسئله اقتصادی و در فشار اقتصادی گذاشتن آنها بود. قرآن در این باره چنین می گوید:

إِنَّ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا وَ لِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ [۱]؛ «آنان

کسانی اند که می گویند: به کسانی که نزد پیامبر خداوند انفاق مکنید تا پراکنده شوند، و حال آنکه گنجینه های آسمانها و زمین از آن خداست ولی منافقان در نمی یابند.» محاصره اقتصادی

پیامبر- و اصحابشان و مسئله شعب ابوطالب از همین قبیل بود. بعد از پیامبر- هم در جنگ صفین می بینیم که معاویه اب را بر روی لشکریان امیرالمؤمنین % بست و هدف واقعی او تحت فشار قرار دادن لشکر آن حضرت% در اثر تشنگی و ایجاد شکاف و اختلاف و

۱. منافقون ۷.

نکرده اند، رفع نگرانیها، آرامش و سلامتی، نصرت و پیروزی و برخورداری از زندگی گوارا می‌باشد.

قرآن کریم می‌فرماید:
﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾ [پس بدان که با دشواری، آسانی است. آری، با دشواری، آسانی است]»
 دشمنان خصوصاً آمریکا و اسرائیل برای به زانو در آوردن ملت ایران، همه راه‌ها را تجربه کرده‌اند و بحمدالله تاکنون نتیجه نگرفته‌اند. راه‌هایی همچون: «افزایش اختلاف داخلی» از قبیل اختلافات شیعه و سنی، قبیله‌ای و زبانی، «حملة مستقیم نظامی»، «ترور سران نظام»، «تحمیل جنگ نظامی»، «فتنه‌های رنگارنگ» و... .

ملت ایران برای رسیدن به اهداف بزرگ خود و رسیدن به پیشرفت، استقلال و قطع کامل وابستگی به اجانب، در تلاش و مبارزه است، لذا در انواع علوم و دانشها، جهش و پیشرفتهای خارق‌العاده و چشمگیری داشته است، از نظر نظامی به جایی رسیده که حمله نظامی دشمنان، به ایران را مشکل و بلکه برای آنان خطرناک کرده است. در سطح بین‌المللی به آنجا رسیده که هیچ موضوع

مهمی در منطقه، بدون حض و مستقیم یا غیر مستقیم ایران سامان نمی‌پذیرد و روشن است که این موفقیتها برای دشمنان نظام اسلامی قابل تحمل نیست.

همانطور که ملت بزرگوار ایران تاکنون مشمول الطاف و امدادهای الهی بوده و روز به روز انقلاب اسلامی پرتوان‌تر از پیش در مسیر رو به تعالی خود پیشرفت کرده است، طبق وعده‌های به حق خداوند متعال از گردنه تحریمهای ظالمانه نیز عبور کرده و وعده‌های شیرین نصرت و غلبه بر مشکلات داخلی و بیرونی را همانگونه که قرآن کریم می‌فرماید به آغوش

خواهد کشید: **﴿إِنْ تَمْسَسْكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِنْ تُصِيبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِنْ تَضُرُّوْا وَتَنْقُوْا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ﴾**^۲ «هرگاه شما به موفقیتی دسترسی پیدا کنید، کفار ناراحت شده و هرگاه به مشکلی برخورد کنید، خوشحال می‌شوند. و لیکن اگر صبر و تقوا داش‌ته باشید، کید آنها به شما ضرری نمی‌رساند، خداوند محیط بر کار و رفتار آنها است.»

زیباترین سخن برای شیعیان سخت‌کوشی که در راه اعتلای اسلام ناب محمدی و پرچم پرافتخار

علوی % و مکتب سرخ
حسینی% به پا خواسته و
در مقابل انواع مشکلات و
سختیها مقاومت
ورزیده اند، فرما یش
زیبای رئیس مکتب جعفری،
امام صادق % است که
فرمود:

«لَوْ أَنَّ شِيعَتَنَا
اسْتَقَامُوا لَصَافِحَتْهُمْ
الْمَلَائِكَةُ وَ لِأَظْلَمَهُمُ
الْعَمَامُ وَ لِأَشْرَفُوا نَهَاراً
وَ لِأَكْلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ
تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَ لِيَا
سَأَلُوا اللَّهَ شَيْئاً إِلَّا
أَعْطَاهُمْ؛ ۱ اگر شیعیان
ما استقامت ورزند،
ملائکه به آنها دست
خواهند داد، ابرها بر
آنها سایه خواهند
افکند، روزها خواهند
درخشید، از آسمان و
زمین (روزی) خواهند
خورد و چیزی از
خداوند نخواهند خواست
مگر این که به آنها
عطا خواهد فرمود.»



سوی مسئولان آیین معاونت
تاکید نموده و خاطرنشان
کرد : امروزه حوزه در
بخشهای مختلف از جمله
عرصه تبلیغ فعّال است و
جامعه باید بداند حوزه
و حوزویان چه ت لاشهای
ارزنده ای را انجام
می دهند.

آیت الله مکارم شیرازی
در بخش پایانی سخنان
خود با تأکید بر اینکه
امروز گوشهای شنوا برای
شنیدن پیام اسلام و مکتب
اهل بیت (بسیار است،
گفت : امروز مردم از
زورمداران دنیا و
مادی گرایی خسته شده اند
و به سوی مذهب روی
آورده اند؛ از سویی دیگر
تکفیریهها با اقدامات
دور از عقل و منطقی که
انجام می دهند، منفور
هستند و پیروان مکتب
اهلبیت (باید از این
فرصت به خوبی استفاده

زورمداران

حضرت آیت الله مکارم
شیرازی در دیدار معاون
تبلیغ و آموزشهای
کاربردی حوزه های علمیه
و مدیران آیین معاونت از
فعالیت های ارزنده
معاونت تبلیغ حوزه های
علمیه تقدیر کرد و
افزود : فعالیت ت شما
عزیزان ذخیره یوم المعاد
است و باید قدر تلاش و
کار خود را بدانید.
ایشان با تأکید بر
این که مسئولان معاونت
تبلیغ حوزه و اداره های
وابسته به موفقیت های
بدست آمده، بسنده
نکنند، خاطرنشان کرد :
برای واگذاری مدارس
تربیت معلم به حوزه های
علمیه، باید رایزنی لازم
با مجلس شورای اسلامی که
نسبت به این امور توجه
لازم را دارد صورت گیرد.
ایشان در ادامه بر
لزوم اطلاع رسانی
فعالیتها و اقدامات

دوران را فراهم نماییم.
ایشان اضافه کردند:
نمی‌توانیم ادعا کنیم که
در آن حد بالا انتظارات
ایشان را برآورده
می‌کنیم، اما به همان
مقداری که توان داریم
باید با سعی و تلاش،
درصدد برآوردن انتظارات
ولی خدا باشیم.

حضرت آیت الله صافی
گلیپایگانی در ادامه با
انتقاد از برخی اظهار
نظرها، یادآور شدند: هر
کمبودی در هر جای جامعه
اسلامی مشاهده شود، حضرت
ولی عصر (عج) متأثر
می‌شوند. نکند از حرفهای
اول انقلاب عقب نشینی
کنیم و التزام واقعی به
احکام اسلام که هدف اصلی
انقلاب بود، فراموش شود.
متأسفانه برخی اوقات
چیزهایی می‌بینیم که
نشانه عقب‌گرد از اهداف
عالیه برپایی نظام
اسلامی است.

ضرورت اهتمام ویژه به امر تبلیغ

آیت الله استادی دبیر
شورای عالی حوزه های
علمیه با اشاره به
جایگاه حوزه و روحانیت،
مأموریت اصلی حوزه و
روحانیت را تبلیغ دین و
معارف اهل‌بیت دانست و
گفت: مبلغان باید در این
راه سختیها را تحمل کنند.

ایشان بر ضرورت
اهتمام ویژه روحانیون
به امر تبلیغ تأکید کرد
و ابراز داشت: روحانی

۴. خیرگزاری حوزه، کد خبر:
۳۴۳۹۶۶

کنند.^۱

سجده در برابر مراقد ائمہ

حضرت آیت‌الله سبحانی در
پاسخ به این پرسش که
آیا سجده در برابر
مراقد ائمه اطهار (و
مکانهای مذهبی جایز
است؟ چنین پاسخ فرمود:
از سجده کردن در برابر
مراقد ائمه، هر چند به
عنوان سجده شکر باشد،
پرهیز کنید و سجده شکر
را در جای دیگر حرم
انجام دهید تا مورد
اتهام قرار نگیرید.

هدف اصلی انقلاب اسلامی

حضرت آیت الله صافی
گلیپایگانی از مراجع
تقلید با اشاره به
روایت «**إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا
الْأَمْرِ غَيْبَةَ الْمُتَمَسِّكِ
فِيهَا بَيِّنَةٌ كَالْخَارِطِ
لِلْقِتَادِ**»^۲ به راستی برای
صاحب الامر (عج) غیبتی
است؛ کسی که در آن
دوران به دین خود تمسک
کند، همچون کسی است که
کف دست را بر شاخه خار
مغیلان کشد. گفتند: عصر
غیبت، عصر امتحان،
فتنه‌ها و ابتلائات
بسیاری است و همه باید
برای امتحان آماده
باشیم و تلاش کنیم اسباب
مسرت خاطر آن یگانه

۱. پایگاه اطلاع رسانی
معاونت تبلیغ و آموزشهای
کاربردی حوزه‌های علمیه، کد
خبر: ۳۴۲۶۸۴.

۲. پایگاه بین المللی
همکاریهای خبری شیعه
«شفقنا».

۳. کافی، کلینی، دارالکتب
الإسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق، ج ۱،
ص ۳۳۵.

مبلّغین و روحانیون
مستقر گفت : امروز
دشمنان اسلام و انقلاب با
تمام قوا به صحنه
آمده اند تا جوانان و
مردم کشور اسلامی ایران
را از دین و اعتقادات
اسلامی جدا کنند، در این
شرایط حساس نباید حواس
خود را به چیز های کم
اهمیت و جزئی معطوف
کنیم.

ایشان نکات حائز
اهمیت زیر را به مبلغان
و متولیان امر تبلیغ در
سراسر کشور تذکر دادند:
- نباید از امور
دینی و شبهات غافل شد و
در این راه باید هم خود
مقاوم باشیم و هم مردم
را دعوت به مقاومت
کنیم، چرا که دشمن از
طریق ماهواره، اینترنت،
شبهه های اجتماعی و سایر
تجهیزات روز، برای
نیابودی اسلام به میدان
آمده است؛

- در روایات اهل بیت
آمده است که دست و
دل بازی والیان با
بیت المال مسلمین، ظلم و
جور است و باید در امضا
کردن حقوق نیروها دقت
کافی شود؛ مبادا تنها
در امور شخصی و اموالی
که م تعلق به خود ماست
دقت کنیم و در بیت
المال بی دقتی و
بی مبالاتی شود که بسیار
خطرناک است و عقوبت
سختی به همراه خواهد
داشت؛

- معاونتهای تبلیغ
شهرستانها که به نام
حوزه علمیه شناخته
می شوند و به جهت اتصال

نباید بلافاصله بعد از
نماز مسجد را ترک کند
بلکه باید با مردم صحبت
کند تا بتواند اثرگذاری
لازم را داشته باشد.
آیت الله استادی با
تاکید بر لزوم آسیب
شناسی تبلیغی، خاطرنشان
کرد: در کنار برنامه های
تبلیغی، آسیبهای ی نیز
وجود دارد، که باید
بصورت جدی مورد توجه
قرار گیرد.

ایشان در ادامه با
انتقاد از منبرهای مداح
محور، بیان داشت : در
برخی محافل و مجالس
حرفه ایی زده می شود که
استناد تاریخی ندارد،
به طور مثال در مورد
ائمه (چیزهای گفته
می شود که اصلاً درست نیست
و شان اهل بیت) پایین
آورده می شود . همچنین
بعضاً برخی از برنامه های
رادیو و تلویزیون نیز
به افرادی اختصاص
می یابد که حرفه ای ی را
می زنند، حتی اگر صحیح
هم باشد، نباید گفته
شود.

مسجد، مطب یک روحانی حجت الاسلام و

المسلمین نبوی معاون
تبلیغ و آموزشهای
کاربردی حوزه های علمیه
در جمع معاونین سراسر
کشور با اشاره به اهمیت
تبلیغ دین و وظایف
معاونتهای تبلیغ
شهرستانها در انجام
هرچه بهتر امور تبلیغی

۱. پایگاه اطلاع رسانی
معاونت تبلیغ و آموزشهای
کاربردی حوزه های علمیه، کد
خبر: ۲۴۲۵۲۵.

معاونت تبلیغ و
آموزشہای کاربردی
حوزہ‌های علمیه بہ آدرس:
www.mobaleghan.com مراجعہ
نمایند.^۲

بہ حوزہ دارای وجہہ
ہستند، باید از این
وجہہ در راہ تبلیغ دین
استفادہ نمایند، این
اعتبار و عنوان یکی از
امانتہایی است کہ نزد
ما گذاشتہ شدہ و تنها
باید در راہ اعتلای دین
از آن استفادہ کرد؛

— مسجد باید مطب
روحانی برای درمان
بیماریہای روحی و معنوی
مردم باشد، نباید از
مسجد تنها برای نماز
جماعت استفادہ کرد ،
بلکہ مبلغ باید در مسجد
بنشیند تا مردم بہ او
رجوع نمایند و مشکلات
دینی خود را با روحانی
در میان بگذارند و
اینکہ مسجد بستہ شود ،
کاری خلاف و مغایر وقف
نامہ مساجد است.

فراخوان اعزام مبلغ بہ مدارس

معاونت تبلیغ و
آموزشہای کاربردی
حوزہ‌های علمیه بہ منظور
ترویج معارف اسلامی و
پاسخگویی بہ نیازہای
دینی دانش آموزان با
ہماہنگی آموزش و پرورش،
از بین طلاب و روحانیون
توانمند، مجرب و متعہد،
تعدادی را بہ مدارس
امین، سمپاد
(استعدادہای درخشان) ،
شانہ روزی و... در سال
تحصیلی ۹۳-۹۴ اعزام
می‌نماید.

علاقہمندان می توانند
چہت کسب اطلاع بیشتر و
آگاہی از شرایط ثبت نام
بہ پایگاہ اطلاع رسانی

۲. همان، کد خبر: ۳۴۲۹۰۱.

۱. همان، کد خبر: ۳۴۲۴۲۵.

نامه وارده



سخنی بامبلغان گرامی

محسن قرائتی

پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: «فَإِذَا التَّبَسُّتَ عَلَيْكُمْ الْفِتْنُ كَقَطْعِ الْبَيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ فَإِنَّهُ شَافِعٌ مُشْفَعٌ.»^(۱)

۴. آیا می‌دانید بعضی به اسم این که دین از سیاست جداست، به صدها آیة سیاسی بی توجهی می‌کنند؟

۵. آیا می‌دانید آن مقدار که در متون آموزش و پرورش و دانشگاه کلمات عربی را تزریق می‌کنند، کارساز نیست و اکثر فارغ التحصیلان ما نمی‌توانند یک صفحه از قرآن را ب دون غلط بخوانند؟

۶. آیا می‌دانید بعضی به خیال اینکه قرآن از فهم بشر با لاتر است و فهم آن مخصوص اهل بیت است، از تدبیر در آن

همین که به ماه رمضان نزدیک می‌شویم، دقایقی از وقت شما را راجع به مهم‌ترین مسئله می‌گیرم و از اینکه کار قرآن به جایی رسیده که باید مثل من این حرفها را بزند (که از دهان بزرگ تر است) شرمندهام.

۱. آیا می‌دانید که در همه مساجد در شب قدر دعای شریف جوشن کبیر و عزاداری و مراسم قرآن سرگرفتن [بحمدالله] برگزار می‌شود، اما چرا در شب قدر که شب نزول قرآن است، تفسیر [قرآن] رنگی ندارد؟

۲. آیا می‌دانید سرگرم شدن به چاپ و صوت و تجوید و ظاهر قرآن بیش از توجه به محتوای قرآن است؟

۳. آیا می‌دانید به ما دستور داده‌اند که هر گاه فتنه‌های زیاد مانند پاره‌هایی از شب تاریک شما روی آورد به قرآن

۱. کافی، کلینی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چ، ۵۹۹.

د. شکایت توسط کسی
است کہ مظهر رحم ۵
للعالمین است؛
۵ - . شکایت پدر از
فرزند است؛ **أَنَا وَ عَلِيٌّ
أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ**
و. شکایت حتمی است ؛
چون با فعل ماضی آمده
است ؛ **[وَقَالَ الرَّسُولُ**
...]

ز. شکایت با استمداد
از کلمه یا رب است
ح. شکایت از کسی است
کہ امید شفاعت از او
داریم. **[وَيَلِّمَنَ نَكَانَ
شَفَعَاءَهُ خَمَامَاءَهُ]**.

۹. آیا می‌دانید
- بعضیها نمی‌توانند
قرآن بخوانند!
- بعضی به غلط
می‌خوانند!
بعضی که می‌توانند
درست بخوانند ،
نمی‌خوانند!
- بعضی که می‌خوانند
تدبّر نمی‌کنند!
- بعضی به آن عمل
نمی‌کنند!

- بعضی قرآن را محور
کار خود نمی‌دانند و در
درسها و سخنرانیها و
نوشته ها، به قرآن
اولویت نمی‌دهند!

- بعضی قرآن را تنها
برای مهری ۵ عروس، بالای
سر مسافر، سوگند یاد
کردن، کتاب استخاره و
امثال آن میخواهند!
10. آیا می‌دانید مثال
ما مثال بیماری است کہ
به‌جای مصرف دارو، مشغول

می‌ترسند، با اینکه
خداوند دستور به تدبّر
داده است و در حدیث
می‌خوانیم: **«فَمِنْ زَعَمَ أَنَّ
كِتَابَ اللَّهِ مُبْتَهَمٌ فَفَدَّ هَلْكَ»**
کسی کہ گمان می‌کند کتاب
خداوند (قرآن) مبهم
است، هلاک شده

است. «راستی اگر قرآن را
نمی‌توان فهمید ، پس
چگونه به ما دستور
داده‌اند روایات را بر
قرآن عرضه کنیم و اگر
ضد آن بود آن روایات را
به دیوار بزنیم؟

۷. آیا می‌دانید
مهجوریت قرآن غافلانه
نیست؛ زیرا در قرآن
می‌خوانیم در روز قیامت
پیامبر- می‌فرماید: **[يَا
رَبِّ اِنِّ قَوْمِي اِتَّخَدُوا
هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا]**؛

«پروردگارا قوم من قرآن
را مهجور گرفتند .» و
نمی‌فرماید قرآن نزد قوم
من مهجور بود و مهجور
گرفتن با توجه و عمد
است؟

۸. آیا می‌دانید آیه
**[وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ
اِنِّ قَوْمِي اِتَّخَدُوا هَذَا
الْقُرْآنَ مَهْجُورًا]** چه
معنایی دارد:

الف. در پر خطرترین
دادگاه یعنی روز قیامت
ب. نزد عالی‌ترین
قاضی یعنی خداوند؛
ج. از محبوب‌ترین و
بالاترین مقام هستی یعنی
پیامبر-؛

۱. المحاسن، احمد بن محمد
بن خالد برقی، دارالکتب
الاسلامیه، قم، ۱۳۷۱ش، ج ۱،
ص ۲۷.
۲. فرقان / ۳۰.
۳. تفسیر منسوب به امام حسن
عسکری %، مدرسه امام
مهدی (عج)، قم، ۱۴۰۹ق، ص ۳۳.

چیدن و تنظیم انواع قرصهاست؟

۱۱. آیا می دانید مثال ما مثال مهمانی است که به جای گوش دادن به سخنان صاحبخانه، به نقش و نگار در و پنجره توجه می‌کند؟

۱۲. آیا می دانید گروهی به جای تدبّر در قرآن و پیام و الهام گرفتن از آن و عمل به آن، به سراغ حواشی آن می‌روند و بیشتر عمر خود را صرف مباحث علوم قرآن مانند محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، ت اویل، شأن نزول، تاریخ کتابت، تاریخ ترجمه، تاریخ تفسیر، طبقات مفسرین، تفاوت کتب تفسیری و امثال این بحثها می‌کنند؟ (البته بعضی از این بحثها نظیر بحث اعجاز و بحث سلامت از تحریف، ضروری است؛ اما صرف بیش‌تر عمر به این علوم مانند کسی است که به جای شنا در استخر، دور استخر می‌دود؟

۱۳. آیا می دانید بعضی پ هجای بیان روح قرآن آنقدر به نقل اقوال می‌پردازند که خود قرآن در آن اقوال گم می‌شود و بعضی آنقدر احتمالات متعددی را مطرح می‌کنند که حتی محکّمات قرآن، متشابه می‌شود؟

۱۴. آیا می‌دانید بعضی وارد گود عرفان، بعضی وارد تحقیق مفصل روی لغات، بعضی در مقام نقل ش آن نزولهای متعدد و بعضی قرآن را به دون توجه به روایات معتبر

رسیده از اهل بیت) تفسیر می‌کنند؟ در حالی که خود قرآن به ما می‌فرماید: [وَ مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا]؛ یعنی سخنان پیامبر - را که خود مستقیماً فرموده و یا به اهل بیت) ارجاع داده، باید بگیریم و در روایات متواتر می‌خوانیم بین قرآن و اهل بیت (هرگز جدایی نیست و اگر به هر دو تکیه کنید، هرگز گمراه نمی‌شوید؟

۱۵. آیا می دانید در بسیاری از سخنرانیها، سهم تاریخ، تحلیل سیاسی، شعر و خواب و خطابه و روضه و امثال آن داده می‌شود؛ ولی سهم قرآن داده نمی‌شود، با اینکه خداوند به پیامبر - می‌فرماید: سخنرانی تو باید دربارهٔ بیان قرآن باشد [الْبَيِّنَاتُ لِلنَّاسِ مَا نَزَلَ إِلَيْهِمْ]؟

۱۶. آیا می دانید هزاران پایان نامه در علوم قرآن نوشته می‌شود، ولی این پایان نامه ها در دانشگاه‌ها بایگانی و جامعه از آن خیری نمی‌بینند؟

۱۷. آیا می دانید در دانشگاه های قرآن و حدیث، سرفصلهای علوم قرآن کاربردی نیست و نیازسنجی نشده است؟

۱۸. آیا می دانید تلاوت زیبا در مواردی به هنرنمایی تبدیل شده

التَّوراةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا
أَنْزَلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ .

۳۰. آیا می دانید
کلمه «اقامه» در قرآن
در چهار جا به کار رفته
است:

[أَقِيمُوا الدِّينَ]

[أَقِيمُوا الْوَزْنَ]

[أَقِيمُوا الصَّلَاةَ]

وَ لَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا

التَّوراةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا
أَنْزَلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ .

۳۱. آیا می دانید اگر
ما کتاب آسمانی را بپا
داریم، وضع اقتصادی ما

بسیار خوب می شود؟ [وَ لَوْ
أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوراةَ وَ

الْإِنْجِيلَ وَ مَا أَنْزَلَ

إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا

مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ

أَرْجُلِهِمْ .]

۲۳. آیا می دانید
باید تلاوت هر آیه ای،
ایمان ما را زیاد کند؟

[وَ إِذَا ثَلَيْتَ عَلَيْهِمْ

آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا .]

۳۳. آیا می دانید

تلاوت قرآن باید دل ما

را پلرزاند؟ [إِنَّمَا

الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا

ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ .]

۳۴. آیا می دانید

گروهی از جن همین که

برای اولین بار صدای

است؟

۱۹. آیا می دانید در
آموزش علوم صرف و نح و
از آیات قرآن و روایات
کمتر استفاده می شود؟

۲۰. آیا می دانید

فیلمهای کوتاهی با

مضامین قرآنی نایاب

است؟

۲۱. آیا می دانید

تفسیر ساده برای

نوجوانان نایاب است؟

۲۲. آیا می دانید

بیان صحیح از قصه های

قرآن برای نوجوانان

نایاب است؟

23. آیا می دانید

موقوفات برای قرآن

کمیاب است؟

۲۴. آیا می دانید نذر

تلاوت قرآن نایاب است؟

۲۵. آیا می دانید

توجه به قرآن در نام

«شبی با قرآن» مطرح

می شود؟ آیا درست است که

بگوییم «شبی با اکسیژن»

و یا «شبی با سلامتی»؟

۲۶. آیا می دانید در

بسیاری از حوزه ها و نزد

بسیاری از مدرسین، تدبیر

در قرائن درس جنبی است

نه اصلی؟

۲۷. آیا می دانید

توجه به کتاب مخلوق،

بیش از کتاب خالق است؟

۲۸. آیا می دانید که

به آیه [خُذِ الْكِتَابَ

بِقُوَّةٍ] عمل نکرد ایم؟

۲۹. آیا می دانید اگر

کتاب آسمانی را به پا

نداریم، خداوند لقب

پوچی به ما داده است؟

[قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ

عَلَىٰ شَيْءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُوا

۲. مائده / ۶۸.
۳. شوری / ۱۳.
۴. الرحمن / ۹.
۵. بقره / ۴۳، ۸۳، ۱۱۰؛ نساء / ۷۷؛ انعام / ۷۲؛ یونس / ۸۷؛ نور / ۵۶؛ روم / ۳۱ و مزمل / ۲۰.
۶. مائده / ۶۶.
۷. همان.
۸. انفال / ۲.
۹. همان.

۱. مریم / ۱۲.

قرآن مثل دریا است که هر کسی از آن بهره ای دارد؛ بعضی با نگاه، بعضی با شنا، بعضی با قایق رانی، و بعضی با غواصی. قرآن نیز اینگونه است که: «کِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلٰی اَرْبَعَةِ اَشْيَاءٍ عَلٰی الْعِبَارَةِ وَ الْاَشَارَةِ وَ الْبَطَائِفِ وَ الْحَقَائِقِ فَالْعِبَارَةُ لِلْعَوَامِّ وَ الْاَشَارَةُ لِلْخَوَاصِّ وَ الْبَطَائِفُ لِلْاَوْلِيَاءِ وَ الْحَقَائِقُ لِلْاَنْبِيَاءِ»^۸ کتاب خدا (قرآن) به چهار صورت است: عبارت و اشاره و لطیفه‌ها و حقایق. عبارت مخصوص عوام است. و اشاره مربوط به خواص است. و لطائف برای اولیاء است و حقایق مخصوص انبیاء.»^۹

۳۹. آیا می دانید عجایب قرآن قابل شمارش نیست؟ امیرالمومنین % فرمود: «لَا تُحْصَى عَجَائِبُهُ»؛ عجایب آن به حساب نمی‌آید.»^{۱۰}

۴۰. آیا می دانید عجایب قرآن کهنه شدنی نیست؟ «لَا تُفْنَى عَجَائِبُهُ»؛ زایل نمی‌شود عجایب آن.»^{۱۱}

۴۱. آیا می دانید بزرگانی مانند ملاصدر(ا) و

قرآن را شنیدند، ایمان آوردند [يَهْدِي اِلَى الرُّشْدِ فَاَمْنَا بِهِ] و دیگران را به پیروی از آن دعوت کردند [يَا قَوْمَنَا اَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ]؛ ولی ما این همه قرآن شنیدیم، نه دلی تکان و نه ایمانی زیاد و نه اشکی جاری و نه رشدی اضافه و نه تبلیغی صورت گرفت؟

۳۵. آیا می دانید قرآن ذکر است [اِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ] و اعراض از آن زندگی نکبتی را به بار می آورد؛ [وَمِنْ اَعْرَاضٍ عَن ذِكْرِي فَاِنْ لَّهُ مَعِيشَةٌ مِّنْكُمْ]!

۳۶. آیا می دانید در قیامت بعضی شفاعتها برای بعضی مفید نیست؟ [فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ]؛ ولی شفاعت قرآن حتما کارساز است؛ چنانچه رسول الله - می فرماید: «فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ فَاِنَّهُ شَافِعٌ مُّشْفَعٌ»^{۱۲}.

۳۷. آیا می دانید قرآن کشتی بی‌سوراخ است؟ [اِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ اِنَّا لَهُ لِحَافِظُونَ]؛ ولی در نقل تاریخ، احتمال دروغ است و در روایات نیز روایات جعلی زیاد است؟

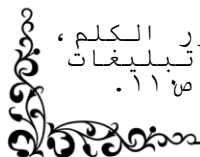
۳۸. آیا می دانید

۸. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۲۷۸.

۹. ارشاد القلوب الی الصواب، دیلمی، نشر شریف رضی، قم، ۱۴۱۲ق، چاپ اول، ج ۱، ص ۷۹.

۱۰. غررالحکم و درر الکلم، تمیمی امدی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۶ش، ص ۱۱.

۱. جن / ۲/ ۳۱.
 ۲. احقاف / ۳۱.
 ۳. حجر / ۹.
 ۴. طه / ۱۲۴.
 ۵. مدثر / ۴۸.
 ۶. کافی، کلینی، ج ۳، ص ۵۹۹.
 ۷. حجر / ۹.



امام رضا% فرمود: «**أَمَرَ النَّاسَ بِالْقِرَاءَةِ فِي الصَّلَاةِ لئَلَّا يَكُونَ الْقُرْآنُ مَهْجُوراً مُضِيحاً**؛ نماز پر مردم واجب شد، تا قرآن از مہجوریت بیرون آید.»؟

سروران گرامی! باید به پا خیزیم و اگر غفلت یا تقصیر و قصوری بوده از خداوند عذر خواهی کنیم و از امروز قرآن را جدی بگیریم؟ **[خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ]**

نکاتی به نظر می رسد که بیان می کنم، عزم و تصمیم با شما ولی بدانیم اگر عزم نداشته باشیم مثل پدر خود، حضرت آدم% قابل توبیخیم که قرآن می فرماید: **[وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا]**

همه به پا خیزیم و برای خدا و شادی دل پیامبر - و چشیدن مزه قرآن و چشاندن آن مزه به دیگران، یک نهضتی ایجاد کنیم مثلاً:

۱. کسانی که توان تدریس تفسیر دارند، تفسیر را وارد حوزہ درسی خود نمایند؛ یعنی برنامه ریزی حوزہ های علمیه به گونه ای باشد که هر طلبه، حداقل در هر سال با یک جزء تفسیر آشنا شود؛

۲. اهل منبر نیمی از سخنرانی خود را به بیان آیات قرآن اختصاص دهند؛

۳. من لا يحضره الفقيه، شیخ صدوق، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزہ علمیه قم، قم، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۱.

فیض کاش انی و امام خمینی! و بسیاری دیگر اقرار کرده اند که چرا بیش تر عمر خود را صرف قرآن نکرده اند؟

۴۲. آیا می دانید علمای ربانی، علمای قرآنی هستند؛ **[كُونُوا رَبَّانِيِّينَ يَمَا كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ الْكِتَابَ وَ يَمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ]**.

۳۴. آیا می دانید قرآن نور است و کسی که خودش نور ندارد، نمی تواند مردم را از ظلمات به نور دعوت کند؟

۴۴. آیا می دانید که عظمت ماه مبارک رمضان به روزه نیست؛ بلکه به نزول قرآن است؛ چرا که فرمود: **[شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ]** و نفرمود: شهر رمضان الذي كتب فيه الصيام.

۴۵. آیا می دانید در نمایشگاه کتاب توجه مردم به کتب تفسیری زیاد شده است؟

۴۶. آیا می دانید عزیزانی که مسیر سخنرانیهای خود را به سمت قرآن سوق داده اند، مخاطبین کم ی و کیفی بیشتری دارند؟

۴۷. آیا می دانید پیامبر - فرمود: هرگز نباید بین قرآن و اهل بیت (جد ایی باشد، بنابراین سزاوار است در کنار هر جلسہ عزاداری یک جلسہ قرآن هم باشد؟

۴۸. آیا می دانید که

سیاست، خطوط کلی اقتصاد، حقوق، مدیریت و هر رشته دیگر اول به سراغ قرآن برویم، بعد نهج البلاغه و روایات معتبر، بعد سیرة اهل بی (ت) و در پایان از تجربه‌های تاریخی بزرگان استفاده کنیم. این آرزو آغازی است که می‌توان از ماه رجب و شعبان و رمضان کمک گرفت، زیرا ماشین‌هایی که هوا گرفته در سرازیرها روشن می‌شود و سرازیری عبادات و قرآن، ماه رمضان است در پایان، این ناله هدهدی بود نزد سلیمانها که اگر سلیمانها توجه فرمایند، بلقیسهای دنیا به اسلام رو خواهند آورد؛ ولی اگر بگویند این هدهد، پرنده کوچکی است و حرف او الزام آور نیست، حرکتی صورت نخواهد گرفت.

و الامر الیکم
و السلام

۳. در همه روزنامه‌ها و مجلات ستونی برای فهم گوشه ای از آیات قرآن اختصاص یابد؛

۴. صد ا و سیما از قصه‌ها و آیات کوتاه با هنر و نمایش و یا از مثالهای قرآن با امکانات هنری خود بهره گیرد؛

۵. آموزش و پرورش و دانشگاه، تفسیر آیاتی را که هر روز با آن سر و کار داریم در متون کتاب درسی تزریق کنند؛

۶. موضوعاتی که برای هم‌ه مردم مورد نیاز است، از قرآن استخراج شود؛

۷. اگر از تاریخ می‌گوییم، حوادث تاریخی قرآن را در اولویت قرار دهیم؛

۸. اگر از اخلاق می‌گوییم، آیات اخلاقی قرآن را مطرح کنیم؛

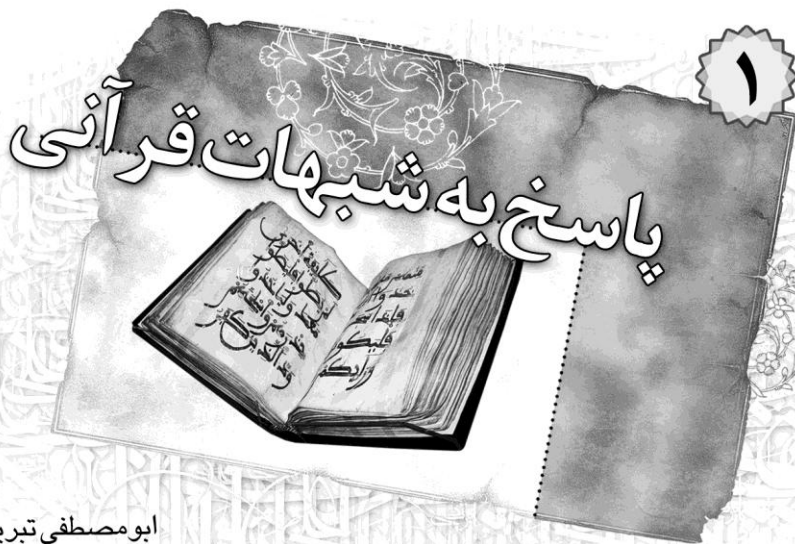
۹. اگر مثالی می‌زنیم یا تشبیه به کار می‌بریم، قرآن را فراموش نکنیم؛

۱۰. اگر فضایل امیرالمؤمنین% را می‌گوییم، آیاتی که در شان آن بزرگوار است، در اولویت قرار دهیم؛

۱۱. اگر از حضرت مهدی% و حکومت ایشان سخن می‌گوییم، از منابعی که قرآن و مهدویت را بررسی کرده اند استفاده نماییم؛

۱۲. در عزل و نصبها، قهر و صلحها، ارتباط و ترک روابط، انتخاب همسر، آیین همسرداری، انتخاب شغل، عبادات و





ابومصطفی تبریزی

کریم از مردم می خواهد:
[فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ]^۱؛ «اگر نمی دانید، از آگاهان بپرسید!» همچنین پرسیدن باید برای فهمیدن باشد، نه مقاصد دیگر، که در این صورت انسان بهره کافی از پاسخ نخواهد برد.

روزی امیرالمؤمنین علی % در مسجد کوفه بود، مردی از اهالی شام برخاست و گفت: یا امیرالمؤمنین! من چند سؤال از تو دارم. حضرت فرمود: **«سَلْ تَفْقَهَا وَلَا تَسْأَلْ تَعْتَا»**^۲؛ بپرس؛ اما برای فهمیدن، نه برای به سختی و دشواری انداختن (پاسخگو).» مولای متقیان تأکید

انسان همواره برای رسیدن به کمال و کشف مجهولات خویش به دنبال دانشی جدید است. یکی از شیوه های قرآنی برای رسیدن به پاسخ مجهولات، پرسشگری و حس کنجک اوی است؛ چراکه همیشه سؤال کلید گنجینه علوم و دانشهای بشری بوده، انسان طبق فطرت خود برای رسیدن به کمال و هدف مطلوب به سؤال نیاز دارد. کسانی که کم تر سؤال می کنند، سهم کمتری از این گنجینه ارزشمند بشری دارند. و اساساً سؤال کردن و پاسخ شنیدن حق هر انسانی است و کسی را نمیتوان از این حق منطقی و فطری محروم کرد.

البته انسان باید پرسشهای خود را از کسی بپرسد که در آن موضوع تخصص و اطلاعات کافی داشته باشد و بتواند

۱. نحل / ۴۳؛ انبیاء / ۷.
 ۲. نهج البلاغه، سید محمد رضی، در یک جلد، مؤسسه نهج البلاغه، قم، ایران، اول، ۱۴۱۴ ق، ص ۴۷۲.

گنجینه‌هاست و کلید آن پرسش است. بپرسید تا خدا بر شما رحمت آرد که به چهار کس پاداش داده شده است: پرسنده، آموزگار، شنونده و کسی که دوستدار ایشان است» از منظر نبی مکرم

اسلام - کسی نباید از دریافت این کلید زرین خجالت بکشد، چنانکه در روایات از پرسشگاران خواسته شده است که سؤال خود را بدون شرم مطرح کنند. امام باقر % به «ابراهیم ابا اسحاق لیثی» که از پرسیدن برخی مسائل شرم می‌کرد، فرمود: **«يَا اِبْرَاهِيمُ سَلْ وَلَا تَسْتَكْفِرْ وَلَا تَسْتَحْيِ فَاِنَّ هَذَا الْعِلْمَ لَا يَتَعَلَّمُهُ مُسْتَكْبِرٌ وَلَا مُسْتَحْيٍ»**^۲ ای ابراهیم! سؤال کن و خودداری نکن و شرم ننما. این دانش را متکبر و کسی که از سؤال حیا می‌کند، فرا نمی‌گیرد.»

در روایت دیگری امام موسی بن جعفر % به بانویی که از پرسیدن برخی مسائل خجالت می‌کشید، فرمود: **«سَلِي وَ لَا تَسْتَحْيِي»**؛ پرس و خجالت نکش...» سپس آن بانو بدون دغدغه خاطر پرسشهایش را در محضر حضرت مطرح کرده، پاسخ

می‌کند که انسان باید برای فهمیدن بپرسد، نه برای لجبازی و دیگران را به زحمت انداختن؛ چراکه این حرکت غیراخلاقی علاوه بر تضييع حقوق دیگران، برای خود پرسشگر نیز آثار زیانباری در پی دارد. فرق پرسش و شبهه را می‌توان با همین نکته تشخیص داد.

فرق شبهه و پرسش
پرسش، در حقیقت جستجوی بشر برای شناخت است و پرسشگر با بیان سؤال خود می‌کوشد تا موضوع و مطلبی را بشناسد و آن را درک کند، در حالی که هدف از شبهه، ایجاد تردید و شک در دل مخاطب است و شبهه‌گر می‌کوشد تا در بنیادهای اعتقادی شخص تردید افکند یا وی را امتحان کند. در حقیقت، تفاوت شبهه و پرسش را باید در کارکرد و اهداف آن دانست. کارکرد پرسش فهم و شناخت است، در حالی که شبهه طرح می‌شود تا مخاطبان خود را به چالش بکشاند و آنان را به زحمت اندازد.

رسول گرامی اسلام - فرمود: **«الْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَمَفَاتِيحُهُ السُّؤَالُ فَاَسْأَلُوا رَحِمَكُمُ اللّٰهُ فَانَّهُ يُؤَجِرُ اَرْبَعَةَ السَّائِلِ وَ الْمَسْتَمِعِ وَ الْمُجِبِ لَهُ»**^۱؛ علم

۲. علل الشرایع، شیخ صدوق، کتابفروشی دآوری، قم، اول، ۱۳۸۶ ش، ج ۲، ص ۶۰۶.

۳. کافی، محمد بن یعقوب کلینی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۳، ص ۵۹.

۱. تحف العقول، ابن شعبه حرانی، نشر اسلامی قم، دوم، ۱۴۰۴ ق، ص ۴۱.

آنکہ مرا نیابید، آنچه می‌خواهید از من بپرسید، که من راه های آسمان را بهتر از راه های زمین می‌شناسم.»

اساساً دین پرسیدن را عیب نمی‌داند؛ بلکه به صراحت ما را به پرسشگری در مورد مجهولاتی که همواره به دانستن آن نیازمندیم سفارش می‌کند. امیرالمؤمنین %

می‌فرمود: «سَلْ عَمَّا لَا بُدَّ لَكَ مِنْ عِلْمِهِ وَلَا تَعْذَرْ فِي جَهْلِهِ؛» پرس از چیزهایی که ناچاری بدانی و در ندانستن آن معذور نیستی!»

برکات پرسش در طول تاریخ عالمان دینی در هر زمانی محل رجوع مردم بوده، پیوسته در مقام پاسخگویی به سؤالات و نیازهای آنان برآمده‌اند و بخش زیادی از توسعه و ترویج احکام دین و پالایش آن از خرافات و پیرایه های دروغین، مرهون ارتباط مستقیم مردم با عالمان بوده است و بسیاری از آن پرسش و پاسخها به صورت کتاب و نوشته درآمده و برای آیندگان به یادگار مانده است. اصولاً

تألیفات عالمان دین برای پاسخگویی به نیازهای دینی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه بوده، در هر زمان

دریافت نمود. از نگاه پیامبر اکرم- اگر یک پرسشگر بتواند منویات مبهم خود را درست مطرح کند و به یک عالم منظورش را برساند، به نیمی از دانش نائل شده است، چنانکه فرمود: «حُسْنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ؛» نیکو پرسیدن، نصف دانش است. «یکی از مهم ترین ویژگیهای امام علی % پرسشگری زیاد ایشان بود. خود آن حضرت می‌فرماید: «إِنْ رَبِّي وَهَبَ لِي قَلْبًا عَقُولًا وَ لِسَانًا سَوُولًا؛» همانا پروردگارم به من قلبی بسیار اندیشمند و زبانی بسیار پرسشگر عنایت کرده است.»

نه تنها امیرمؤمنان % پرسشگری اندیشمند بود؛ بلکه خود پاسخگویی زبردست و دانشوری بی نظیر محسوب می‌شد؛ چراکه مردم را به پرسشگری دعوت کرده مکرراً می‌فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي فَلَنَا بَطْرُقُ السَّمَاءِ أَعْلَمُ مِنِّي بِطُرُقِ الْأَرْضِ؛» ای مردم! پیش از

۱. کنز الفوائد، محمد بن علی کراجکی، دار الذخائر، قم، اول، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۱۸۹.

۲. شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، عبید الله بن عبد الله حسانی، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، اول، ۱۴۱۱ ق، ج ۱، ص ۴۵.

۳. نهج البلاغه (صبحی صالح)، شریف رضی، نشر هجرت، قم، اول، ۱۴۱۴ ق، ص ۲۸۰، خطبه

۱۸۹.

۴. عیون الحکم والمواعظ، علی بن محمد لیث ی واسطی، دار الحدیث، قم، اول، ۱۳۷۶ ش، ص ۲۸۴.

عالم چه کاره ایم و دنیا چیست؟ جرقة نور دانش از همان آغاز تحصیلات در حوزه علمیه در وجود او روشن شد و همواره برای رسیدن به پاسخ این سؤال تلاش کرد که:

از کجا آمده ام، آمدنم

بهر چه بود؟

**به کجا می روم آخر،
نمایم وطنم**

ایشان به لطف و فضل

الهی به مدارج عالی علمی رسید و قله های عظیم و نفس گیر دانش و معنویت را فتح کرد و نه تنها پاسخ خود را یافت؛ بلکه به یافتن مجهولات افراد زیادی نیز یاری رساند.

ایشان همواره می گفت:

«دوای جهالتهای بشری،

سؤال است. بیایید آنچه

را نمی دانیم، سؤال کنیم

و تا بتوانیم، سؤالها

را بی جواب نگذاریم.»^۳

سعادت یک فیلسوف فرانسوی

گاهی پرسشهای یک

انسان و یافتن جواب

حقیقی آنها، سرنوشت

انسان را عوض می کند.

«هانری کوربن» (۱۹۰۳ -

۱۹۷۸ م) فیلسوف نامدار

فرانسوی و استاد

متناسب با نیاز آنان نگاشته شده است.

امروزه نیز به

موازات پیشرفت علوم و

فنون، گرایش به معنویات

و اندیشه های دینی در

سراسر جهان در حال

گسترش است و به همین

نسبت، میزان نیاز و

مراجعه به عالمان دینی

رو به فزونی گذاشته

است. به عبارت دیگر،

حفظ و تقویت رویکرد

جامعه بشری به دینداری،

نیازمند ارتباط گسترده

و دایمی مردم با عالمان

دینی است. این ارتباط

غالباً در فضای پرسمان

دینی ظهور می کند. در

واقع پاسخگویی به

پرسشهای دینی است که از

یک سو جامعه دینی را

پایدارتر می سازد و از

سوی دیگر با دفع و رفع

شبهات، راه تزلزل در

باورهای مردم را مسدود

می کند.

۶۰ سال تلاش برای یک پرسش

برخی سؤالها برای

انسان آنقدر مهم هستند

که گاهی برای یافتن

پاسخ آنها لازم است ی ک

عمر وقت گذاشته شود و

باید در این راستا

زحمتهای متحمل شد، البته

قطعاً نتیجه آن (یافتن

پاسخ) خیلی شیرین خواهد

بود؛ شیرین تر از آن که

بتوانی تصور کنی!

علامه محمدتقی جعفری

تبریزی (در دوران

نوجوانی و در اوایل جنگ

جهانی دوم، با این پرسش

وارد مدرسه طالبیه

تبریز شد که: ما در این

۱. اساساً مهمترین رسالت یک

مسلمان، یافتن پاسخ این

پرسش برای خود و مخاطبان

می باشد. حضرت علی% فرمود:

«درود خدا بر کسی که بداند

از کجاست و در کجاست و به

کجا می رود.» الوافی، ج ۱، ص

۱۱۶.

۲. به نقل از مقاله

نگارنده، ماهنامه مبلغان، ش

۱۷۱ (با کمی ویرایش)، ص؟؟؟

۳. مجله افق حوزه، مورخ:

۱۳۹۱/۶/۲۱.

دانشگاه سوربن پاریس با طرح پرسشهایی در محضر علامه طباطبایی (حقیقت را یافت و از میان ادیان و مکتبهای مختلف مادی به مذهب شیعه روی آورد و سرنوشت زیبایی را برای خود رقم زد. وی بعد از ملاقات با علامه طباطبایی میگوید: «به عقیده من، مذهب تشیع تنها مذهبی است که رابطه هدایت الهی را میان خدا و خلق برای همیشه نگه داشته، پیوسته ولایت را زنده و پابرجا می دارد... به اعتقاد من، تمامی ادیان حقیقتی را دنبال می نمایند؛ اما تنها مذهب تشیع است که به این حقیقت لباس دوام و استمرار پوشانیده و معتقد است که این ویژگی میان عالم انسانی و الوهی برای همیشه باقی است.»

پاسخ سادة فيلسوفانه
علامه جعفري (در عرصه توحيد، توکل و خداشناسي با تمام وجود به اين فرموده امام حسين % باور داشت که: «الهي ما ذا وجد من فقدك و ما الذي فقد من وجدك؛ اي خدای من! آن کسی که تو را ندارد، چه دارد؟ و آن کسی که تو را یافته است، چه ندارد؟» و طبق این باور عمل می کرد. روزی سوار تاکسی شده بود. در مسیر راه نفس عمیقی کشیده، از ته دل و عمق وجودش که ریشه در ایمان راستینش به لطف حضرت حق داشت، با خود زمزمه کرد: ای خدای من!
راننده تاکسی پرسید:
آقا! مگر خدا فقط خدای شماست!! ایشان در جواب فوراً دو بیت از اشعار ناب توحیدی از سعدی را

چند صباحی که از این فرموده پدر گذشت، يك روز کربن درباره حضرت مهدی (عج) سخنان پرشوری ایراد نمود و ضمن آن گفت: من به خاطر بحث درباره شیعه و رسیدن به حقایق این مذهب، نزدیک بود پست تحقیقاتی خود را در دانشگاه سوربن از دست بدهم. پدر، وقتی از این موضوع مطلع شد، بسیار مسرور و مشغوف گردید و گفت: نگفتم این پروفیسور کربن، مؤمن به تشیع شده است علامه به یکی از شاگردان خود گفته بود: کربن دعاهاي صحيفه مهديه را مي خواند و مي گريست. «مهر تابان، محمدحسین حسینی تهرانی، انتشارات علامه طباطبایی، مشهد، ۱۳۸۷ش، ص ۴۷.
۲. اقبال الأعمال، ج ۱، ص ۳۴۹، دعای عرفه.

۱. هانری کوربن به مرحله ای رسید که در باب امام غایب (عج) میگوید: «او سیمایی است که جمع دوازده امام و چهارده معصوم را کامل می کند. او امام قائم است که وجود غایب او نیز حکومتی عالم را دچار اضطراب ساخته است.» [هانری کربن، در باب امام دوازدهم، ترجمه عیسی سهبیدی، مجله مردم شناسی، تیر و مرداد و شهریور ۱۳۳۷، ص ۳۱۵].
مهندس سید عبد الباقی طباطبایی - فرزند ارشد علامه - میگوید: «یک روز پدر رو به ما نمود و با نشاط خاصی گفت این پروفیسور به اسلام (تشیع) مؤمن شده است؛ ولی شرایط اقتضا نمی کند تا آن را رسماً و علناً بر زبان جاری کند.

الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا
الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا
الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ
صَاغِرُونَ [۲] «ای اهل
ایمان! با کسانی از اهل
کتاب که نه به خدا، و
نه به روز جزا ایمان
دارند، و نه آنچه را
خدا و رسولش تحریم
کرده، حرام می‌شمرند، و
نه آیین حق را
می‌پذیرند، پیکار کنید
تا زمانی که با خضوع و
تسلیم، جزیه را به دست
خود بپردازند.»^۳

اولین دانشمند خارجی
که با استاد محمدتقی
جعفری (صحبت کرد،
پروفسور «روزنتال»
آلمانی بود. او درباره

خواند که:
چنان لطف او شامل هر تن
است
که هر بنده گوید خدای
من است
چنان کار هر کس به هم
ساخته
که گویا به غیری
نپرداخته

با توجه به گفته های
پیشین و اهمیت پرسش و
پاسخ در زندگی و سرنوشت
افراد، در این مجموعه
سعی کرده ایم پرسشهای
اعتقادی، تاریخی،
سیاسی، اجتماعی و ...
مطرح نزد جوانان را -
که بخشی از آنها در
جلسات حلقه‌های معرفت در
حرم حضرت معصومه & مطرح
شده بود - پاسخ دهیم .
به امید اینکه بتوانیم
در تقویت باورهای دینی
گامی به سوی کمال
برداریم. انشاء الله

۱. فلسفه جزیه چیست؟ آیا
نوعی باج‌خواهی نیست؟!
جزیه، نوعی مالیات
است که باید اهل کتاب،
به رهبر مسلمانان
بپردازند و در مقابل،
حکومت اسلامی، ملزم به
حفظ جان و مال آنان
بوده، آنان می‌توانند با
امنیت خاطر و آسایش
کامل در کنار سایر
مسلمانان زندگی کنند .
خدای متعال در قرآن

می‌فرماید : **إِقَاتِلُوا
الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ
لَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ ۚ وَ لَا
يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَ
رَسُولُهُ وَ لَا يَدِينُونَ دِينَ**

۱. قصص الشعراء، ص ۱۱۴.

۲. توبه/ ۲۹.
۳. علاقه‌مندان به اطلاعات
بیشتر می‌توانند در زمینه
مسئله «جزیه» به کتاب وسائل
الشیعه، ب اب جهاد، ج ۱۵، و
سایر کتابهای فقهی، حدیثی و
یا تفسیری ذیل آیه فوق
مراجعه کنند.
۴. فران تس روزنتال،
خاورشناس آلمانی
آلمانی‌الاصل، در سال ۱۹۱۴ م
در برلین زاده شد و پس از
طی تحصیلات ابتدایی در
زادگاهش، در سال ۱۹۳۵ م در
رشته زبانهای شرقی و کلاسیک
از دانشگاه ب رلین درجه
دکترای گرفت. در سال ۱۹۳۹ م
کتاب معروف او تحت عنوان
«تحقیقات آرام‌شناسی» برنده
نخستین مدال کنگره بین
المللی مستشرقان شد . با
شروع جنگ جهانی دوم او به
آمریکا رفت و در دانشگاه‌های
متعددی به کار تحقیق و
تدریس پرداخت و آثار زیادی
از خود به جای گذاشت. کتاب
معروف دیگر او «تاریخ
تاریخ‌نگاری در اسلام» است که
در سال ۱۹۵۲ م به چاپ رسید
و پس از آن بارها تجدید چاپ
شد. روزنتال استاد کرسی

اهل کتابی که همزیستی با مسلمانها داشتند، به حاکم اسلامی داده می‌شد، برای اینکه با هم در یک جامعه زندگی مسالمت‌آمیز داشته باشند.» در صفحه ۱۸۷ همین کتاب داستان عجیبی نقل شده است که وقتی استاد آن را برای روزنتال نقل کرد، بسیار بهت‌زده شد. داستان این است که: وقتی سپاهیان اسلام سوریه را فتح می‌کنند و جزیه می‌گیرند و بزرگان اهل کتاب (یهودیان و مسیحیان) صندوقهای پر از جواهرات را می‌آورند و به فرماندهان اسلام جزیه می‌دهند، در همان موقع از طرف امپراطوری روم به مسلمانان اعلام جنگ می‌شود. ابو عبیده دستور می‌دهد بروید صندوقهای جواهرات را به خودشان باز پس دهید. اینها مبهوت و متحیر می‌مانند و می‌گویند: ما با طیب نفس و رضایت آنها را داده‌ایم. ایشان می‌گویند: ما این جزیه را که از شما گرفتیم، برای این بود که با شما زندگی کنیم و زندگی اجتماعی و اقتصادی شما اداره بشود. حال، به ما اعلان جنگ شده و تکلیف ما روشن نیست. شاید ما نتوانیم شما را اداره کنیم. سپس صندوقها را برمی‌گردانند. حتی

پنج مسئله با ایشان صحبت کرد که از آن جمله مسئله ربا، مالکیت و جزیه بود. او پس از شنیدن پاسخ پرسشهای خود، برای مراسله، اشتیاق بسیار زیادی پیدا کرد. او گفت: حقوقدانهای سایر کشورها مایلند پاسخهای شما را بدانند. او درباره جزیه از استاد پرسید: مگر جزیه باج سبیل نیست که اسلام از اهل کتاب می‌گیرد؟!

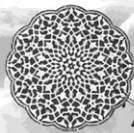
علامه جعفری در پاسخ به تاریخ «البلدان» استشهاد کرد و گفت: «این باج سبیل نیست؛ بلکه جزیه مالیاتی بوده از طرف هر

رابینویترز در رشته زبانهای سامی در دانشگاه ییل از ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۷ م، استادی کرسی استرلینگ در زبان عربی و پژوهشگر اسلام در دانشگاه ییل از سال ۱۹۶۷ تا ۱۹۸۵ م بود. وی دانشوری پرکار و موفق به حساب می‌آید و در مطالعات متون عربی در آمریکا سهم زیادی دارد. او برای ترجمه کتاب مقدمه ابن خلدون به استانبول سفر کرد و آن را از متن اصلی - که امضای منتسب به خود ابن خلدون در آن است - مطالعه کرد. او به زبانهای انگلیسی و آلمانی قلم می‌زد. کتابهای او به عربی، روسی و ترکی ترجمه شده است. روزنتال در هشتم آوریل سال ۲۰۰۳ م درگذشت. کتابهای «طنز در اسلام»، «مفهوم آزادی در اسلام پیش از قرن نوزدهم»، «ترجمه مقدمه ابن خلدون»، «شیرین‌تر از امید: گلایه و امید در سده های میانی در اسلام»، «ترجمه تاریخ طبری»، «متون کلاسیک در اسلام» برخی از آثار اوست

۱. فتوح البلدان، ابو الحسن احمد بن یحیی بلاذری، نشر دار الهلال، بیروت، ۱۹۸۸ م، ج ۱، ص ۱۸۷.

اینها (اهل کتاب)
می‌گویند : ولایت و
زمامداری شما بر ما
بهتر است از همه آنچه
تا به حال گذشته است .
وقتی این داستان را
روزنتال شنید، خیلی
علاقه پیدا کرد که این
مباحث ادامه داشته
باشد.^۱
ادامه دارد...

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی استاد
محمدتقی جعفری، کیهان
فرهنگی، ش ۱۴۷، آبان ۱۳۷۷
ش، ص ۹.



مصاحبه با مبلغ نمونه

حجت الاسلام اکبر بیگی

سید عباس سید نژاد

و مرحمت خدای بزرگ است که شامل بندگانش می شود و از اینکه در ظل توجهات حضرت ولی عصر (عج)، لیاقت پیدا کردم تا به ندای نایب بر حقش، رهبر معظم انقلاب، جهت هجرت به مناطق تبلیغی لبیک بگویم، احساس خرسندی و سعادت دارم. اینجانب از سال ۱۳۸۲ در طرح هجرت مشغول به فعالیت شدم. شهرستان ملارد - که در حاشیه تهران قرار دارد - نیاز مبرمی به حضور مبلغین و مروجین دین داشت، پس به این منطقه و شهرک مارلیک عزیمت کردم. این شهرک بالغ بر پنجاه هزار نفر جمعیت دارد که بخش عمده آن را جوانان تشکیل می دهند. به محض ورود به این شهرک، فعالیت تبلیغی را با

س: لطفاً خود را معرفی کنید!
ج: بنده اکبر بیگی، متولد ۱۳۵۷ ش، شهرستان میاندوآب استان آذربایجان، حدود ۱۰ سال است که در هجرت بلند مدت مشغول به فعالیت هستم.
س: شما از طرف معاونت تبلیغ حوزه های علمیه جزء مبلغان ممتاز هجرت بلند مدت معرفی شده اید. ضمن بیان احساس و نظرتان، مختصری از کارهای تبلیغی و فرهنگی خود را توضیح دهید.
ج: قبل از هر چیز، خدا را شاکرم که توفیق تبلیغ دین اسلام و مذهب تشیع را به این حقیر عطا فرموده است و به اینکه در لباس تبلیغ دین هستم، افتخار می کنم و معتقدم که قدم گذاشتن در این راه، نتیجه لطف

اقامة نماز در مسجد خاتم الانبياء - آغاز نمودم و در حال حاضر نیز مشغول فعاليت تبليغي و فرهنگي هستم. س: با توجه به استقبال خوب از برنامه هاي ديني و فرهنگي شما، براي اين كار چه اقداماتي انجام داده ايد؟

ج: بخش عمده اي از شهرک مارليک را قشر جوان تشکيل داده است که نوعاً جويابي معرفت ديني و تشنه معارف اهل بيت هستند و همواره از برنامه هاي فرهنگي ما استقبال کرده اند. طبق فرمايشات مقام معظم رهبری>: «جوان در هر جامه و کشوري، محور حرکت است.» و در راستای درک موقعيت و روحيات جوانان، چند کار انجام دادم:

الف) ارتباط عاطفي با جوانان

در محافل گوناگون از طريق تبليغ چهره به چهره و تماسهاي تلفني يا پيامك. اين كار به جوان شخصيت اجتماعي مي دهد و خوشحال است از اينكه روحاني شهرش ان شخصاً با او تماس مي گيرد يا به او پيامك مي فرستد. با اين كار جوانها خود را ملزم به كمك در برنامه ها مي دانند.

ب) تقويت روحية حضور جوان بنده براي كارهاي تبليغي و فرهنگي از تمام آنها دعوت مي كنم تا كمك كنند و از نظرات و مشاوره آنان استفاده مي نمايم كه با اين كار روحية حضور و حمايت گري آنان تقويت مي شود.

ج) تقويت حس مسؤليت پذيري جوان

جوان، جويابي نام است كه اين روحيه بايد در راه درست استفاده شود. تقسيم مسؤليتهاي فرهنگي و مذهبي مسجد و محل به آنان باعث مي شود تا با قدرت و ايتار به وظايف محوله پردازند و اين خود باعث جذب آنان و تربيت نيروي انساني متعبد و تازه نفس مي شود.

د) پيگيري مشكلات جوانان

با تجربه بر من ثابت شده است كه در مقابل قشر جوان ابتدا بايد دو گوش شنوا داشته باشيم. بايد درد دل جوان شنيده شود. و در مشكلات دوران جواني او شريك شد تا او باور كند كه ما او را درك مي كنيم و اين باعث ايجاد اعتماد دو جانبه مي شود.

با اين كار تا حدودي مشكلات خانوادگي، اجتماعي و ... آنان را با لطف خدا برطرف مي كردم. مثلاً چند نفري كه مشكل بيكاري داشتند، به چند شركت توليدي

به آنها گفتم: تا زمانی که این دو دختر طریقه راه رفتن را بیاموزند، تمام هزینه آنها را متقبل می‌شوم.

الحمد لله به دنیا آمدند و به برکت این دو نوزاد، با خیرین هماهنگ کردم و برای آنها منزل مسکونی مناسبی خریداری کردیم و شغل بسیار مناسبی نیز برای پدر آن دو نوزاد فراهم شد.

س: آیا برای کمک رسانی به فقرا شیوة خاصی دارید؟ منابع مالی آن از کجا تأمین می‌شود؟
اولاً دستورات قرآن و فرمایشات ائمه اطهار (در این زمینه چراغ راهم بودند.

بعد از آن به کمک بانی و هیئت امنای مسجد دفتر امور خیریه مسجد تشکیل و فعّال شد و کمیته ای شکل گرفت تا فقرا و نیازمندان را شناسایی کنند. بنده پل ارتباط خیرین با فقرا بودم و در این مدت به لطف خدا و حس نوع دوستی مردم شریف منطقه، تا اندازه ای جوابگویی نیازمندان بوده ایم. البته نقش امام جمعه شهر مارلیک، کمیته امداد، و سایر مسئولین را نمی‌شود نادیده گرفت و اگر کمک و یاری آنان نبود، نمی‌توانستم کاری کنم.

س: از ویژگیهای بارز

معرفی کردم که اکنون مشغول به کار هستند.

س: یکی از کارهای تبلیغی پر رنگ شما کمک رسانی به مستمندان و ایتم است. در این خصوص بیشتر صحبت کنید.

روزی یکی از خواهران تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (از بنده خواست تا برای او استخاره ای از قرآن کریم بزنم با اینکه عادت ندارم بعد از پاسخ به استخاره سؤالی بپرسم؛ ولی آن روز پرسیدم: امکان دارد بدانم استخاره را برای چه امری می‌خواهید؟

جواب داد: خواهرم دوقلوی دختر باردار است و می‌خواهد سقط جنین کند؛ زیرا وضع مالی و منزل مسکونی‌شان مناسب نیست و شوهرش گفته باید سقط کند. و هر چه با پدرش صحبت کردم، قانع نشد. بنده عرض کردم: این قتل نفس است و در قرآن از آن نهی شده و جزء گناهان کبیره است. این کار نوعی جاهلیت مدرن است و از برکات وجود دختر برای او گفتم؛ حتی همسرم گفت: یکی از دخترها را من نگه می‌دارم، اما آنها قبول نکردند.

بالاخره به لطف خدا و ائمه اطهار (توانستم جلوی این کار را بگیری و با خدا معامله کردم؛

می‌شود. در جلسات مختلف مثل منازل و نماز جمعه، متعدد ذکر روضه دارم که مورد استقبال عموم مردم نیز قرار گرفته است
 س: در زمینه بیان احکام و سایر معارف اسلامی چه فعالیتی داشته‌اید؟

ج: همه می‌دانیم که احکام و مسائل شرعی نیاز مبرم جامعه است. بسیاری از مشکلات مردم به این خاطر است که از احکام شرعی با خبر نیستند یا فراموش کرده‌اند. در این خصوص از باب وظیفه تبلیغی و شرعی، در محافل و مسجد بین دو نماز، همیشه به صورت دسته‌بندی و منظم، بیان احکام دارم. ضمن اینکه بسیاری از طریق تلفن یا حضوری سؤالاتی در این زمینه دارند که پاسخگوی آنان نیز هستم.

س: باخبر شدیم حضرتعالی در زمینه مدیریت مسجد و تنظیم برنامه‌های مذهبی و فرهنگی، نقش بسزایی را ایفا می‌کنید. شما برای مدیریت برنامه‌های مسجد چه روشهایی پیشنهاد می‌کنید؟

ج: به نظر بنده هر شخصی در حیطة کاری خودش باید مدیریت قوی داشته باشد. نظارت بر عملکرد زیر مجموعه و توجه به دایرة وظایف، جزء اموری است که باید مبلّغ به آن توجه داشته باشد.

شما توانایی در بیان آموزه‌های دینی و تخصص در رثاء مناقب و فضائل اهل‌بیت) می‌باشد که مورد توجه مردم منطقه نیز قرار گرفته است. چطور به این مهم دست پیدا کرده‌اید و نقش آن در تأثیرگذاری فعالیت تبلیغی چیست؟

ج: عامل اصلی، محوریت قرآن است. بنده محور سخنرانی‌هایم را قرآن مجید قرار داده‌ام. قرآن همیشه برای مردم تازه و جذاب است، به ویژه وقتی که با معارف و احادیث نورانی اهل‌بیت (همراه شود. طولانی نبودن سخنرانی‌ها، ذکر توسل به اهل‌بیت پیامبر - و توجه به مسائلی که مورد نیاز مردم باشد، همیشه یک اصل در سخنرانی‌هایم بوده است.

عامل دوم، ذکر روضه است. افتخار دارم که از همان اوایل طلبگی روضه‌خوان حضرت زهرا & و اولاد طاهرین ایشان (بوده‌ام و این لطف بزرگی است که قدرت شکر آن را ندارم. قبل از اعزام، در قم مدتی در حرم حضرت معصومه & دعای کمیل قرائت می‌کردم. همواره به لطف این موهبت الهی دعای کمیل، ندبه، توسل و سایر ادعیه و ایام مناسبتی عزاداری، هر چه با شکوه تر برگزار

فَعَالِيَّتْ تَبْلِيغِي بِنْدَه رَا
سخت می‌کند. بعضی مواقع
پیش می‌آید در طول روز
تعداد زیادی برای مسایل
فرهنگی، اشتغال، تقاضای
وام، جهیزیه، کمک اجاره
و مشاوره به بنده
مراجعه می‌کنند. به حول
و قوه ال‌هی با تعاملی
که با مسئولین شرکتهای و
کارخانه‌ها و رئیس محترم
اداره کار داریم، در حد
توان و وسع خود مشکلات
را برطرف کرده ایم و
فرموده پیامبر خدا -
«اگر کسی اندوهی از دل
مؤمنی برطرف کند و حاجت
او را برطرف نماید ،
بهشت را بر او ضمانت
می‌کنم.» موجب شده که
سختی‌کارها بر حقیر
آسان باشد.

س: بدون شك همسران
مبَلِّغِينَ نقش بسزایی در
موفقیت یک مبلغ و حل و
فصل سختیها و دشواریها
دارند، حضور همسران را
چگونه دیدید؟

ج: بله درست
می‌فرمایید. این سؤال
شما من را به یاد
حکایتی شیرین از رسول
اکرم- انداخت. آنجایی
که به حضرت علی بن ابی
طالب % فرمودند: «یا
عَلِي! كَيْفَ وَجَدْتُ أَهْلَكَ؟»
امیرمؤمنان در پاسخ
گفتند: «نَعَمْ اَلْعَ وَنُ،
عَلِي طَاعَ قَوْلَ اللَّهِ.» یعنی
زهران & برای من بهترین
یاور برای طاعت خداوند
است.

همچنین مبلّغ باید
بداند که خود شخصاً
نمی‌تواند به تمام امور
تبلیغی برسد و ناچار
است از نیروی انسانی
مطمئن استفاده کند.
تقسیم‌بندی امور
مانند مسئولیتها و
ایجاد تشکیلات قوی از
جمله راه‌کارهایی هستند
که در مدیریت امور
فرهنگی و مسجد نقش
بسزایی دارند. بنده این
کارها را کرده‌ام و فقط
بعد از انجام کار،
گزارش آن را می‌بینم و
جایی که نیاز باشد، خود
شخصاً ورود می‌کنم.

تشکیل کمیته فرهنگی،
کمیته مالی، کمیته
بانوان، کمیته
نوجوانان، کمیته کمک به
محرومین و ... از جمله
برنامه‌هایی است که بنده
در این خصوص داشته‌ام.
تشکیل هیئت اُمّانی
فعال و مورد قبول عموم
و فعالیت در کنار آن ،
پیکره مدیریت مسجد را
تشکیل می‌دهد.

س: شما به خاطر
فَعَالِيَّتْ گسترده تبلیغی
در منطقه و حس
دلسوزانه‌ای که نسبت به
حل مشکلات مردم دارید،
محبوبیت خاصی در منطقه
پیدا کرده‌اید. آیا این
فضا برای شما سنگین
نیست و کارتان را سخت
نمی‌کند؟

ج: البته این لطف
خدا است ، ولی باید
اذعان کنم که کمی

به آیین مردم ایران اسلامی، امروز جای درنگ نیست. امروز بر مروجین و مبلغین واجب است همانند پیامبر عظیم الشان اسلام-، طیباً دَوَّارٌ بطبّه باشند و به سراغ مردم رفته در حد توان، آنها را از محبت و چشمه زلال احکام دین سیراب کنند. زبان جویای حال و گوش به درد و الام آنان باشند.

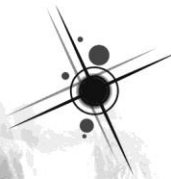
س: و سخن پایانی!
در پایان از همه کسانی که برای روشن نگه داشتن چراغ هجرت و تبلیغ معارف دین زحمت می‌کنند تشکر و قدردانی می‌کنم و به عنوان یک عضو کوچک از این خانواده بزرگ تبلیغ تقاضا دارم طرح اعزام مبلغ به مدارس را تقویت و آن را گسترش دهند؛ چرا که خیلی مورد استقبال مردم قرار گرفته است و در مسیر تقویت امور دینی و معارف جوانان و نوجوانان، اثرات مطلوبی داشته است.

از آنجا که تبلیغ دین طاعت عملی خداوند است، لذا اگر صبوری، ایثار و از خودگذشتگی همسر نبوده، من هیچ وقت نمی‌توانستم در این زمینه موفق باشم. در اینجا وظیفه خودم می‌دانم از محبت‌ها و بزرگواری ایشان که یار و یاور بنده در تمامی فعالیت‌ها و سختی‌ها بوده، تشکر و قدردانی کنم.

س: به عنوان یک مبلغ موفق چه توصیه ای برای طلاب به ویژه مبلغان هجرت بلند مدت دارید؟
ج: بنده کوچک تر از آنم که برای سربازان امام زمان % توصیه ای داشته باشم. اما به طلابی که سطوح عالی خود را به اتمام رسانده‌اند، عرض می‌کنم حتماً به ندای رهبر عزیزمان در خصوص هجرت از قم لبیک بگویند. خدا را شاهد می‌گیریم برك ات اُخروي و دنیوی زیادی که در هجرت بلند مدت و تبلیغ دین وجود دارد، قابل لمس نیست مگر برای کسی که خود شیرینی آن را چشیده باشد.

و توصیه بعدی بنده این است که با توجه به مشکلات فرهنگی و اقتصادی موجود در جامعه ما و وجود دشمنی استکبار و غ رب نسبت به اسلام و مقدسات آن به ویژه نسبت





گلشن احکام



آداب و احکام شبهای قدر

سید جعفر ربّانی

یا بیست و سوم [ماه مبارک رمضان] است و احتمال قوی یکی از دو شب بیست و یکم و بیست و سوم است.»
۲. عظمت

عظمت لیالی قدر موجب می‌شود که هم ثواب اعمال خیر در این شبها چند برابر گردد و هم عقاب گناه بیشتر شود. مرحوم کاشف الغطاء (متوفای ۱۲۲۸ ق) در مورد مکانها و زمانهای شریف

می‌نویسد: «والمفهوم من التتبع تضاعف الأجر والثواب في إيقاع الطاعة في أوقات أو أمكنة شريفة والمؤاخذة والعقاب في إيقاع المعصية و يشدد الاستحباب في المندوبات والمرجوخة في المكروهات باعتبار شرف الزمان و المكان و

اسلام دارای اهمیت بسیار زیادی است و آیات و روایات متعددی در فضیلت آن وارد شده است. اینک به چند محور از آداب و احکام شبهای قدر اشاره می‌شود:

۱. تعداد

شبهای قدر بین سه شب ۱۹، ۲۱ و ۲۳ ماه مبارک رمضان محتمل است و احتمال قوی تر ۲۱ و ۲۳ می‌باشد. مرحوم آیت الله تبریزی می‌نویسند:
«ليلة القدره ی ليلة التاسع عشر أو الحادية والعشرون أو الثالثة والعشرون، و یحتمل قویاً أنها احدي اللیلتین الأخیرتین»^۲
شب قدر [یکی از] شبهای

۱. جواد بن علی، متوفای ۱۴۲۷.

۲. الأنوار الالهية، رسالة في لبس السواد، جواد تبریزی، دار الصديقة الشهيدة، قم، ۱۴۲۵ ق، ص ۱۸۹.

نحوهما؛ آنچه که از تتبع [در روایات] فهمیده می شود این است که ثواب طاعت و عقاب معصیت در امکانه و ازمنه شریفه به اعتبار شرافتش چند برابر می گردد، و همین گونه است انجام مستحبات و مکروهات»

۳. غسل

غسل مستحبی برای لیالی قدر مورد اتفاق تمام فقها می باشد و آنان این غسل را از غسلهای «زمانی» دانسته اند؛ چرا که از دیدگاه فقها، غسل های مستحبی به سه دسته تقسیم می شوند:

الف) غسلهای زمانی؛ در این گونه غسلها «زمان» ظرف وقوع غسل است، مانند غسل روز جمعه و شب احیاء.

ب) غسلهای مکانی؛ در این دسته، داخل شدن در «مکان خاصی» هدف از انجام غسل است، مانند غسل ورود به مسجد الحرام یا حرم ائمه).

ج) غسلهای فعلی؛ این گونه غسلها به خاطر انجام «فعل خاصی» است، مانند غسل احرام، طواف، توبه، زیارت و... .

تذکرات

۱. این غسل مختص شبهای قدر نیست؛ بلکه

مستحب است انسان در تمام شبهای فرد (اول، سوم، پنجم و...) ماه رمضان غسل کند؛ ولی برای شبهای قدر، شب نیمه، شب هفدهم، شب بیست و پنجم، شب بیست و هفتم و شب بیست و نهم تأکید بیشتری شده است.

۲. همچنین غسلهای

مذکور را در هر وقت از شب که انجام دهند، کافی است؛ ولی بهتر است اندکی قبل از غروب باشد. به جز شبهای دهه سوم ماه رمضان که انجام آن بین نماز مغرب و عشا بهتر است.

۳. مستحب است در شب

بیست و سوم ماه مبارک رمضان دو غسل انجام گیرد؛ یکی اول شب و دیگری در آخر آن.

۴. احیاء

یکی از آداب و مستحبات شب قدر، بیدار ماندن تا سحر گاه است. یادآوری این نکته را نیز لازم می دانیم که شب زنده داری مختص این سه شب نیست؛ بلکه در برخی شبهای دیگر نیز استحباب دارد. مانند شب نیمه رجب و شعبان. نکته مهم آنکه نباید احیاء سبب قضا شدن نماز صبح گردد؛

۲. تحریر الوسيله، سید روح الله موسوی خمینی (امام خمینی)، دارالعلم، قم، چاپ اول، ج ۱، ص ۱۰۰.

۳. همان.

۴. همان.

۵. مفاتیح الجنان، حاج شیخ عباس قمی، دفتر نشر برگزیده، قم، ص ۲۷۸ و ۳۱۷.

۱. کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء، جعفر بن خضر المالکی نجفی (متوفای ۱۲۲۸ ق)، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۴۲۲ ق، ص ۲۵۵.

زیرا نماز صبح واجب است و احیا مستحب . بنا براین، برای کسانی که نماز صبح آنان قضا می‌شود، بهتر است احیاء نگیرند یا بخشی از شب را احیاء بگیرند تا جایی که نماز صبح آنان قضا نشود.

۵. زیارت امام حسین%

یکی از اعمال شب قدر استحباب زیارت امام حسین % می‌باشد . امام صادق% می‌فرماید : «إِذَا كَانَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ... نَادَى مُنَادٍ تَبْلُكُ اللَّيْلَةَ مِنْ بَطْنِ الْعَرْشِ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ عَفَرَ لِمَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ % فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ» هنگامی که شب قدر فرا رسید ... منادی آسمانی از درون عرش صدا می‌زند: به یقین هر کس امشب به زیارت قبر امام حسین % مشرف شود، خداوند او را می‌آمرزد.»

۶. نماز شب قدر

علامه مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ ق) از پیامبر اکرم - در مورد اعمال شبهای قدر نمازی را نقل فرموده است که به نماز «هفت قل هو الله» معروف شده است؛ دو رکعت نماز در هر رکعت حمد و سپس هفت مرتبه سوره توحید و پس از سلام نماز هفتاد مرتبه می‌گوید: «اسْتَغْفِرُ»

۱ التهذیب، شیخ طوسی، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۶۵ ش، ج ۶، ص ۴۹.

۷. قرآن بر سر گرفتن

جزئیات این محور در مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی آمده است.

۸. صد رکعت نماز

یکی از مستحبات در هر یک از شبهای قدر، اقامه صد رکعت نماز است. به عبارت دیگر، مستحب است سیصد رکعت نماز در مجموع شبهای قدر خوانده شود. در این زمینه تذکراتی لازم می‌باشد:

۱. این صد رکعت به

صورت پنجاه نماز دو

رکعتی است؛ یعنی

نمازگزار باید در هر دو

رکعت تشهد بخواند و سلام

دهد؛ چرا که اصل اولی

در نمازهای مستحبی، دو

رکعت بودن است.

۲. از آنجا که این

صد رکعت، نماز مستحبی

است، آنها را به سه

کیفیت می‌توان خواند:

الف) ایستاده؛ در

این صورت باید نمازگزار

۲. زاد المعاد، علامه مجلسی،

بیروت، ۱۴۲۳ ق، ص ۱۲۵: «فَنَقِلْ

عَنِ الرَّسُولِ الْكَرِيمِ - مَنْ صَلَّى

لَيْلَةَ الْقَدْرِ رُكْعَتَيْنِ يَقْرَأَ فِي

كُلِّ رُكْعَةٍ بَعْدَ الْحَمْدِ سُورَةَ

التَّوْحِيدِ سَبْعَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ

يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ بَعْدَ الْفِرَاقِ مِائَةَ

الضَّلَاةِ سَبْعِينَ مَرَّةً يَقُولُ :

«اسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ»، لَا

يَقُومُ مِنْ مَكَانِهِ وَ حَتَّى يَغْفِرَ اللَّهُ

لَهُ وَ لِيُؤَدِّيَهُ وَ يَبْعَثَ عِدَّةَ

مَلَائِكَةٍ يَكْتُبُونَ لَهُ الْحَسَنَاتِ

حَتَّى السَّيِّئَةِ الْقَابِلَةِ، وَ يَمْلِكُ

إِلَى الْجَنَّةِ لِيُعْرَسَ لَهُ فِيهَا

الْأَسْحَارُ وَ يَبْتَدِئُ لَهُ الْقُصُورُ وَ

يُجْرِي لَهُ الْأنْهَارُ، وَ لَا يَجْرُجُ

مِنْ الدُّنْيَا حَتَّى يَرَاهَا كُلَّهَا»

۳. به استثنای موارد خاص.

مستحبی، نمازها ی قضا می‌خوانند. این امر از جهت مبادرت ورزیدن به انجام نماز قضا امری مطلوب است؛ ولی معلوم نیست به استحباب صد رکعت نماز در شبهای قدر رسیده باشد؛ زیرا ظهور روایات و کلمات فقها در این است که صد رکعت به عنوان نماز مستحبی انجام گیرد.

۹. دعا و قرآن

دیگر از اعمال لیالی قدر، تلاوت قرآن، ذکر، دعا و طلب مغفرت برای خود، والدین و مؤمنین است.

تذکر:

(الف) شایسته است مؤمنین و مؤمنات در این شبهای ارزشمند از دعا و طلب مغفرت برای دیگران غفلت نمایند؛ زیرا دعا در حق دیگران به استجابت نزدیک است؛ چنانچه در روایتی آمده است: علی بن ابراهیم از قول پدرش نقل می‌کند: عبد الله بن جندب را در وقوف (احتمالاً وقوف در عرفات) دیدم، در حالی که وقوف هیچ کس به زیبایی وقوف او نبود؛ چرا که پیوسته دستهای او به طرف آسمان بلند و اشکهایش بر گونه‌ها جاری بود و به زمین می‌رسید. پس از اینکه زمان وقوف به پایان رسید و مردم از آنجا کوچ کردند، او را خطاب قرار دادم و به وی گفتم: ای ابا محمد! وقوف کسی را به زیبایی

رو به قبله و با آرامش بدن، نماز بخواند، مانند نمازهای واجب (ب) نشسته؛ در این صورت نیز لازم است نمازگزار رو به قبله و با آرامش بدن، نماز بخواند.

(ج) در حال حرکت، مثل اینکه در وسیله نقلیه یا در حال راه رفتن نماز می‌خواند. در این صورت رو به قبله بودن و نیز آرامش بدن لازم نیست، و رکوع و سجده با اشاره سر انجام می‌گیرد.

۳. از آنجا که این صد رکعت نماز، مستحبی است، انجام آن به صورت جماعت باطل است و حتماً باید فرادا خوانده شود.

۴. این پنجاه نماز از جمله نمازهای مستحبی است، پس بعد از حمد، خواندن سوره لازم نیست و نمازگزار می‌تواند بدون خواندن سوره به رکوع برود؛ زیرا خواندن سوره در نمازهای واجب، واجب و در نمازهای مستحب، مستحب می‌باشد. البته شکی وجود ندارد که بهتر است سوره خوانده شود. مرحوم حاج شیخ عباس قمی در مورد این صد رکعت می‌نویسد: «افضل آن است که در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه توحید بخواند.»

۵. در برخی شهرها به جای صد رکعت نماز

۱. مفاتیح الجنان، اعمال شبهای قدر.

وارد شد است که روز
قدر در فضیلت مثل شب
قدر است.

۱۱. معصیت

در ابتدای کلام ، از
قول مرحوم کاشف الغطاء
یاد آور شدیم : همانگونه
که فضیلت انجام کارهای
نیک در لیالی قدر بسیار
است، عظمت گناه در این
شبها نیز بسی بزرگتر از
زمانهای دیگر میباشد.

اینک برخی از
گناهایی که ممکن است در
این شبها رخ دهد را ذکر
می‌نماییم:

۱. ایجاد مزاحمت :

بحمد الله تعالی مراسم
شب های قدر ، خواندن
ادعیه و احیاء این شبها
به طور عمومی صورت
می‌پذیرد، ولی ممکن است
این نحوه برگزاری مراسم
شب قدر برای برخی از
مردم ایجاد مزاحمت
نماید . پس باید مراسم
به گونه ای باشد که سلب
آسایش دیگران را در
پی نداشته باشد . اتفاق
همه فقها بر حرمت ایجاد
زحمت برای دیگران است .
آنچه ممکن است سبب آزار
و اذیت دیگران شود
عبارت است از:

الف. ایجاد سد معبر
توسط برگزار کنندگان و
شرکت کنندگان در مراسم
شب قدر.

ب. ناهنجار بودن
صدای بلندگوه‌ا که ممکن
است برای برخی از مردم

وقوف تو ندیدم . عبد الله
پاسخ داد: به خدا قسم !
جز برای برادرانم

(برادران دینی) کسی را
دعا نکردم؛ زیرا ابا

الحسن امام کاظم %

فرمودند: «مَنْ دَعَا لِأَخِيهِ
بِظَهْرِ الْغَيْبِ تُودِيَ مِنْ

الْعَرْشِ وَ تَك مِائَةَ أَلْفِ

ضِعْفٍ مِثْلِهِ؛^۱ کسی که پشت

سر برادرش دعا کند، از

عرش ندا می‌رسد که برای

تو صد هزار برابر آن

است.» من دوست نداشتم

که صد هزار برابر را

رها کنم و به يك دعا

مشغول شوم که نمی دانم

مستجاب می‌شود یا نه.

ب) شایسته تأکید

است در شبهای قدر از

ادعیه وارد شده استفاده

شود؛ زیرا پیوسته فقها

بر ادعیه ماثوره تأکید

دارند. برخی از ادعیه‌ای

که مناسب است در این

شبها خوانده شود، عبارت

است از : دعای مکارم

الاخلاق، دعای جوشن کبیر،

دعای توبه و ادعیه

صحیفة سجادیه.

۱۰. روزهای قدر

که روزهای قدر (روز

نوزدهم، بیست و یکم و

بیست و سوم) هم مانند

شبهای قدر دارای فضیلت

و شرافت است . علامه

مجلسی در این مورد

می‌فرماید : روزهای این

شبها را نیز باید حرمت

داشت و به عبادت، تلاوت

قرآن و دعا به سر برد؛

زیرا در احادیث معتبره

۲. زاد المعاد، محمد باقر
مجلسی، مؤسسه اعلمی، بیروت،
۱۴۲۳ ق، چاپ اول، ص ۱۲۹.

۱. التهذیب، ج ۵، ص ۱۸۴.

مس لمان‌ها که همواره مورد تأکید همه مراجع و مقام معظم رهبری است، قرار دهند.

به خصوص اشخاص مریض یا همسایگان مساجد و حسینیه‌ها ایجاد مزاحمت نماید.

۲. بیرون بردن اموال وقفی یا تخریب آنها :

حفظ موقوفات، وظیفه شرعی و همگانی است و نیز باید از اموال وقفی در جهتی که خود واقف وقف نموده است، استفاده نمود. بر این اساس لازم است از زیان رساندن به فرشها و در و دیوار مساجد و حسینیه‌ها و سایر مکان‌هایی که وقف یا از اموال عمومی به شمار می‌رود، به شدت اجتناب نمود.

۳. اختلاط زن و مرد :

در برخی از مکان‌های برگزاری مراسم مذهبی و از جمله شب قدر، تفکیک کامل بین زن و مرد صورت نمی‌گیرد، از این‌رو ممکن است مسائل محرم و نامحرم مراعات نشده و ناخواسته سبب تحقق معصیت گردد، پس باید به این امر توجه داشت تا این مراسم معنوی مستحبی، آلوده به معصیت نشود.

۴. ایجاد اختلاف :

قرآن مجید ایجاد فتنه را بالاتر از قتل می‌داند. از این رو بر وُعَاظ، مداحان و برگزارکنندگان مراسم، لازم است از بر زبان راندن و انجام آنچه موجب اختلاف بین مسلمین می‌شود، دوری نموده، بلکه این مراسم را وسیله اتحاد بیشتر بین



پرسشنامه مجله مبلغان

قابل توجه مجموعه‌های فرهنگی و تبلیغی

بسیاری از مجموعه‌های فرهنگی و تبلیغی به صورت انبوه مجله مبلغان را خریداری کرده و در اختیار مبلغان محترم تحت پوشش خود قرار می‌دهند. از آنجا که بسیاری از این مجموعه‌ها مایل به برگزاری آزمون از محتوای نشریه برای نیروهای خود بوده و بعضی نیز به ابتکار خود اقداماتی را انجام داده‌اند؛ بر آن شدیم تا جهت یاری رساندن به مدیران محترم، سؤالاتی را طراحی کرده و در اختیار آنان قرار دهیم.

مدیران محترم مجموعه‌های فرهنگی و تبلیغی می‌توانند از طریق بخشنامه از نیروهای خود بخواهند تا پاسخ سؤالات را برای آنها فرستاده و در صورت امکان برای تشویق و ارتقاء علمی مبلغان محترم، هدایایی را برای این امر در نظر گیرند. پیشنهادات خوانندگان و مدیران عزیز را برای کاربردی‌تر شدن سؤالات، با اغوش باز می‌پذیریم.

پرسشها

1. آیه شریفه [أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ] دال بر است.

الف. ولایت و امامت تمامی امامان)

ب. امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی%

ج. فضائل ائمه) به ویژه امام علی%

2. عفت و حجاب در معنای «منع و جدایی» مشترک‌اند؛ با این تفاوت که منع و بازداري در حجاب مربوط به است، ولی در عفت، مربوط به

الف. باطن - ظاهر - ظاهر - ظاهر و باطن

ج. ظاهر - باطن

3. حضرت خدیجه & علت شیفتگی خود به پیامبر - را چه چیزی بیان می‌کرد؟

الف. بزرگواری، امانتداری، اخلاق نیک و راستگویی

ب. خویشاوندی، رسالت، صداقت و شجاعت

ج. مهربانی، امانتداری، نسب و اتکای به خداوند

4. جمله زیر را، چه کسی و در چه زمانی بیان کرده است؟
«تَهْدَمْتُ وَ اللَّهُ أَرْكَانَ الْهُدَى وَ انْطَمَسَتْ وَ اللَّهُ نَجْمُ السَّمَاءِ ...»

الف. حضرت زهرا & - هنگام رحلت پیامبر اکرم -

ب. جبرئیل% - هنگام شهادت امام علی%

ج. امام سجاد% - هنگام شهادت امام حسین%

5. روزه‌داری بعضی از افراد خانواده (روزه مستحبی) که موجب تضییع حقوق دیگر اعضای خانواده می‌شود،
الف. باطل و حرام است

ب. مطلوبیت خود را از دست می‌دهد

ج. احتیاط واجب در قضای آن است

6. از جمع بندی آیاتی که در قرآن کریم پیرامون شب قدر نازل شده است، بدست می‌آید که
الف. قرآن در شب قدر نازل شده؛ اما معلوم نیست این

شب، کدامیک از شبهای ماه رمضان است
 ب. قرآن در هر سه شب قدر نازل شده و این سه شب در ماه
 مبارک رمضان قرار دارند
 ج. قرآن به صورت دفعی در ماه رمضان نازل شده و به
 صورت تدریجی هم در طول سال نازل شده است
 7. روایت «لِكُلِّ شَيْءٍ رَبِيعٌ وَ رَبِيعُ الْقُرْآنِ شَهْرُ رَمَضَانَ» از
 کیست؟

الف. امام باقره%
 ب. امام صادق%

8. مقارن غیبت صغری و شروع سالهای آغاز غیبت کبری، حکومت
، شکل گرفت.
 الف. عثمانی در شام و ترکیه
 ب. شیعی فاطمی در مغرب و مصر
 ج. ابویه در شمال ایران

9. پیامبر اکرم- میفرماید: «کسی که لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ
 الْقِيَامَةِ وَ هُوَ يَضْحَكُ إِلَيْهِ.»
 الف. مؤمنی را خوشحال کند
 ب. اکرام فقیر
 ج. بر سیدالشهداء% عزاداری کند

10. قدس شریف در سال ... در جنگ ... که میان ... و
 مسلمانان در گرفت، به تصرف مسلمانان درآمد
 الف. ۶۳۴ - یرموک - رومیان
 ب. ۶۴۳ - صلیبی
 ج. ۴۳۶ - قدس اول - مسیحیان

11. جمله زیر از کیست؟
 «مسئله فلسطین یکی از مصایب بزرگ جهان بشریت کنونی
 است، هر کس که احساسی در مورد انسان و حقوق انسان
 دارد و دم از حمایت از مظلومین میزند، باید این قضیه
 را قضیه خود بداند.»
 الف. امام خمینی!

ب. مقام معظم رهبری >
 ج. شهید مطهری)

12. امام صادق% میفرماید: «ثَلَاثَةٌ مَنَ السَّعَادَةِ : الزَّوْجَةُ
 الْمُؤَاتِيَةُ وَ الْأَوْلَادُ»
 الف. اکثریون
 ب. الصالحون
 ج. البارون

13. کتاب «یکصد و پنجاه صحابه ساختگی» تألیف کیست؟
 الف. شهید مطهری)
 ب. علامه سید مرتضی عسکری)

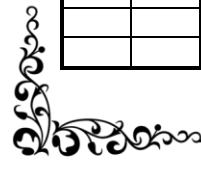
ج. میرزا محمدتقی شیرازی)
 14. روایت امام صادق% که میفرماید: «شَرَفُ الْمُؤْمِنِ قِيَامُ
 اللَّيْلِ وَ عِزُّهُ اسْتِغْنَاؤُهُ عَنِ النَّاسِ» اشاره به کدامیک از اصول
 و مبانی اقتصاد مقاومتی دارد؟

الف. لزوم جلوگیری از سلطه کفار
 ب. اقتدار اقتصادی، لازمه اقتدار سیاسی مسلمانان
 ج. خود اتکائی اقتصادی، رمز عزت و سربلندی امت اسلامی

15. غسل مستحبی برای لیالی قدر مورد اتفاق فقها
 می باشد و آنان این غسل را از غسلهای دانسته اند.
 الف. همه - مکانی
 ب. تمام - زمانی
 ج. برخی - مکانی

پاسخنامه مجله مبلغان شماره ۱۷۹

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
															الف
															ب
															ج



نام : نام خانوادگی :
.....
..... کد یا شماره پروندہ :
آدرس :
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....



بسمه تعالی

قابل توجه مبلغان، فضلاء و محققان ارجمند

برای پیوستن به جمع مشترکان «مبلغان» توجه به نکات ذیل ضروری است:

۱. واریز حق اشتراک، به حساب ۱۵۶۳۵۱۳۸۲۵ بانک تجارت، شعبه ۱۵۶۳۰ (مدرسه فیضیه قم)، به نام آقایان محمد حسن حاج حسینی، جواد محمد حسینی و جواد اسماعیلی (مجله مبلغان) مبلغ اشتراک برای یک سال (۱۲ شماره) ۴۲/۰۰۰ تومان و برای شش ماه (۶ شماره) ۲۱/۰۰۰ تومان می‌باشد. در صورت بالا رفتن قیمت مجله، ارسال آن بر مبنای قیمت جدید خواهد بود.

۲. تکمیل برگه درخواست اشتراک (پشت همین برگه)

۳. ارسال برگه اشتراک همراه با فیش بانکی مربوط به واریز حق اشتراک.

اشتراک، بهترین راه دسترسی به «مبلغان» است.

توجه:

۱. ارسال درخواست اشتراک، نیاز به هزینه پستی ندارد. پس از تکمیل فرم، آن را

تا کرده و پس از چسپاندن، داخل صندوق پست قرار دهید.

۲. جهت اطلاع بیش تر با ما تماس بگیرید. تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۳۳۱۹۰

با ارائه نظرات سازنده خود، ما را جهت رشد و بالندگی مجله یاری دهید.

نشانی فرستنده:

.....
.....
.....

تلفن: کد پستی: صندوق پستی:
اینجانب: مبلغ: ریال
طی فیش شماره: از طریق بانک:
شعبه: دارای کد: در تاریخ: / / ۱۳ برای
دریافت مجله از شماره: به تعداد هر شماره: نسخه ارسال داشتیم.

از این قسمت تا بزنید ↙

نیاز به الصاق
تمبر ندارد

پست جواب قبول

هزینه پستی بر اساس قرارداد ۳۷۱۸۴/۱۹ پرداخت شد.

گیرنده:

قم: صندوق پستی: ۳۷۱۸۵-۸۶۸
معاونت تبلیغ و آموزشهای کاربردی حوزه‌های علمیه
ماهنامه مبلغان

از این قسمت تا بزنید ↗ لطفاً با چسب بچسبانید